RB (1)
LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 6 - 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION
15521/0271/00

ژوندون

اطلاعات او کلتور

دافغانستان دخلك دموكراتيك گونددمركزی‌كميټی دعمومی منشی، دانقلابی شورا د رئيس‌او صدراعظم ببرك كارمل له مخی څخه دوسله‌وال پوځ دقواؤ دقطعاتو دتيريدلو دپريټ يوه منظره .

اختصار وقايع مهم

دثورپه۷نيټه څه‌دپاسه‌سل زروتنوچی دگوند دوسله‌وال‌پوځ‌دټولنيزوسازمانونوغړی اودكابل نورزيارايستونكی پكی‌وو دثورانقلاب دآزادی ددغه جشن او زموږ دهيواد په تاريخ كی دحركت دټكی ددريمی كاليزی دنمانځنی‌له‌امله په ستر پرتمين او دشمن سوزوونكی مارش كی گډون وكړ او دژوندی دی وی انقلاب اودهغه نـو ی بشپړتيايی پړاو مړدی وی امپرياليزم او ارتجاع په نارو سره يی يوځل بيا دهيولا او انقلاب په ساتنه كه خپـل تړون نوی كړاو دوطن او دثور دپه شانـه تلونكی انقلاب دملاتړ او ساتنی په لاره كی‌يی په سرښندنه كی دخپلی ټينگی ارادی اوسپنيز خنجر وښود .

دثور دپرتمين انقلاب دبری دريمه كاليزه دثورپه ۷ نيټه دافغانستان ددمـوكـراتيك جمهوريت دميړنی وسله وال پوځ د ځمكنيو او هوايی قواوو څارندوی د قطعاتو په پريټ اودكارگرو اوبزگرو او دهيواد ددموكراتيكـو گوندی پرگنيزو ټولنيزو او ملی قشرونو د سازمانونوپه سترو اوبی سار ومارشونو او زموږ دسلونو زرو زيار ايستونكو هيوادوالو له خوشی او خوشحالی نه په ډكه فضا كی په كابل او دهيواد په ولايتونو كی ونمانځله شوه دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند د مركزی كميټی عمـومـی منشی د افغانستان ددموكراتيك جمهوريت دانقلابی شورا رئيس او صدراعظم ببرك كارمل دآزاد او خپلـواك افغانستان ددی ستری ورځی دجشن دخوښی دنمانځلو په مراسمو كی گډون وكړ .

• • •

به پيشواز سومين سالگرد انقلاب رهايی بخش ثور جلسه فوق العاده شورای انقلابی تحت رياست ببرك كارمل منشی عمومی كميته مركزی حزب دموكراتيك خلق‌افغا نستان‌رئيس شورای انقلابی وصدراعظم بعداز ظهر شش ثور ۱۳۶۰ در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی داير گرديد .

• • •

جشن ورزشی بمناسبت سومين سالگرد انقلاب شكوهمند ثور روز ۸ ثور باشكوه و زيبايی خاصی در استديوم ملی ورزشی كابل بر گزار گرديد .

• • •

۱۱ ثور روز اول ماه می روز همبستگی بين المللی كارگران جهان بودو شورای‌مركزی اتحاديه های صنفی جمهوری دموكراتيك افغا- نستان ضمن محفلی در تالار كابل ننداری‌ازين روز تاريخی وپرافتخار تجليل بعمل آورد.

• • •

دحضرت علی‌كرم‌الله وجهه دروضی مباركه جنډه دمزار شريف دگل سرخ دلرغونی ميلی له پای ته رسيدو وروسته دثور ۱۱ نيټه دمعمولو مراسمو په ترڅ كی دمزار شريف اودبلخ ولايت دمربوطاتو دزر گونو ښاريانوپه تودو احساساتو سره گران هيواد افغا نستان دترقی او لوړتيا په دعا سره راكښته كړی شوه .

• • •

دافغانستان دخلك دموكراتيك گونددمركزی كميټی غړی دگونددمركزی‌كميټی دعدل اودفاع دڅانگی مسوول او دانقلابی شورا درئيسه‌هيات غړی تورن جنرال عبدالقادر دگوند دمركزی

نوراحمد نور عضو بيروی سياسی ومنشی‌كميتهٔ مركزی حزب دموكراتيك خلق افغانستان‌وعضو هيات رئيسه شورای انقلابی موقعيكه‌پيام كميتهٔ مركزی حزب دموكراتيك خلـق افغانستان رابه مناسبت روز بيـن المللـی‌همبستگی كارگران جهان قرائت می نمايد

کمیتی غړی دصدراعظم مرستیال عدلیه وزیر او لوی څارنوال عبدالرشید آرین په داسی حال کی چی دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی کمیتی غړی او دستری محکمی رئیس نظام الدین تهذیب ورسره و دثور۱٦ نیټه په هغی غونډه کی گډون وکړ چی دفیض آباد دسلگونو تنو زیار کښو خلکو گوندی کدرونو او فعالینو، کارگرانو، عالمانو روحانیانو ، بزگرانو د ښځو او ځوانانو ددموکراتیك سازمانونو دغړیو ددایرو رئیسانو او کار کوونکو دبدخشان ولایت دمرکز دلیسو دزده کوونکو او استادانو له خوا دافغانستان ددموکراتیك جمهوریت دگوند او دولت دپوره ننگی او ملاتړ له امله دفیض آباد په ښارگی شوی وه .

• • •

دکانو او صنایعو وزیر دیپلوم انجنیر محمداسمعیل دانش په هاوانا کی دپرمختیایی هیوادو داقتصادپوهانو دټولنی په دویمه‌کنگره کی له برخی اخیستونه وروسته دثور ١٤ نیټه له غرمی وروسته له کیوبا ته هیواد ته راغی .

• • •

استادان و محصلان پوهنتون کابل روز۱۳ ثور طی یك گرد همایی وسیع اعمال خاینانه‌و بیشرمانه دشمنان انقلاب رامحکوم نموده‌انزجار ونفرت عمیق شانرانسبت‌به نوکران امپریالیزم وارتجاع که‌با انفجاریك‌بم‌در پوهنځی انجنیری پوهنتون کابل باعث جراحت یکتن از استادان ویکنفر از محصلان بیگناه آنجا شده‌اند ابراز داشتند .

• • •

به پیشواز جشن بین المللی همبستگی کارگران جهان قصبه کارگران و کار مندان فابریکه خانه سازی قبل از ظهر روز پنجشنبه باقطع نوار توسط دستگیر پنجشیری عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان وعضو شورای انقلابی افتتاح شد .

• • •

په الکترونیکی توگه دفاتولو دوه‌ماشینو نه چی هریویی په یوه ساعت‌کی پنځلس زره شپاړس مخیزی فورمی فاتوی دثور ۱۲نیټه دښوونی او روزنی‌دوزارت‌دسرپرست پوهندوی داکتر فقیر محمد یعقوبی له خوا دښوونی او روزنی په مطبعه کی دپټی په پری کولو او دتکمی په وهلو سره په کار واچول شول.

• • •

قرار داد خریداری اسکلیت های آهنی ساختمان‌ورکشاپ های دوموسسه ترانسپورتی درکابل وبندر حیرتان به ارزش بیش از دو میلیون وسه صدوبیست وچهار هزار دالر بین وزارت ترانسپورت وتوریزم جمهوری دموکراتیك افغانستان وموسسه پروم ماش - اکسپورت اتحاد جماهیر شوروی روز ۸ ثور دروزارت ترانسپورت وتوریزم عقد گردید .

قراردادراشیرجان مزدوریار وزیرترانسپورت وتوریزم وچوگونوف مستشار اقتصادی سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در کابل امضاء واسناد آنرا مبادله کردند .

• • •

دکتورصالح محمدزیری عضوبیروی سیاسی،منشی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان وعضو هیات رئیسه شورای انقلابی هنگام ایراد بیانیه در میتنگی که از طرف‌کارگران وکارمندان فابریکه خانه سازی‌ترتیب‌شده بود .

تصدیق نامه های اولین دوره فارغان کورس یکساله فاکولته ژورنالیزم انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان عصر روز ۱۵ ثور ضمن محفلی توسط فدا محمد دهنشین عضو کمیته مرکزی مسوول شعبه تبلیغ ترویج وآموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان عضو شورای انقلابی در انستیتوت پوځی تخنیك توزیع گردید .

• • •

دچکوسلواکیا دخپلواکی دشپږ دیرشمی کالیزی درانژدی کیدوله امله دچکوسلواکیا دحرفوی او مخکښو عکاسانو دعکاسی آثارو نندارتون چی دهغه هیواد دپرمختگونو اونوی ټولنی خرگندوی دی د کابل ښاروالی په سالون کی دثور ١٤ نیټه پرانیستل شو .

دښوونی اوروزنی په مطبعه‌کی په‌الکترونیکی‌توگه دفاتولو دماشین دپه‌کاراچولو دمراسمویوه منظره .

پیک ژوندون

حزب مانفش اتحادیه های صنفی جمهوری‌دموکـــراتیک افغانستان را در امر ساختمان زندگی نوین در کشور ما بسیار پر ارزش‌تلقی نموده ودر آینده نیزبه نیروی بزرگ اتحادیه های صنفی این دستیار مطمئن خوددرمبارزه به خاطرنیل باارمان های انقلاب ثور وساختمان جامعه نوین اتکاء خواهد کرد .

«ببرك كـارمل»

شنبه ۱۹ ثور ۱۳۶۰ - ۹ می ۱۹۸۱

اول می، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان

روز اول می مصادف به ۱۱ثور روزبین‌المللی همبستگی کارگران سر اسر جهان‌بوده، و همه ساله ازین روز در تمام کشور های جهان تجلیل بعمل میاید .

کارگران ، این طبقهٔ دوران ساز که‌بانیروی بازوی خودو با صرف انرژی جسمی ودماغی خود بزرگترین چرخهای ماشین های غولپیکر را بداخل کار گاه‌ها ـ فابریکه هاو غیره موسسات تولیدی بحرکت آورده وبـــرای همنوعان خود نعمات مادی را تولید مینمایند مگر خود در شرایط نامساعد اجتماعی (درنظام های استثماری) مورد ستم واستثمار صاحبان وسایل تولید قرار گرفته و حاصل کاروزحمت آنها بجیب سرمایه داران سود پرست و صاحبان فابریکه و کار خانه می‌رود .و با گرفتن مزدناچیز وبخور نمیری درحالیکه‌انرژی ونیروی کار شانرا در معرض فـــروش قـرار میدهند زندگی فلاکتباری را بسر میبرند این شرایط غیر عادلانهٔ کارو استفاده نا برابر از بهرهٔ کار وتوزیع نامساوی فـرآورده هـــای تولیدی باعث بوجود آمدن یك تناقض‌اجتماعی وتضاد بین طبقه استثمار گر (صاحبان وسایل تولید) از یکطرف وطبقهٔ استثمار شونده (کارگران) ازجانب دیگرشده و بارشدوسایل تولید ونیروهای مولده این تضاد عمیق ترو مبارزهٔ طبقهٔ کارگر علیه شیوهٔ استثماری و صاحبان سرمایه حاد تر وشدید تر گردید .

مطالعهٔ تاریخ‌مبارزات طبقاتی‌مارا بیاد حادثهٔ شیکاگو می اندازد که نقطه عطفی در مبارزه طبقاتی کارگران جهان بشمار رفته و موجب اتحاد همبستگی بین المللی کارگران جهان گردید .

درست ۹۵ سال قبل سی وپنجهزارکارگر در شهر شیکا گوی ایالات‌متحده امریکا بخاطر خواست های صنفی و حقوق کارگری یعنی کم شدن ساعات کارو ازدیاد مزد های شان دست‌به تظاهرات زدند وعلیه ستم سرمایه واستثمار بی رحمانه صاحبان صنایع عصیان نمودند که توسط پولیس و دستگاه حاکمه سرکوب گردیدند وحادثهٔ المناك و تـرازیـدی شیکاگو بوجود آمد .

در آنجایی که‌جریان‌وحرکت تاریخ به پیش بوده به حکم دیا لکتیك تاریخ پدیده های نو رشد یابنده است ، باسر کوب شدن قیام کارگران شیکاگو جنبش پیشرو کارگران توقف نکردونه تنهاضربات متحد ومتشکل ونیرومند کارگران شیکاگو ، کار فرمایان سود پرست رابه عقب‌نشینی مجبور کرد بلکه برای‌باراول درتاریخ امریکا روزانه‌هشت ساعت کار را قبولاند قیام کارگران شیکاگو یـك حـادثـهٔ تصادفی وزود گذر نبود بلکه جرقه یی بود که بعداً شعله های خشم کارگران رادر بسا‌کانون های کارگری جهان برافروخت و کاخ های سر مایه داران و استثمار گران رابلرزه در آورد زیرا همین حادثهٔ کوچك بود که‌سبب اتحاد همبستگی هر چه بیشتر کارگران‌جهان شده و مبارزات و جنبش های کار گری را علیه بیداد سرمایه نظم خاصی بخشیدچنانچه روز اول می درسال ۱۸۹۰ توسط انترناسیو‌نال دوم که بنام کنگره پاریس نیز معروف است بحیث روز بین المللی همبستگی کارگران جهان به تصویب رسید ویکسال بعد درکشور های ایالات متحدهٔ امریکا ـ فرانسه ـ ایتالیا‌ـ هسپانیه‌ـبلژیك‌ـ آلمان‌ـ اتریش‌ـ هنگری ـ سویس ـدنمارك وروسیه تزاری ویکسلسله کشور های دیگر برای اولین بار تجلیل گردید واز آن به بعد بحیث یك سنت در همه‌کشور های جهان روز اول ماه می برگزار می شود مگر کیفیت بر گزاری این جشن در کشورهای مختلف ازهم‌متفاوت است. درکشورهای مترقی ورسته از بند استعمار این روز را بانمایش پیروزی های چشمگیر خلقها و همبستگی آنها جشن می‌گیرند ولی درکشور های‌که کار گران درآن هنوز دربندزنجیر ستم امپریالیزم‌هستند طبقه کارگر و همهٔ زحمتکشان روز اول ماه می را باپیش کشیدن مطالبات وبا طرح پروگرام مبارزه در راه بهبود شرایط کار و زندگـــی وتحولات دموکراتیك جامعه و در راه صلح و ترقی جشن می‌گیرند در کشور عزیز ما بعداز تشکیل حزب دموکراتیك خلق افغا نستان ، این روز بزرگ ابتدا بشکل مخفی وسپس با مارش های لرزه آور کارگران انقلابی شهر شبرغان ـ کارگران رزمنده فابریکه جنگلك‌ـ فابریکه نساجی گلبهار و پلخمری ودیگرمراکز صنعتی افغا نستان،تظاهرات خیابانی محصلان روشنفکران ـشاگردان معارف و زحمتکشان شهر ها برگزار گردید .

بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که قدرت سیاسی به حزب دموکراتیك خلـــق افغا نستان (پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان) کشور تعلق گرفت و کارگران و زحمتکشان ما حاکم بر سرنوشت خـــویش گردیدند تمام امکانات و دست آورد های انقلاب در جهت منافع کار گران زنجیر شکن و زحمتکشان کشور ما قرار داده شده وامسال روز اول می در شرایطی در کشور ما جشن گرفته می شودکه‌یکسال واندی از مرحله‌نوین تکاملی انقلاب ثور می‌گذرد همهٔ تلاش هاو کار وپیکار انقلابی حزب و دولت مترقی ما برای رفاه و خوشبختی وآسوده‌حالی انسان زحمتکش وطبقهٔ مولد جامعه ما صورت می‌گیرد و هر گامی که حزب و دولت انقلابی ما برمیدارد منافع کارگران و زحمتکشان مارا در نظر داشته وسعی می‌نماید تابه صورت تدریجی بادرنظر داشت امکانات موجودهٔ کشور شرایط بهترکار و زندگی بهتر را برای آنها مساعد گرداند چنانچه اخیراً به سلسله تساوی کوپون و ماکولات‌کارگران‌بامامورین‌دولت،معاشات‌کارگران واجیران کشور تا پنجاه فیصد ازدیاد یافت‌که این خود نشاند هندهٔ آنست که دولت انقلابی ما در جهت مرفوع ساختن نیاز مندی های اقتصادی و رفاه آرامی و تامین شرایط بهتر زندگی کارگران کشور توجه عمیق مبذول میدارد .

در این شماره

ارتجاع درعمل رسوا ورسواتر میشود .

• • •

آنانکه مرگ میآفرینند وآنانکه زندگی را فریاد میکنند .

• • •

جرقه ایکه از آن شعله برخاست .

• • •

دولت انقلابی مـا بکار وفعالیت کارگران ارج می گذارد .

• • •

دهمزنگ ماتیری .

• • •

سینمای پرمحتوی ، واقعیت گرا وانسانی.

• • •

[redacted]

• • •

موسکا .

• • •

بااتحادیه نویسندگان آسیا، افریقا آشنا شوید .

• • •

دکارگر دورخی لنده پیژندنه .

• • •

کارگران جهان روز اول می را باشکوهمندی خاصی تجلیل می نمایند .

• • •

اول ماه می یاروز همبستگی کارگران‌جهان.

• • •

مبارزه دوشیزه قهرمان علیه فاشیزم .

• • •

۹ می روز غلبه برفاشیزم .

• • •

شرح روی جلد و متـن : صحنه های از مراسم رسم گذشت ۷ ثور می باشد کـــه مردم زحمتکش ما آنرا با شکوهمندی خا صی تجلیل کردند .

تبصره

ارتجاع در عمل رسوا ور سواتر میشود

آوانیکه انقلاب شکوهمند ثور به پیروزی رسید و به حاکمیت جنهمی دشمنان مردم آنانیکه قرن ها بر مردم ما بیرحمانه حکم می‌راندند خاتمه بخشید و حاکمیت دولتی به مردم وبه‌نمایندگی ازآنها به حزب دموکراتیک خلق افغا نستان تعلق گرفت همه دشمنان شکست خورده مردم‌مادریك صف نامقدس‌علیه این پیروزی شاندار مردم ما قد علم کردند و دست به توطئه ودسیسه زدند • آنها رادرین عمل غیر انسانی امپریالیزم در پیشاپیش آن امپریالیزم انسان دشمن یانکی وشوونیزم عظمت طلب و مرتد چین یاری می‌رسانید و می‌رساند ، امپریالیزم به این هم بسنده‌نشده وعلاوه از توطئه ودسیسه از خارج بر حزب ودولت از داخل نیز با گماشتن نو کران خود دست به اعمال خصمانه‌زد•امپریالیزم با مامور ساختن امین می خواست این توطئه خویش‌را به هدف برساند ولی مردم دلیر ، سلحشور وشرافتمند افغا نستان همانطور یکه اسلاف امپریالیزم امریکا یعنی امپریالیزم انگلیس‌را درس عبرت داده بودند با قلع وقمع امین و باند ش بتاریخ ٦ جدی ١٣٥٨درس‌عبرت خوبی به امپریالیزم دادند وتحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پایمردی اردوی دلیرو آزادی بخش افغا نستان حزب، وطن وانقلاب را از انحراف وتباهی نجات دادند•

امپریالیزم و همدستان بین المللی آن چون دیدند که این تیرشان نیز بی هدف رفت به تقلا ها و تلاش های مذبوحانه و هستریک پرداختند آنها از هر وسیله کثیف برای رسیدن به اهداف کثیف خویش استفاده کرده ومی کنند •

در زمینه تبلیغات دروغین از گفتن هیچ نوع دروغ وشایع ساختن هیچ‌نوع تهمت‌دریغ نمینمایند. آنها دولت انقلابی و خدمت گذار مردم مسلمان‌وزحمتکش‌افغانستان رابیشرمانه دشمن اسلام وانمود می نمایند . در حالیکه خود شان وعمال دست پروردهٔ شان بابه‌آتش کشیدن مساجد ، مکاتب و شفاخانه ها ، پل ها ودیگر مراکز حیاتی ، با کشتار دسته جمعی مسلمانان اعم اززن ومردو پیر وجوان آنچه را بردولت جمهوری دموکراتیك افغا نستان تهمت می بندند خود درعمل اجرامی نمایند چه بسا خانواده ها که داغ از دست دادن عزیزان خویش راچه درا ثر سلطه جهنمی امین این نوکر وجا سوس امپریالیزم و چه درنتیجه رهزنی ها و شبخون زدن های عناصر صادر شده از خارج وتربیه شده در کمپ های ساخته شده و مجهز شده از جانب امپریالیزم ، برد ل دارند •

هموطنان ارجمند ماپس از پیروزی مرحلهٔ نوین انقلاب ثور شاهدان گویای اعمال غیر انسانی دشمنان مردم هستند • ترور وایجاد وحشت در هر گوشه کشور که درنتیجه‌اعمال غیر انسانی ارتجاع سیاه بدستیاری سادات ها، ضیاء ها وبیگین ها براه انداخته شده‌و میشود گوشهٔ ای از فعالیت های ضد انسانی دشمنان انقلاب‌افغانستان‌است. مسموم ساختن دسته جمعی جوانان ونو جوانان دانشجوی‌ماکه طی سال گذشته همه خانواده هارا ناآرام و سر سام ساخت سند گویای دیگر یست مبنی بر محکو میت عناصر سیاهکار ضد انقلاب وضد مردم افغا نستان •

اینك ارتجاع و امپریالیزم به سلسله‌اعمال تبهکارانهٔ خویش دست به عمل شنیع و غیر-انسانی دیگرمی زند . چنانچه دراین او اخر عناصر فروخته شده‌و مردم دشمن باکارگذاشتن بمبی‌دردهلیز پوهنځی‌انجنیری‌پوهنتون‌کابل‌سبب زخمی شدن‌وبخون غلطیدن‌دوانسان یکی‌استادو دیگری محصل گردید و محیط آرام دانشجویی وعلمی پوهنتون رابرهم زده وناآرامی‌ووحشت ایجاد نمودند •

آیا سند گویای دیگری هم ازین گویا تر-خواهد بود که ارتجاع این دشمنان مردم و انقلاب ما را محکوم سازد ، ما قضاوت را به مردم این حامیان و طن و انقلاب افغا نستان وبه بشریت سراسر جهان می‌گذاریم • دیگر ارتجاع و امپریالیزم جرات آنرا نخواهد داشت تا مانند همیشه ادعای دروغین دفاع از اسلام وآزادی را بنماید •

علاوتا امپریالیزم ایالات متحده و مقامات مسوول دولتی آن‌کشورخیره سرانه وبیشرمانه ادعا می‌کنند که گویا اردو گاه صلح و ترقی حامیان تروریزم جهانی هستند ؟!؟

اینك در عمل به اثبات رسید که این امپریالیزم و مقدم بر همه امپریالیزم انسان دشمن‌یانکی‌این‌تحریك‌تشجیع وصادرکنندهٔ‌عناصر ضد انقلاب‌به‌خاك مقدس میهن ماعامل و فاعل اصلی تروریزم ودهشت افگنی میباشد• اگر غیر اینست عمل بیشرمانه اعمال امپریالیزم امریکا در پوهنځی انجنیری پوهنتون کابل چیست ؟

آیا غیر انسانی ترین عمل در قبال انسان وانسانیت نیست ؟

مردم ما برای العین می بینند که ارتجاع درآخرین مرحله حیات ننگین خود و برای به‌هدف رسیدن (که هرگز نخواهد رسید) از کثیف ترین و غیر انسانی‌ترین اعمال استفاده می‌کند •

کارگران قهرمان کشور :

درراه تحقق آ ر مانهای طبقه کار گر د رراه تطبیق بر نا مه حزب د مو کرا تیك خلق افغانستان جهت اعمار یك جا معهٔ‌پیش-رفته ـ مترقی ـ شگو فان و فارغ ازهرنوع ستم واستثمار برزمید •

ولی درخت تنومند انقلاب ما ، مردم ما چون کوه سنگین ازین باد ها بخود نمی لرزد و در آینده نه چندان دور ما شاهد نابودی ومحو کامل ضد انقلاب این جانیان و آدم کشان خواهیم بود •

زنده‌باد مردم ما • مرگ برارتجاع و امپریالیزم •

پیروز باد طبقهٔ کارگر وتمام زحمتکشان سراسر جهان که در راه صلح، دموکراسی وترقی اجتماعی برضد استثمار جبورانه می رزمند

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملـــی هنگامیکه به سوالات خبرنگار ژوندون پاسخ‌میدهد .

از : ر . در یا

آنان که مرگ میآفرینند وآنانکه‌زندگی رافریاد میکنند

قسمت دوم

گفت و شنودی کا ملا ا ختصا صی‌بابرید جنرال محمد ر فیع و زیر د فاع ملی که در نوع خود بیسابقه است وبه تمامی پـرسش های شما در زمینه های جلب و ا حضا ر نحوه عمل و کار برد و مسایل مربوط به جبهات جنگ و تسهیلات و د شوا ری هـا دراین مساله و چگو نگی تاکتیك هاو نتایج آن ، پاسخ میدهد .

• • •

شما درشماره پیش خواندید چه ا نگیزه‌هایی در مجموع مو جب گردید که عوامل ضد انقلاب بکو شند از بالندگی ا نقلا ب ورشد و بار ور ی دست آ ورد هـــا یش درمرحله‌نوین تکاملی‌آن جلوگیرشوند وچگونه دراین اهداف شوم خودناکام ماندند و دسته های بزرگ و تر بیت دیده نظا می آ نـــان به گروه های کو چك تبدیل شدند که‌قدرت مبارزه رو یارویی را با پا سداران انقلاب ندارند واینك دنباله این‌گفت وشنود جالب .

ـ به صورت فشرده یك نظر کلی دیگر درمورد نحوه عمل کرد قوای مسلح ودیگر قوای ا منیتی در مبارزه برای سر کو بـــی دشمن در تما می جبهات و با الخصوص در مناطق مسکونی ده و شهر این ا ست کـــه تعدادی از وابسته گان ضد انقلاب در پس دیوار ها ، بام ها و جا های د یگر از این مانند سنگر می گیرند و در فرصت مناسب به جنایت دست میزنند .

آیا از نظر شما امکان ندارد تجاو یـزی گرفته شود که در این گونه موارد وبرخورد هامردم آسیب نبینند و فقط د شمنان انقلاب ومردم د ستگیر و یا سر کوب گردند ؟

••• این نظر درمجموع خود در پیش از مرحله نوین تکا ملی ا نقلاب صدق میکند وقابل تاییداست ، درآن دوره پر از اختناق، ترور ووحشت که هرگـز نه مـردم مطـر ح بودند و نه منافع مردم و نه هم جـــنایت وآدمکشی در اندیشه ا مین و با ند او عمل غیر انسانی به حساب می آ مد وآنچه که به عنوان یك ار زش و ضابطه قطعی ه ورد پذیرش قرار داشت حفظ منافع شخصی‌و اجرای د ستو رات ا مپر یا لیست ها بود بار ها اتفاق می افتاد و گاه هر روز تکرار می‌گردید که در محلی یك فیر به و سیله عمال ضد انقلاب صورت می گرفت وآن‌محل بدون در نظر داشت مسکون بودن آن وبی آنکه ذره‌یی حس انسانیت وانسان دو ستی ویااحترام به اساسات حقوق بشر مطر ح باشد به توپ بسته می شد ، تانك هـــا آتش مـی کشـودنـد و حتـی بمبـاردمـان هاآن محل را به ویرانه ای بدل می کـــردند که همه این اعمال صرفا به خاطر بدنـام ساختن اندیشه پیشرو ومنحرف سـا ختـــن مسیر انقلاب از جهت ا صلی آن ودرنهایت گسستن پیونـد های میان حـــزب و مردم صورت میگرفت، امامسوولانه بشمامیگویم بعد ازتحول شش جدی ۵۸ و مر حلهٔ نجات‌مردم وانقلاب حتی یك مورد هم و جود ندا رد که در برخورد های قـــوای امنیتی با دشمنان انقلاب صد مه یی به مردم بیگناه و عذاب‌کشیده و بلادیده وارد آ مده باشد و بـــه ندرت می‌توان واقعه‌یی را نشان داد که در آن به صورت اشتباهی واجتناب ناپذیر یك یا دو نفر زخمی ویا معدوم شده باشند چه مرحله نوین تکا ملی انقلاب به همان پیمانه که در برخوردهای خـود با ضـد انقـــلاب جدی وآشتی ناپذیراست در حفظ منافع مردم وپیوند های شان با حزب ، دو لت، انقلاب ورفع بیداد و مظالم از زندگی شان نیز ثابت قدم می باشد .

به عنوان مثال از حادثه دوم و سو م حوت سال ۵۸ درشهر کابل یاد آور میگردم اتحاد نا مقدس د شمنان انقلاب به‌گو نه یی دران روز ها پلان ها ی‌خودرا به طر ح آورده بودند که با استفاده از اعتقا دا ت راستین و قابل ا حترام مردم و مسخ‌واقعیت ها والقای مفا هیم درو غین در ذهن شان شورشی بزرگ را به عمل پیاده کنند و در کابل در یای خون براه اندازند که ر هبری عالمانه و دا هیانه حزب ، هو شیاری وواقع

پیروز باد سیاست خارجی صلح جویانهٔ افغانستان انقلابی

بینی قوای امنیتی در مجموع مو جب گردید که بی هیچ تلفات قابل تو جهی مردم خودرا واقعیت ها را درك کنند و نقاب ها از رخ دشمنان مردم وانقلاب کنار رود در حا لیکه اگر در این حا دثه مردم و منافع مردم ودرك این مسئله که خیلی از شهر یان فقط بخاطر ارضای حس کنجکاوی خود با افراد ضد انقلاب درجاده های شهر براه افتاده بودند مورد نظر نمی بود و قوای مسلح ازبردباری وحوصله کار نمی گرفت شما خود میتوانید درك کنید که چه امکا نات و سیعی بـرای تلف شدن یك عده بیگناه و جود می داشت. قوای مسلح در آن روز ها تا آخرین‌لحظاتی که از نظر حفظ امنیت جان و مـال مردم امکان داشت حتی به فیر یك مرمی ا قدام نکرد و آگاه هم که این ا مکان از میـان رفت فیر فقط در مقابل کسانی میشد کـه مسلح بودند واز اسلحه خود عملا استفاده می بردند و نه کسانی که در صفوف ضد انقلاب موقف تماشاگررا داشته وکنجکاوی آنان را به جاده ها کشانده بود .

*ـ درخیلی از ولایات، شهر هـا و روستا ها افراد وابسته به گروه های گو نا گـون ضدانقلاب با زور و جبر و تهدید از تاجران ودکانداران پول های هنگفت می گیرند ویـا وادار شان می سازند که با اعتصاب‌گونه ـ هایی د کان های خودرا مسدود سا زند که اگر این دستو رات به و سیله مردم به‌عمل پیاده نگردد بعدا جان و مالشان به خـطر می افتد ، دکان ها وخانه های شان به‌آتش کشیده میشود و تامین خانواده‌گی واجتماعی شان مورد تهدید قرار می گیرد و ا ما اگر به‌اجبار وا دار به پذیرفتن و به‌کار بستن این د ستو رات شوند مورد تحقیق و بـاز- خواست مقا مات ا منیتی قرار می گیرند و مدت ها می گذرد تا بیگنا هی شان ثا بت گردد ، شما در این ز مینه‌چه نظری دارید واز دیدگاه شما چگونه می تواند این امکان به وجود آ ید که مردم بتوانند از گزندشمن دراین گونه موارد در امان باشند وبی اعتنا به دستور های دشمنان انقلاب بتوا نندبکار وکسب خود دوام د هند ؟

*ـ این نکته رادر این بر رسی بـایـد درنظر داشته با شیم که تمام ا نقلاب های ملی و متر قی تا مدتی مورد تخریش،تجاوز، توطئه و دسایس د شمنان ضد آزا د ی انسان به مفهوم و سیع و گسترده آن‌قرار می‌گیرند که‌انقلاب ملی و د مو کـرا تیك افغانستان و باالخصوص مر حله نـو ین تکاملی آن که مر حلهٔ نجات انقلاب ومردم می‌باشد هم نمو نه یی است از این مانند، به این سوال تو جه کنیم که دشمنان‌انقلاب کی‌ها می‌باشند ، چه می خوا هند و چـه آینده‌یی را برای مردم بلادیدهٔ ما در نظـر دارند ؟ آنها در مجموع تسلط همان‌شرایط وضوابطی را آ رزو دارند که در جر یان دهه ها و سده ها در این‌کشور حاکم بوده وگرسنگی ، فقر ، بیماری ، بیسـوا دی ، استثمار های گو نه گون واستعمار را د ر قالب های نوین و کهنه به مردم هدیه‌داده واوضاعی را مو رد حمایت قرار داده بوده است که در جا معه همیشه یك ا کثر یت بزرگ تمام حاصل کار و تو لید خو درا د ر اختیار طبقات زور مند قرار د هند و دریك کلام گرو هی از گر سنگی بمیرند تا فردی بتواند از سیری بتر کد ، ا نقلاب نـور مانند هر انقلاب ملی‌و متر قی بر همه ا ین مظالم و بیداد گری های چپا و لگرا نـه خط بطلان کشید ، خیلی طبیعی به نظر می- آید که همه آ نانی که ا متیا زات غـیر انسانی شان مورد تهدید قرارگرفته باحمایت کشور های دا رای رو حیه ا مپر یا لیستی در برابر ضوابط تازه و شرایط نـوین اسلحه بدست گیرند و داخل ستیز گردند، ا گر این گونه تخریش ها در مرا حل ا و لـی تحول شش جدی ا فزایش یافته بـا شد فقط یك سبب دارد و آنهم ا ینکه‌دشمنان انقلاب دریافتند که ایـن دولـت مردمی است هدفی جز حمایت کا مل از رنجبران وتوده های و سیع ز حمتکشان‌کشور ندا رد و با هزا ران رشته نا گسستنی خود را با مردم پیوند می د هد ، بنا برین آ نان آ خر ین تلاش های ا فتضاح آ میز خود را به عمل آوردند ، آ نان‌در این تصور خام بودند که ار دوی ما همان ار دوی از هم پا شیده‌دوره امین است و به همین د لیل‌مو فقیت خودرا حتمی می انگاشتند ، اما آ نان مثل همیشه دراین مورد هم نا دان وناتوانا بودند چـه قوای امنیتی کشور کا ملا بیدار ، هوشیار وآگاه بود یك پار چگی و و حدت‌شکست ـ ناپذیر داشت و تدابیری را به عمل آ ورد که هر روز ساحهٔ عمل برای د شمن تنگ وتنگ تر گردید ، باز هم مثالی می آورم دشمنان ا نقلاب پیش بینی های فرا وا نی داشتند که در دوم و سوم حوت سال۱۳۵۹ به اصطلاح سالگرد حوادث حوت سال ۵۸ را برگزار کنند ، یعنی حادثـه بیافـرینند ، آراءش را بر هم بز نند،ا منیت را مختل گردانند و در نهایت شرایطی را به و جود آورند که عده‌یی را فریب د هند و به دنبال خود بکشانند و ظاهرا چنین جلوه د هنـد که پیوند حزب و دو لت با مردم پیوند ی عمیق نمی باشد که با تدابیری که هیا ت رهبری حزب به عمل آورد حتی ا مکان‌پیاده شدن یکی از این اعمال شیطانی هم بعمـل برای شان میسر نشد و در تمام ولا یات کشور هم وضع بر همین منوال ا داره‌گشت، معنی عمه این حرف ها ای ن‌است که قـوای مسلح در شرایط مر حله نوین انقلاب‌مرحله نجات انقلاب و مردم با قبول همه مشکـلات فداکارانه و جانبا زانه در خد مت مـردم است و به هیچ قیمتی اجازه نمی د هـد آرامش و آ سایش توده ها سلب گردد .

ـ تعدادی از خانواده هـا ادعا هـا یی دارند در این ز مینه که گو یا خـلاف‌قانون جدید مکلفیت عسکری که درآن سـن شمول به خد مت مقدس سر بازی به صرا حـت روشن گردیده است ، هیات های موظف وزارت دفاع ملی از نقاط مختلف شهـر و مراکز ازدحام مردم به جبر جوا نانی راجلب می‌کنند که به سن قانونی شمول عسکـر ی نرسیده اند ،از آن گذشته بعد از جلب‌این جوانان ما مدت ها خا نواده های آنان از سرنوشت فر زندان خود بی خبر می مانند، در این شکی نیست که و سایل‌ارتباط جمعی کشور های د شمن انقلاب ا فغا نستان در این زمینه ها دروغپردازی های فرا وان‌دارند وگاه از کاه کوه می سازند ، ا مامسئله این است که چه ضرو رتی این هیات ها را وادار میکند در خانواده ها تشویش ایجاد کـنند ویاچرا به صورت مستند مقا مات امنیتی و قوای مسلح با د لایل مشخص ا تها ما ت را در این گونه مسایل حل نمی کنند ؟

ـ قانون گذشته مکلفیت عسکری که سال ها پیش در شرایط استیلای ضوابطغیر مترقی وضع شده بود به صورت قطع جوا بگوی نیاز مندی های شرایط انقلابی نمی توانست باشد و بر همین اساس بود که طرحی تازه برای یك قانون مترقی و متوا فق با رو حیه انقلاب تهیه و به و سیله و زارت دفاع ملی به مقا مات مسئول حزب و دو لت پیشنهاد گردید که بعد از چندین دوره بحث ومطالعه روی آن و یك نظرخواهی همه جا نبه ا ز هیات های حقو قدا نان بر جسته کشور و نظرداشت تمام مسایل مر بوط به و جایب انقلابی افراد ، د فاع از د ست آورد های انقلاب ، حفظ تمام حقوق و پر نسیب های عسکری بر اساس میتود های مترقی‌وضرورت ها ونیاز مندی های شرایط انقلاب مـورد تصویب منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان ر ئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری د مو کراتیك افغانستان قرا رگرفت .

دراین قانون بدون شك علاوه از د ر ك نیاز مندی های خاص شرایط انقلابی کشور تمام پرابلم ها و مشکلات خانواده هـاهم به پیمانه بسیار و سیع و گسترده در نظر گرفته شده است ، چـنانـکه تسهیلا ت فراوان برای فا میل ها ، محصلان، استادان، متعلمین و د یگر ا قشار و گروه های ملیت های افغان در آن ا نعکاس دا رد .اما باتوجه به اینکه ضد انقلاب با استفاده از انـواع توطئه‌ها ، د سایس ، دروغ پرا کنی ، مسخ واقعیت ها ووارونه جلوه دادن حقا یـق میکوشد به و سیله و سایل ا ر تباط جمعی کشور های امپـریالیستی و ارتجـاع داخلـی ومنطقه ذهن خانواده هارا مشوش گر داند واردوی قهر مان ما را از جوانان آگـاه و مستعد به خدمت سر بازی تهی گر داند ودر این راه تلاش فرا وان نیز به عمل می آورد تدابیری گرفته شد که در پهلوی جـلب و احضار عادی به صورت جبری نیز به‌احضار کسانی نیز مبادرت گردد که نظر به‌دلایل بازگو شده از خدمت مقدس عسکری خود را کنار می‌کشند .

بقیه درصفحه ٥٤

کارگران میهن ! صفوف تانرا بخاطر اعمار جامعهٔ نوین فشرده تر سازید

به‌مناسبت روز اول می

از : س . ر . هاشمیار

ادامه کار و پیکار تا:

تحقق کامل آرمان‌های والای انقلاب

آری برای یك جامعه تازه ازبند های‌گوناگون استثمار های طبقاتی رسته ، که سالار منشی حاکم در آن ، سده های فراوان از رشد همه پدیده های فرهنگی و اقتصادی درمیان رنجبران وزحمت کشان میلیو نی آن مانع گشته است باید کار کرد وبه پیکار ادامه داد، کار تا آنجا که منجربه بالاروی سطح تولید وعاید ملی در حد نیازمندی های انسانی یك جامعه بسوی انکشاف سریع روان شده بتواند وپیکارتاآن مرحله ومقطع زمانی که تولید وتوزیع عادلانه ونفی ارزش های استثماری و استعماری همه آن شرایط رادر خود بشوید که ثمره کار رنجبر و زحمت کش غارت نگردد و پول نان ولباس‌و ادویه میلیون ها انسانی که بام تا شام کار میکنند وعرق میریزند اما جز فقر و بیماری و گرسنگی وبیسوادی وبرهنگی ندارند صرف عیاشی ها وشب زنده داریها وهوسرانی های گروه اندکی گرددکه زیرنام طبقه ممتاز همه امتیازات را برای خود میخواهند وباداری و سالاری را حق آسمانی خود تلقی میکنند .

جامعه ما اکنون چنین ارزش های غیر عادلانه وغیر انسانی را به دور ریخته است وبا امید به شگوفایی آینده، آیندهٔ که رفاه همگانی را بدون امتیاز های طبقاتی تضمین میکند به‌پیش روان است ودر این مرحله از زندگی ملی‌است که مابیش از هرزمان دیگر به دست و بازوی توانای کارگر خودوبه هم بستگی شکست ـ ناپذیر خود نیاز داریم تا دست جهانخواران را از منافع حیاتی ملی خود کوتاه سازیم ، اسارت هارا واستثمار هارا از میان برداریم ، استعمار را باچنگ ودندان خونین آن‌درسی دهیم‌که دهه هاپیش از این داده بودیم و بعد به روشنایی وسپیدی سلام گوییم وآنراوارزش های آنرا در جامعه خودجاودانه سازیم. این است نیاز ماواین است پیام مادر شرایطی که به گفتن هانباید اکتفا کرد وازتاریکی بسوی روشنی واز شب به سوی صبح گام برداشت .

مادراین صفحات باگفت وشنود های کوتاه وفشرده ای که باچندتن از رؤسای اتحادیه های صنفی داریم میکوشیم به پیشواز روز جهانی کارگر نظرات شانرا پیرامون مسایل مربوط به اتحادیه ها، کار وضرورت آن در این روند و نقش اتحادیه ها در زمینه‌های اجتماعی انعکاس دهیم .

ـ کارگران رزمنده وقهر مان افغانستان ! تحکیم دوستی تان‌باکار گران وزحمتکشان کشور های سوسیالیستی در راس اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی ضامن‌پیروزی‌انقلاب‌شما است.

عبدالحفیظ رئیس اتحادیه سلمانی های شهر کابل

عبدالحفیظ رئیس اتحادیه سلمانی های شهر کابل که در این اواخر سفر چهل وپنج روزه یی نیز به کشور بلغاریا داشته است وقتی در برابر این پرسش قرار میگیرد که از نظر او اتحادیه های صنفی و کارگری چه مفیدیتی دارند وچگونه میتوانند اهداف اصلی تشکل خودرا در عمل پیاده کنند، میگوید :

ـ « در شرایط انقلابی وجود اتحادیه هابرای جلوگیری از تاثیرسوء دروغپردازی های کشور های امپریالیستی یك ضرورت مبر م است ، چه از این طریق مامیتوانیم آگاهی لازم را در اختیار اعضای اتحادیه هاقراردهیم ، به آنها آموزش شیاسی دهیم تابا چشم بازوذهن روشن قضایا را تحلیل کرده بتوانند واز سوی دیگر نیز وجود اتحادیه ها موجب میگرددکه مشکلات عمومی دریك زمینهٔ خاص علماً مورد تحلیل قرار گیرد وعوامل به وجود آورنده آن ازمیان برداشته شود در حالیکه به صورت انفرادی ممکن نیست چنین عمل‌کردی داشت ، به‌صورت خلاصه عرض کنم‌که اتحادیه ها خواه درمحدوده یك صنف وخواه در مسایل مربوط به دهقانی ویا کارگری چون میتوانند ضامن منافع عمومی باشند ونقش آگاهی دهنده نیز دارند وجود شان در پیشبرد امور مربوط ، جلوگیری از اشتباهات وبه وجود آوری یك نظم در کار بسیار مفید وبا ارزش است .»

به قول رئیس اتحادیه سلمانی های شهر کابل فعلا ششصد سلمانی در کابل فعا لیت دارد که از این شمار بیش از هشتاد آ ن عضو اتحادیه میباشند .

• • •

احمدالدین رئیس اتحادیه عکاس های شهر کابل دومین کسی است که در این بحث با اوبه گفت وشنود می نشینیم ، اودر پاسخ این پرسش که تعداد عکاسان شهرکابل چند است واز مجموع آن چند نفر عضو اتحادیه میباشند ، میگوید :

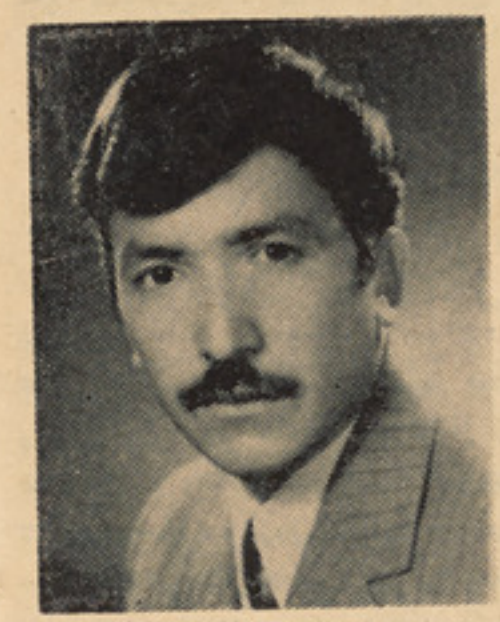

احمدالدین رئیس اتحادیه عکاس های شهر کابل

ـ « مادر کابل سیصدوپنجاه عکاس داریم که از این جمله دوصدوبیست نفر آنان تاکنون عضویت اتحادیه را پذیرفته اند .» اوکه یك سفر ۱۸ روزه نیزبه تاشکند داشته است در این مورد که از نظر اوچه علتی وجود دارد که از شمار ششصد نفر سلمانی صرف هشتاد نفر عضو اتحادیه میباشند اما اکثریت عکاسان در عضویت اتحادیه خود در آمده اند، میگوید :

ـ «مابه هیچوجه اصناف را وادارنمی‌کنیم که به جبر واکراه عضویت اتحادیه را قبول کنند ، بلکه صرف آنان را تشویق به این کار می کنیم ومنافع عضویت داشتن رابیان میداریم به این سبب فیصدی عضویت درهر صنف به تناسب تعداد کاسبان آن فر ق میکند ولی مایقین داریم در مدت اندك تمام کسبه شهرطور داوطلبانه به عضویت اتحادیه ها در خواهند آمد ، چه آنان می بینند که اتحادیه‌هیچ باری را به دوش شان نمیگذارد بلکه درپی آن است که مشکلات شان در ساحه کار رفع‌گردد وصاحب بینش واندیشه وآگاهی سالم نیز بگردند .

رئیس اتحادیه عکاس ها در پاسخ به پرسش دیگرودراین زمینه که ازنظراوتجلیل ازروز جهانی کارگر چرا صورت میگیرد ، میگوید :

ـ اگر کار نباشد زندگی نیست، پس جای دارد روزی رابه ارج کار وکارگر اختصاص دهیم ومقام والای آنرا بشناسیم وبشناسانیم،

• • •

برنا که رئیس اتحادیه صنفی صنایع چرمگری است وخود نیز حرفه اش همین

کارگران و زحمتکشان افغانستان ! صفوف رزمنده خویش را همه جا نبه گسترش دهید، فعالیت تولیدی و اجتماعی خودرا به نفع مردم افزایش بخشید.
زنده باد اتحادیه های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان .

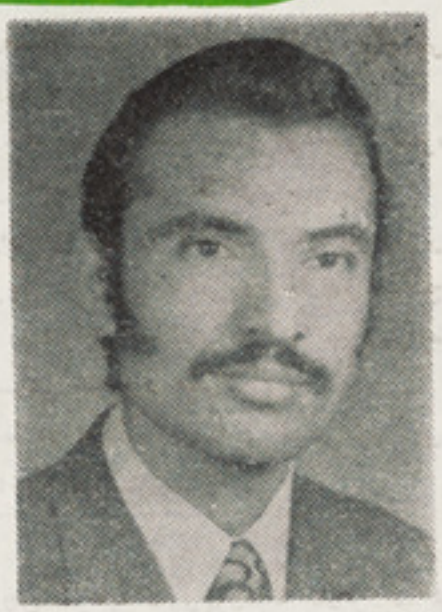

برنا رئیس اتحادیه صنفی صنایع چرمی

وقتی عبدالوکیل بااین سوال روبرومیشود که چه تفاوتی در موقف کارگر و نحوه کار تولیدی درپیش ازانقلاب بازمان بعد ازپیروزی انقلاب وجود دارد، جواب میدهد :

ـ «درآن زمان کارگران ماهیچ نوع تامین در محیط کار خود نداشتند ، حق شان تلف میگردید ودر بدل کار فراوان دستمزد اندك به آنان داده میشد، محیط کار نیز از نظر صحی خوب نبود، درحالیکه اکنون ماشاهدیم که گام های مثبت فراوان در جهت تامین زندگی کارگران برداشته شده است ، حقوق شان افزایش قابل ملاحظه یافته و همچنین امتیاز هایی‌که سابقا میان آنان و ماموران وجود داشت از میان رفته است که به همه این دلایل اکنون کارگران ماباکار بیشتر و صادقانه تر خود میکوشند هرروز سطح‌تولید خودرا بلندتر ببرند واز این راه برای مردم

عبدالوکیل رئیس اتحادیه صنفی حکاکان وحجاران شهر کابل

خود مصدر خدمت بیشتر گردند ودر مجموع سطح عاید ملی را افزایش دهند .

عبدالوکیل ضمن اینکه روز جهانی کارگر رابه همه کارگران ورنجبران سراسر جهان و کشور ما تبریك میگوید در آرزوی این‌است روزی برسد که ما بتوانیم نیازمندی های جامعه خودراباتولید داخلی کاملا رفع سازیم وضرورت تورید فرآورده های خارجی کاملا از میان برود ، اوبه هموطنان توصیه میکند بکوشند تاجای ممکن تولیدات داخلی رامورد حمایت خود قرار دهند تا فابریکه های ما بپا ایستاده شوند واین امکان به وجود آید که مقدار تولید وهمچنین‌کیفیت تولیدی خودرا هرسال بیشتر وبهتر از سال پیش بسازند.

حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل

حفیظ الله رشید رئیس اتحادیه زرگران شهر کابل است وبه قول او ازسیصدوپنجاه زرگر تاکنون دو صدوده نفر آنان به عضویت اتحادیه در آمده اند نیز پیرامون مسایل مربوط به کارـکارگر وکار فرماوروز جهانی کارگر گفتنی هایی دارد، او عقیده اش را اینطور ابراز میدارد که :

ـ درپیش از انقلاب ثور علاوه از اینکه کارگران در بدترین شرایط ممکن زندگی داشتند بازهم باتوجه به اینکه وطن و مردم وطن نیازمندکارآنان است میکوشیدند باقبول هرگونه رنج وزحمت وظایف خودرا به انجام آورند امااز‌آنجا که در آن دوره ها نظام های حاکم هر گز آرزو نداشتند که کشور ما از نظرتولید متکی به خود گردد نه تنها برای امور مربوط به کاروکارگر تسهیلاتی بوجود نمی آوردند بلکه به نحوه های مختلف نیز میکوشیدند که مانع رشد و انکشاف صنایع ماگردند ، ازهمه اینها که بگذریم باید در روابط میان کارگروکارفرما در آن زمان نظری بیندازیم چه کار فرمایان در دوران استبدادی گذشته خودرا مالك جان وزندگی کارگر می‌پنداشتند ورویه‌شان در برابر این رنجبران اهانت آمیز وپراز تحقیر بود که به همین علت نیز روحیه کارگر ضعیف میگردید و مقدار زیادی از توانایی کار را از دست میداد.

اوعلاوه میکند : اکنون کارگر ، رنجبر و

است در مورد روز جهانی کارگر وضرورت تجلیل ازآن دریك سطح جهانی میگوید :

ـ این کار در پهلو ی اینکه نشاندهنده ارج‌گذاری جوامع انسانی به مقام کاروکارگر است ومیتواند همگان رابه کاربیشتر، تولید بیشتر وخدمت بیشتر به مردم تشویق کند باتوجه به اینکه روزنامه ها، مجلات و رادیو ها نیز در همه جا پیرامون رابطه میان کارگر وکارفرما بحث میکنند به حقوق ووجایب خود بیشتر آگاه میگردند وهمین موجب میگردد که در بر انداختن شرایط و انگیزه های استثماری پیشگام باشند وازمنافع اکثریت رنجبر وزحمت کش در جامعه خود دفاع‌کنند.

برنا در جای دیگر ازسخن خود این طور ابراز عقیده میکند که حتی باید در کشور ما هفته کار وکارگر اعلام گردد ودر آن ازمردم دعوت شودکه باکار دست جمعی وداوطلبانه خود در امر بازسازی کشور سهم ارزنده تر گیرند وکارگران نیز در این هفته خاص نمایشگاه هایی از نحوه کار وتاثیر آن درامر تولید بیشتر دایر سازند .

• • •

«ما فعلا در شهر کابل نود وهفت نفر حکاك وحجار داریم که خوشبختانه همه آنان عضواتحادیه صنفی حکاکان وحجاران میباشند وباآگاهی تمام وجایب‌ووظایف خودرابه انجام می آورند .»

این گفته ها از عبدالوکیل رئیس اتحادیه صنفی حکاکان شهر کابل است که خود نیز در این فن هنری مصروفیت دارد .

همگانی را ندارد وبه همین جهت ازدل وجان زحمت کش کشور ما این را نیك میداند که دولت مردمی ما هدفی جز آسودگی ورفاه آنرا یاری میدهد وحمایت میکند .

• • •

مادر شانزده سینمای شهر کابل چهارصد ودوازده تن کار گرداریم که همه عضواتحادیه میباشند وبه عضویت خود مباهات میکنند .

حکیم رحیم رئیس اتحادیه سینماهای شهر کابل بعداز ابراز مطلب بالا اضافه میکند :

ـبه اجازه‌شما در مورد روز جهانی کارگر وچگونگی تجلیل آن در گذشته ودر حال یك مطلب رابه گفته های رفقا اضافه میکنم وآن اینکه در گذشته تجلیل از این روز نیز مانند همه‌ی کار های دیگر شعاری و تبلیغاتی بود ـ

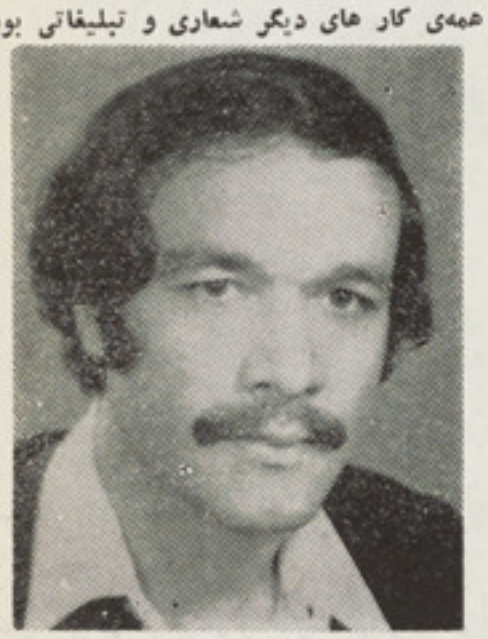

حکیم (رحیم) رئیس اتحادیه سینما های شهر کابل

یعنی اینکه در عمل هیچ گونه اقدامی برای رفاه و آسوده حالی کارگران صورت نمیگرفت امـادر گفتار شعار پشت شعار داده میشد ودروغ پشت دروغ قطار میگردید در حالیکه اکنون این طور نیست‌مسایل به گفتن‌بسنده نمیگردد بلکه بیشتر کوشش این است که‌کم گفته شود وزیادعمل گردد چنانکه ما دیدیم که در مدت اندکی که از پیروزی انقلاب و باالخصوص مرحله نوین تکاملی آن میگذرد ده هاپروژه وبرنامه به‌نفع‌کارگران‌درعمل‌پیاده شدکه‌در مجموع‌رفاه‌کارگران‌رابه پیمانه وسیع تامین کرد اما حتی یك صدم دوره های گذشته نیز در این زمینه ها شعار داده نشد و همین است که اعتماد مردم هر روز بیشتر به حزب ـ دولت وانقلاب جلب میگردد وهمه ازدل وجان از آن حمایت میکنند .

• • •

غلام ربانی فورمولی معاون اتحادیه پرزه فروشان شهر کابل است ویکبار موفق‌شده برای مدت پانزده روز از طرف اتحادیه عازم تاشکند ، سمر قند و چند شهر دیگر اتحاد شوروی گردد ـ سفرهای غیر رسمی فراوانی نیز به هند ـ پاکستان ـایران وعراق داشته است .

بقیه در صفحه ۵۵

نیکمرغه دې وی دمی دلومړی نیټی دکارگرانو دبین المللی پیوستون جشن !

بمناسبت اول ماه می :

جرقه ایکه از آن شعله برخاست

اسمعیل محشور

رزمندگان اتحادیه های صنفی جمهوری د مو کراتیک افغانستان !

در راه تطبیق تصا میم او لین کنگره خویش مجدانه پیکار نما ئید .

ابزار تو لید را بصورت شایسته وموثر بکاربرید - باکار پیگیر و سازنده سطح تولید را افزایش بخشید در راه بهبودشرایط کار مساعی بخرچ د هید .

زنده باد اتحادیه ها ی صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان .

اگر امروز تقریبادر نصف‌کرهٔ زمین احزاب پیش آهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان به نمایندگی از طبقهٔ کارگر حکومت رادر دست دارند ، اگر امروز ابتکار صلح و فعالیت‌های انسانی در ساحهٔ بین المللی در دست کارگران و زحمتکشان وبه نمایندگی از آنها بدست دست های مترقی و صلح دوست میباشد، همه و همه نتیجهٔ کار وپیکار انقلابی طبقه رزمنده ونجات‌بخش کارگراست که بادستیاری واتحاد دیگر طبقات و اقشار دموکراتیک و زحمتکش این همه را برای بشریت به‌ارمغان آورده است .

در عمل به اثبات رسیده است که طبقهٔ دورانساز و تاریخ ساز کارگر در پروسهٔ نجات خویش از ستم سرمایه مانند لوکو- موتیف دیگر طبقات واقشار زحمتکش را به پشت خویش می‌کشاندو باخود یکجا آنها را نیز از ستم‌استثماروبهره دهی نجات می‌بخشد درطول تاریخ بشری طبقهٔ دورانساز کارگر متحمل شدید ترین شکل استثمار وستم‌است هکذا در نتیجه آبدیده شدن وتماس باپدیده های پیشرفتهٔ عصر ورنج مشترک آگاه‌ترین طبقه و هکذا متشکل ترین طبقهٔ جامعه‌بحساب می‌روند ودر مقیاس ملی و بین المللی از نظر کمیت و کیفیت نقش بس بزرگی در نهضت جهانی مبارزه علیه ستم سرمایه ودر راه اعاده وحفاظت صلح دارند . اتحاد طبقهٔ کارگر با دیگر زحمتکشان یعنی بادیگر طبقات واقشار تحت استثمار تنها برای تامین منافع‌صرفا اقتصادی صورت نمی‌گیرد بلکه این طبقات بسرکردگی طبقهٔ دورانساز کارگر تحت‌رهبری حزب پیش آهنگ در پروسهٔ مبارزهٔ طاقت فرسای خویش و در فرجام آن می‌خواهند به استثمار فرد از فرد خاتمه بخشند و جامعهٔ شگوفان وبدون استثمار را آباد نمایند . این مقوله که در آن گفته میشود . طبقه کارگر با آزاد ساختن خویش در عین زمان تمام‌جامعه را از همه اشکال ستم طبقاتی نجات می‌دهد، اینک دیگر در عمل به اثبات رسیده است.

دست خو نین امپریالیزم امریکاو نوکران جنایتکار آن از افغانستان انقلابی کوتاه !

روی همین دلیل است پیش آهنگی طبقهٔ‌کارگر در جوامع سرمایه داری و دیگر جوامع از طرف دیگر طبقات واقشار برای رسیدن‌به اهداف انسانی خویش که همانا براندازی استثمار وستم است ، پذیرفته شده است.

در جوامع سرمایه‌داری صاحبان سرمایه که در عین حال قدرت حاکمهٔ دولتی را نیز بدست دارد بحکم ماهیت طبقاتی خویش روز تا روز در صدد آنست تا برای ارضای حرص و آرزو منفعت خویش هر چه بیشتر و با ابعاد گسترده تر کار گران را استثمار نمایندودرین زمینه از دیاد مدت‌کار روزانه می‌تواند‌این‌هدف سر مایه داران را بهتر تامین نماید ، یعنی با طویل ساختن مدت کار روزانه و محدود ساختن مقدار مزد به نفع خویش می‌افزایندو اگر بتوانند اندکترین توجهی به‌خواست های روحی و اجتماعی‌کارگران هم نمی‌کند ولی طبقهٔ مبارز ورزمندهٔ کارگر در نتیجهٔ تشکل واتحاد خویش به این حرص وآزبی پایان صاحبان سرمایه لگام می‌زنند وبا براه انداختن مبارزات خویش مانع آن میشوند تاسرمایه‌دار بتواند همه امیال خویش رابر آنها تحمیل نماید .

مبارزهٔ طبقهٔ کارگر کیفیت ورجحان خاصی نسبت به مبارزات طبقات تحت استثمارماقبل سرمایه داریست به این معنی که مبارزات برده ها علیه برده داران بانهم که منتج بمیان آمدن رژیم پیشرفته ترنسبت به بردگی یعنی فیودالیزم شدویا مبارزات‌طبقهٔ‌دهقان وسرف‌ها منتج به بمیان آمدن رژیم سرمایه داری شد که استثمار جزء لایفنک آن رژیم هابود ولی در دوران سرمایه داری‌چون‌طبقهٔ کارگر بمثابه لوکو موتیف جامعه و طبقهٔ تحت ستم و استثمار است روحیه رزمندگی وتشکل این طبقه تحت رهبری پیش آهنگ سیاسی آن منتج به بمیان آمدن رژیمی میشود که در آن استثمار انسان از انسان وجود ندارد .

اولین جرقه های مبارزه طبقهٔ کارگر علیه نظم ظالمانه سرمایه داری از مبارزات‌اقتصادی طبقهٔ کارگر علیه سرمایه دارو بخصوص‌برای محدودیت مدت کار روزانه آغاز یافت (مدت کار روزانه یعنی ساعات کار یکروزهٔ کارگر) سرمایه داران برای مبارزه علیه این خواست بر حق کار گران علاوه از اجبار اقتصادی از قوت دولتی که در کشور های سرمایه داری بدست سرمایه داران است نیز استفاده‌کرده ومی‌کنند .

بقیه در صفحه ۱۹

فرخنده باد جشن اول ماه می- روز همبستگی بین المللی کار گران و زحمتکشان سراسر جهان .

سازندگان واقعی انقلاب ثو رو مر حله نوین آن شمائید ! بیائید بخاطر تحقق آرمانهای آنها در صفوف رزمنده‌ای جبههٔ ملی پدر و طن متحد شویم !

کارگران زحمتکش کشورمی گویند:

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت کارگران ارج می گذارد

** هدف از زنده‌گی کار وعمل است

**پیش از پیروزی انقلاب ثورماکار گران مورد استثمار قرار میگر فتیم .

** دولت برای بهبود حیات ما، معاش کارگران واجیران را افزایش بخشیده است.

به استقبال از روز اول می یاروزهمبستگی بین المللی کارگران جهان بعد از ظهر روز پنجشنبه ده ثور محفل شکوهمندی درصحن ریاست عمومی مطابع دولتی به اشتراك صدها تن از کارگران زحمتکش اعم از زن ومرد ، پیرو جوان دایر گردیده طی آن از این روز تاریخی تجلیل بعمل آمد و درختم این محفل کارگری تحایفی ازطرف شورای‌مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان به چندتن از کارگران ممتاز وباتجربه آن فابریکه اهداء گردید مابه ارتباط روز تاریخی بین المللی کارگران جهان وتدویر این محفل شکوهمند کارگری با آن عده از کارگران ریاست عمومی مطابع دولتی که در اثر زحمات شباروزی و توجه دولت انقلابی خویش بر اخذ جوایز نایل آمده اند گفت وشنودی ترتیب داده ایم که اینك تقد یم شما خوانندگان ارجمند می داریم :

انجنیر حاجی محمد عظیم یکی از کارگران ورزیده یی است‌که ازمدت تقریبا بیست سال بدین طرف در شعبهٔ لینوتایپ کار می کند و بقول خودش موصوف اولین کسی است که ماشین لینوتایپ را در ریاست عمومی مطابع دولتی بکار انداخته است .

وی میگوید : بیست سال قبل در این مطبعه ماشین لینوتایپ وجود نداشت بعد از آنکه ریاست مطابع دولتی دوپایه ماشین لینوتایپ را از کشور هندوستان خریداری نمود ومن یکی از لیسانسه های پولیتخنیك شهر کلکته در رشته انجنیری لینوتایپ بودم از طر ف کمپنی مذکور برای بسته نمودن ماشین های فوق‌الذکر توظیف گردیدم یعنی اولین شخصیکه در افغانستان ماشین لینوتایپ را بکار انداخته است من میباشم .

از انجنیر محمد عظیم می پرسم : در طول مدت کار خود به چه تعداد شاگردانی را در رشتهٔ لینوتایپ تربیه کرده اید ؟

میگوید : در طول این مدت بیش ازیکصد نفررا در رشتهٔ لینوتایپ تربیه وتقدیم جامعه خودنموده‌ام، چنانچه لعل محمدیکی ازشاگردان ممتازمن می باشدکه همین اکنون نیز دوش به دوش من در شعبه لینوتایپ کار می کند .

می پرسم : چقدر معاش دارید وتعداد فامیل شمارا چند نفر تشکیل میدهد ؟

انجنیر حاجی محمد عظیم : من کاروعمل را بسیار دوست دارم .

می گوید : فعلا بحیث اجیر فوق رتبه کارمیکنم‌ومعاش ماهانه‌ام رامبلغ (۵۳۶۰)افغانی تشکیل میدهد وصاحب هفت اولاد قدونیم قد بوده بزرگترین اولادم شاگرد صنف دهم یکی از مکاتب شهر کابل می باشد .

نامبرده بجواب این سوال‌که بعد ازپیروزی انقلاب شکوهمند ثور در شرایط کار شما کارگران چه تحولاتی بمیان آمده است ، چنین اظهار می دارد :

در دوره های ظلمت بار قبل از پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور ما کارگران کشور با وصف آنکه بسیار کار می نمودیم اندکترین تقدیری هم نمی شدیم ودولت های فرسوده آنوقت مارا در کا ر های خویش تشویق وترغیب نمی کردند و لی بعد از پیروزی انقلاب دو رانساز ثور و بخصوص مرحلهٔ نوین و تکا ملی آن دو لت انقلابی ما علاوه بر آنکه بهبود و ضع ز نده گی ما را ازنظر دور نمی دارد ، مارا در کار های ر و زمرهٔ مان تشویق ز یاد می نماید چنانچه اعطای تحایف گرانمایه امروزی از طرف شورای مرکزی ا تحاد یه های صنفی ز حمتکشان افغانستان برای ما شاهد خوبی بر این مدعا است .

وی میگوید : من افتخار ا خذ ا ین تحفه گرانقدر را از طر ف شو ر ا ی مرکزی ا تحا د یه های صنفی ز حمتکشان افغانستان منحصر بخود نمی دانم بلکه این افتخاری است که نصیب همه کارگران زحمتکش مطابع دولتی می گردد ، زیرا ما کار گران ا مروز همه با هم یکی هستیم از لحاظ کار ، اندیشه و بسا جهات د یگر پیوند های محکمی را دارا می باشیم .

میگویم : اگر پیامی به زحمتکشان کارگر افغانستان داشته باشید .

میگوید : هدف از زندگی‌کار و عمل‌است. ومن کار و عمل را بسیار دو ست دا ر م ، بنابر این از همه کار گران دو رانساز افغانستان توقع دارم تا در راه‌خدمت به‌میهن مردم وانقلاب وایجاد جا معه عا دلانه نوین فارغ از ستم واستثمار کار و پیکار ا نقلابی نمایند .

انجنیر محمد عظیم را جع به‌سفرهای خارجی خویش چنین میگوید :

تاکنون به کشور های ، ایران ، آ لمان- دموکراتیك ، جاپان ، اتحاد شوروی،انگلستان وافریقای شمالی مسافرت نموده ام و دررشتهٔ مونوتایپ در بریتانیا در رشتهٔ آ فسیت ، در جاپان در رشتهٔ کار عمومی مطبعه ، در آ لمان دموکرا تیك تحصیل نموده ام و د ر سال۱۳۵۵ بزیارت بیت الله شریف نیز مشرف شده ام.

مستری فیض محمد کارگر شعبه صحا فی مطبعه دو لتی نیز یکی از کارگران سا بقه داری است که اخیرا از طرف اتحادیه های صنفی ز حمتکشان ا فغانستان به ا خذ جایزه نایل آ مده است .

مستری فیض محمد یکی از کارگران سابقه دار مطبعه دولتی

او که از مدت پنجاه و سه سال بدینطرف در مطبعه دو لتی کار می کند و به‌قول خودش (۷۵) بهارزندگی را پشت سر گذا ر د ه است ، اکنون پدر چهار فرزند می باشد .

مستری فیض محمد میگوید ! درطول مدت کار خویش برای سه بار به اخذ جوایزنقدی وجنسی نایل آ مده ام که اعطای یك‌پایه‌رادیو تحفهٔ اتحادیه های صنفی ز حمتکشان‌افغانستان جایزهٔ اخیر مرا تشکیل می د هد .

موصوف راجع به ا قدام نیك د و لت انقلابی خویش مبنی بر ا فزودی معاش‌کارگران واجیران دو لت چنین ا ظهار می دارد :

در دوران های تاریك قبل ازپیروزی انقلاب شکوهمند ثوردولت‌های مستبد گذشته نه تنها بالای حیات اقتصادی ما کار گران‌وزحمتکشان فکر نمی کردند بلکه بار ها بار برای افزودی معاشات خویش عرایض و در خواست ها یی می‌دادیم که در مقابل هر یك از آن ها جواب منفی حاصل می نمودیم ، و لی از بر کت پیروزی ا نقلاب شکو همند ثور و بخصو ص مرحله‌نوین وتکاملی آن‌دولت انقلابی ما با درك عمیقی که از و ضع ز نده گی ما کار گران و سایری زحمتکشان افغانستان دارد بدون درخواست و یا پیشنهاد ما به امر از دیاد معا شات و ما کو لات ما کار گران‌و اجیران دولت همت گماشت و از این طریق خدمت بزرگی را به فا میل های کار گران وزحمت- کشان افغانستان انجام داده است .

این امر مارابدان وامی داردکه به حقانیت

بقیه در صفحه ۶۳

حاجی محمد رزمی

دهمزنگ ماتیږی

هغه ریالستیکه کیسه چی د ثور انقلاب خخه دمخه دظالمو سرداری نظامو ظالمانه او فرعونی بڼه ښی دکیسی اصلی محتوی جوړوی خودثور انقلاب زموږ زیارکښی اولس او پراخی پرگنی ددغو فرعونی او طاغوتی ظلمونو خخه خلاصه کړه او دیوه روښانه راتلونکی لوری ته یی سیخ کړل •

زړه یی دخوښی او اضطراب له گډوډاحساس خخه ډک وو، ټوله لاریی ، مخکی ته کتل او دتصور په تال کی دکورپرخوارهی سوی وو. که خه هم له مسجد خخه دده تر کوره پوری فاصله زیاته نه وه خوپه دغه لنډ وخت کی یی دترخو او خوږ و خیالونو په پراخ جهان کی دو مره اوږده واټونه ووهل اودو مره تیرو وختونونه ولاړ چی د تیرو دیر شو کالو تر- خه یادونه یی دراتلونکی ژوند د نا معلوم سر نوشت سره یو ځای په خپل تصور کی راغونډ کړه او داوسنی هیجان دپاره یی په فال ونیول • خو بیله دی چی دخپل مشکل له پاره روښانه حل پکی پیدا کړی او بیله دی چی پردغه ناآرامه حالت باندی چی نزیی له سهار خخه دده په زړه کی ځای نیولی دی، دغم یا خوښی نوم کښیږدی وخپلی کوخی ته نږدی شو •

شریف په ډیر احیتاط سره خپل زړه ته خوښی ورکوله خو کله چی به ددغی (خوښی) واقعی برخی په چرت کی سو ،بیابه یی زړه دنامعلوم غم په منگولوکی ښکیل سواو دبدبختی دیب (دیو) یی خپلو سترگو ته مخامخ دخملی په حال کی لید • خکه پوهیده چی غریب او بدبخت انسان هیخکله خوښی نسی لرلای،که یوه پیښه په ظاهر کی دخوښی په شکل وی• خو هغه ته یی نتیجه بیاهم رنځ او غم دی• مثلاکه همدانن شپه دشریف ماندینه د اولاد دزیږیدو له وژونکی در دخخه سلامته خلاصه شی او یو ښکلی اولاددنیا ته راوړی بیاهم باید شریف وی خکه چی برسیره پردی برخپل ځان ، خوچی ژوندی وی دخپل او لاد دبدبختیو ـ لوړی ناروغی اونورو محرو میتونو جبری تماشابه گوی •

چاره خه وه ؟ شریف گورته ورسیدی ، مخکی له دی چی خپلی خونی ته یعنی هلته چی دده ماندینه دولادت له دردخخه چیغی وهی ورسیږی درحیم موریی مخی ته ورغله اووی ویل : هله شریفه ژرولاړسه ، اجانی بی بی راوله ، ښځه دی ډیره په عذاب دی، که اجانی بی بی په کورکی نه وه، ښارته په دو اپسی ولاړ سه که نن شپه دوا او دارو راونـــــه رسیږی خدای خبر چی دابه •••

درحیم مور خپله خبره پوره نکړای شوه، ستونی یی له غریبه ډک سواو دخونی وخواته یی و خفستله •

شریف هم درنگ ونکړ او مخامخ داجانی بی بی دکور پرخوا په خفستاسو، دکلی طبیبه په کورکی نه وه ، اوشریف چی یی هر خومره پوښتنه یی وکړه پیدایی نکړه، په داسی حال کی چی خفگان اووارخطایی یی وار په وار زیاتیده دښارپر خوایی په خفستلو شروع وکړه خودډاکتر خخه دمربوطه ناروغی په هکله معلومات واخلی •

شریف په ښارکی پوره بلدنه وو، اوس چی شپی خپل تورخادرغوړه ولی وواو بازاروته او سرکونه تقریبا خالی معلومیدل نو پریشانی لازیاته سوه اوپه تلواردیوه ډاکتر دکتنځی دپیدا کولو له پاره یوی اوبلی خواته وگرزیده شریف چی یوبیسواده بزگروو اوسرلوحی یی نسوی لو ستلای نوبه یی له هر چا خخه پوښتنه کوله :

ـوروره دډاکتر ځای چیری دی ؟

چابه دلاس په اشاره یو لیری خـــای ورښود او چابه بیله دی چی دده وخبری ته غوږ ونیسی خپله لاره وهله •

شپه پوره تاریکه شوه، دډاکتر انو کتنځی تړل شوی وو خو شریف په داسی حال کی چی دماندینی داحتمالی مرگ ترخو تصوراتویی ذهن ډک کړی وو، لالهانده غوندی دسړکونو له یوی خوا خخه وبلی خواته تیریده اوپه زړه کی یی پرهغو ښاریانو باندی بدویل چی له ده سره یی دډاکتر په پیدا کولوکی مرسته نه کوله یا یی دده پوښتنی ته سم ځواب نه وایه •

دښار په مرکزی برخه کی دیوی ښکلی ماڼی وسیخ ته یومعتبرخوان چی عینکی یی پرسترگووی اودډاکتر انو غوندی بکس یی په لاس کی وو له موټر خخه کښته سو او هغه ښکلی تعمیرته ننووت •

شریف پرهغه باندی دډاکتر گومان وکړ او دهغه خواته یی هخه وکړه چـــه دخپلی ښځی دعلاج له پاره له هغه خخه مرسته و غواړی• خو داوږده موټر هیبت ، د سړی فیشـــن اودتعمیر شان او شوکت چی حتی دروازه یی هم له هند ار و خخه جوړه سویوه او دهغه په ټولو کړکیو کی ښکلی گلان پراته وه، دخو شیبو له پاره له شریف خخه جرئت سلب کړاو په خپلو خړو پړو گالواو سپیره خیره یی وهغه ته نږدی کیدل مناسب ونه بلل ،

نویو کړی پرځای ودرید بیایی د خپـل جب پیسی اندازه کړی اوپه احیتاط دتعمیر ددروازی خواته رهی سوخو مخکی له دی چی هغی ته ورسیږی دتعمیر له دننه خخه یی دنارینه واو ښځود کټ کټ خنداگانو او دموسیقی دنغمو آوازونه واوریدل ، د یوی پایی وخنگ ته غلی سواو په احتیاط یی دیوی کړکی دپردی له چولی خخه دسالون ودننه ته وکتل :

هلته تکی سری غالی غوریدلی وی چـــی رنگارنگ بخملی سیټونه یی پرشاو خواباندی کتار وه ، دښکلو میزوپرسرونو باندی ډول ډول میوی او راز راز کیابونه په ترتیب سره پراته وه ، دسالون په دننه کی ښایسته منظری اودلخو ښځو داسی عکسونه او تابلو گانی خریدلی وی چی شریف به له ډیری حیاخخه مخ خنی واړاوه • دسالون په یوه برخه کـــی پرستیج باندی چی دسرو غالیو ،رنگ پـــه رنگ پردو ،دگلانود گیډیواوحیرانو نکو منظرو او تابلو گانو او قیمتی شیانو له هنرمند انه ډیکور خخه عبارت وو، یوه ناز نینه پیغله چی په ښایست او سینگار ، کی یی ساری نه درلود د موسیقی له خپو سره په داسی کـرشمو ر- قصیدله چی له شریف خخه یی دخو لحظو له پاره خپل غم هیر کړ• خوانی ښځی او مستو پیغلو دسالون په منځ کی دقهقهه خندا گانواوجان جان ویلو سره کله دیوه میز اوکله دبل میز خواته تللی ، خینو به دخوند ورو خوړواو میوو غابونه یاد شرابو جامونه پرخوانانو باندی ویشل اوخنی چی ترنو رو به هوسبازی وی له خوانانو سره په عاشقانه مرکو بوختی وی•

خوانان هم کرار کرار دشرابو په نیشوکی گرمیدل ، یو له بل سره به یی جامونه کړنگول بیابه یی خپلی معشوقی دموسیقی دخپو سره متناسب پخپلو غیږوکی رقصولی او خنوبه دشرابو جامونه په خولوکی ورخالی کړه• په تیره بیاهغه خوان چی شریف دډاکتر گومان پری کړی وو دهوسبازیو په سمندرکی داسی لاهوسوی وو چی جامونه یی سرپرسر پورته کول .

دشریف له سره سرو لاړ، حیران غوندی یی دسالون ودننه ته کتل ،سره له دی چـی کلیوالی ذهن یی له بی حیایی سره مجادله کولو خود محفل دآسمانی مستیو په خپوکی داسی ډوب سوی وه چـــه د خـــوانانو پـــه تیره بیـا له هغه معتبر خـــوان سره چـــی ده دډاکتر گـــومـــان پـــری کـــړی وو دبلـــه مستیو خیالی مسابقه کوله کله یی دخوند ورو خواړو غابونه تشول اوکله یی له پیغلو سره عشقبازی کولی • په هغه حساسه لحظه کی چی دمحفل دډیری ښکلی او گلالی پیغلی لاس یـــی د «ډاکتر» له غاړی خخه ایسته کاوه او هغه یی خپلی غیږی ته نږدی کوله ،دشاپر خوا باندی کش سو او خوبی آهنگه ږغونویی دمحفل دخوږ وخیالونو نخاگانی له ذهن خخه وشړلی•دشاپر تخته ولویدمنگ غوندی سترگی ولغړولی اوخپل سر ته یی خو پولیسان ولیدل ،په داسی حال کی چی له خولی خخه یی نری نری زگیږوی وتی په زحمت له مخکی خخه راپورته سواودپولیسو له قهره ډکو سوالونو ته یی داسی خـــواب ووایه :

ـصاحب ډاکتر صاحب می په کاردی •

ـکم ډاکتر صاحب ؟

ـ هغه ډاکتر صاحب چی دلته ننوتی اوپه هغه اوږده مـوټر کـی راغـی د خـارندوی مـــامور چـــی دوزیـــر •••

دشخصی موټر وخواته دشریف اشاره ولیدل سمدستی یی دهغه په تلاشی کولو شروع وکړه او نورو خارندویانو ته یی خنی داسی جملی وویلی چی دشریف پرسیاسی جرم یی دلالت کاوه •دشریف په جب کی یی یو چاقو پیداکړ اوبیایی بل خارندوی ته امروکړی چـــی دهغه لاسونه شاته واړوی • خو شریف چی هر خه عذر او زاری وکړی هیڅ فایده ونکړه ماما دومره وپوهیدی چی په دغه اوږد موټر اوهغه ډاکتر کی یوه خبره سته •

ددوی غالمغال په نتیجه کی لرو ستوانت خخه (له ښکلی ـ تعمیر) خخه یو نفر راووتی گله چی له پیښی خخه خبر شوبیرته په تلوار رستوانت ته ننووت اووزیر صاحب ته یی خبر ورو هغه معتبر خوان چی شریف دډاکتر گومان پری کړی وو په داسی حال کی چی په یو لاس یی نیکټایی سموله اوبل لاس یی پردیوال باندی نیولی وو، درستورانت دروازی ته راغی

اویو خارندوی ته‌یی اشاره وکړه چی «مجرم» ورنژدی‌کړی •

ـخه خبره ده ؟

دپولیسومامور په مود بانه اما جدی لهجه وویل :

ـصاحب دغه سړی دلته منتظروو چی تاسی دباندی تشریف راوړی اوبیا ••••

وزیر کوښښ کاوه چی دخارندوی په مخ دخپلی نیشی تاثیرات پټ کړی‌نویی په نیولی آواز پوښتنه وکړه :

اوبیا خه شی ؟

ـصاحب موږدی تلاشی کړ،دغه چاقوورسره وو البته سوء قصدیی درلود •

دسوء قصد د کلمی داوریدلو سره دوزیر قیافه پوره جدی شوه ، دشریف قواره یی‌له سر خخه ترپښو پوری‌په‌اهانت سره ترنظر تیره کړه اوبیاپه داسی حال‌کی‌چی‌په سترګواو خیره کـــی یی فـرعـونی غـرور ښکـــاره وودخارندوی مامورته‌امروکړ:محبس‌ته‌یی بوزه•

شریف که خه‌هم دسوء قصد په مانانه پوهیده خودو مره ورته معلومه شوه چـــی راتلونکی یی خرابه ده خکه‌یی‌نوپه ټوله لارکی په قسمونو اوزاریو سره‌ثابتول چی ماندینه‌یی ناجوړه ده او فقط له دغه ډاکتر خخه ددوا داخستلو له پاره دلته راغلی وو خوچایی پر خبره باندی غوږ ونه نیواو په وهلووهلو یی محبس ته ورساوه •

یوه هفته وروسته کله چی شریف دزندان په نمناکه کوټه کی ودیوال ته تکیه کړ یوه اودلاس له زخم خخه یی دزولانی کړی ایسته کولی ، دروازه خلاصه شوه او رحیم دخو خارندوی په منځ کی کوټی ته داخل شو •

رحیم چی دشریف همسایه او انډیوال وو دهغه له لیدو خخه حیران سو ، پر خـــای باندی حك پك ودریدخوده‌ثریوه غمگین روغبړ وروسته دکوټی په‌بل‌کونج کی کښیناست اوله شریف خخه یی پوښتنه وکړه :

شریفه ته دلته یی؟ ولی،پرخه بانـــدی بندی شوی ؟

شریف چی دپولیسو تروهلو لاندی یی‌ټول بدن زخم سوی وو، په زحمت یی دابل اړخ دیوال ته ولګاوه اووی ویل :

ته‌خو یوو ارګښینه وروره زه به بیا خپله قصه درته وکم ، خوچی‌خارندوی‌موپه خبروونه وینی ته ووایه پرخه یی راوستلی ؟

رحیم تریوه اوږده‌اواوږد اسویلی ترایستلو وروسته وویل : زه خو سردار خان دماما ګی زوی دقتل په تور حکومت ته‌په لاس‌ورکړم•

ـښه‌هغسی یی دبیګارکسات‌درخخه واخسته؟

ـیه شریفه وروره یوازی دیګار خ بره هم نه‌وه ، زما دخور خبره هم وه •

شریف پس له خوشیبومکث خخه وویل :

ـښه بله داراته ووایه چی زموږ په کورکی خه حال وو، خه پیښه وه ؟

شریف درحیم دلیدلوله اولی شیبی خخه امید درلودچی ده ته‌به دده دماندینی دسلامتیا اودیوه ښکلی خوی دزیږیرویری ورکـړی • خورحیم ژړغونی غوندی سوسریی کښته واـ چاوه او خه‌یی ونه ویل ، شریف په چیغوچیغو وویل :ووایه خه پیښه ده، زما ښځه خنګه سوه ؟

رحیم سررا پورته کړ کله چی یی له‌خپلو سترګو خخه او ښکی پاکولی وی ویل:

وروره مرګ حقه پیاله ده، خدای دی‌و وبخښی ښځه دی پنځه ورځی‌تر مخه مړه شوه، تاته خدای زوی درکړ اواوس زموږ کره‌دی •

دشریف پرتوره ژیره باندی اوښکی لاری ـلاری وبهیدلی • اناالله وانا الیه راجعون‌یې ووایه اوله رحیم خخه یی پوښتنه وکړه :

ـګورو کفن یی خنګه‌شو ؟

ـهغه کارونه ټول ماأو عمر جان وکړه•

ـخدای دی خیردرکی ،خلکو ،به‌ویل چی شریف چیری دی ؟

ـخلکو به‌ویل یانه‌ویل‌خوسر دارخان داسی آوازه اچولی وه چی شریف‌دخپلی ښځی‌دګورو کفنی له تاوان خخه تښتیدلی دی •

شریف ددی‌خبری‌په‌اوریدوسره نینی غوندی کباب سو، مخ‌یی سوراوشین واوښت اودپخی خوانی غرور یی و خروښیدی خوخکه چی‌له سردار خان او هغه (ډاکتر) خخه دانتقام اخستلو آتشین احساسی یی په زولنوکی‌بندوو نوله ډیره درده یی خپلی ګوټی تر هغه وخته پوری په غاښو کی‌و چیچلی خوچی وینی ترینه توی شوی او بیا رحیم په زوره دهغه لاسی له خولی خخه لیری کړ •

اودهغه لاسی له خـولـی خخـه سری کـــړ دبندیخانی په اوږدو شپو اوورځوکی شریف دکلی دخان (سردار خان)دزوراوظلم بیانونه او هم‌دهغه نازولی سړی دناخوانی قصه چی ده د (ډاکتر) ګومان پرکړی وو او دهغه په امر په دغه مصیبت اخته شو، هر چاته کول او هر وخت به یی دیوه ساړه اسویلی سره یو ځای دا خبره تکرار ول چی : له هیچا نیکی مه غواړه په تیر بیاله‌لویانو خخه نورو بندیان چی اکثره وخت به پرده باندی راګزیدلی‌وه‌او دزړه خواله به‌یی کوله ، له هغه خخه به‌یی دهغه (ډاکتر) دنامه او چوکی پوښتنه کول خو شریف به‌په افسوسی سره ویل: نوم‌می‌یی نه‌دی زده خو خارندو یانو به صاحب صاحب ورته ویل اما خه فایده که می‌یی نوم زده‌وی یازه نه وی ، خه په کولای شو ؟

پاتی په ٦٣ مخ کی

گزارش از : ر . دریا

از یك سینمای بد اموز شکلی روان به‌سوی:

سینمای پر محتوای، واقعیت گرا و انسانی

آ شنا شویم

وکیل وا حدی تحصیلات خود را در رشته اقتصاد تو لید فلم های هنری سینمایی و تلویزیونی به در جه ماستری دراتحادشوروی به پایان ر سانیده و مدت ۹ سال می‌گذ رد که در امور پرو دکشن فلم های مستندوهنری افغان فلم عملا فعالیت دارد .

انگیزه این گفت وشنود باوی که خواننده را در جریان ا مور تولید و تو رید فلم در کشور قرار داده و مو قف هنر هفتم را د ر گذشته و حال می شناسا ند با دید و اندیشه می باشد واحدی اکنون به سمت مدیر تو لید در ریاست افغان فلم مصروف خدمت ا ست و در این روزها پرودکشن منیجر فلم هنری اختر مسخره نیز می باشد که سنار یـــوی آن از ر هنورد زریاب و کار گر دان فـــلم انجنیر لطیف میباشد ، اخترمسخره نخستین محصول مشترك افغان فلم و تلو یزیون‌است که به منظور شر کت در یك فستیوال‌جهانی تهیه می گردد واز این روی اموربرو دکشن آن نیز کاری است مشکل که با اتکابه‌تجارب واحدی این مشکل به عهده وی گذاشته شده‌است .

• با اعمار استود یوی جدید ا فغان فلم که به کمك ا قتصادی و فنی کشور د و ست اتحاد شوروی صورت می گیرد تمام مشکلات فعلی سینمای تو لیدی ما ر فع می گردد .

• • •

• بعد از مرحله جدید تکـاملی انقـلاب‌شکوهمند ثور سه فلم داکومنتری ونیمه‌هنری افغانی توانسته است درفستیوال های جهانی شرکت وا متیازاتی را کسب کند .

• • •

واحدی مردی صمیمی ، آگاه و پر تلا ش است که تمام تنبلی را که به خاطـــرلکنت زبان در سخن گفتن دارد ، میکوشد در عمـل جبران کند واز این روی فعالیتی گستر د ه دارد و چند تربوز را به یك دست‌برمیدارد،

یعنی هم امور اداری بخشی بزرگ از مسایل تولید سینمایی را پیش‌می‌برد و هم توانایی وکار دانی اش را به عنوان یك پرود کشن منیجر خوب که در واقع مدیر تهیه‌فلم است

به اثبات ه ی‌رساند او در این روز ها و حتی شـب ها مصروف امور پرودکشـــن فلـــم «اختر مسخره » است واز این روی فر صتی کمتر از همیشه دارد و به همین دلیل وقتی از او می خواهم نشستی با هم داشته باشیم وگفت و شنودی که در بر گیر مطالبی‌پیرامون سینما باشد به مشکل قبول میکند و آنگاه هم‌که می پذیرد شرط می گـذارد که مد ت مصاحبه کوتاه باشد ، طرح سوالات وپرسش ها کم و قضاوت در مسایل نیز آزادوبی‌پرده که برای جلوگیری از فرار وی بـه عنـــوان اجتناب به پاسخگو یی ، می پر دازم به‌طرح نخستین پر سش از وی به این گونه :

• باتوجه به اینکه در شرایط سیاه‌گذشته هیچ روزن امید بخشی در امور هنری موجود نبود بحث خود را روی مسایل تولید فلم در کشور و ارزش گزاری با آن در یك استندرد جهانی از سال ۱۳۵۷ بـه آغـاز می گیر یم آیـا در مدت نزدیـــك به سه سالـی کـه از پیروزی ا نقلاب ثور می گذرد فلم هـــای تولید شده در افغانستان کـه بـه فستیوال جهانی شرکت داده شده است توانسته است جوایزی را بر باید یا خیر ؟

• بعـــد از پیروزی انقـلاب سترگ ثـور بخصوص مر حله نو ین تکا ملی آن فلـــم داکومنتری « انقلاب در روند تکا مـــل» در فستیوال «کارلی وال» کشـور چکـوسلواکیا شرکت داده شد که جایزه دیپلوم را ر بـود وبرخی از کشور های مترقی نیز خوا ستار کاپی های آن برای به نمایش گذاشتن د ر تلویز یون های خود گردیدند ، « نیکوکاری نجامی ندارد » دو مین محصول نیمه هنـری افغان فلم بود که تـــوانست در فیستیـوال پوئینند در میان سا خته های بیش از چهـل کشور حایز در جه دو م گردد و ر با بـنده مدال نقره که موفقیت بود چشم گیر و بـــا ر زش .

وبالاخر « تجاوز متوقف » سو مین محصول بود از کشور ما که به فیستیوال نیز یك شرکت جست و مو رد تو جه بسیار قـرا ر گرفت .

• بدون شك سا خته های سینمایی کشورما از نظر فورم ، ارائه و تکنیك کار نـــوا قص فراوان دارد که تازه پابودن و عدم تجر به کافی بر سونل و مو جود نبودن و سا یـــل کافی از عمده علل آن به شمار می آ ید و به همین د لیل هیچ یك از محصولات سینمای ما شاید نتواند در یك استندرد جهانی به ر قابت بر خیزد ، در این صورت این جوا یز بـــر اساس چگونه ار زش گذاری ها و معیار ها و ضوابطی به فلم‌هایی که شماازآن نام بردید داده شده است ؟

• این نظر کاملا وارد است که فلم های ما در تکنیك سینمایی ضعیـف ارائه می گردد و دلیل آن هم محدود یتی است که ما از نظـر وسایل و لوازم یك استد یوی مدرن هنر ی با آن رو برو می باشیم و لی تکنیك با ید در خدمت محتوی باشد وآنچه به‌آن روشنفکـرانه می شود اتکا گردد این است که فلم چـــه را تصویر میکند ، چقدر با واقعیت وفـق دارد، پیامش چیست و در مجموع چه رابه بیننده القاء میکند ، ما در فستیوال های کشورهای مترقی جهان شر کت جسته ایم و در این‌کشور ها هر گز پایه بر رسی و ار زش گذا ر ی به یك اثرهنری سینمایی را تکنیك کار قرار نمی‌دهند ، چه ممکن است کشوری غریب باشد اما فلم انسانی بسازد و عکس آن، خصوصیت عمده فلم هایی که بعد از انقلاب و بخصوص مرحلهٔ تکاملی آن در کشور ما تهیه شده‌است این بوده که همه باز تابی از واقعیت ها ی درونی کشور ما محسوب شده ودر وا قـــع توانسته است دید ریالستیك و متر قی را در هنر هفتم ما راه د هد که یقین داریم درآینده باتوجهی که به هنر و فر هنگ مبذول می ـ گردد فلم های بهتر و ار زنده تر نیزدرکشور ما تو لید خواهد شد .

• در این اواخر شما همراه بایك هیـــات سینمایی سفری به اتحاد شوروی داشتید ، می‌توانید بگویید ره آورد سفری شما چیست وآیا در این سفر عقد نامه های هنری ا یکه بتواند شگوفایی سینمای مارا تسریع کـــند نیز به عمل آ مده است یاخیر ؟

... هدف عمده از این سفر که به ر یاست حکیم خلیق ر ئیس بخش سینما تو گرا فـی اتحادیه هنر مندان و معاون ا فغان فلم و هـم چنین عضویت محمود نوری مدیر فلمبر داری صورت گرفت بیشتر آ شنایی با استودیوهای ازبك فلم وتاجیك فلم اتحادشوروی ومطالعه امکـانات دوبلـه فلم های هنـری بـه زبان دری و پشتو و هم چنین ا نتخاب چند بر نا مه فلم هنری **برای نمایش در سینماهای**افغانستان بود وشاید برای شما جالب باشد اگر بگویم که به انگیزه دو ستی د یرینه ، پایدار ومثبت میان دوکشور پذیرایی از هیات افغـانی در تمام مراحل آن چنان گرم ، صمیمانه و بـی آلایش بود که تقریبا گام های اولی در جهت برآوردن خواست هایی که هدف سفرراتشکیل میداد بر داشته شد و از این جهت ما بـــا مشکلی رو برو نشدیم .

• چند بر نامه فلم برای‌نمایش‌درسینماهای کشور ما به انتخاب گر فتید ؟

• مادر مجموع ۲٤ فلم را تما شا کردیم‌واز آن شمار یازده بر نامه آ نرا که بیشتر برای تماشاگر ما سود مند و جا لب می نمـــود انتخاب کردیم که به اساس موا فقه هر د و واحد قرار داد این فلم ها بعد از دو بله به یکی از ز بان های دری ، پشتو و یاتاجیکی به وسیله نمایندگـی سوف‌اکسپورت فلـم به افغان فلم تسلیم داده خوا هد شد .

• مادر گذشته بسیار کم و به ندرت شاهد تورید های سینمایی خوب در کشورخودبوده‌ایم اغلب فلم های تورید شده جنبه تجا ر تـــی داشتند تا آ مو زشی و در مجموع اگر ازنظر تکنیك کار هنری محسوب می شدند درمحتوی خود یاچیزی برای گفتـــن نـداشتنـد ، یا داشتند و بر اساس هدف معین بـــه تخدیـر ویافریب ذهن تماشاگر می پر داختند و یا به

صحنه یی از بخش شب جمعه نخستین محصول مستقل هنری فلم روزگاران افغان فلم

• بعد از این سینمای افغانستان سینمای خواهد بود انسانی، واقعیت گر اوبا محتوی درسطح باز تابی زندگی جامعه ما.

• • •

• اتحادیه هنر مندا نوباالخصوص بخش سینماتو گرافی آن تمام زمینه های رشد وباروری هنرسینما را درکشور مافرا هم آورده است.

• • •

• پلان عملیاتی سال ۱۳۵۹ تااندازه ای زیادبیشتر از سطح پیش بینی شده آن، به عمل پیاده گردید.

• • •

خاطر مسخ وا قعیت های عینی به نو عی خاص از رومانتیزم سینمایی پناه جو یی میکردند که در شرایط ما برای جوانان بد آمو ز بود ، اکنون شما در انتخاب های خود چه معیار هایی دارید و ضوا بطی و با توجه به اینکه بیننده بد آ موز شده وعلاقمند به فلم های عاشقانه و رو یایی به زودی رغبت تماشای این گو نه فلم هارا از دست نمی‌دهد و تلویزیون نیز انواع گونه گو نه آنرا به نمایش می گذارد چگونه می خوا هید رابطه میان تما شا گر و سینما را به نحو ی سود مند حفظ کنید ؟

• در گذشته نه تنها هنر سینما ، بلکه در مجموع همهٔ هنر ها دریك جهت نا سود مند وحتی به پیمانه وسیع مضردرکشورماکشانیده میشد ، هنر بورژ وازی با جلوه هایی ا ز ذهنیت گرایی بیمارگونه و شکل های متنوع فاقد ار زش را ستین هنری در همه ا بعادخود حمایه می گردید ، ا ما از هنر مر د می خبری نبود و سینما هم جز این نمیتوانست سرنوشتی داشته باشد ، به همین جهت آنچه روی پرده های سینما کشیده می شد جز نماد هایی به خواست و فایده طبقات استثمار- کننده نبود ، اما بعد از پیروزی ا نقلا ب وباالخصوص مر حله نوین آن این وضع نمی- توانست ثابت بماند و نماند ، اکنون چه در هنر سینما و چه در هنر های د یگر خواه توریدی باشد و خواه تولیدی فقط یك نکته بیش از هر چیز دیگر مطرح است وبه کار .ته می شود و آن اینکه باید محتوی هنر .دمی باشد ، پیام انسانی داشته باشد و تماشاگر را به سطح خود آ گا هی ر هنمو نی کند ، این است برنسیبی که ما از آن پیروی می کنیم .

• باتوجه به اینکه استودیوی موجود افغان فلم پیش از آنکه یك استدیوی هنری باشد استود یویی است که و سایل آن برای پرودکشن های مستند و خبری ا ست واینکه پلان سا ل ۱۳۵۹ نیز به مقا یسه گذشته و سیعتر در نظر گر فته شده بود آیا شما توانستید پلان تولیدی خود را در عمل پیاده کنید ؟

... بلی ، خوشبختانه افغان فلم در سال گذشته فعا لیتی بیشتر از آ نچه دا شت که درپلان کار پیش بینی شده بودبه عنوان مثال مابه جای یك فلم هنری که در پلان داشتیم دو فلم هنری مر بوط به پرو د کشن های شخصی یعنی «جنایتکاران» و « خانه ۵۵۵» را تکمیل نمودیم ، ما باید د وازده بر نامه فلم داکومنتری و نیمه هنری تولید می کردیم که تعداد آنرا به چپارده برنامه رساندیم وهم چنین به جای ۲۴ فلم ا خباری سی ویك برنامه را تکمیل کردیم .

• در حال حاضر پرو د کشن‌های شخصی و باالخصوص دو موسسه آریانا فلم و شفق فلم به مقایسهٔ افغان فلم بیشتر فلم های هنری را تو لید میکنند که این می توا ند دربه پا ایستاده‌کردن سینمای ملی افغانستان قدمی مثبت تلقی گردد ، اما شنیده میشود که این‌موسسات کمتر مو رد حمایت قرار می - گیرند و با اینکه قیمت خدمات تخنیکی افغان فلم در امور مربوط به فلم های شان گرانتر از آن است که در کشور های دیگر با آنها معامله میگردد ،نظر شما دراین مورد چیست ؟

نظر شخصی من در این زمینه این است که‌این مؤسسات باید تشویق شوند مؤسسه افغان فلم نیز همین آرزو را دارد و بر همین اساس در مقرره جدیدی که مراحل نها یی آن طی میگردد قیمت اجرت سا مان و لوا زم تخنیکی و هم چنان حق الزحمه پرسو نل مسلکی خود را پائین آورده است تا فلم های پرود کشن های شخصی ارزان تر تمام شود، اما دراین مورد که این پرود کشن ها تاچه حد میتوانند پلان های خود را در زمینه کار های سینمایی مو فقانه به انجام آور ند مربوط است به‌اینکه دورهٔ فلم برداری خودرا چگونه پلان نمایند ، این پرود کشن ها در حال حاضر کمبود وسایل تخنیکی است ، مساله دیگری که در مورد چگو نگی کار پرود کشن های شخصی چه در داخل‌ویا خارج مطرح میباشد این است که این گو نه مؤسسا ت چنانکه در برخی از کشور های دیگر مانند آلمان غرب ، فرانسه و ایتالیا نیز وجود دارد هنر و تخنیك را از هم جدا می کنند ، مثلا از سا ختن دیکور ها منصرف میشوند واز منازل استفاده می کنند که در تجربه چنین روشی در رشد هنر سینما تو گرافی مؤثر نمیباشد .

اما ما نه تنها با مو جودیت پرود کشن های شخصی هیچ مخالفتی ندا ریم بلکه آن ها را بازوی توانای خود در انکشاف این هنر همگانی میدانیم ، چه بهتر که در پهلوی ارگان های دو لتی سینمایی کشور یك تعداددیگر ازهموطنان شریف ماکه هدف شان رشد وباروری هنر سینما در کشور است با تو لید فلم های هنری با محتوی سطح تولید را دراین زمینه بلند ببرند و به مرد م ما آگاهی و باروری ذهنی دهند .

در شرایط کنو نی افغان فلم به نسبت کمبود و سایل از یکسو ووظایف دشوار انقلابی که‌درامور تهیه‌فلم های‌داکو منتر ی ، اخباری و در نهایت هنری داردازسوی دیگر کمتر از آرزوی خود میتواند به‌این پرودکشن ها کمك کند چه این مؤسسا ت فاقد وسایل‌و ابزار مورد نیاز در پرو سهٔ تولید میباشند و رفع این نیاز مندی را نیز افغان فلم به عهده دارد در حالیکه در کشور های دیگرپرودکشن های‌شخصی پیش ازدست زدن به کار تولیدفلم اقدام به تهیه کمره ، لایت ، مواد خام ، تیپ ریکاردر های پروفشنل ثبت آواز و دیگر ضرورت ها می کنند و بعد به کمك یك لابراتوار که در آن پراسس ، چاپ ، ادیت ، دبنگ ودر نهایت ریلیز فلم امکان پذیر میگردد به تو لید فلم شروع می کنند که متأسفانه نه پرودکشن

بقیه در صفحه ٦١

درجوامع مترقی مردان و زنان ازحقوق خوب تقاعد برخور داربوده ودولت بخوبی ازافراد ازهنگام‌جوانی تاپیری وارسی می‌کنند.

رسول : یوسفزی

زنان بحیث یك قوه فعال در پیشرفت جوامع

در کشور های سوسیالستی ورژیم های مترقی تساوی حقوق زن بامرد به حیث یك شرط اساسی برای تامین عدالت اجتماعی محسوب میگردد.

• • •

با انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن زمینه شرکت وسیع زنان افغانی در عمران مجدد جامعه فراهم شده است.

• • •

این اکنون نزد همگان روشن شده است که نمیتوان مسایل پیچیده جهان کنونی را بدون کمك وسهمگیری فعالانه نیم نفوس بشریت حل کرد. آری شرکت فعالانه زنان در امور مختلف اجتماع یك شرط لازمی برای نیل بهرگونه پیشرفت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری محسوب می شود در قبال این حقیقت است که تامین تساوی حقوق زن بامرد نه تنهادر کشور های دارای رژیم‌های سوسیالستی ومترقی به حیث امر مهم در تحقق عدالت اجتماعی بشمار میرود بلکه به حیث یك ضرورت مبرم اجتماعی نیز تلقی می شود .

تجارب نشان داده‌است که تامین شرایط برای شرکت وسیع زنان در امور مختلف اجتماعی دریك جامعه میتواند به حیث نخستین گام در جهت‌گذار ازتساوی‌دی‌ژور و قانونی زن‌بامردبه تساوی‌دیفکتو وعملی‌زنان بامردان‌محسوب گردد.البته‌این امرنه تنهایکی از شرایط مهم برای استقلال اقتصادی زنان تلقی می گردد بلکه همچنان عامل عمده در تساوی‌کامل زن بامرد در جمیع ساحات زندگی توسعه، دید جهانی وانکشاف زنان به حیث افراد نیز شمرده میشود .

بخاطر همین است که در تحت‌رژیم های سوسیالستی و مترقی بیش ازهر وقت‌دیگر بر تامین تساوی عملی زنان بامردان وشرکت‌فعالانه آنها در امور تولیدی واجتماعی تاکید خاص بعمل می‌آید .

در کشور عزیز ما جمهوری دموکراتیك افغانستان با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و مخصوصا مرحله تکاملی نوین آن افق های تازه وفرصت های بی سابقه برای زنان کشور بدون در نظر داشت هر گونه تبعیض جهت سهمگیری در عمران مجدد ملی فراهم گردیده ونقش زنان درین مقطع حساس زمانی که انقلاب ملی ودموکراتیك ما وارد مرحله حساس خویش گردیده بیش از هر وقت دیگر کسب اهمیت نموده است .

آری این مادران وزنان اند که در پهلوی سایر اقشار زحمتکش مسئوولیت بزرگ و خطیر در تربیه نسل آینده ودفاع از دست آورد های انقلاب درین مرحله مهم تاریخ بعهده دارند.

دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان طی اولین اقدامات انقلابی خویش با صدور فرامین انقلابی و تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان تامین تساوی حقوق زنان‌رابا مردان تایید کرده است .

اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان که از دست آورد های مرحله نوین تکامل انقلاب ثور است تساوی حقوق و مکلفیت های‌جمیع اتباع افغانستان را اعم ازمرد وزن در برابر قانون بدون درنظر داشت هر گونه تبعیض و ملحوظات لسانی ، قبیلوی ،منطقوی وجنس اعلام داشت .

دولت انقلابی ما بر استفاده از نیروی زنان به حیث‌یك نیروی مهم اجتماعی تاکید خاصی داشته وجمیع تسهیلات لازمه را برای‌آن ها در کسب تعلیم و تربیه رفع حوائج ضروری اجتماعی در نظر گرفته است .

دراثر مشی انقلابی‌دولت‌جمهوری دموکراتیك افغانستان است که زنان افغانی نقش تاریخی رادر اعمار جامعه نوین فاقد استثمار فرد از فرد که از اهداف سترگ دولت انقلابی ما است ایفا می‌کنند و دولت شرایط لازم رابرای آنها میسر [illegible] به طوریکه مادران صاحب [illegible] نیز بتوانند کار را با وظیفه مادر ترکیب وهر دوراطور موفق آمیز پیش ببرند . بادرنظر داشت همین غایه‌است که‌تحت‌رژیم‌های مترقی‌کمك های‌مالی‌متعددی به‌زنان در پیشبرد وظایف محوله چه‌به‌حیث کار و چه به حیث مادر صورت گرفته و تاسیسات متعدد تعلیمی و تربیوی مراکز حمایه طفل و مادر ، شیر خوار گاه ها و کودکستان ها به منظور ایجاد تسهیلات برای زنان تاسیس گردیده است .

در جمهوری دموکراتیك افغانستان همه مساعی جدی و پیگیر برای توسیع شرکت فعالانه زنان در امور جامعه بعمل آمده و تسهیلات‌بی سابقه برای زنان میهن مادر پیشبرد ووظایف گونه گون اجتماعی فراهم شده است

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان طی بیانیه ارزشمند و انقلابی شان در کنفرانس سرتاسری زنان جمهوری دموکراتیك افغانستان درسال گذشته در مورد نقش زنان در اعمار جامعه نوین چنین گفتند :

((ما در حالیکه با پیگیری و جدیت تمام به کار اعمار جامعه نوین در سر زمین‌باستانی خود پرداخته ایم ، عقیده راسخ داریم که زنان زحمتکش کشور نیزنقش شایسته خویش را در امر تحقق بخشیدن تحولات عمیق وبنیادی اجتماعی واقتصادی ایفا خواهند کرد)) ایشان افزودند:

در گام اولی مسئاله جلب هر چه وسیعتر زنان در روند تولید اجتماعی ودر وجود آنان افزایش قوای بشری مطرح‌است ، زیرا ازیکطرف موازی بارشد و تکامل صنایع وزراعت ضرورت به‌نیروی

انسانی بیشتر خواهد گردید واز جانب دیگر ، کار مثمر وتولیدی نخستین واساسی ترین شرط تامین عملی برابری زن با مرد به شمار میرود . تنها از این طریق میتوان بود به‌وابستگی‌اقتصادی‌زنان پایان بخشید ،برابری کامل آنانرا بامردان در همهٔ عرصه ها تامین نمود و زمینه شگوفانی استعداد های شانرا فراهم‌ساخت

منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌ضمن اشاره به اهمیتی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌به نقش زنان افغانی در دفاع از دست آورد های انقلاب ثور ومرحله‌نوین آن قایل است درکنفرانس سرتاسری زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان خطاب به زنان فرمودند ((حزب به نقش شما زنان نجیب دردفاع ازدست آورد های انقلابی‌مردم ما ارج وارزشی‌بزرگ قایل است . امروز پدران ،برادران فرزندان وشوهران شما از آرمان های مقدس خود دفاع میکنند و حماسه می‌آفرینند. امادر پشت سر همه این قهرمانان وحماسه آفرینان زنان ومادران قهرمان این حاملین اندیشه ها وارمان های انسانی و نجیبانه قرار دارند.))

تامین موقف مساوی یا نه زن بامرد درجامعه جدید افغانی با انجام تحولات بنیادی درساحات مختلف حیات اجتماعی افراد این کشور همراه است و دولت مردمی ما بر مواظبت های خاصی به منظوربهبود شرایط کار زنان صاحب شغل ،و مادران شیرده تاکید دارد و با اقدامات لازم درجهت حمایه از طفل و مادر و تقویه جنبش دموکراتیک زنان در کشور دست زده است، که تشکیل کنفرانس سرتاسری زنان جمهوری دموکراتیک افغانستان و تنظیم روز افزون‌زنان را در اتحادیه ها وسازمان‌های مختلف اجتماعی ، فرهنگی و کارگری ثمره این اقدامات می توان شمرد.

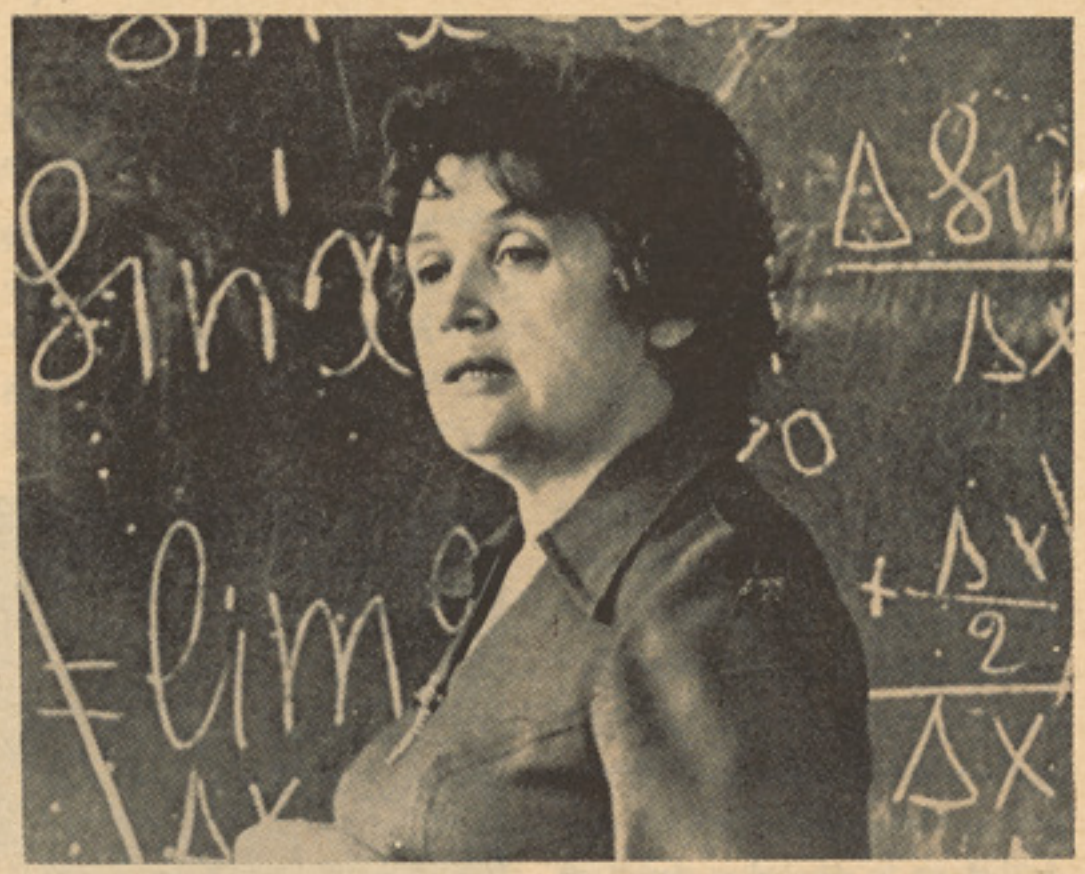

۷۵ درصد داکتران و معلمان تعلیم وتربیه رادر اتحادشوروی‌زنان تشکیل میدهند. این زن معلم یک مکتب است

کذا الغای‌مناسبات فرتوت فیودالی وماقبل فیودالی وروابط منحط اجتماعی که‌قبل از انقلاب ثور در جامعه ما حکمفرما بود و یکسو به نفع برتری مرد واسارت زن در قید مرد ورسوم نادرست اجتماعی می چرخید وزنان در بدل پول خرید وفروش می شدند ، از زمره اقدامات نهایت سودمندی است که دولت انقلابی ما به منظور بهبود موقف زن در جامعه وتامین تساوی حقوق آن هابا مردان به حیث‌شهرکای مساوی به عمل آورده است وسلسله این اقدامات هم‌چنان برای تجهیز مزید نیروی‌زنان در امور تولیدی واجتماعی درمیهن ماجریان دارد و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان طورپیگیر درین جهت‌مبارزه می کند .

نظری به‌موقف زنان دربعضی کشور های دیگر.

زنان در کشور های سوسیالستی از حقوق مساوی با مردان برخوردار اند و تسهیلات متعددی برای آن ها در عرصه های‌مختلف حیات اجتماعی فراهم میباشد طور مثال در جمهوری مردم بلغاریا که تساوی کامل زن با مرد طی نخستین اسناد مهم حکومتی در (۱۹٤٥) اعلام گردید زنان از تسهیلات و مزیت های خوبی در ساحات مختلف حیات برخوردار اند . آنها بادریافت مزد مساوی بامزد مردان برای عین کار رخصتی های سالانه با معاش دارند وهم دولت رخصتی های قبل و بعد از وضع حمل رابرای مادران منظور کرده است. زنان هنگام عدم قابلیت موقتی برای پیشبرد وظیفه محوله که نتیجه مریضی تصادم ویا علت دیگر باشد ازکمک های مادی مستفید اند . زنان در بلغاریا نه تنها از حقوق مساوی بامردان برخوردارند بلکه از شرایط بهتر برای تقاعد نیزمنفعت می برند باین معنی که آنها می توانند دریک سن جوانتر و مدت کار کمتر با عین معاش مردان‌تقاعد کنند .

بدون شک استخدام وسیع‌زنان بلغاریا در جمیع سکتور های اقتصاد ملی این کشور و شرکت همه جانبه شان در کار ، مستقیما مربوط به فرصت شان برای کسب تعلیم وتربیه حرفوی است که از این رهگذر هیچگونه تبعیض در برابر زنان در بلغاریا موجود نبوده وتعلیم وتربیه مجانی برای همه اتباع این کشور مسیر است .

نودونه فیصد زنان واجد شرایط رای دهی طور فعال در انتخابات ایالتی ومحلی شرکت می کنند . سیاست این کشور در موردکشانیدن زنان درساحات منجمنت واداره نیز دوام دارد .

سیستم سوسیالستی دربلغاریا یک تاثیر مثبت بر خانواده ها نیز گذاشته‌و (نودو پنج) فیصد زنان شوهردار کار ومعاش دارند . درهشتادوشش فیصد خانواده ها ، زنان وشوهران عواید خانواده را با رضایت هم تنظیم می‌کنند که‌بادر نظر داشت این امر زنان در بلغاریا نه تنها از لحاظ قانونی مساوی با مردان شده بلکه درعمل نیز شریک مساعی آنها گردیده است .

کذا در اتحاد شوروی کوشش های فراوان برای شرکت‌روزافزون زنان در امور ملی و بین‌المللی صورت می گیرد . یکی ازتسهیلات خوب برای مادران صاحب شغل دراتحاد شوروی موجودیت بیش (۱۲۰۰۰۰) شیر خوارگاه و کودکستان است که جمعا(چار ده) ملیون طفل وکودک را برای مدت های طولانی در روز که مادران

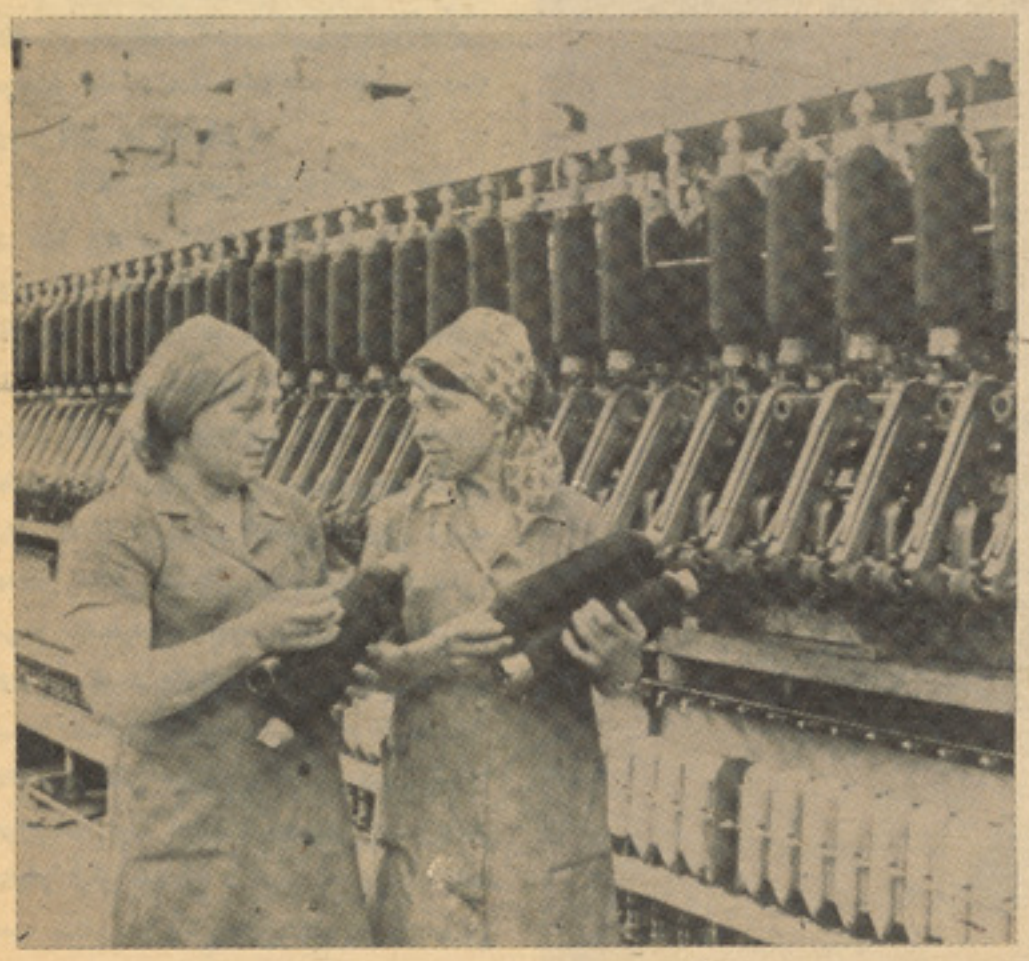

درکشور های سوسیالیستی ومترقی زنان درامور تولیدی سهم بزرگ دارند

د ۱ : ژباړه

اضطراب اوهیجان

دپورتنی کلیوی خارجی غدود یو قسمت فعالیت ډیر بنسټ مومی ، تیموس غده‌کوچنی کیږی‌او .... دغه دبدن عکس‌العملونه یوعمومی حالت لری •

په خاصو مواردوکی‌یوازی دانطباق دجریان شدت دی چی په عکس العملونو کی داختلاف سبب گرزی . کله‌چی‌دانطباق نظامونه‌په عادی توگه عمل کوی دغه شدت دعدم تعادل سره متناسب دی ، کولی شو چی دغه پدیدی‌دهغه چا دلاس دحرکت سره مقایسه کړو چی دباد دجریان په مقابل کی دبیری ځمځی وهلی ، هر څومره چی باد دبیری تگ لاری ته‌تغییر ورکړی هغو سره باید ځمځی وهونکی د بیری دسم تگ لپاره هلی ځلی وکړی .

دغه پدیدی په لمړی سر کی متضادی‌ښکاری امابه واقعیت سره باید ومنو چه دانطباق جریانونه دغریزی عکس‌العملونو له خوابرابر-یږی •• (دمثال په توگه دزړه منظم حرکت دعضلاتی ا و عروقی دستگاو عادی انقباض) شریك اساس لری •

سر بیره دحرارتی‌انرژی ځخه‌له‌کا تالیزوری ځخه هم استفاده گیږی چی همانه(انطباقی سوخت) دی • ددغه «سوخت» عامل تراوسه پوری ندی پیژندل‌شوی •

لاکن ځنگه گولای‌شو چی‌دغه‌واقعیت توضیح کړو وچه «روانی محض هیجانونه» په بدن‌کی بیوشیمایی عکس العملونه مینځ ته‌راوړی چی «فزیکی» پدیدی که ښکسونه سره (ساړه، دخواړه گهوالی ، دتوان ځخه وتلی کارونه) یوشان دی مخکی موویل چی‌دهرفرداجتماعی انطباقی نظام دژوند یو لړ قواعد پخپل فکرکی ساتی که له دی جملی ځخه یو مروجی فرضیه دداخلی حافظی په باره کی ومنونو اټکل‌کولی. شوچی اضطراب اوهیجان عکس‌العملونه‌پربدن تحمیلوی او د مالیکولی مقیاس نتیجی هم له ځانه سره لری . ځکه چی دداخلی حافظی پر نظریه ولاړی دی ژوندی موجودات نوی اطلاعات داتمونو او پروتینی مالیکو لونو دوضعی د تغییر له لاری له ځانه سره ساتی په واقعیت‌کی دهغه نه حلیدونکی بحث ځخه چی دخارجی نړی سره گیږی‌یوازی دحل لاره داده چه ذهن له «آینه ال» ځخه پاك کړو یعنی ددی کار لپاره باید همانه انطباقی انرژی مصرف ته ورسیږی •

کله چی مونږ پیدا کیږو له خپلو (ژنو)سره یو اندازه «انطباقی سوخت» پیدا کوو ددغه سوخت اندازه په مختلفو افرادو کی فرق‌کوی لاکن دغه‌فرق ډیرلږوی، ددغه سوخت‌داخلیدل بدن ته دیوی مخصوصی مکانیسم تر دقیق کنترول لاندی وی چی طبیعت دهمدغه کار لپاره یی پیدا کړیده •

کولای‌شوچی‌دغه‌مکانیسم دیومعدنی خاسره چی پەمرتب ډول سکاره راکوی مقایسه‌کړو، همدغسی دەانطباقی سوخت» مقدار پەمختلفوهم وضعی نظامونو کی تقسیمیږی او هغوی ته دا امکان ورکوی چی دبدن لازم «بیا جوړیدل» ترسره کړی اودورزنی ژوند جنجالونه سره حل کړی ، پدی حال کی زمونږ وجود لکه یو ماشین دایم داماده باش په حال‌کی وی ، دەانطباقی سوخت» مصرف لږوی او د هغه زیرمی دریو عادی ژوند لپاره کفایت نکوی •

اما زمونږ ژوندعموماددغی آیدەآل طرح په مخالف قطب کی واقع‌کیږی له دی کبله زمونږ انطباقی نظام ځان د عدم تعادل سره مخامخ وینی او زمونږ دانطباقی سوخت زیرمی‌دبیرته عادی‌کیدلو وضعی دپاره کفایت نه کوی .

پدی حال‌کی دیو «خطردنشی» پەوجودکی ځان‌ښیی، ټول‌دانطباقی سوخت‌زیرمی دبحرانی نکتی خواته ځی ، دغه عمومی بسیج انسان‌ته داامکان‌ورکوی ترخوچی خارق‌العاده‌کارونه‌سرته ورسوی او دیوی ناخاپی پیښی دتښتیدولپاره گرچی سپورت یی نه وی کړی کولی شی گروای گروای ځایونه ټوپ واچوی، یو هیجان وهونکی پوه هم ځینی پیچلی مسئلی پەعمدغه شان سره حلوی •

متاسفانه ټول تغییرات چی په بدن کی راځی له ځانه ځینی نښی نښانی پاتی کوی، ټول انطباقی انرژی پەضرررسیدلی ځای کی مصرفیږی ، امابه نورو ځایو کښی بر عکس انطباقی انرژی به کندی سره عمل کوی دغه کار بدن زړوی او عادی کار قطع کوی دمثال‌په توگه فکری ستومانتیا کولی شی چی عصبی اختلالات په قلبی عضلوکی پیدا کړی چی په خپل وار سره بیوشیمایی تغییرات مینځ ته راوړی چه دغه تغییرات دوینی په تنظیم کی ځینی تغییرات مینځ ته راوړی ، بیرته پاتی کوم شی ندی‌خودقلب دجریان زړښت سبب گیږی ، داکتران ځینی لوی لوی سوځیدل واقعات وینی‌چی وروسته‌دمعدی‌اوکولمی‌دزخم سبب گرزی •

ددغی پدیدی ارتباط دانطباقی سوخت له‌لږ والی سره چی دهم وضعی نظام دعادی کار یعنی هغه نظام چی دکوراش دستگاه تنظیموی (لکه چی ټول انطباقی انرژی د سوځیدلی‌ځای پرضد بسیج شوی وی) منتفی ندی .

ټول ضرروونه بدن ته‌تاوان رسوی، شدید ضرروونه (چه پرو فیسوملیه هغه ته بیرته پاتیولی وای) دردونه او کړاونه له‌ځانه سره راولی اوکله کله دشوك سبب گرزی پدی حالت‌کښی بدن تشی‌کولای چی له‌ټول انطباقی انرژی سره سره دعدم تعادل مخه ونیسی،هغه تاوانونه چی‌شدت‌یی‌لږاوعمریی ډیروی‌یوموجود له ټاکلی مودی نه مخکی زړوی اوله مینځه‌یی وړی .

صحیح دی چی دوخت دتیریدوسره د فردی حیاتی انرژی چی‌له‌سخته ناروغتیا سره مخامخ دی یا شوك یی لیدلی دی بیا جوړ لیږی مگر بدن همیشه ددغه اثر ځان سره ساتی •

دوینی فشارونه ، دمعدی زخمونه ، دانډ ناروغتیاهریو په خپل وار سره دزخم ځایونه حسابیږی چی (بیرته والی) پیدا کوی ا و تر څو پوری چی بدن ژوندی وی دهغه اثرله ځانه سره لری •

اماځینی نور مواردهم شته‌دی چی خطرناك ترین نتیجی هم مینځ ته راولی پدی معنی‌سره چه‌که یوموجودچه بحرانی وضعی‌کی واقع وی کولی شی چه دډیرکوښښ له امله «انطباقی سوخت» تولید او ډیر کړی •

دی نتیجی ته رسیږو چی دموقت په توگه ډیری حیاتی انرژی به زمونږ په اختیار کی وی مگر طبیعت نمشوغولولی ، اوکی «انطباقی سوخت» محدود دی له دی کبله له اندازی نه زیات مصرف یی خطرناك دی •

اومونږ دتهدیدونو له لمړنی نښانو سره مخامخ یو چی عبارت دی له «عمومی اووسیع انطباقی ناروغیو سره اودهغه پراختیا په ټوله نړی کی•

نوربیا

ژوندون

بقیه صفحه ۱۰

جرقه ایکه از آن شعله...

ازین رو قوانین نافذه دردولت های سرمایه داری ابتدا در جهت طولانی ساختن هر چه اقتصادی برای وادار نمودن کارگران برای بیشتر مدت کار روزانه وایجاد اجبار غیر اقتصادی برای وادار نمودن کارگران ، برای کار هر چه بیشتر ، ثقیل ترو مولد ترتدوین می‌شد در انگلستان درسال ۱۳۴۹ میلادی در اولین قانون کار برای کارگران زراعتی، مدت کار روزانه از پنج صبح الی هفت شام تعین شده بود (در قرن چاردهم انگلستان پیشرفته ترین کشور بود) باید متذکر شد که در آن هنگام سرمایه داری تازه به‌حیات

پیروز باد جشن اول ماه می ـ جشن رزم و پیکار طبقهٔ کار گر بین المللی بخاطر صلح ، آ زادی و ترقی اجتماعی .

آغاز وحتی می توان گفت ته درچنین بود لذا پیشه وران شهری که تاآنوقت امکانات کار در کز گاهها رابه صورت مستقل داشتند به آسانی زیر بار این قیدبه اصطلاح قانونی نمی رفتند ولی پس از آنکه نظام اقتصادی‌ـ اجتماعی سرمایه داری گسترش وانکشاف یافت امکان‌کارمستقل ازکارگران وپیشه وران نیز سلب گردید و مجبور بودند مطابق میل دولت و صاحبان سرمایه عمل‌نمایند یعنی باانکشاف هر چه بیشتر رژیم سرمایه داری زنجیر های بردگی وقیود بدست وپای کارگران محکم تر گردید و فقر ومسکنت گریبانگیرشان شده و هر چه بیشتر وابسته به ماشین وبردهٔ سرمایه دار می‌شدند .

کارگران در پهلوی تحمل دشورای های مشقات دیگر که از ماهیت واصول نظام‌سرمایه داری ناشی میشود از روی مجبوریت بین خود هم رقابت بر سر بدست آوردن کار را براه می‌انداختند زیرا کار گران در صورت بیکار ماندن باید تن به نیستی کامل بدهند (درآن هنگام سندیکاها واتحادیه های کارگری برای دفاع از منافـــع کارگران یاوجود نداشت ویا اینکه بسیار ضعیف بودند)موجود یت رقابت میان کارگران به سرمایه دار ایـــن امکان را می‌داد تا بتوانند مقدار کار روزانه را هـــر چـــه بیشتـــر بـــا لا ببـــرنـــد باز هم بایدمتذکر شدکه‌که سرمایه داران‌برای ارضای امیال حریصانه خویش ازهمه امکانات برای بسط هر چه بیشتر سود خویش‌استفاده کرده و تا رژیم سرمایه داری در جهان‌موجود است این رسم ظالمانه هم موجوده خواهدبود. درین زمینه می‌توان از کار طاقت فرسای کودکان وزنان که سرمایه دار آنها را برای‌بدست آوردن سود بیشتر بکار های بلند تراز طاقت شان می‌گمارد . تذکرداد. زنان وکودکان در ابتدا حتی تانا وقت های شب بسود سرمایه داران بکار گماشته می‌شدند . ستم استثماری واجبار های متنوع سرمایه داران علیه طبقهٔ زحمتکش کارگر سبب شد تاستگر رزم میان کارو سرمایه روز تاروز گرم ترو پر حادثه‌تر شود . سرمایه داران با دیدن وضع انفجاری که در آن بی گمان سرمایه داران به گورنیستی سپرده میشوند دست بکار شده و دولت های سرمایه داری که نمایندگان صاحبان سرمایه هستند قدم بجلوگذاشته وبرای طویل ساختن عمر جهنمی رژیم سرمایه و جلو گیری از انفجار وضع باتدوین قوانین جدید مدت کار روزانه را تا حدی محدود ساختند . در ین زمینه اولین قانون محدودکنندهٔ مدت کارروزانه درسال ۱۸۳۳ میلادی‌در انگلستان تدوین شد، به موجب این قانون مدت کار روزانه کار گران از ساعت پنج ونیم صبح آغاز وتا ساعـــت هشت ونیم شب ادامه می‌یافت وتنها یکنیم ساعت ظهر برای صرف طعام چاشت وقت‌فارغ برای شان موجود بوده وسیزده ونیم ساعت‌کار متواتر . بادرك ومطالعهٔ آن قانون ظالمانـــه هـــر کس مـــی تـــوا نـــد حدس بزندکه قبل از این قانون عـــادلانـــهٔ چـــه شرایط جهنمی بر کارگـــران و زحمتکشان حکومت می کرد هکذا با مطالعهٔ این قانون می‌توان به فطرت وماهیت سرمایه دار و رژیم سرمایه داری به خوبی پی برد . این قانون حرص و آزبی پایان مالکان سرمایه‌رابرای کسب‌سود بیشتر نمایان می‌سازد .

همان طوریکه قبلا نیز گفته شد در نتیجه این شرایط جهنمی وطاقت فرسا و هـــم چنان بار شد شعور سیاسی و تشکل کارگران مبارزات صنفی وسیاسی طبقهٔ کارگر در هرکنج وکنار جهان که رژیم سرمایه در آن حکومت می‌کرد اوج وگسترش یافت . کارگران‌صنایع شهر شیکا گوی ایالات متحده امریکا برای محدود شدن مدت کار روزانه وایجاد تسهیلات در شرایط کار ، در سال۱۸٦٦ میلادی بتاریخ اول می دست به مظاهره ونمایشات زدندودر آن به رسوا ساختن ماهیت نظام سرمایه داری همت گماشتند . کارگران طالب محدود شدن مدت کار روزانه وازدیاد دست مزد خویش بودند ، روشن است که بر آورده شدن این خواست باوجود بر حق بودن آن سبب می‌شد تابه سود سرمایه داران لطمه وارد سازدلذا دولت سرمایه داری‌بحیث‌نماینده طبقهٔ سرمایه دار داخل اقدام شده وبمقابل این نمایش مسالمت آمیز وبر حق ظالمانه آتش کشودند که در نتیجه سبب تلف شدن و مجروح شدن عده ای از کارگران ، قهرمان و زحمتکش شده وعده ای دگر شانرا نیز به زندان ها روانه ساختند . بعد ها درسال ۱۸۸۹ دریك کانگرس انترناسیو نال دوم که در پاریس مرکزکشور فرانسه دایر شده بودطی فیصله ای مـدت کار روزانه به هشت ساعت تقلیل داده شد. هکذا در همین کانگرس فیصله بعمل آمدتاجهت ارج گذاری به روحیهٔ رزمندگی کارگران قهرمان و مبارز شهر شیکاگو و یا دبود از رزمندگی شان روزاول‌می‌هرسال‌رابمثابه جشن‌همبستگی وروز بین المللی طبقهٔ کارگر جهانی باجشن هاو تظاهرات تجلیل گردد . از همان سال‌به بعد روز اول می هرسال بمثابه روزهمبستگی بین المللی کارگران جهان در هر گوشه وکنار جهان بر گزار می‌گردد . درین روز علاوه از یاد بوداز اعمان قهرمانانهٔ کارگران شیکا گو ودیگر قهرمانان راه نجات انسان برای تامین تشکل ووحدت طبقهٔ کارگر نیز عمل میشود .

باید متذ کر شد که مبارزات قهرمانانه کارگران شیکاگو و هکذا دیگر مبارزین راه نجات زحمتکشان هر گز به نتیجهٔ قطعی یعنی ریشه‌کن ساختن استثمار و ستم طبقاتـــی منتج نشد مگر بعداز آنکه کارگران وکلیه زحمتکشان گردان پیش آهنگ خویش یعنی حزب طبقهٔ کارگر را تشکیل کردند و تحت رهبری آن با براه انداختن مبارزات متشکل، علمی و انقلابی برای براندازی نظام فرتوت‌و ظالمانهٔ سرمایه داری ونظام های ماقبل‌سرمایه داری عمل نمودند . طلیعه پیروزی قاطع کار برسرمایه همانا پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میباشد که تحت رهبری حزب قهرمان‌بلشویك در روسیه تزاری درسال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید . ایدیالوژی پیشروعصر ما با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بمثابه مشعل رهنما در فراز راه کارگران ودیگر زحمتکشان جهان‌نور افشانی نموده وسبب شدکه سیستم‌استعماری سرمایه داری در هم شکند و مردمان جهان یکی پس از دیگری‌استقلال سیاسی واقتصادی خویش رابدست آورند .

هکذا در تحت تاثیر انقلاب کبیر اکتوبرو مبارزات بی امان طبقهٔ کارگر سرمایه داری مجبوربه پذیرفتن خواست های بر حـــق طبقهٔ کارگر منجمله محدود شدن مدت کار روزانه در کشور هائیکه رژیم سرمایه داری حاکم است ، گردید، درسال ۱۹۲۲ درنتیجه کار وپیکار انقلابی‌زحمتکشان جهان وموجودیت کشور قدرتمند کارگران و دهقانان جهان‌یعنی اتحاد شوروی ، محافل بورژوایی عده‌ای از کشور های جهان بامضای موافقت نامه ای بین خویش که بنام «موافقیت نامهٔ واشنگتون» یاد می‌شود ، مدت کار روزانه را هشت ساعت متقبل شدند .

در کشور محبوب ومرد خیز مابا پیروزی انقلاب شکوهمند ثور وبخصوص مرحلهٔ نوین وتکاملی آن که قدرت حاکمه از دست طبقات استثمار گر به طبقات زحمتکش واقشار دموکراتیك انتقال یافت ، ستم سرمایه و ملاکیت نیز برای همیش رخت بربسته وطبقهٔ کارگر جوان کشور امکانات همه جانبهٔ برای کارو پیکار انقلابی واعمار جامعهٔ نوین وبهروزدارند جشن اول ماه می روز همبستگی بین المللی طبقهٔ کارگر رادر کشور محبوب و قهرمان ما حالا باشکوه وجلال‌خاص‌درتحت درفش‌جمهوری دموکراتیك افغانستان بشکل‌واقعی‌آن برگزار می شود .

پیروزباد مرحله نوین انقلاب ثور، ایـن مرحله نجات مردم، انقلاب ووطن، شکوهمندباد اول می روزهمبستگی بین‌المللی‌کارگران‌جهان.

زندگی ساز

ای کارگر ! ای بزرگر
ای افتخار جاودان !
ای زندگی ساز جهان !
نیروی تو بالنده است
بازوی تو سازنده است
هرگزنمیگردد زوال
این قدرت بازوی تو
نیروی تو نیروی تو

* * *

ای کارگر ! ای بزرگر!
ای افتخار بحرو بر !
ای خار چشم دشمنان !
برخیز دباتو این جهان
گردد بهشت جاودان

* * *

بیتو جهان ویران شود
این زندگی زندان شود
آن دشمن دیرینه ات
آن بای و خان
آن غاصبان
آن دیوانه استثمار تو
آن مایه آزار تو
گریان ، گریان شود

* * *

بر خیز بانیروی کار
باضر بت پتك گران
بابیل و داس
اند رنبرد دشمنان
سر سبز کن این میهنت
این مادر جان وتنت
ای کارگر ! ای بزرگر !

از شگفتی های رنگارنگ جهان

استفاده از نسخه‌های ابن سینا در طب معاصر

آیا طب معاصر می تواند از نسخه ا یکه ده قرن قبل توسط ابن سینای بزرگ نوشته شده است استفاده کند ؟ البته نسخهٔ مذکور بروی پوست حیوانات نوشته شده که اکنون کمپیوتر هر یك از تر کیبات د رون نسخه وبعد تمام تر کیب را بد قت مورد آ زمایش قرار داده وجواب می دهد . اگر چه ا ین نسخه یکهزار سال قبل نوشته شده ا ما نمی‌توان آنرا کهنه بحساب آ ورد .

دانشمندان لابر اتوار فار مکو لـوژ ی انستیتوت خواص طبی نبا تا تیرا کـه تاجکستان از نگاه داشتن آن خیلی غنی می‌باشد مورد پژو هش خود قرار داده ا نـد. به نظر ابو علی سینا ازین نبا تات می‌توان در امور طبی استفادهٔ خیلی و سیع نمود. در تر کیب ۱۵۸ نسخه‌ایکه بمطالعهٔ کمپیوتر قرار داده شد در حدود ۲۰۰ نبات طبی‌شامل بوده و ماشین توانست ا همیت طبی ا کثر این نبا تات را واضح سازد .

به اساس تو صیهٔ ابو علی سینا از جمله ۲۵ جزء مر کبهٔ یکی از نسخه های امراض قلبی فقط سه تای آن معالج مرض بـوده ومتباقی آن مر کبات مسکن وانتی تاکسیك می‌باشند . اصل مو ضوع در آن است که از دیدگاه طب امروزی ادو یهٔ تاریخی د ر ذخیره خود بانداشتن و سایل ثمر بخش وجود خود انسان را بکمك می گرفتند . از وجود مریض پس از جذب دوا در بـدن مواد مضره خارج شده وتمام نیرو های و جـ درجهت بیرون راندن مرض بسیج می‌شدند. فار ما کای جالب د یگر ابن سینادرتکرار

ابوعلی ابن سینا

مرکباتی می باشد که تاثیرات مشابه را دارا بودند . به این ترتیب اگر بدن در مقا بل تاثیرات یکی ازین مرکبات بی تفاوت می‌بود جزء مر کبهٔ دوم یاسوم حتما تاثیر خودرا بالا ی‌بدن وارد می‌کرد لهذا مر کباتی که به اساس پر نسیپ فوق سا خته می شد برای اکثر ارگانیزم هاتاثیر مشترك داشتند .

قسمتی از نسخه های طبی با ستا نـی همین اکنون توسط طبیبان معاصر مـورد استعمال قرار دارد . تحقیقات نه تنهـا در انستیتوت کیمیا بلکه در انستیتوت‌گاسترا- نتولوژی انستیتوت طبی تاجکستان که بنام ابو علی ابن سینا مسمی شده است نـیز ادامه دارد .

یك حیوان بی نظیر

اخیرا در ایالت ما گا دانسك (شمـال شرق شوروی) چوچهٔ هفت ماههٔ حیوا نـی باستانی بنام ما مونت کشف گردیده که در بین هرمی از یخ به شکل اولیهٔ خودباقیمانده بود .

دلچسپی به زندگی این حیوا نات‌نه‌تنها در اتحاد شوروی بلکه در کشور های دیگر نیز درین اواخر ا فزایش یا فته است ، جاپانی ها ، انگلیسی ها ، فرا نسوی هـا پروگرام سیاحت های خاصـی راترتیب داده ازین حیوان عظیم الجثه فلم گیری کرده ر دربارهٔ علت ازبین رفتن این حیـوانـات از روی زمین مباحثاتی را به راه می ندازنـد مثلا- بعضی از دانشمندان عقیده دا رند که **مامونت ها تا آخرین عدد در تله هـا** گیر مانده واز بین رفته اند د یگران می - می گویند این حیوا نات در نتیجه سردشدن قسمت های از زمین مرده اند و غیره . و لی اکثر این تعبیرات هیچگونه ا ساس عـلمی نداشته واز واقعیت دور می باشد .

درازترین انسان قرن بیستم

«گریستو فرگرینر» جوا ن بلنـد قامت انگلیسی یك جفت کفش می خواهد که نمره اش از پنجاه بیشتر باشد و برای گرفتن اندازه های‌تن او دو نفر خیاط قلمـدوش‌می‌شوند، بازهم یا لباسش تنگ می آید یـا بکلی کوتاه .

کریس -۳۱ سال دارد طول‌قدش ۲مترو ۲۸ سانتی و یازده میلیمتر است او هیچ وقت کفش پاشنه بلند نمی پوشد او می گویدهنگام بازی باسکتبال دستم از همه بالا تر می رسد و گول های زیادی می زنم‌دو- چرخه آواز لوله های طیاره سا خته شده‌است‌زینش‌اززمین۱۵۳سانتی‌متر بالاتر است دختر مورد علاقه اوباید حد اقل ۱۸۵ سانتی قدداشته‌باشد.

دختر ها به او می گو یند هی مرد ببین آن بالا ها برف می بارد یانه وقتی به سینمامی نشیند تاسه‌ردیف عقب آن به داد وفریادمی شوند !

وزین ترین انسان قرن ۲۰

این مرد ۲۴۲ کیلو یی روزی یك دفعه بیشتر غذانمی خورد مگرسالی شصت کیلو به‌وزنش ا ضا فه می شود !

جورج مك آری روز بروز هم سنگین تر می شود جورج در هنگام جنگ جهانی دوم وقتی به نیروی هوایی انگلیس پیوست جوانی لاغر اندام ، بلند قدو استخوانی بودوزن او ۶۵ کیلو بود، حالا جورج ۵۲ سال دارد و به رژیم غذایی اعتقادندا رد وی سالها است که در حالت ایستاده پاها یش را ندیده است‌دور کمراو ۱۸۰ سانتی است جو ر ج عاشق سینه چاك فوتبال است.

ودرمیدان فو تبال چو کی مخصو ص به او گذاشته اند.

واقعیت‌های تاریخی

تاریخ ساز مان مر کزی جا سو سی‌ایالات متحدهٔ امریکا ، تاریخ کودتا ها، مدا خلات مسلحانه و قتل های سیاسی ا ست . این مطلب را مقالهٔ جریدهٔ ((ناتی سیاش)) دربارهٔ فعالیت های خرابکارانه ادارهٔ‌جاسوسی امریکا در کشور های مختلف جهان واز آن جمله ا فریقا عنوان سا خته است .

روز نامه خاطر نشان می سازد که سازمان مرکزی جاسوسی ا مریکا یکی از و سایل عمدهٔ سیاست تجاوز گرانه ا مپر یا لیستی ایالات متحده می باشد . این ساز مان‌درراه سقوط دادن رژیم های که به ذوق ا یالات متحده برابر نمی باشد بهر و سیلهٔ ممکن ومنجمله به کشتار ا نسان ها د ست می ـ زند .

روز نامه یاد آور می شود این مو ضوع برای هیچکس پو شیده نیست که‌سی.آی.ای جنایات زیادی را مر تکب شده ا ست تا بتواند آزادی خلق ها ، تما میت ا رضی و حاکمیت ملی حکو مات را در هم بشکند . مثال های چلی ، ایران ، کانگو و انگو لا فراموش ناشدنی است .

روزنامه خاطر نشان می سازد درموزمبیق که جاسو سان سی. آی. ای با نژادپرستان پریتوریا رابطهٔ نز دیك داشت بد نبال از پا در آوردن ر ژیم متر قی و د موکراتیك وازهم گسستن د ست آورد های ا نقلا بی که راه سوسیالیستی را بر گزیده ا ند، تلاش های ز یادی کرده اند .

یك‌عدد عجیب

یکنفر ا ز معلمین پو هنتو ن شهر آتن پایتخت یونان عددی راپیدا نموده که خصایصی عجیبی دارد • آن عدد «۱۴۲۸۵۷» است که اگر در دو ضرب کنیم «۲۸۵۷۱۴» را میدهد یعنی دو رقم اولش ازدست راست‌همان دورقم عدد اولی است •

اگر آنرا درسه ضرب‌کنیم«۴۲۸۵۷۱» میشود یعنی دارای همان ارقام عدد اولی است ورقم اولین رقم آخرین شده است •

حال اگر آنرا به‌چهارضرب کنیم «۵۷۱۴۲۸» میشود یعنی دو رقم آخرین عدد اصلی دراول آمده است •

اگر آنرا در پنج ضرب کنیم «۷۱۴۲۸۵» رامیدهد باز رقم اول در آخیر آمده است •

اگر آنرا در شش ضرب کنیم «۸۵۷۱۴۲» میشود یعنی سه رقم اولی وسه رقم‌دوم عدد اصلی جایشان را عوض کرده‌اند •

اگر در هفت‌ضرب‌کنیم۹۹۹۹۹۹ رامیدهد که خود عدد عجیبی است •

عشق چیست

یك گزارش علمی جدید در باره کشش های عاشقانه

بدون اغراق هشتاد در صد اشعار وادبیات جهان در باره عشق است که البته همه‌اینها درباره عشق بین زن و مرد نیستند و لی قطعاتی نظیر رومئووژولیت یوسف وزلیخا ، شیرین و فر هاد ، وامق وعذرا و . . . . از ناب ترین نوشته ها واشعاری هستند که در ادبیات جهان راجع به عشق بین زن‌ومرد سروده شده و یا نوشته شده اند . با این ترتیب باید گفت که عشق یکی از قدیمی ـ ترین و در عین حال ز یباترین را بطه‌ای است که ممکن است بین یك زن ومردبوجود بیاید و نکته خیلی عجیب در باره آن‌اینست که تا همین اواخر هیچکس سعی نکر ده‌بود پرده از راز ما هیت این احساس برشکوه بردارد و به فهمد که چطور می شود که‌دو نفر عاشق می شود و دل به‌هم میبازند و علل روانی و شیمیائی عشق چیست ؟

محققین در سال های اخیر تو جه خاصی نسبت به این مسئله نشان دادندومخصوصا انستیتوت روانشناسی لندن طی بیست سال گذشته در زمینه بر رسی روانی عشق‌مشغول تحقیق بوده است و نتایج این تحقیق بزودی در یك گزارش چهار صد صفحه‌ای منتشر خواهد شد .

این تحقیقات از همان ابتدائی ا مر ز یر نظریك زن و شوهر که خودبه راستی عاشق یك دیگر ند وهر دو داکترروانشناسی می‌باشند شروع شد . این زن و شو هر ((گن ودیوید ویلسون)) نام دا ر ند در گفتگوی که با این زن و شو هرصورت گرفت این طور بیان داشتند .

اولین قد می که به سوی عشق وعاشقی برداشته می شود ((کشش)) است‌وحرکات چشم و طرز نگاه صورت (اشاره ها)اولین رابطه را بین یك زن و مرد به و جود می‌ـ آورند مردمك چشم ما و قتی با شخصی‌جالب توجهی مواجه می شویم ا تساع پیدا میکند. بزاق بیشتری پیدا می کند ذهن ا نسان در این لحظات با هوش تر می شود ویك حالت بی غمی وشادی که ثمرهٔ با ارزش شیرین زبانی کردن است به انسان د ست می ـ دهد . در چشم ها حالتی ایجاد می شود که بدون اینکه خود متو جه باشیم از سوی شخص مورد نگاه علایم جنسی از خود آشکار می‌کند واین امواج فرستنده نا مر ئی‌بدون کمك کلمه ها می تواند به طرف بفهماندکه از او خوش ما آمده است پس از آ نکه رابطه او لیه بین یك پسر و دختر ازطریق نگاه بر قرار گردید زن شروع به ار زیا بی مرد می‌کند و برای این کار از ضوابطومعیار ها ئی که به طور طبیعی در نهادش وجود دارد استفاده می نماید واگر او را وا جد شرایطی که برای شو هر آ ینده اش معین کرده است تشخیص داد قدم بعدی را بر می‌ـ دارد و باجرات بیشتری خود را به طو فان عشق می زند .

البته نباید تصور کنید ار زیابی د ختر مدتها وقت می گیرد . او این ارزیابی را فقط در عرض چند ثانیه پس ازان که نگاه معنی دار بین او و پسری رد و بدل شد انجام مید هد به هر حال اگر نتیجه ارزیابی مثبت بود قدم بعدی که آ شنائی بیشتراست خود به خود بر داشته می شود . بر رسی نشان داده است که اعمال غریزی ا نسان در این مرحله همیشه به نوعی استد لا ل منطقی ا ست (منطقی از نظر خو د ش) و این ارزش یابی و قتی مورد تائید غرایز ونهاد د ختر قرار می گیرد که لا اقل (۶۰) در صد از شرایط پسر مورد نظررابا‌امکانات روانی وامیال خود قابل تطبیق تشخیص‌بدهد تجربه ثابت کرده است که نگا هدا شتن جانب احتیاط در ابراز علاقه ای که در نهاد شخص پیدا شده است موجب می گردد که ین عشق پخته و کا مل بشود و سا لیان متمادی دوام بیاورد به این ترتیب به دختر ها و پسر ها واقعا تو صیه میشود که د ر جاده عشق با تمام شکوه و جلالی که دارد خیلی تند نرانند وهم چنان به عشق های نوجوانی تن در نه د هند و بهتر است‌برای «ارزش یابی» عشق در نگاه اول کمی‌صبرو حوصله بخرج د هند گا هی او لین فکر و اولین ا حساس بهترین فکر و ا حسا س نیست .

اهمیت عشق برای مرد ها خیلی بیشتر از زن ها است . در یك مصا حبه که باگروهی از د ختران انجام شدوقتی از د ختر ها پرسیده شد که اگرمردی واجد ویژگیهای مالی و فزیکی مورد نظر شما با شد و لی شما او را دوست نداشته باشید آیا حاضر هستید باوی از دواج کنید یانه . دو سه‌نفر آنها گفتند . و قتی‌شرایط مالی و فزیکی ر دارابود ممکن است کم‌کم عا شقش بشوم. در حالیکه و قتی همین سوال از پسر ها به‌عمل آمد جواب دو سه نفر از ایشان منفی بود وگفتند . ((اول عشق و بعد شرایط ما لی وفزیکی .))

باقیدارد

هنر و مردم

د ۱.۱ ژباړه

بارتوك بلادمجارستان يو موسيقي پوه

« اى وطنه ، كه نن ونه پاڅيدى، نو يواڅى به دو مره مجال پيداكړى چى دخپل قبر شناخته و ليكى ... » (شاندور پتوفى) .

دا د شاندور پتو فى آواز دى دهغه خوانيمر گ شاعر آواز چى خپل له شوره دك سر يى دخپل سپيڅلى وطن، پەخاطر په ميړانه وښنده او دزړه ورو او انسان پالونكو ځوا نيمر گو شاعرا نو لكه پوشكين، لرمنتو ف، گار سيا لور كا ، بتوف او با يرون په ليكو كى يى خپل نوم دا بدى ويار ، د بشريت د عظيمى اونه فنا كيدونكى كورنى په لړ كى و ليكه هو ، د شاندور پتو فى آواز ، دهغه شاعر آواز چى انسان ور باندى گرا ن ؤ، دانسان اسيرو ل و رته ننگ ايسيده، خپل ځان، خپل شعر،خپل سر ، خپل روان ، اوخپله وينه يى دخپل مجارستان او بشريت د آزادى او عدالت په خاطر و ښندل او څه په ميړانه يى وښندل .

كه شا ندرو پتو فى دشعر جرس او دحماسى ترانو ناقو س د آزادى د كاروا ن مخى ته ذطلا يى‌په توگه و شر نگاوه ، نو دا آواز، دمجارستان د زړه ور ولس يوستر انسان پالونكى موسيقى پوه‌اوآزادى غوښتونكى مبارز ، بارتوك بلادخپلو آهنگونو، خپلو سمفونيو او خپلو له شوره ډكو كنسر تو نو سره لا او چت او رسا كړ اودپتو فى دشعر تو ره يى لا پسى وخلوله .

وايى چى دنړى ستر هنرى او ادبى شا هكار ونه تل دولسو نو له فو لكلور او دخلكو د فرهنگ له سر چينى څخه خړو بيړى او دغه خبره په تيره بيا د لويديځى كلا- سيكى او نه فنا كيدونكى موسيقى په برخه كى رښتينگى لرى .

همدا و جه ده چى دارو پاډيرو سترو مو سيقى پوهانو، لود ويك فون بتهو فن . شوبرت ،شومان ، چايكو فسكى ، شوپن، ليزت ،كور- ساكوف ، بورو دين ، او در ژاك د خپلو خپلو و لسو نو د فو لكلورپر بنسټ ډير عظيم شا هكار ونه او جاويدانه آثار منځ ته راوړى دى او له ځانه يى په ياد گار پريښى‌دى .

اوداسم هغه كار دى چى د مجارستان ستر مو سيقى پوه بار توك بلاهم سر ته رسو لى دى. بدى معنى چى بار توك هڅه و كړه چى دمجارستان موسيقى دارپا د مو سيقى له معيار ونو سره برا بره كړى او داسى يى وروزى اوتلطيف يى كړى چى دخپل ولس او جهان دمو سيقى د گنجينى د شتمنى‌سبب شى .

هو ، دا كار بار توك بلا وكړ او په ډيره شايستگى سره يى وكړ . هغه بار توك بلا چى نه يواڅى يى دمجارستان ولس سلمه كا ليزه نمانځى ، بلكه بشريت دهغه انسانى اوهنرى مقام ته سر ټيټوى‌اودرناوى يى كوى او په روان كال كى دنړى په سو يه د كنسر تونو په‌ترتيبولو، او دموسيقى د پرو گرا مو نو په اجراء كولو سره دهغه شخصيت او خلاق كار نمانځل كيږى .

بار توك بلا په ۱۹٤۳ كال كى

بار توك بلادخپل هنرى‌فعاليت له پيل څخه دمجارستان د خلكو دفو لكلور نا پايه سر چينى ته‌متوجه شو او له همدى كبله يى دهمد غه شتمن فولكلور پر بنسټ‌دمجارستان دموسيقى دبشپړ ولو په كار پيل وكړ . هغه دخپل يوه بل ملگرى زولتان كو دالى په ملگر تيا په مجارستان كى يو لړ سفرونه و كړل او دخپل هيواد له فو لكلور يكى موسيقى سره آشنا شو . او بيايى دهمدغه ملگرى په مرسته دخلكو مو سيقى او فولكلور يكه مو سيقى ثبت كړه . زو لتان كو دا لى نه يواڅى د فولكلور يكى مو سيقى په برخه كى له بار توك سره مرسته وكړه . بلكه له هغه سره يى دكمپو زيشين دستو نزو په حل‌كى مرسته و كړه .

بار تو ك دسلو واك او رومانيا دمو سيقى تر پيژند لو وروسته پدى حقيقت پوه‌شو چى ددانيوب دناوى اوسيدو نكى گډ اړ خونه لرى او فرهنگ يى تر ډيره حده سره‌گډدى.

بار توك بلا دپيا نو غږ و لو په حال‌كى

دبار تو ك بلاله هنری خلاقیت خخه ډك کار ، هغه وروسته تر لومړی جهانی جګړی‌په پراخه پیمانه‌شهرت ته ورساوه .

وروسته بیا بار توك بلاد دیر شو کلو نو لپاره دبودا پست دمو سیقی په اکا دیمی کی دپیانو استاد پاتی شو . هغه دروانی پیړی په سر کی یو زیات شمیر آهنګونه د زیار ابستو نکو لپاره جوړ کړل. خو دعمر تر پایه پوری دخلکو فرهنګ او فولکلور یکی مو سیقی ته و فا دار پا تی شو او خپله مینه او علاقه یی ورسره وښود له. هغه دمجارستان داصلی او فولکلوریکی

مو سیقی‌دریښو دموند لو اوپیژندلو لپاره پراخی هلی ځلی وکړی او وروسته بیا یی د ګاونډیو هیوادو دافریقی د شما لی هیوادو او ترکی دمو سیقی په زده کړه او پیژندنه

پیل وکړ . هغه ګاونډیو هیوادو ته سفرونه و کړل . هغه درومانیا په غرنیو سیمو و ګرځید او دسلوواك کلی او باندی یی و لیدی اودتر کی قبایلو له غرنیو خلکو او کوچیانو سره آشنا شو .

د « لر ګیو د شا زاده» ،«خلاق منورین» ،« داوبو درایش مانی » او داسی نور آثاریی خورا زیات‌شهرت لری .

دبار توك موسیقی پوه ملګری زولتان کودا لی دهغه د آثارو په باب لیکلی دی چی نه د موسیقی او ر یدونکی اونه منتقدین ، بار توك **دداسی مانی په خیر نه پیژنی چی‌اوه** درواری لری خو دا دروازی دی‌قلفی کړی شوی وی » د کودا لی دخبرو مقصد داد ی‌چی دبار توك دمو سیقی په آثارو ټول خلك په ډیره سادګی سره پوهید ل .

او اما نړیوال د بار توك‌بلادوه **خیری پیژنی : بار توك دیوه هنرمنه** او مو سیقی پوه په توګه : بار توك دیوه مبارز شخصیت ، انسان‌پا ـ لونکی اودعدالت او آزادی د لا ری د جنګیا لی انسان په توګه .

لویدیځی پانګو لی او دامپریا لیزم مستعمراتی سیستم زمو ږ سیاره دوه ځله له عظیم مصیبت او فاجعی سره مخا مخ کړه او دوه‌ځله یی په نړی کی داسی اورو لګاوه‌چی مقصد یی زموږ د سیاری په اور او وینو کی لمبول ؤ .

پاتی په ٦٠ مخکی

بمناسبت صد مین سالگرد

انا پاولوا

قوی جاودان

ترجمه مهدی شفا

انا پاولوا ملاحت سحر آمیز این نام همردیف هنر عالی قرار گرفته در طول ز مان ا همیت خودراازدست نمی‌دهد . حر کات خارق العاده در رقص پاولوا برای معاصرین داستان های بیشماری در باره رمز هنر او بوجود می آورد .

زمانیکه از با لیرین سوال شد شهرت آ فا قیش را در چه می بیند به سادگی پاسخ داد که«درصمیمیت به هنرش » . واقعا احساس واقعی وعمق پر معنی هنر او نشا نهٔ آن پدیدهٔ هنری کلتور میهنی بود که لازم می افتد از تعیین پوشکین ذکر کنیم « روح در حال پرواز است ». مربی آموزشگاه‌تیاتری پیترسبورگ اناپاولوا از کودکی سعی می ورزید تاسنت های پر افتخار مکتب رقص کلاسیك روسی‌را جذب نموده‌تهداب پیشین را در صحنه های معا صر تطبیق کند . ز مانیکه این بالیرین در صحنه تیاتر ماریین می ر قصید همه غنای رقص کلاسیك را در ك کرد . منقدین آ وا نیکه هنر ر قص او را بر رسی می کردند نه تنها کمال تخنیك رقص او را بلکه‌خارق‌ـ العلادگی نقش .اوج الهام سحرآسای سبك واستعداد او را در ترسیم پلاستیك پانتو میم د را ما تیکی ستایش می نمودند .

البته به دارندگان بسیاری ازین خواص ر قا صان آنوقته بود ند که واقعیت زیباشناسی را در طو ل قرن نوزدهم دارابودند ، و لی‌بپایهٔ جهان بینی روا نی و هنری‌اناپاولوا نمی‌رسیدند . درتیوری او ایدیال رومانتیك ترسیم شده ودررومانتیزم او شور روانی نهفته بود .

بالیرین تراژیدی شخصیت‌را به سرعت احساس نموده بطور جبران ناپذیر آ هنگ را بصورت دلخراش باتضاد های اجتماع احساس‌مینمود. روش با لیرین بیشتر بمو ضوعا ت هنری اکترس دراموی ویرا کمیسار ژفسکایا همنوائی داشت .

استعداد هنر مند بر جسته مانند اناپاولوا در چهار چوب کهنه ـ پرستان موافق نبود ، در سال۱۹۰۵ که جوان بود ولی به آ زادی هنری اشتیاق داشته بین کسانیکه‌رهبری آرتیستان بالت را به عهده داشتند درینمورد تقاضای زیادی تقد یم نمودند و بعد از شکست انقلاب‌اول روس پاولوا مانند فو کین و دیگران به صحنه تیاتر محبوب‌شان‌برنگشته مدت زیادی در خارج سفر نمودند. آغاز جنگ جهانی اول بکلی اورا از وطن جدا سا خت .

زندگی اناپاولوا در سفر های دور ودراز ی‌سپری شد.اوافتخار جهانی را حاصل نمود و لی برای بالیرین از پرو پاگند هنر عالی بالت روسی مهمتر چیزی نبود . در هر جائیکه بود در اروپا وامریکا، جاپان وچین ، برما و هند ، مصروآسترلیا همه جا دلچسپی به ر قص کلاسیك پیدا کرد .

بعد از مسافرتش در بسیا ری جاها ستود یو ها ، مکاتب وگروهای بالت زیادی بو جود آ مده پاولوا در کوچکترین شهر ها و قرا به هنر رقص مصرف شده می خواست تابا هنرش اکثر مردم آشنا شوند . بالیرین میگفت « میخواهم برای همه برقصم ...»

بقیه در صفحه ٦٠

موسکا

«(آ) ته تقدیمیږی .» الف. الف

تو ر ی غټی غټی خما ر ی‌سترگی یی زما تو جه جلبوی . ور نژ دی کیږم . ښه ور ته گورم . نه !اشتباه می نده کړی . سره نښتی تو ری گڼی ور وځی ، یی دی . جگه نری پوزه چی چار گل یی پی ټو مبلی . غنم وزمی گرد مخ او هسکه غاړه، سری چاودی شونډی . له پیکی‌نه‌یی ټیك ځو ړند دی او توری اوږ دی کوڅی‌یی دمټو په اوږدوکی د مجنون بید په څیر راخوری دی .دتورکمیس گریوان یی شکیدلی دی او زما نظر لاپسی خپلو تر کمیسه لا ندی ښکلا وو ته ور کاږی .

په داسی حال کی چی موسکی‌ده خو دمو سکیو شونډو د پاسه یی زه‌دیوی ترخی‌خندا سیوری و ینم . دهغی شا ته لری ، یوه توره زړه کیږدی ده . یو اوښ هلته لـــری دکیږدی کین ا ړخ ته په گونډو دی او ظاهرا شو خندو هی ، یوه بو ډی پر توری تبی باندی‌ډو ډی پخو ی او دکیږدی ښی ا ړخ ته څو وزی گرځی او لکه چی دو زو خوا ته د ولاړ غټ او لنډی سپی نیت هغوی ته ښـــه نه وی .

هو ، دا کوچی‌ده . زما خپلـه کوچی ، زما دخپل وطن کوچی ، لکه چی په چو کاټ کی یی زړه تنگ شوی وی . بیا هم ما ته گوری اولکه چی ست غواړی . زه ست ور ته‌کوم چی را وو ځه چی را ووځه خبری سره و کړو . زما هم زړه دلته‌تنگ دی . زه هم ستایو و طنوال پردیس یم . راته وایی :

ـ دلته څه کوی ؟

ځواب ور کوم:

ـ نه پوهیږم . دنیا لو یه ده، زه هم ستا په شان لا لهانده گرځم.

بیا هم ترخه موسکا. ډاریږی، یا خو شر میږی چی راووځی. له‌گڼه گوڼی څخه ډاریږی . ښایی هـــم دسا لون‌له گڼه گوڼی څخه ډاریږی . او ښایی هم دسا لون تودو خه ، دسیگار د لو گیو او دو یسکی تند بوی ، د ښځو او نارینه و له خو لو سره د عطرونو د گډوشـــویوډډوزو احساس ور ته گرا ن دی او طبیعت یی ور خرابوی .

دلوی سالو ن د چلچرا غو نو تیږه ر ڼا یی ستر گی ور بریښوی هره خوا د ښځو د ډیرو قیمتی‌جامو څنډی دی چی د هر وار تایـدو ا و نازو نخرو سره څپی وهی. د دغـو ښځو په ستر گو کی داقناع شو و هوسونو او شهوا تو نښی له‌ورایه ښکاری . هروار چی دخپلو شرابو له جا مونو څخه غړپونه و کړی نو خپلی سری او له شهو ته ډ کـــی شونډی په ډیر ظرافت سره پـــه سپینو دو سمالو پاکی کړی . ز ه دکو چی لالهانده ستر گی و ینم‌چی په تلوسه ، هغه کاغذی پاســـته دوسمالو نه څاری ، چی دغه ښځی یی وروسته دخپلو شونډوترپاکولو هیسته په یوه ټوکری کی غورځوی. زه هما غسی و لاړیم او دکو چی ستر گو ته گورم . ورو پوښتنه تری کوم :

ـ نوم دی څه دی ؟

په موسکا ا وشرم سره‌ځواب راکوی :

ـ موسکا .

په سالو ن کی ټول نا ست‌او ولاړ میلمانه ، ښځی او نارینه ، ځوانا ن او پیغلی اوماشوما ن پـــه بی غمی سره خبری کوی ، یو گورم چی دیو ی ښکلی ښځی چی طلایی ویښتان یی دی ، په غاړه کی لاس اچوی اوخبری ورسره کوی . او کله کله یی په اننگو باندی ښکل کړی . په زړه کی وایم چی کاشکی دغه صحنه موسکاونه وینی .خووینم چی دموسکا پر تندی باندی دشر م او حیا خو له‌ځلیږی.بله خوایوځلمی وینم چی دیوی پیغلی په لنډوخرمایی څڼو کی گو تی تیروی او ورو ورو یی په غوږ کی دمینی سندری وایی. دموسکا خمارو ستر گو ته گورم‌چی په‌یوه ټکی باندی نښتی وه او لکه چی له ځان سره سوچ کوی :

ـ منگی یی پر اوږه نیو لی‌دی. گودر ته روانه ده . هلته لـــری شپونکی د گودر خوا ته یو ی ونی ته تکیه کړیده او له سوزه ډ کـــه شپیلی غږو ی . موسکا ورو ورو ور نژ دی کیږی او ځلمی شپونکی شپیلی بندو ی او په موسکیوشونډو ور نژ دی کیږی او چی موسکاداحال وینی نو ژر تر ینه‌تښتی او شپونکی تر شونډو لاندی زمزمه کوی :

ـ د گودر هربو ټی دارو دی.

چی یی لگیږی د جنکیو پلونه ...

او په موسکا پسی منډه اخلی. وینم چی دموسکا شونډی ر پیږی‌او لکه چی له خو به پا څیـد لی وی ژر ژر خپلی ستر گی رپوی . ددی اوږده فکر مزی یی په سالون کی دیوی مستی پیغلی کټ‌کټ او سند- ریزه خندا ور پریکوی چی دیوه‌ځوان په کومی خندنی خبره ، باندی داسی بی دریغه خاندی .

موسکا ما ته گوری . لکه چـــی پوښتنه کوی :

ـ څه چل دی ؟

زه هم نه پوهیږم . څه ځواب ور ته نلر م . یو ځل بیا ست و رته کوم :

ـ راوځه کنه !

دا وار لکه چی زړه وره شوی وی ، په شرم شرم سره ورووروو رانژ دی کیږی . خپل چاودی او خیرن لاسونه تر ټیکری لاندی‌پټوی. له لا سونو څخه یی دغو شیو سوړ بوی‌لگیږی. چی‌هره‌خواستر گـــی غړوی وینی چی دټولو ښځواونارینه ؤ ځوانانو او پیغلو لا سونه تـــك سپین ، پاك او عطر جن دی .له‌خپلو خیرنو لا سونو څخه سخته شر - میږی .

هره‌خوا چی ستر گی غړ وی وینی چی دټولو په لا سونو کـــی دویسکی جا مونه دی . ورو را ته وایی :

ـ دلته به څوك یو جام او به رانکړی ، تږی یمه !

او به ور ته راو ړم . شا اړوی په سر باندی لاس ږدی ، او به‌څښی او بیا شکر کاږی . په خیرن‌لستوڼی باندی خپلی شو نډی پاکـــو ی او ورو پو ښتنه را څخه کوی :

ـ دا څوك دی ؟

شاوخوا ته می گورم چی آیـا دچا را ته پام دی که‌نه ؟

ځواب درکوم :

ـ داخار جیا ن دی . . .

نه پو هیږی. حق هم لری چـــی ونه پوهیږی . دیوه اوږده سفر په ترڅ کی یی مور د سفر په سوزنده د ښته کی ز یږو لی ده او ترهغویی چی ځان پیژند لی دی ، وچ او له ځوځانو څخه ډك ډاگو نه ، غرونه‌او کمرونه ، سیندو نه او کږ لیچونه یی لید لی دی . توری کیږ دی اود او ښانو کاروانو نه .

کو ښښ کوم چی هغه وپو- هوم . خوسر یی پدی خبره نه‌خلا- صیږی . پوهیږم چی دا «خارجیان» هم انسانان دی خو دهغوی لاسونه ولی ښکلی او پاك دی، و لی یی‌جامی نوی او پاکی دی ، و لی یی لاسونه اومخونه سره او سپین او تنکی‌دی، ولی یی دماشومانو لا سونه خیر ن او چاودی ندی ، و لی یی شکید لی جامی ندی په غاړه، ولی سره او سپین دی او په سل گونی نوری پوښتنی . . .

هر چا ته په ویره ویره گوری. دښځو گا ڼی چی تر چلچرا غو نو لاندی ځلیږی او دسپینو غـا ړو غاړ کی او د ښکلولا سونو د سرو زور بنگړی‌یی سترگی و ربریښوی ښځه ذات ده نو . په اول نظرکی‌یی ستر گی پر گاڼو نښلی .خو له یی ټولو ته وازه ختلی ده. پوښتم یی :

ـ بهر ته نه ځی ؟

ژر موا فقه کوی :

ـ دلته می سا بندیږی، درځه چی ووځو !

غواړم چی له اتم پوړ نه یی په لفت کی را کښته کړم. لفت ته ور ننو ځو. دبد گمانی نښی یی په ستر گو کی وینم . خو زه ژر ډاډ ورکوم :

ـ پدی « ماشیـــن» کـــی ژر کو زیږو !

پوښتنه کوی :

ـ دا څه شی دی ؟

او تر هغو چی زه ځـــوا ب ور کوم لفت مخ په ځوړه او کښته ښوئیږی. دموسکا له مری نه له ویری او تعجب نه د ډك خوندکړیکه خیژی . خو زه ور ته وایم :

ـ دا لفت دی . په بریښنـــا باندی چا لا نیږ ی .

بیا هم نه پو هیږی . فکر می ندی . پښه یی ت رپښی لاندی‌کوم. چیغه کړی :

ـ ژو بله دی کړمه .

او چی کښته گو ر م نو و ینـــم

ژوندون

چی پښیبله ده . خیرنه پښه یـــی زما تر پښی لاندی چیته شویده .

له لفت‌نه را وخو او په بازار ور ګډیږو . ار ت واټ دی چـــی موټران سره کتاریو په بل‌پسی‌روان دی . دواټ دواړو غاړو ته دنګی او ښکلی ماڼی در ید لی دی اونیونی لو حی ستر ګکو نه وهی . زه هڅه کوم چی و یی لولم :

ـ د « ستورو رستورا ن» ، « د طلا یی چرګ‌تیاتر» « مو لن‌روژ» « د عیش دنیا» ،« دعلاء الدین‌خراغ» « طلایی باد بان » او ... او ...

موسکا له لاسه ټینګ نیو لی یم. ډا ریږی چی و رك می کړ ی . دهټیو د ښیښو او هیندارو له شانه دښځو تصو یرو نه ستر ګکونه‌وهی. خراغونه بلیږی او ټپیږی . رستو- رانو نه ، خلك دربو لی . سره‌کړی چر ګان د ښیښو له شا نه په‌لوښو کی ایښو د ل شو یدی. او ز ه وینم چی‌موسکا د ډیری و لږی له ز و ر خپلی لا ړی تیروی . ..خو ګا مه ها خوا : د سکس خونه ...

دلو خو او بر بنډو ښځـــو تصویرونه اودمین دلالان .هڅه‌کـوم چی دموسکا ستر ګی پرهغو و نـه لګیږی . خو بیا یی هم وینی او په غریزی شرم سره مخ هیسته ت ری اړو ی اوما ته هم څه نه وایی . ښی لاسته یوه تیاره کوڅه ده . وینم‌چی تر نیمایی پوری لوڅی اوبر بنډ ی ښځی ناستی دی‌کچه خنـدا و ی کوی او ګپ و لی . داخل موسکا طاقت نکوی او پو ښتی می :

ـ دوی د لته څه کوی ؟

نه پوهیږم څه خواب ور کړم. خو درو غ هم ور ته نه شم ویلی . په لنډیز سره وایم :

ـ دا بدی ښځی دی ....

ور پیا دیږی :

ـ یو خل می له آبا سره‌کښته په « بنګال» کی ښار ته تللی وم. دغسی ښځی یی را ښو دلی وی او را ته ویلی یی و چی دا بدی ښځی دی . آرا مه سا کاږم او په زړه کی وایم :

ـ خدایه شکر چی له غمه یی خلاص شوم .

نژ دی ما ښام دی چی د ښار له‌مرکز څخه ورو ورو مخ په کلیو خو ځیږو . دسویس طبیعت او پـه تیره بیا دلو زا ن ښار ډیر ښکلی‌دی همدا چی له کوچنیو واټونو څخـــه تیر شی نو د شنو او په‌ګړوځنګلونو پټی غونډی دی نظر جلبوی چـــی مار پیچ وا ټونه پکی ایستل شو ی دی او دغ ونډیو په سرو نو او لمنو باندی شلی (دلر ګیو ماڼی) پر تی دی . دغه کلی ډیر ښکلی او زړه را ښکونکی دی .

پر ځنګلو نو او غونډو باندی نظر غړو م . موسکا می تر مټی‌نیولی ده . ددغو کلیو او غونډیو په با ب خبری ورسره کوم . ځاځکی اور ی اودموسکا په خپل تورټیکری کـــی ځان نغاړی او را ته وایی :

ـ یخ می کیږی . .

زه ډاډ ورکوم چی یوه تاوده ځای ته به و لاړ شو او هلته بـــه خوراك و کړو . هغه ما پوښتی :

ـ دلته هم نجو نی په زوره و دیږی ؟

ـ یعنی څه ؟

ـ زه‌په تعجب سره پوښتنه ور- څخه کوم .

ځواب راکوی :

ـ په موږ کو چیانو کی خورادود دی چی یا به نجونی په وړکتوب کی ورکوی او یا به یی په زور ودوی .

ـ عجیبه ده !

ـ و لی ، تا ته دی خپل ملك ندی معلوم ؟

زه په بیړه موا فقه ور سره کوم :

ـ همداسی ده ، خدایږو . زما هډو فکرنه و، همدا اوس‌زماانجلی را ته ستر ګی په لار نا سته ده .

موسکا را ته وایی :

ـ زه می هم پلار په وړکتوب کی خپل تربور ته ور کړی یم ..

ښایی په لنډو ور ځو کی زموږ واده وی ...

زما نظر بیا هم د لرګیو ما نـی، خواره واره کلی او په شنو ځنګلونو پټی غونډی ځانته ور کاږی خـــو دموسکا په خبره سوچ کوم .داوخت دلر ګیو کورونه او ماڼی داسی راته ښکاری لکه چی توری او خوری وری کیږدی وی . ..

د آ لپ له څوکونه یوه سپین بخنه لړه پردغو کلیو باندی خپره ده . اوما ته داسی ترنظره را ځی‌چی دکیږ دیو څخه لو ګی پور ته وی. دخپل هیواد د کو چیانو ژوند مـی سترګو ته دریږی او تصور کوم چی دا لو ګی د هغو اورونو څخه پورته دی چی تر تبیو لاندی بلیږی اوډوډی پخیږی . . په حسادت سره موسکا پوښتم :

ـ سړی دی ښکلی دی ؟

تندی تریو کړی او خـــواب راکړی :

ـ دا سی ښکلی لکه ده« آدم درخو» په نکل کی آدم خان .

د سترګو له کنجه می ځاری اوزما حسادت‌لکه‌چی خوند ور کوی.

او مو سکا دوام ور کوی :

ـ دنګه ونه ، توری ځنی، غټی غټی ستر ګی لیندی او ګنی وروځی او خیا لی بشره .

ارت ټټر او کاږه بریت...

او زه د غه تصویر خپل ذهن ته سپارم .

ـ څه نو میږی ؟

زه موسکا ، په‌خپه مری او هیجان سره پوښتم .

ځواب راکو ی :

ـ کجیر !

او زه یو ځل بیا په خپل ذهن کی د کجیر تصویر را ژ وندی کوم. خو په همدی وخت کی وینم چـــی همدغه کجیر دیو ی کیږ دی خوا ته ټوپك په لاس و لاړ دی . او زمـــا خوا ته ننبه نیسی . هیڅ نه پوهیږم چی څه چل دی ؟ په تعجب سره‌وینم چی موسکا زما لاس پریږ دی او د کیږ دیو خوا ته منډه اخلی. نه پو- هیږم چی څه نکل دی . دموسکاپنه په تور ټیکری کی ورو ورو لری او کوچنی کیږی . مخ می ځوان کو چی ته ا ړ وم . په همدی وخت کـــی کو چی ډز را باندی کوی. دټو پك‌له شپیلی نه خړ لو ګی پور ته کیږی د ځوان کو چی د ټوپك ډز می را په سد کوی او چی مخ می بیر تـــه سالو ن ته ا ړ و م ، و ینم چـــی دموسکا ځیره په چو کاټ کی راته موسکی مو سکی کیږی .

دننه په سالو ن کی د ښځواو نارینه وله شوره‌ډکی او سند ریزی خنداوی خپری دی .

هلته یو پیشخـد مت د شا- مپانی دنوی خلاص شوی بو تل له مری نه ګوټ ګوټ شراب تو یوی چی پر ملمنو یی وویشی...

برن ـ د۱۹۷۸ مارس

دګوم لیګین کلی .

پیوسته بگذشته:

با اتحادیه نویسندگان آسیا، افریقا آشنا شوید

کامل باشن دراماتیست ونویسنده انساندوست

انعقاد ششمین کنگره نشا نداد که نویسندگان آسیا ـ افر یقا در بیدار ی خلقها ی سراسر جهان و هم در شناسایی فرهنگ و اد ب آسیا وافریقا موفق بوده اند ،آنها درین جلسه ایما ن راسخ دا شتند که در آینده کار شا ن دل گر م کن ترخواهد بود وباخوش بینی بـــه آینده کار ها ی شانرا دنبـــا ل خواهند نمود .

کار ششمین کنگره اتحا دیـــه نویسندگان آسیا ـ افریقا نشا ن داد که جها نیان متر قی تصمیـــم دارند باهم باشند . امروز نو یسند ـ گان زیادی ازنسلها ی پیر وجـوان از آسیا وافریقا گرد هم آمده اند. ایندو نسل برای حفظ نژاد انسانی حفظ صلح، کار می نمایند . تقلا ی آنها رسید ن به یك صلح عادلا نه در سراسر گیتی است . آنها برضد زور گویی ها تروریسم ، استعمـار استثمار ، تجاوز جنگ‌طلبی‌ونظامی گری ومسا بقه تسلیحی غر ب آماده هرنو ع مبارزه اند تانسلها ی‌آینده خوشبخت تراز امروز باشند .

بشر امروز ی از خطرا تی‌کـــه جهان مارا وزند گی فر زندا ن‌آینده مارا تهدید میکند بایستی با خـبر شوندتا در مقابل این خطرا ت قد علم کنند ،پیش از آنکه‌خیلی دیـر بشود بشریت را از نابودی رها یی بخشند . این کار را نویسند گـان آسیا، افریقا بدرستی انجا م داده‌اند در آثار این نو یسند گا ن‌رهنمود های برای رسید ن به صلح جهانی وهشدار به جهان سرمایه‌آمده‌است.

در ششمین کنگره ادبا ی آسیا ـ افریقا ، انتو نیو فرانکا عضوبوروی سیاسی حزب کارگر انگولا، کا میل یاشین رئیس کمیته تسا ند نو ـ یسندگان شورو ی بانو یسند گا ن آسیا ـ افریقا ، انترو ابر یومعاون رئیس اسامبله عمو می اتحاد یه نو یسندگان انگولا ، مانویـل رو ی مانتریو ، ابو سلما شا عر فلسطینی داکتر بهی شام سا هنی سکر تـر جنرال فدرا سیون نو یسند گـــان مترقی هند ، ماریا اژنیا نتو شا عر ونویسنده انگولایی، البرتو ا گـــو ستنهو نتو رئیس حزب کارگر (ام ـپ‌ـال ـآ) ورئیس جمهور انگو لا الکس لاگوما سکر تر جنرا ل‌انجمن نویسندگان آسیا ـ افریقا از کار کنگره وفعا لیت اتحادیه نویسندگان ابراز رضایت کردند وکار ایـــن نویسندگان را ستودند .

احزاب کمو نستی کشور ها ی مترقی ،احزا ب سوسیا لیستی‌کشور ها ی سو سیالیستی چون اتیو پیا و منگو لیا ،سازمان صلح جها نی، اتحا دیـه نو یسند گـا ن کمیتـه همبستگی نویسندگان آلما ن دمو ـ کراتیك بانویسندگا ن آسیا ـافریقا رئیس موسسه . بین المللی کتا ب برای جوانان با فرستاد ن پیام‌ها ی شادباش همبستگی شانرا بااتحادیه نویسندگان آسیا ـ افریقا اعـلا م کردند .

نویسندگان آسیا ـ افریقـا در اجلا سیه ششمین کنگره مجـــمع نویسندگان آسیا ـ افریقا ابـراز داشتند :

مانو یسندگان آسیا ـ افر یـقا برای این گرد آمده ایم تا در اشاعه بهترین ایدال های انسا نها یکبار دیگر حرف بزنیم واز موقف انسان وانسانیت حر ف بزنیـــم و از آن دفاع‌نماییم . ما گرد آمده ایم تـــا برای تعمیم صلح جها نی بکو شیم مابا هم هستیم تا نقا ب از چهـره امپریالیزم ، صهیونیزم ،را سیز م کلونیا لیزم ونیو کلو نیا لیـزم و آپار تاید بیفگنیم و آنانرا رســـوا نماییم .

ما از تحدید سلاح اتمی باامضای قرار داد سالت ۲جانبداری‌می‌نماییم امروز هر نویسنده ویا نقا شی به خواسته های اثری که آنراخلق‌کرده است باید از انسان و محیط اشـــ هوا داری کند وبداند که انسا ن امروزی به یقین به صلح و آرا مش نیاز دارد .

نویسندگان امروز ی بایستی‌رسالت هد فمندخویش را که حفا ظت انسان وانسانیت ودفا ع ازصلح‌است‌انجام بدهند از گفتار بی معنی بپر هیزند وعاقلانه بیند یشدند و قلم را در ابراز واقعیت هابه کار بگیر ند .

در جریان بیست سا ل گذ شته از شرو ع تاسیسین اتحادیه نـو ـ یسندگان آسیا ـ افریقا کار ما فوق العادگی خاصی داشته است و از جانبی هم دست آوری های ما در حفظ صلح و شنا سا یی دزدان‌صلح امریکا و دستیارا نش پیروزمندا نه بوده است .

با افتخار ورضایت میتوا نیـــم ادعا بکنیم که ادبیا ت آسیا،افریقا خود پربار است وبا ید برای‌بهسازی آن خیلی کار کرد . وآنرا زنـــده نگهداشت ، نویسندگا ن آسیا ـ افریقا بین هم وجها نیا ن بیگا نه نیستند . کار ما حفا ظت از کار و همکاری با نو یسند گان متر قی و سوسیا لست جهان است .

امروز نویسندگا ن خیلی جوا ن پرکار عضو یت افتخار این‌اتحادیه را دارد آنها بـرای امروز و فـردا می نویسند . واز انسان ، انسانیت صلح پایدار ی گیتی حرا ست‌می نمایند .

گنجینه های ادبیا ت آســـیا و افریقا پربها است و به مـردمـان سراسر جهان متعلق است . مـــا معتقدیم اشترا ك مسا عی آنها در ادبیا ت معا صر آسیا ، افریقا کمك به سزایی می کند .

آری ادبیا ت فردا ی ما غنی تراز امروز خواهد بود .

نویسندگا ن متر قی سی وهفت کشور مترقی جهان درین اتحاد یه سهم دارند :

افغانستان ، الجریا ، اتحاد شوروی انگولا، بنگله‌دیش ، بی‌نین، کانگو، مصر ، ایتوپیا ، گانا ، گینی ،هند اندونزی ایران، عراق، جـــا پـان، کینیا ، لبنان ،مدغاسکر ، ما لی ، منگولیا ، مورا کو ، موزنبیـــــق ، فلسطین ، جمهوری دموکرا تیك‌یمن جمهوری مردم کوریا ، سنگا ل ، سیرالیون ، افریقا ی جنوبـــی ، سریلانکا ، سودان ، سوریه ،تونس ترکیه ،ویتنام، زمبیا ،وزیمبا بوی.

لوتس ارگان نشراتی :

مجله لوتس ار گا ن نشرا تـی نویسندگان آسیا ـ افریقا در چهار ماه یکبار تـوسط بیروی ا نجمـن موقتی نویسندگا ن آسیا ـ افریقا نشر می شود .

اهداف

۱ ـ معر فی و آشنا ســـا ز ی جهانیان با فر هنگ و ادبـــیا ت آسیا وافریقا .

۲ ـ نجا ت دهی کلتور وفرهنگ آسیا وافریقا از چـــنگال استعمار استعمارنو (فـرهنگ استعمـاری)

۳ ـ بار ور سازی ادبیا ت‌آسیا وافریقا ومعرفی مهره های اصلی و با ارزش آن به جهانیان .

٤ ـ تحکیم پایه های عدا لـــت اجتماعی ، ترقی ، آزادی و صلح

٥ ـ مبارزه علیه امپریا لیز م ، تبعیض نژادی که کلتور انسا نی را زیر پا میکند در ین مجله بیوگرافی شعرا ونویسندگا ن ، بر رسی‌کار کنگره های ادبی ، شعر ، آثارمنشور داستان های کوتاه ، مطالبی راجع به نگاره گر ی (آرت) ، معر فی‌کتاب به‌نشر میرسد .

بقیه درصفحه ٦٣

د (م-أ) لیکنه .

دکارګر دورځې لنډه پیژندنه

زموږ دوخت انسان اوس یو هلی خلی کرونکی ، پیاوړی اومبتکر انسان‌دی، نو په دی برخه کی ستره ونډه دکارګر انسان اوکارګری خوځښتونو په غاړه دی، ددغه د قدر وړ او جوړوونکی انسان دستر مقام دنمانځنی په‌ویاړ موږدمی دمیاشتی لومړی ورځ ته دقدر په ستر‌ګو ګورو او په لنډول یی تاریخی یادونه کوو .

دپانګوالو او کارګرو له منځ ته راتلو وروسته ددوی ترمنځ طبقاتی مبارزه په نه ـ پخلاکیدونکی ډول رامنځ ته شوه، ددغه ستر خوځښت په لومړی سر کی څه ناڅه ګډوډی او خپل سری لیدل کیده خو دورځ په ورځ سیاسی پوهی دزیاتوالی او داستثماری‌منګولو له زور او کړاوڅخه دخلاصون په هیلو سره به کارګری‌ګروپونو دخپلی کرکی په‌خرګندولو سره دسرمایه دارانو ماشینونه او فابریکی خرابولی او دزیات استثمار کیدو په مخ کی‌یی خنډونه راپیدا کول ، ددغه بهیر په ترڅ کی کارګران په دی بریالی شول چی څه نا څه سره منظم او یوموټی شی دپانګوالو اودهغوی ددولتونو خونړی منګولی له خپلو غوښو څخه وکاږی چی ویی کړای شول چی د صنفی اتحادیو جوړول او خپلی سیاسی غوښتنی پرهغوی باندی په زوره ومنی .

دلومړی ځل له پاره په ۱۸۵۹ کال کی داسترالیا د ساختمانی موسسو کارګرانو پانګوالان دی ته اړکړل چی د ورځنی کار ساعتونه (۸) ساعتونه را کم کړل چی دهمدغه بریالیتوب له مخی یی هر کال داپریل په یوویشتمه دویکتوریاپه ښار کی جشن کاوه، دغه راز دشمالی امریکا کارګرانو به له ۱۸۸۵ کال راپه دیخوا هرکال دسپتامبر د میاشتی لومړی دوشنبه جشن نیولو او په دغه ورځ به یی له کارکولو څخه ډډه‌کوله .

په ۱۸۸٦ کال کی چی په امریکا کی کارګری اعتصابونه او مبارزی سختی روانی وی دمی په لومړی نیټه یی اعلام وکړ چی تردی وروسته به هیڅکله تر (۸) ساعتو زیات کار ونکړی . خلور ورځی وروسته امریکایی پولیسانو په شیکاګوکی د کارګری خوځښت په لیکوخونړی حملی او برغلونه وکړل ګڼ شمیر کارګران یی ووژل څه ټپیان شول او ورپسی یی دهغوی لارښوونکی هم ووژل .

دهمدغی ورځی ددرناوی په خاطر او د کارګرانو دوینو دتوئیدلو دیادونی په ویاړ په ۱۸۸۹ کال‌کی ددوهم انترناسیونال په لومړی کنګره کی تصمیم ونیول شو چی تر دی وروسته دی هرکال دغه ورځ په ټوله نړی‌کی دکارګری خوځښتونو د پیوستون او ددوی ترمنځ داړیکو دټینګتیا په درناوی دمیتینګونو مظاهرو او مارشونو په خیر جشن ونیول شی .

نو دهمدغو پریکړو او هلوځلو وروسته د ۱۸۹۰ کال څخه راپه دیخوا هرکال دغه ورځ دهغو کارګرانو د یادولو په درناوی د پراخو او هر اړخیزو مراسمو په ترڅ کی نمانځل کیږی .

په‌ټوله نړی‌کی چی‌اوس‌کارګری خوځښتونه په کلکوګامونو پرمخ روان دی خپله دغه‌درنده ورځ نمانځی، دخپلو حقوقو دترلاسه کولو له پاره هلی ځلی کوی استثماری اواستعماری ضد سره توغونه یی پورته کړی اوتل دحاکمه او استثماری ځواکونو پر سر ماتوونکی ګوزارونه کوی، دغه خوځښتونه نورنه غواړی چی ددوی له ستړیا، خولو اوستومانینو څخه په استثماری ډول‌ګټه واخلی‌چی په‌خوشحالی او دمفتخورو په جیبونو کی ولویږی .

دغه تاریخی ورځ تل دنړی په هرګوټ‌کی ددغی لاری دتلونکو له خوا په درندومراسمو سره نمانځل‌کیږی، په‌تیره بیاپه هغوهیوادونو کی چی هلته ددولت او لارښوونکی کدرونه‌یی دکارګری طبقی څخه وی او یا دهغوی په نمایندګی خپل دولتونه رهبری کوی په خلیدونکو او نه ستړی کیدونکو هلو ځلو سره دغه خوځښتونه لاپیاوړی کوی اوپه‌نړیواله سویه ددغه ډول خوځښتونو سره دمرستی او پرمختللو لاسونه ورکوی .

زموږ په ګران هیواد افغانستان کی دغه تاریخی او ځلانده ورځ دثور انقلاب څخه دمخه دملی اودموکراتیکو ځواکونو له خوا که څه هم دترقی ضد دولت او عناصرو به یی دلمانځلو مخه نیوله جشنونه نیول او ددغی تاریخی ورځی یادونه به یی کوله، ښه می په یاددی چی ددواد دستمګری په وروستی دوره‌کی چی په ملی او دموکراتیکوخوځښتونو سخت بندیز لګیدلی و دښارپه بیلو بیلو هوټلونوکی دغه‌تاریخی ورځ دخونړی‌ګروپونو اوابلاغیو په ویشلو سره ونمانځل شوه .

کله چی دثور دملی او دموکراتیک انقلاب پلوشی زموږپه لرغونی او وروسته پاتی‌ساتل شوی هیواد کی خپری شوی په‌تیره بیا دثور انقلاب دتکاملی پړاوڅخه وروسته نه داچی داستثماری او استعماری ځواکونو ټغر ټول شو کارګران او ټو ل وطنپالو ټکی عناصر داستثمار څخه وژغورل شول، بلکی ددوی ټولو په ژوندکی خرګند بدلونونه راغلل او هره ورځ په دغه هکله ګټور کارونه سرته رسول کیږی .

ددغی تاریخی ورځی دیادولو په ویاړ زموږ ملی اودموکراتیک انقلابی دولت پتیبله ده چی زموږ ټول کړیدلی او څوریدلی وګړی وکړای شی ترڅوچی ددغوپرتمینو جشنونوپه نمانځلو کی ګډون وکړی دغه تاریخی ورځ عمومی رخصتی اعلام کړی ترڅو چی زموږ هر انسان دوست او بشر دوست وطنوال ددغی ویاړنی اونمانځنی ونډه وال شی .

کارگران جهان روز اول می را باشکوهمندی خاصی تجلیل می نمایند

محمد عارف «صادقی» : اتحاد طبقه کارگر گره‌گشای هر مشکل آن ها است .

نودو پنج سال قبل از امر وزیعنی درسال ۱۸۸٦ میلادی به تعداد سی وپنج هزار کارگر در ایالات متحده امریکا برای بدست آوردن خواسته های بر حق انسانی و کارگری خویش از تحت سلطه سرمایداری استثمارگر وایجاد شرایط بهتر کار وفعالیت به تظاهرات وسیع ودامنه داری دست زدند وانزجار عمیق خودرا نسبت به استثمار بیرحمانه دسترنج خویش علنا ابراز داشتند .

پولیس حماسگیر جهان سودو سرمایه که از آبشخور ننگین سرمایه داران مستبد تغذیه می‌نمود بدون آنکه بر حقانیت این تظاهرات عظیم وبی سابقه کارگران عمیقا بهاندیشد و بادرك حقانیت خواسته های انسانی آن هادر صنف دفاع از کارگران قرارگیرد بسیار بیباکانه و بابی رحمانه ترین شیوه یی بر - کارگران زحمتکش تظاهر گرایالات متحدم امریکا یورش برد و بدین ترتیب در روزاول می سال ۱۸۸٦ ترازیدی شیکا گورا ببار آورد .

باوجود آنکه در اثر این حمله بیرحمانه وضد انسانی پولیس وحشی صفت حمایتگر سرمایه داران خونخوار تعداد زیادی از کار- گران جان شیرین خودرا از دست دادند و تلفات زیادی را متحمل گردیده عدهٔ زیادی ازآن هابه سلول های زندان ها فرو برده شد ند برای اولین بار در تاریخ ایالات متحدهامریکا درساعات کارروزانه کارگران تقلیل بعمل‌آمده اوقات کار آن ها روزانه هشت ساعت تثبیت گردید ، این رستاخیز بزرگ کارگران شهر شیکاگو تنها برایالات متحدهٔ امریکا منحصر نمانده باعث درك حقایق وبیداری هرچه مزید سایری کارگران سراسر جهان گردید. بالا خره در جولای سال ۱۸۸۹ انترناسیونال دوم منعقده پاریس فیصله بعمل آورد که همه ساله باید از طریق برگزاری نمایشات و تظاهرات از خاطرهٔ تابناك وجاودان روز اول می درسراسرجهان تجلیل بعمل آورند و بر اساس همین فیصله تاریخی است که روز اول می «یازده ثور» را کارگران کشور های جهان بحیث روز همبستگی بین المللی خود وسمبول کار ، صلح، آزادی وبرادری جشن می گیرند و از آن باشکوهمندی خاصی تجلیل بعمل می‌آورند .

مابه پیشواز این روزبزرگ تاریخی‌جهانی یعنی روز همبستگی کارگران سراسر جهان برآن شدیم تابه بعضی از فابریکه ها و کار خانجات کشور آزادهٔ خویش برویم وبا کار گران دور انساز میهن عزیزمان افغا نستان محبوب و دوست داشتنی که آزادی واقعی خویش را با پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور تحقق بخشیده اند. بپای صحبت هاوگفت وشنودهابنشینیم وببینیم که کارگران زحمتکش افغانستان آزادو انقلابی درردیف دیگر کارگران جهان از این روز عظیم تاریخی چگونه استقبال می‌نمایند و به مفدم این روز بین المللی چه پیام هاو گفتنی هایی دارند که بر کارگران کشور خودو کارگران سراسر جهان ابراز می‌دارند .

فابریکه افغان ترکانی تصدی یکی از بزرگترین فابریکات تولیدی کشور بشمار می آیدکه کارگران آن از طریق تولید وسایل و ضروریات موبل و فرنیچر چوبی همیشه در خدمت هموطنان قرار دارند .

مابعد از آنکه داخل محوطه این فابریکه میگردیم به رهنمایی یکی از منسوبین آن فابریکه به شعبه موبل کلاسیك می‌رویم در این دستگاه کارگران زیادی مصروف کار دیده می شوند به نزدیکی از این کارگران ورزیدهٔ کشور قرار می گیریم و بعد از احوال پرسی متقابل از وی تقاضا بعمل می‌آید تاخودرا بخواننده گان محترم ما معرفی بدارد میگوید:

اسم من محمدعارف‌وتخلصم صادقی می‌باشد ویکی از کارگران شعبه موبل کلاسیك این فابریکه می‌باشم .

می‌پرسم : از چند سال بدین طرف دراین فابریکه کار می‌کنیدوآیادراین‌رشته تحصیلاتی هم دارید یا خیر ؟

میگوید : ازسنه ۱۳۳۲ یعنی از مدت‌سی وهشت سال بدین طرف دراین فابریکه کار می‌کنم ویکی از فارغ التحصلان مکتب صنایع آن وقت میباشم .

می‌پرسم : این تابلو یی را که اکنون بکار آن ادامه می دهید چیست و از چند روز بدین طرف در ن کار می‌کنید ؟

بیدرنگ جواب میدهد : تابلویی را که می‌بینید نشان ملی دولتی جمهوری دموکراتیك افغا نستان است که از مدت تقریبا بیست روز بدین طرف بالای آن کار می‌کنم وبطور تخمین کار آن را تا هنوز بیش از هفتاد در صد انجام داده ام .

میگویم : روزاول می روز همبستگی بین- المللی کار گران جهان است شمابه پیشواز این روز تاریخی کدام پیامی به کارگران کشور و جهان دارید ؟

نخست حلول این روز تاریخی را بههمه کارگران جهان و بخصوص بر کارگران آزاده میهن خود تبریك میگوید و سپس علاوه می‌کند :

اتحاد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان جها ن گره کشای هر مشکل اقتصادی سیاسی و اجتماعی آن ها می باشد ، من از همهٔ زحمتکشان جهان و بخصوص صنف کارگران جهان می‌خواهم تاوحدت و همبستگی خودرا هرچه بیشتر تحکیم بخشند و در کار های تولیدی خود فعالیت زیاد بخرچ بدهند بسیار کار کنند و زحمت‌بکشندتاسر انجام به آرزو- های دیرین خو د یعنی ایجاد جامعهٔ عظیم فاقد استثمار انسان از انسان در سطح جهانی نایل آیند .

وی می افزاید : درهمین روزتاریخی است که در کشور های مترقی جهان از کار گران پر کارو برجسته با اعطای مدال هاو جوایز تقدیربعمل می‌آید وکارگران موردنوازش وتقدد قرار می‌گیرند که اینگونه نوازش هاو قدردانی هاباعث آن‌میشود تا کار گران‌بکار خودعلاقهٔ زیاد بگیرند وباقبول زحمات شباروزی در راه عمران واعتلای کشوروجامعه خود مصدرخدمات شایانی گردند .

وی می‌افزاید : بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان قدم های بزرگی را در جهت رفاه کارگران کشور برداشته است ، بطور مثال تاسیس اتحادیه های کارگری ، صندوق های تعاونی کارگری ، تساوی حقوق ماکولات کارگران واجیران بامامورن دولت وهمچنان اعطای کوپون هشت سیره به کارگران و اجیران عایله دار از جمله خدمت های‌انکار ناپذیری است که دولت انقلابی مابرای کار- گران زحمتکش کشور انجام داده است، بهمین ترتیب بعد ازپیروزی مرحلهٔ جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش ثور دولت ملی و مترقی مابه وضع حیات فامیل های ماکار گران و اجیران دولت توجه خاصی مبذول داشته معاشات مارابه پیمانه زیادی‌بالابرد که اجرای این امر می‌تواند بالای حیات اقتصادی ما - کارگران اثرات مثبتی بجا گذارد .

شعبه پر کاری یکی از شعبات دیگر این فابریکه می‌باشد که کار گران زیادی اعم از زنان و مردان در آن بکار اشتغال دارند بعداز آنکه مابهاین شعبه داخل می‌شویم و

فرخنده باد جشن اول می - جشن همبستگی بین المللی کارگران

باتنی چند از کارگران دور وپیش خود احوال پرسی بعمل می‌آوریم بپای صحبت یکی از خواهران ارجمند خود که دراین شعبه یکجا بابرادران زحمتکش خود مصروف کار می‌باشد می‌نشینیم وبا هم به تبادل افکار می‌پردازیم.

این خواهر کارگر ما شاه بی بی نام دارد وطوریکه خودش اظهار می دارد مادر یك طفل می باشد، شوهرش نیز جوانی است که در فابریکهٔ جنگلك کارمی کند واین اولین سا لی است که این خواهر ما در فابریکه افغان ترکانی تصدی بکار آغاز نموده است .

او میگوید : دولت جوان و انقلابی ما واقعا یك دولت کارگری‌است که‌به مقام والای کار وکارگر ارج‌بزرگ می‌گذاردبادرنظر داشت همین اصل است که دولت ملی و مترقی مابرای ما زنان کشور موقع آن را مساعد میسازد تا همدوش برادران خود در کار های تولید ی کشور سهم بگیریم وبا کارو عمل سازنده خویش ازیك طرف در راه آبادی‌و شگوفانی کشور آزادهٔ خود سهیم شویم واز جانب دیگر بادریافت اجرت کار خود درتقویه اقتصاد فامیلی خویش مساعدت بعمل آوریم و مردان فامیل خودرا در کار وعمل تولیدی شان تنها نگذاریم .

او علاوه می‌کند : باوجود آنکه قبل از پیروزی انقلاب دوران ساز ثور طبقه کارگر در کشور ما محدود بود کار گران عذاب دیده میهن ما هرگونه مشقات روز گار رابردوش داشتند ، شرایط کار آن ها بسیاردشوار و طاقت فرسابودو کارگران مابه آیندهٔ خود اطمینان نداشتند ولی با پیروزی انقلاب ملی ودموکراتیك ثور دراین‌وضع‌تغییر قابل ملاحظه یی بمیان آمدو کارگران زحمتکش افغانستان بربسا آزادی های خود نایل آمدند .

ولی امین این جاسوس سر سپرده‌سازمان جهنمی جاسوسی ایالات متحدهٔ امریکا و باند خونریزوی با ضدیت دیرینی که‌با آزادی انسان محنت کش از یوغ استثمار و استبداد در نهاد داشتند خواستند آزادی هایی راکه مردم مادر اثر پیروزی انقلاب آزادی بخش‌ثور بدست آورده اند از ایشان بگیرند ولی از آن جائیکه جریان حرکت تکامل تاریخ به نفع اردوگاه صلح ،دموکراسی و آزادی‌و به‌نفع کار گران وزحمتکشان جهان و زیان وزوال ارتجاع استبداد وامپریالیزم سیر می کند امین وچاکرانش به گودال نیستی فرو رفتند و با پیروزی‌مرحلهٔ‌نوین وتکاملی‌انقلاب شکوهمندثور کارگران زحمتکش مادر فضای آزاد ومصئون راه آبادی وشگوفانی میهن وجامعهٔ خویش را دوباره درپیش گرفتند .

وی‌افزود: دولت‌انقلابی مابعدازپیروزی مرحلهٔ جدیدو تکاملی انقلاب شکوهمند ثور بوضع اقتصاد فامیلی وشرایط کار کارگران زحمتکش کشور توجه جدی مبذول داشته شرایط مساعد را در ساحهٔ کارو عمل ما کارگران بوجود آورد تاما بتوانیم در تحت چنین شرایطی بکارسازنده خودادامه بدهیم وسرانجام جامعه خودرا در قطار ملل رافعه جهان قرار دهیم .

دستگاه پله وچوکات یکی از شعبات دیگر فابریکه افغان ترکانی تصدی را تشکیل‌می‌دهد که در آن‌دوماشین‌بزرگ‌و چندین‌ماشین کوچك دیگر مصروف کار می باشند .

عبد الشکور یکی از کارگران این دستگاه است وطوریکه از چهره او برمی آید شاید در حدود بیش ا شصت سال با گرم و سرد روزگارپنجه نرم‌کرده باشدوبقول خودش‌سابقه نه سال کار رادر این دستگاه داشته صاحب چهاراولاد می باشد .

ازوی تقاضا نمودیم تا بزرگترین پیروزی زندگی خودرا بحیث یك کارگر ابراز بدارد میگوید :

بزرگترین پیروزی ایراکه در مجموع همهٔ کا ر گر ا ن کشو ر شد ه ایم پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور می‌باشد که باپیروزی این انقلاب مردمی ماکار گران و زحمتکشان افغا نستان‌وبه نماینده‌گی‌از ماحزب دموکراتیك خلق افغا نستان قدرت سیاسی را از سلطه جباران وستمگران بدست آورد و زحمتکشان افغا نستان رابه‌سر نوشت خویش مقدر گردانید .

میگویم : روز اول می روز همبستگی کارگران جهان است دراین باره چه معلوماتی دارید ؟ میگوید :

روز همبستگی کارگران جهان که برای حمایت وپشتیبانی از مقام والای کارو کارگر در سراسر جهان‌و کشورمحبوب ماباشکوهمندی خاصی برگزار میگردد مارا بیاد آن روزی می افگند که درسال ۱۸۸٦ کارگران شیکاگو برای تقلیل ساعات کار خود و اخراج بعضی از کارگران از کار مظاهرات عظیمی را براه انداختندو ودر اثر حملات بی رحمانهٔ پولیس آن جا تعداد زیادی از کارگران کشته شدند وتعداد دیگری از آن هابه زندان فرو رفتند وسه روز بعداز این حادثه وقتیکه کارگران شهر شیکاگو می‌خواستند تلف شده گان‌خودرا بخاك بسپارند بارثانی مورد حملهٔ وحشیانه پو لیس واقع گردیدند که در اثر این حمله ددمنشانه پولیس سه صد نفر از کار گران دورانساز بجرم حق خواهی به قتل رسیدند .

سالی بعداز این حادثه المناك کارگران ایالات متحدهٔ امریکابه اعتصاب دامنه داری دست زدند تااینکه این روز بنام روز بین المللی همبستگی کارگران جهان مسمی گردید .

وی می گوید : ماکارگران افغا نستان‌بسیار خوش هستیم که روز بین المللی همبستگی کارگران جهان را به دنبال سومین جشن پیروزی انقلاب شکوهمند ثور تجلیل‌می‌نماییم

باقیدارد

شاه بی‌بی : دولت جوان وانقلابی ما واقعا یك دولت کارگری است .

عبدالشکور: بزرگترین پیروزی ماکارگران‌پیروزی انقلاب شکوهمند ثور است .

اول ماه می یا روز همبستگی کارگران جهان

از آنجائیکه کارگران چرخانندگان چرخ تاریخ اند واز آنجائیکه کارگران سازندگان هستی آفرین وتعین کننده اند و همچنان هزاران هزار از نوابغ ، تاریخ دانان و سیاست مداران را در آغوش پرمهر خویش می پرورانند ـ لهذا جادارد که به مناسبت اول ماه می یا روز همبستگی کارگران جهان سپاس ها وشادباشهای فراوان را نثار شان سازیم وگل صفا و صمیمت رادر پای شان پاشان نمائیم .

میگویند زنان برده شدند قبل از آنکه جامعه بردگی به میان آید علت این امردرچه بود؟ . در تولید : زیرا عدم سهم گیری زنان در امر تولید نقش زن را روز تاروز حقیر تر جلوه میداد حتی انعکاس این موضوع در خرید و فروش زنان واستثمار آنها د ر جوامع طبقاتی مثال های خوبی از آن است همچنا ن منا سبا ت پدر شاهی چیز ی جز مناسبات فرتوت نا برابری اقتصادی باسهم نازل زنان در پروسه تولید نبود .

اما جنبش های آزادی بخش ورهایی بخش ومفکوره های صلح وترقی اجتماعی زنان رامجال دادتاازحقوق خویش دفاع نموده ودرهمه امورو دوشا دوش برادران خویش حقوق شانرابدست آورند .

کلمه مادری که به مثابه یك کلاه از طرف جامعه پدر سالاری زنان رادر چار چوب فامیل محصور میداشت با جدیت مبارزه پیگیر زنان تقدس کلمه مادری به ایشان رسید و هویت اصلی زن تثبیت شد زنان در امر مبارزه ـ تربیه طفل ـ بالا خره کار های شاقه پشت ماشین سهم گرفتند ، زنان وقتی توانستند باسهم گرفتن در تولید کسب هویت وشخصیت کنند که زمینه آزادی آنها با مبارزات پیگیر ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر مهیاگردید.

ستم های طبقاتی ودراین شمار ستم تفوق مرد برزن وقتی حل میگردد که تضادطبقاتی محو گردد . محو شدن ستم طبقاتی درافغانستان وانتقال قدرت سیاسی از طبقه زور گو به طبقه رنجبر موجب گردیدکه زنان نه تنها بدور سازمان خویش فشرده شدند بلکه در پشت ماشین بیش از پیش باروحیه انقلابی شروع بکار نمودند . دولت انقلابی شرایط کم کردن ساعات کار برای کارگران را مهیا ساخت و همچنان مساعد ساختن زمینه در قسمت رخصتی ولادی ودیگر رخصتی هادرمورد زنان ـ گرفتن کارهای شاقه از زنان افزودی معاش و غیره امتیازات همه و همه در اهتزاز درفش پر افتخار سازمان دموکراتیك زنان افغانستان متجلی گردید .

زنان افغانستان ازتولیدکارگاه های قالین بافی گلیم بافی ، دست دوزی ، تربیه اطفال و غیره مسوولیت هاگرفته تا پشت ماشین مزارع تولیدی ـ افتخار آمیز تر از مردان درخدمت خلق وجامعه بوده اند .

در جبهات جنگ بحیث همکار وتیمار دار خدمت نموده اند .

اکنون زنان کارگر افغانستان پشتیبانی عام وتام خویش رااز مشی دولت واصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان اعلام میدارند وصریحا اعتراف داشته وارج میگذارند به اینکه حزب دموکراتیك خلق افغانستان یگانه حامی سعادت، حیثیت، و شرف کارگران افغا ـ نستان و تامین کننده تساوی حقوق آنها است و همچنان حزب دموکراتیك خلق افغانستان و سازمان دموکراتیك زنان افغا نستان همه تضمین های اجتماعی را برای پیروزی زنان در بردارد .

به همین اساس زنان کارگر همه مشی دولت وحزب دموکراتیك خلق افغانستان راتائیدنموده وپشتیبانی عمیق وهمه جانبه خویشرا ابراز مینمایند .

درین زمینه هر گونه فداکاری ، جانبداری واز خود گذری را بدولت انقلابی خویش وعده میدهند ودر محوونابودی اشخاص ضد انقلابی تاسر حد مرگ و پیروزی پیش میروند در بلند بردن بنیه اقتصادی کشور در امر تولید وتربیه نسل جوان وسایر مسوولیت های اجتماعی دو شادوش دولت انقلابی خویش در یك سنگر قرار گرفته تا آخرین رمق حیات خواهند رزمید .

زنده باد انقلاب نجات بخش ثور و مرحله تکامل آن .

اتحادو همبستگی

سو گندبتو مادر وطن ! زاد گاه دلیران مامن آریایی های دلیر !

نوید باد ! نوید پیروزی ، نوید آزادی.

تو آزادی ... آزاد از شراهریمنان ، از هر گوشه وبیشه ات آوای سرور وشادی و پیروزی به گوش میرسد .

برج وباره ات، کوهپایه های سر به فلك کشیده ات خاك های پرفیض وجویبار های خروشانت نوید میدهند ، نوید پیروزی وظفر آفرین !

فرزندان تو ... باز ماندگان سر سپرده تو ، حالا نداهای خوشی و آزادی از اسارت وبردگی را بدست امواج می سپارند .

مادر وطن ! سپاس ترا و دوستان ترا، بپذیر که فرزندان پاك تو به منظور آبادی واعتلایت داد مردانگی داده وبه خاطر نگهداری و حراست زادگاه شان چون کوهپایه های زیبایت ، در تصمیم واراده خود ها ثابت قدم اند ،

بپذیر به تو تعهد می سپارند ...

تعهد شهامت وایثار! تعهدیکه تضمنش خون های گرم واراده خلل ناپذیرو شهامت ذاتی وفطری شان است .

مادروطن بپذیر! تعهد فرزندانت را ، چه این تعهد را بنا به خواسته های معقول، راستین وانسانی بسته اند فرزندان شیر پاکت دست اتحاد وهمبستگی به هم داده و در پیشاپیش توده های محروم ورنجبر به ناموس تو سوگند یاد کرده اند که پس ازین تاپای جان در تشخیص وتمیز دشمنانت می کوشند .

به امید قلع وقمع کج روشان به پیش میروند، به پیش به سوی افق های روشن .

زیرا اکنون هیولای ظلم واستبداد راگلوه وگریبانی دریده ودرازآلهٔ بیدادگری ونابرابری کمر همت بسته اند .

مبارزه دوشیزه قهرمان علیه فاشیزم

۱ـ کریستانیا ینوه مبارز ضد فاشیست اهل بلغاریا بخاطر آزادی بلغاریا در جنگ دوم جهانی جان شیرین خودرا از دست داد.

کریستانیا دختر ایوان انقلابی که درراه حق تیرباران گردیده است وما درش بعدازاینکه شوهرش تیرباران شدازغم‌واندوه فراوان پدرود حیات گفت .

کریستانیاکه‌درآنوقت طفل‌خوردسال‌بودتربیه وی را خاله اش بدوش گرفت . فامیل خاله کریستانیا یك فامیل غریب و بیچاره بوده مگر همه اعضای فامیل آن ها دارای عزم واراده قوی بودند .

کریستانیا درسن ۱۶ سالگی شامل سازمان کمونیستی بلغاریا شده وبعداز اینکه تحصیل خودرا بسویه بکلوریا تمام نمود در مرستون شهرسوفیه بحیث معلم عزتقررحاصل نموداو درین وقت شامل حزب کارگران بلغاریا شدو

درسال ۱۹۴۲ حمله که از طرف فاشیست هابه خاك بلغاریا صورت گرفت بعضی از مبارزین بخاطر آزادی و دفاع از وطن با قوای فاشیست ها افتخار شهادت را بدست آوردند. و در این وقت نظر به انتخاب رفقای که می خواستند کریستانیا را به حیث منشی‌یکی از ناحیه های شهر سوفیه‌انتخاب نمایند چنین درنظر آمد که از مبارزه خسته شده است‌ولی اواز مبارزه خسته نگردیده بلکه او توانسته بود افتخار ات و امتیازات زیاد تری راکمایی نماید .به این ترتیب اعضای کمیته مرکزی حزب کمونست بلغاریا او را برای کشف پلان های انسان کش فاشیست ها به آلمان فرستاد

کریستانیا که یك مبارزه سابقه دارو باعزم بود بحیث‌یك نفر محصل در یو نور ستی برلین فرستاده شد کریستانیا در یکی از اپارتمان های برلین برای خود یك اطاق به کرایه گرفت . کریستانیا در مدت بسیار کمی توانست که اطلاعات زیادی از قوای آلمان فاشیستی جمع آوری نماید ولی از اینکه ارتباط بسیارکم‌بود او نمیتوانست اطلاعات جمع شده رابه آسانی‌به‌بلغاریا بفرستد باآنهم توانست که اطلاعات جمع شده را توسط‌مخابره به بلغاریا انتقال بدهد .

در ۲۲ اپریل ۱۹۴۳ خانه کریستانیا از طرف پولیس آلمان محاصره گردید وازخانهٔ اواسنادی‌زیادی راجع‌به‌سیاست‌آلمان فاشیست بدست آمد و کریستانیا را به زندان افگندند.

در اتاقیکه کریستانیا درآن‌زندانی بود بروی دیوار آن یك ساعت را رسم کرده بودند که نام این ساعت را مرگ و زندگی گذاشته بودند .

این ساعت دربین خود یك خط سیاه داشت و آفتاب همه روزه به ساعت ۹ بجه از کلکین بالای آن خط سیاه می‌تابیدو وکریستانیا باخود می گفت که آیا این روز مرگ است یازندگی ودراین زندان به همرای وی‌یك نفر بلجیمی بود که در یاد داشت خود راجع به کریستانیا چنین میگوید :

در ۱۸جون۱۹۴۳باخواهر خوانده بلغاریایی خود که نام او کرستانیا بود آشنا شدم اورا هر روز که به تحقیق میبردند وموقعیکه دو باره بر میگرداندند ، سروروش پرخون بودو نمیتوانست‌خودش بپای خودبه‌اتاق بیایدبلکه آنرا به صورت بیهوش بالای تذکره انداخته به اطاق رهامی نمودند چون او را زجر و شکنجه زیاد میدادند او صحت خودرا از دست داده بود و هم این عمل هروز بدون وقفه صورت میگرفت . در ۲۲ اکتوبر ۱۹۴۳ بعداز زجرو شکنجه زیاد در دست های کریستانیا ذولانه انداختند . رفیق بلجیمی او میگوید که این ذولانه هاتمام شب خواب رااز چشم های ما ربوده بود ونمیگذارد که یك لحظه هم آرام باشیم .

در ۳۰ جنوری ۱۹۴۴ کریستانیا اطلاع‌حاصل نمود که لنینگراد که‌یکی ازشهرهای روسیه میباشد آزادی خودراحاصل نموده و در این وقت کریستانیا با چشم های پراز اشك به فکر کشور خود شد که چه وقت صدای‌آزادی بلغاریا به گوشش خواهد رسید .

در ۳۱جنوری کریستانیا رابه محبس دیگری بردند وبعدازین‌روزدیگرآواز کریستانیابه‌گوش کسی نرسیدو هیچ ازاو خبری بدست نیامد در این او اخر حکومت بلغاریا توانست به‌کمك یك اخبار آلمانی و هم توسط یك رفیق حزبی آلمانی از کریستانیا اطلاع بدست آورد واین رفیق آلمانی راجع به کریستانیا چنین گفته است وقتیکه کریستانیا را از زندان للت مبعید به زندان گلی آوردند من در آنجابحیث نجار کار میکردم در ۲۲ اکتوبر ۱۹۴۴ .زطرف فاشیست ها به من امر گردید که یك تابوت درست نمایم و مشخصات این تابوت را چنین گفتند که تابوت را برای یك دختر بلغاریایی که دارای جسد خورد می‌باشد بسازم. ودر همین روز بود که کریستانیا از طرف دژخیم گران فاشیست تیر باران گردید و من‌دانستم که این تابوت را برای او درست کرده‌اند و این قهرمان را در یکی از قبرستان‌های که مخصوص به زندانی هابود دفن کردند وخاطره تابناك این رفیق شهید و قهرمان همیشه زنده وجاوید است .

تصویر تخیلی از کریستانیا دوشیزه مبارزوقهرمان بلغاریا .

ورزشکاران مکاتب مسلکی
وزارت تحصیلات عالی و مسلکی

مردهاره یك گپ است

ما در ین شماره مصا حبه داریم‌بانو جوان پر شور وبا استعـــداد که تاحا ل باوجود کوتاهی زما ن‌دربین هم قطارانش خو ش درخشیده دوبار مستحـق جایزه مطبوعاتی‌وسه بار تقـدیر نامـه هـایی از هنـــر نقـا شی را صاحب شده و درسال ۱۳۶۰ نیز کاندید جوا یز کلتـوری وهنر ی میباشد .

این جوا ن ابو بکر ((شبنو رد)) نام داشته که در صنف دوازد هـم لیسه عمرشهید مشغول درس‌است

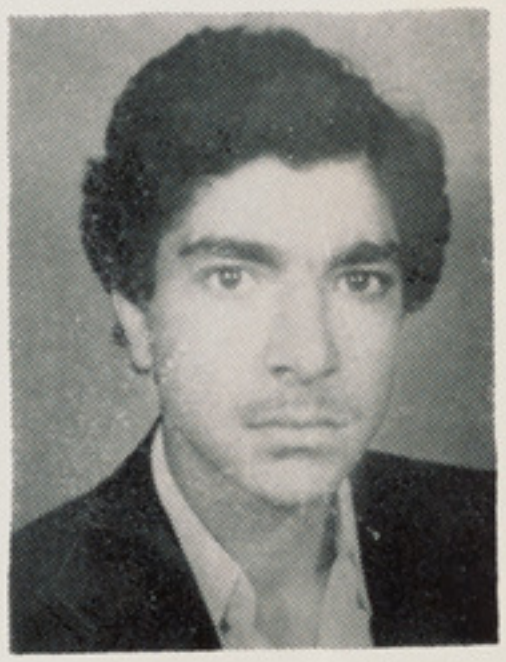

ابو بکر شبنورد

ازاو میپرسم که‌چند سال‌میشود شما به هنر رسا می مشغـــو ل هستید ؟

قریب پنج سال میشود که سرو کارم بـــا برس‌و تابلو است و سرو کارم درین پنج سال باجهـان رنگهاست .

ـ از ابوبکر شبنورد سوا ل شد چه انگیزه باعث شد که شما ایـــن هنررا بر گزیدید ؟

وکی شمارا در ین راه یـــار ی نموده ومشو ق اصلی تان کی بوده است. بعد از لحظهٔ مکث در جوا ب میگوید :

وقتی متعلم صنف پنجم بودم ، معلم رسم هنگا میکه رسمی رازوی تخته باتبا شیر رسم میکرد و من آنرا کاپی میکرد م آفرینی هـــا ی معلم اولین انگیزه بود که من متوجه این هنر گردید م . و خوب بیاددارم که روزی در یك کتابفروشی‌نزدیك منزل مان مصروف رسم کشیـــدن بودم که بر حسب تصاد ف زنی‌که بعد ها فهمیدم مدیره مجله‌کمکیان است بالای سرم ایستاده‌و بعد از لحظه از من پرسید که در کـــدا م صنف هستی ودر صنف خود چندم نمره میباشی !

گفتم در صنف پنجم و او ل‌نمره صنف خود میباشم بعد از لحظـــه مکث گفت فردا بارسم خود در دفتر مجله بیا ، فر دای هما ن روز رسم خود راکه مشتمل به ((پور تر یت احمدشاه بابا)) و چند رسم دیگـــر بود به دفتر مجله بردم ودرزمینه‌کار هایم مصاحبه صور ت گر فت .بعد اندك مدتی وقتی عکسم رابا هما ن پور تریت وصحبت ها یم درصفحه شاگردا ن ممتاز مجله دید م ازدیدن آن، انگیزه پشت کار در ین زمینه برایم خلق شد که تا حا ل این راه را تعقیب میکنم .

ودر ارتباط با سوال‌دیگر تان‌باید بگویم . در رسامی مستقیما کسی‌مرا یاری نکرده وتنها در مکتب و آنهم در حدود ساعا ت رسم کمك‌بعضی از معلمین خود راباید یاد آور شوم. ومشوق اصلی که در این‌راه‌گفتارش الهام بخشس هنرم بوده است مادرم میباشد .

غیر از هنر رسا می ایا بکدا م هنر دیگر از قبیل موسیقی شـــعر خطاطی مجسمه سازی‌وغیره‌دسترس دارید یاخیر ؟

نه خیر ، غیر از هنر رسا می متا‌ـ سفانه به هیچ یك از هنر دیگـــر دسترسی ندارم اما علاقمند همه‌هنر هاخصو صا موسیقی هستم .

ـ از ابوبکر شبنورد سوال شد که هنر را از دیدگاه خود چگو نه بررسی میکنید .

گفت : همانطور یکه گفته اندهنر عبـارت از انعکاس وا قعیت هـــا واز دید من هنر عبار ت از تبارز حقیقی خواستها ی پنها نی وانسانی انسان است که این هنر گا هی از

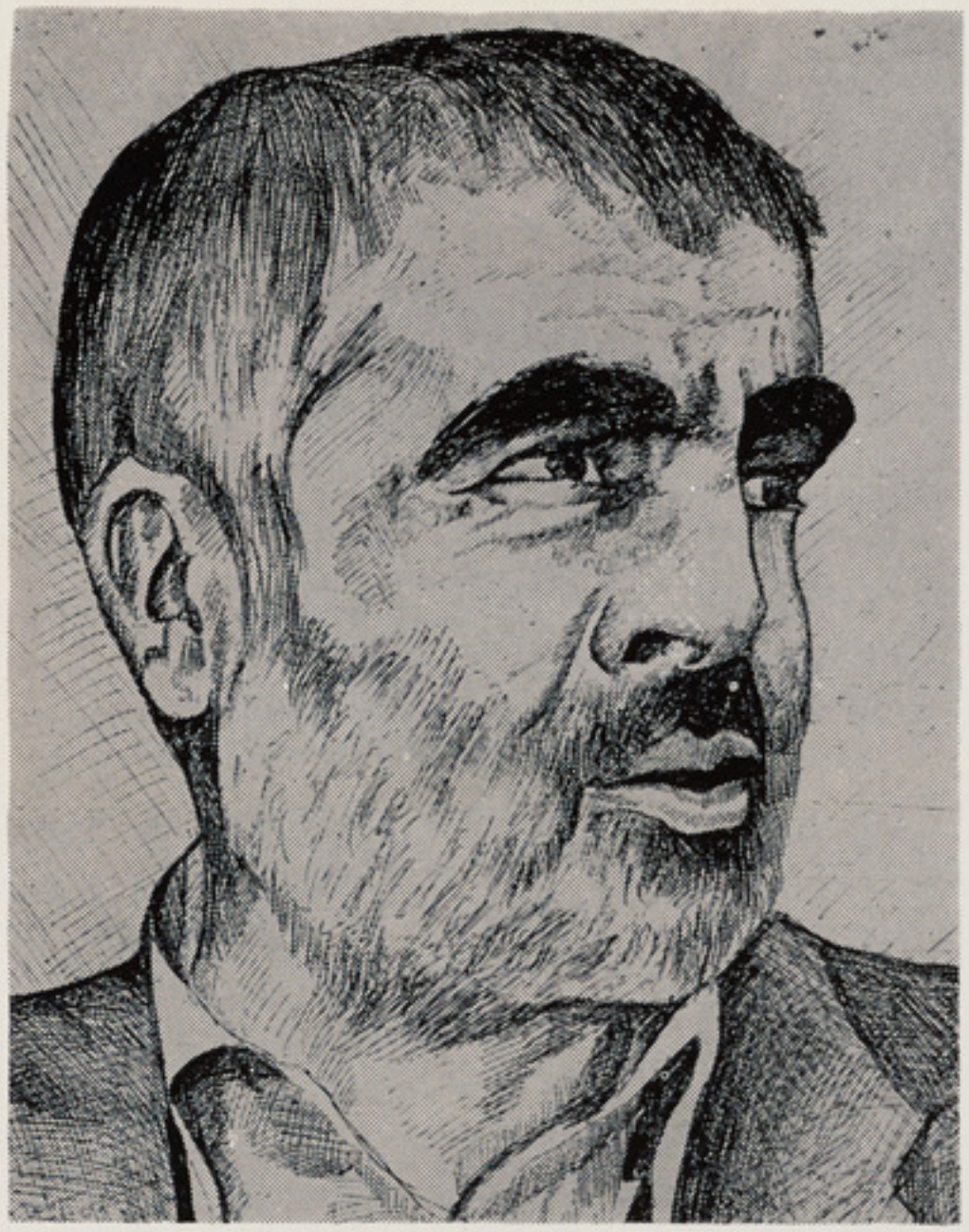

تصویری از ساربان

تصویری ازانسان‌رنجبر وز حمتکش

پیروزباد کارگران و تمام زحمتکشان سراسر جهان که در راه صلح ـ دموکراسی و ترقی اجتماعی برضد استثمار جسورانه می رزمند

برس هنر مند، زمه ی از گلو ی هنر مند گاهی از حر کات هنر مند و یا هم از نوك قلم او تراوش می‌کند و من هنر را در طول عمر ش کـــه مساوی عمر انسا ن است به سه دسته تقسیم میکنیم . یك هنر راـ ستین ـ دوم هنر کاذب و سوم هنر برای خود هنر است که در هنـــر راستین هنر مند هنر ش رادرخدمت انسان ماحولش‌قرار میدهدوخواست انسان اطرافش را منعکس میسازد که این انعکاس بدون هراس پدیدار می‌گردد .

ودوم هنر کاذب است که ایـــن هنر درزما ن معین ومکا ن معـــین مدت کوتاهی درخدمت اقلیت خاص ویایك فرد قرار میگیرد که هنرمند بدون درنظر داشت خواست انسا ن ماحولش به خاطر مـوقـف ، ثرو ت و خواستها ی خود ی خود هنرش را به کار میاندازد که عمر ایـــن هنر حتی از عمر هنر مند ش کوتاه تراست ،از آن جایکه هنر ما ل مردم است . هر هنر مند کاذب ما ل‌مردم رابه یك قشر ضد مرد م تحو یـــل میکند .

سوم هنر برای هنر است که‌این هنر مربوط به هنر مندا نی میگردد که‌جهان رایك جهان خیال وو هـــم میداند .وتنها زیبا یی هنر را لمس می‌کنند نه سمت دهی آنرا ، که این دسته هنر مندا ن تنها یك ر خ‌کار را می بیند . آنها تنها روز را مـــی بینند و از شب باسکوت و ظلمتش خبری ندارند . تنها بهارا ن را می دانند امااز غمزدگی خزا ن آگا هی ندارند .

ـخوب شبنورد خودشما از کدام سبك پیروی میکنید !

ـ باید اعترا ف کنم که من‌هنر مند نیستم اما آرزو دارم که هنرـ مند شوم و راستی باید بگویم کـــه واقعیت واقعیت است و کسی کـــه آنرا می بیند و نمـی خوا هـــد آنرا منعکس سازد و یا وا قعیـــت هارا مطابق منافع خودش انعکا س میدهد کار غلط است من از طـــبقه نیستم که واقعیت ها مخالف منا فع من قرار گیرد و هم کم و بیش درك حقیقت برایم میسر است‌لهذاآرزویم این است که پیرو مکتب حقیقـت گردم ودر آینده یك هنرمندریالیست باشم . میخوا هم انعکا س دهنـده کوچه های تار ، خانه های گلی و نیمه ویران وانسا ن های پاو سر برهنه واز همه اولتر انعکا س‌دهنده واقعیت ها و حقیقت ها باشم . نه اینکه هنرم چون گذشته ها انعکاس دهنده مشتی هوس پرور کاخ نشین یاخاصه نو ش های فاخرپو ش‌باشد.

ویا تابلو هایم تحریك کنـــنده غرایز منفی اقلیتهای بـــاردو ش مردم وزیب دیوار کا خها گردد .

سخن به درازا نکشد دراین‌کوره راه پنج سال گا هی به شا خه‌ها ی رمانتیز م میناتور ی و گا هی درنیم دایره های کو بیزم سر گـــر دان بودم امااز همه بیشتر ریا لیز م‌مرا بخود میخواند ومیخوا هم یك ریاـ لیست باشم .

از شبنورد می پرسم قرار گفتـــه خودت در این پنج‌سا ل که شماآنرا کوره راه خواندید کدا م خا طـــره بویژه دارید اگر دارید بگو ییـــد البته در ارتباط با هنر تان .

ـوقتی انسان به‌یك راه میرود در مسیرش چیز ها ی را می بیند که به یقین برا یش خاطره ساز است

اکنون که پرسید ید من نیزناگزیرم ازیك خاطره که هیچو قت فرا موشم نخواهد شد برایتا ن حکا یه کنم:

در سا ل ۱۳۵۵ در رادیـــو و مجلات با تبلیغات بلند بالا اعـــلان کردند که هنر مندا ن جهت گر فتن جوایز مطبوعاتی آثار خودرا آورده وبه نمایش بگذارند که در آنجابرای خورد سالان نیز حصه داده بودند من‌که دران وقت تازه شا گردصنف هفتم شده بودم آثار م را زیربغل گرفته و چیز یکه به چانته داشتم آنجا بردم وکاندید جوایز گردیـدم خوب بیاد دارم که یك رسم‌زنی را در حال چوری فرو شی نشا ن میداد ودیگر ی تابلو ی که میدا ن بزکشی رانمایش میداد و چند تابلو ی‌خورد وکوچك دیگر وقتی آثار م را به‌آنجا بردم بابر خورد سرد روبرو شد م غیر ازاینکه تشویق نشدم . تابلوی اولی ام بکلی مفقود شد وتابلو ی دیگرم یعنی میدا ن بز کشی راپاره پاره بدستم دادند واز تابلو ها ی دیگر م اثری نبود. این بودتشویق یك هنر مند تازه کار . وقتی زیاد اصرار کردم که‌تابلو هایم رادوباره مسترد کنید زیرا من در تر سیـم آنها زیاد کار کرده بود م و درتهیه آنها رنج فراوان کشیده ام حر ف

بقیه در صفحه ۵۵

پورتریت یك‌دختر روستا یی

ثبات حق

خواهی که شوی زمانه خرم از تو
بگذار رسد به هیچ دل غم از تو

ما پس ثبات حق را لازم شد
بگذار بر شب دل عالم از تو

رسالت کارگر

چرخ ماشین را بگردش آورم
فکر تولید است دایم در سرم
تار اقتصاد وطن پیش میبرم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
مقصد از کار و تولید نعمت است
شغل من بر خلق عین خدمت است
فکر استعمار و استثمار گسترم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
مزد دزد جمال و کشر پیشه دو
پاس خستند همتو او هم نظر
مهر دهقان را بدل می پرورم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
نی فقط کاری کنم در خاک خرد
بادو دست مادر و جالاک خرد
سطح ذهن خویش هم بالا برم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
خط مشیم خط مشی کارگری است
جنبش جهد این بسوی بهتری است
گر چه جسما ضعیف و لاغرم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
انتظار دارم که بعداز انقلاب
سد رها زحمتکشان از منجلاب
دوستدار نظم خلق کشورم
کارگرم من کارگرم من کارگرم
ارجاع راز دل وجان دشمنم
بیخ استثمار انسان می کنم
گور کن افسونگر غمار شکوم
کارگرم من کارگرم ، من کارگرم

طلوع مقدس

در دنیا اگر صدایی
بماند
اگر سرودی بماند
اگر کلمه یی بماند
صدای انسان بماند و
سرود انسان
درین کلام است :
شمال من ، ای رهایی پرواز از قفس!
آزادی ای طلوع مقدس

داد محمد (رسا)

کارگره

ستا په متو کی قوت دی
ستا تسکل ، تسکل ، تسکل دی
دروازی شمه کار گره
انسانی ژوندون لپاره
ستا په زیار او زحمت باندی
ستا په توده همت باندی
د تنده ی هر ه قطره دی
ای کار گره ژوندی او سی
که خوراك دی تل لوګی دی
اراده کی بوخ انسان یی
دبز گرد سره یو ځای
ستا په متو کی همت دی
ستا په عزم کی غیرت دی
جوړونکی د جهان یی
ته مخکښ ددی کاروان یی
و ر سیږی و لسو نه
گلا لی شی هیواد و نه
خپل ولس ته دروم ر جن دی
نوم دی ښکلی په جهان دی
نو لوی شان لری کار گره
ټینګ ایمان لری کارگره
اتحاد ستا ستر مرام دی
دغه اصل فلسفی دی
دلار شود ښکلی کلام دی

جاویدان

جاوید و پایدار
آیین زندگی
نابود بردگی
در نظم مردمی
بی رنج وبندگی
این است شعار ما
ای کار گر جوان
ای مرد قهرمان
ای نور چشم خلق
روح وروان ماست
این است شعار ما
ماییم در تلاش
پیکار می‌کنیم
در راه زندگی
ای مرد جاویدان
دهدان و کارگر

آزادگی

خوشا آزادگی آزاد بودن
همیشه خرم و دلشاد بودن
نمی‌شاید بپند دام و افسون
اسیر پنجه بیداد بودن

دلیلی

کارگر

الای کارگر فرد توانا
جهان رااز تو شد زیبندگی ها
زتو کشور شودهمچون گلستان
تمدن از تویابد رنگ وسامان
گهی تو قلب خارا را شگافی
گهی اعماق دریا را شگافی
به یخبندان و سرمای زمستان
میان آتش و گرمای سوزان
تو باشی‌در تلاش‌و زحمت‌و کار
تحمل می‌نمایی رنج‌بسیار
جهان را گر بود نفت فراوان
همه محصول‌دست تست یکسان

زرحمت گربود دست تو سوده
جهان را مشکلی از هم گشوده
بگوای فرد افغان وطن دوست
که رنج‌کار کردن‌بر تو نیکوست
خشا تجلیل این روز جهانی
بکن بر افتخارت شاد مانی
شود کشور زتو آباد و معمور
همه اهل وطن مسعودومسرور

حاصل رنج

جهان دریای پرموج و خروشست
گهر در زیر امواج بیشمارست
رهپیوند مقصود مشکل
زراه رهپای بی درد و رنج دارم

وطن

وطن ! در راه تو قربان شود جانی‌که من دارم
ازین خوشتر نمی خواهم وطندارم، وطن دارم •
تو بی صبح امید من • تویی روزسپید من
همیشه‌برلبم نامت چو مرغان چمن‌دارم
به مرگ من اگر یابی تو جانی‌زنده‌می گردم
در ین ره آرزوی خاك و آغوش کفن‌دارم
به‌مدح هیچکس شعر نخواهم‌گفت ، اما من
به وصف تو غزل دارم به مدح‌تو سخن دارم

شاد بزی

درد هر آنکه نیست نانی دارد
وز بهر نشست آشیانی دارد
نه خادم کسی بود نه مخدوم کسی
تو شاد بزی که خوشی جهانی دارد

اسطوره نسیت

بتاریخ وطن بنگر
به گنج پرزر وزیور
به شان وشوکت و جاهش
به آن گردان بیباکش
به تاریخ وطن بنگر
بیاد آور ملالی را
ملالی های میهن را
که رز میدند
که جان دادند
که این میهن شو د آباد

شودمام وطن دلشاد
به تاریخ وطن بنگر
بیاد آور زعیا را ن
زمرغان خراسان
ز «بو مسلم»
که در راه وطن جان داد

اگر «نیزك»
اگر «سنباد»
اگر (ایوب)
اگر آن فاتح میوند
که سر را در ره مردم
زکف دادند
برای عشق سوزان وطن جانرا فداکردند
که ماند نام شان جاوید
به سان تابش خورشید
که تا آندم جهان باقیست
زمین و آسمان باقیست
• • •
به تاریخ وطن بنگر
به گنج پر زرو زیور

ای‌دل،ای‌دل

چی آزرده حالی ای‌دل ای‌دل
معلم اندر خیالی ای‌دل ایدل
برو کنجی نشین شکر خداکن
که شایدکام یابی ای‌دل ایدل
باباطاهر
مگر شیر و پلنگی ایدل ایدل
بما دایم بجنگی ایدل ایدل
اگر دستم رسد خو نت بریزم
ببینم تاچه رنگی ایدل ایدل
«؟»

روان شناسی جوانان — پیوسته بگذشته

جوانان وخودارادیت

٦ جوانی در با ر ۵ انضبا طمافی الضمیر خود را چنین کشود : فکر میکنم شما باید در برابرکارنادرست تان سر ز نش شو ید ورنه چگو نه میتوا نید درست را از نادرست، حق را ازباطـل وراست را از از ناراست فرق وتمیز کنید یـک تعداد ز یاد شا گر دا ن مکتـــب دراثر انحرافات جنسی دست بقتل نفس و تجاوز ا ت کو نا گو نی دیگر زدند که عد ه بحکم قضامحکوم به‌قتل شدند و عده هـم فـرار کردند تا جا ن بسلا مت برند امااز چنگال عذاب و فشار قاضی و جدان کجا میتوانند بگر یز ند .))

۷ اخذ تصمیم کار سهل وساد ۵ نیست .ای بسی او قات منا سب که ضایع شـده است واز د ست رفته ا ست که افسو س نمیتواند تلا فی آن را بکند .

و حتی هنو ز هم جوا نا ن مادر اخذتصمیم روز گا ران و او قا ت گران بهای را برا یگان از د ست مید هند ـ بقو ل شا عری :

من نمیگو یم ز یا ن کن یا بفکر سودباش × ای زفرصت بی خبـر درهرچه هستی زود باش . جوانیکه دراخذ تصمیم متردد و دود دل بود می گفت : من نمیتوا نم و هر گز نمیتوا نم فیصله کنم که آنجا بروم یا نرو م . خا نواد ۵ من بمن‌اجا زۀ رفتن نمید هند اما آنها مشکل مرا درك نمی کنند شما چه فکر می کنید تا من چه با ید بکنم ؟))

اگر همچو سوا لی بمن را جـع شود مشوره مید هم که شما نخست دلا یل وا لد ین تا ن را بگو ش هوش بشنو ید و اگر د لا یـــل آنها معقو ل با شد و از رفتن بشما خطر و لطمۀ وا رد گر دد بهتراست آنجا نرو ید وا گر مسا له برعکس آن باشد قناعت آنها را فـرا هـم نموده جای که می خواهید برو ید.

هر گا ه چنا ن فر صتی میسـر باشد که د لایل هردو طر ف ر ا بتوانیم بشنویم درزمینه قـضا وت خوبتر کرده و مشوره بهتر میتوا- نیم بد هیم.

۸بعد از آنکه دو شیز ۵ وا لدین خود را بنا بر عد م ا عتماد ایشا ن بر او در مو ضو عی فر یب داد ه بو د و دلش آرا م نمیگر فت تا از آن قضیه آنها را آگا ه نسا زدزیرا شکنجه وجدان اورا هرآن خـو رد می سا خت . بس او بصور ت غیر مستقیم چندیـن عـلا یـمی را بتکرار تذکر داد تا با لا خـــره آنها بحقیقت امر پی برد ند و در نتیجه آ ن دو شیزه ز مز مه کنا ن گفت :)) وا لد ین من بر من اعتماد نداشتند پس آنها را خوا هی‌نخواهی فر یب داد م . تصور نمی کر د م آنها آنقدر سا ده‌با شند که فر یب مرا بخو رند . اما فر یب داد ن‌آنها کار بس سهل و ساده بو د.

باقی دارد

اگر مرد نتواند خوشبختی را در خانهٔ خود بیابد، آن را در جای دیگر جستجو میکند

ازدواج که‌خود یك پدیـــده سنتی و اجتماعی است ، از نظر تو لید مثل و ادا مه نسل بشر در قالب خانواده و جا معه اهمیت بسیار دارد و در بر خورد با حر کـــا ت زیر بنایی در هـر جـامعـه دست خـوش تغییرات و دگر گو نی های میشود . بطـور کلی ازدواج در جوامع در حال رشد و توسعه در سنین جوا نی صورت می پذیرد واز همان آغاز تا تولید مثل ، ابعاد خانواده ها رو به افزایش می گذارد .

اما گاهی دیده شدکه در همین کشور ها جوانان از ازدواج و تشکیل خانـــواده گریزانند و کوشش می نمایند تا حدود ی ازآن دوری اختیار کنند .

علت این گریز جوانان از ازدواج درچه نهفته است و چه عوا ملی باعث میشود که جوانان بعضا بدبین به ازدواج گردند .

به خاطر اینکه خو بترو واضح تر ایـن مساله حیاتی برای خوانندگـان مـا روشن گردد از زبان دو جوان که فعلاباهم‌نامـزد هستند ولی جرئت این را ندارند که‌با هـم ازدواج کنند بشنوید .

و قتی از دختر دراین مورد که چـرا از ازدواج فرار میکند پرسیده شد در جواب گفت: ازدواج و پیو ند زندگی چیزی نیست که بدون مطا لعه و ارز یابی دقیق بـه آن مبادرت ورزید . ازدواج لباس یاکالانیست‌که از بازار آن را خرید و بعد ازپوشیدن بعد از مدتی دورش افگند . در شرا یـــط کنو نی که زن و مرد هردو مسوو لیـــت مشترك در قبال خانواده دارند نباید بخا طـر خو شبختی خانواده رسك کرد و بدون تعمق

اندیشه‌های جوانان

سعادت وخوشبختی ماوقتی تکمیل شـده میتواند که همه مایك نظر ویکدل باشیم و خوشبختانه امروز جوانان مااعم ازدختر وپسر بایك رنگی ویکدلی بدور حزب پر افتخار ، حزب دموکراتیك خلق افغانستان جمع شده اند وبرای آینده بهتر وشگوفان تر جد و جهد می نمایند .

به پیش بسوی صلح ، خوشبختی وسعادت همگانی .

چه سعادت بلندتر از این که امروزباچشم سرمشاهده میکنیم که جوانان مابه حقایـق زندگی آشنا شده وامروز این قشر دینامیك وفعال جامعه ما بـرای سـربلندی و سعادت افغانستان آزاد، مستقل وآباد تلاش می‌ورزند تازندگی وجامعه نوی رابرای وطن‌داران ما به ارمغان آورند ودیر نخواهد بود آن روزیکه‌همه شاهد خوشبختی رادر آغوش کشیم و افتخار کنیم وبگوئیم این است معنی کار و تلاش برای بهروزی جامعه .

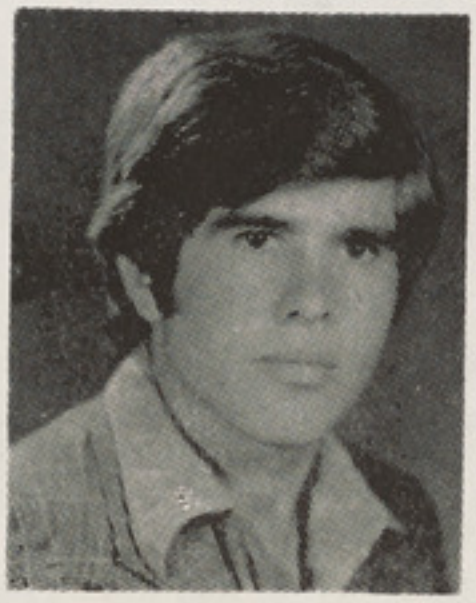

عبدا لحکیم متعلم صنف ۱۲لیسه محمودطرزی

جمیله متعلم صنف دهم تخنیك ثانوی

به آن دست زد .

از پسر در مورد این مساله حیاتی که چرانمی خواهد تصمیمش رادر مورد ازدواج عملی کند سوال شد که در جواب چنین گفت :

دراین جای شکی نیست که ازدوا ج یك پدیده سنتی و اجتماعی است و به خاطر تو لید مثل باید صورت بگیرد ولی شرایط عصر وزمان ایجابات دارد که باید هر جوان نظر به شرایط زند گیش دراین مورد خو ب فکر کند .

با اینکه آینده را هیچکس نمیتوا ندپیش بینی نماید ولی تاجا ییکه به انسان ارتبا ط دارد و میتواند جوانب مختلف زندگی را ارز یابی نماید در مورد ازدواج و تشکیل خانواده باید از دقت کامل کار گرفت مشکل اساسی که در برابر ازدواج جوانان قرار دارد طرز تربیت و دید مختلف بین خود جوانان مخصوصا دختران است شما خود میدانید که جوانان ما در خانواده های مختلفی با طرز تر بیت ودید مختلفی تربیه وپرورش یافته اند وکم اتفاق می افتد که دو جوان باعین طرزدیددر مورد ازدواج یافت شود . همین دید های متفاوت است که عده از جوانان جرئت نمی کنند دست به ازدواج زنند .

از دختر می پرسم ، حال‌که شما نامزد شده اید چه پروبلم و مشکلی روبرو ی تان قرار گرفته که ازدواج نمی کنید ؟

میگوید : با اینکه حرف های نامزدم راقبول دارم ولی صد در صد آنرانمی پذیرم، زیرا هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که بتواند سد راه عشق گردد . اگر بین دو جوان عشق واقعی وجو دداشته باشد مسایلی از قبیل تربیت متفاوت وطرز دید مختلف همه وهمه‌اش در مقابل عشق واقعی چیزی نبوده وکاری از پیش برده نمیتواند .

ـ ازشما می پرسم که آیا بین شما این چنین عشق وجود دارد ؟ اگر دارد چرا ازدواج نمیکنید واگر ندارد پس چرا با هم نامزد شدید ؟

یك موضوع را همه میدانند که عشق و دوست داشتن یك طر فه بوده نمیتواند . همانطوریکه ازیك دست صد ابر نمی خیزد عشق یك طرفه نیز مفهومی ندارد. ولی‌مشکل است که امروز عشق واقعی را از عشق غیر واقعی تفکیك نمود . مخصوصا یك عده جوانان که زیاد احساساتی میباشند همینکه دختر مورد نظرخودرا یافتند باهزار حیله ونیرنگ باهزار چرب زبانی و... می خواهند دختر مورد نظر خودرا وادار به ازدواج کنند . در ابتدا آنقدر قربان صدقه همدیگر میشوند که انسان فکر میکند اگر در جهان عشق ودوستی واقعی است همین است . اما متاسفانه وقتی این دو جوان باهم ازدواج کردند و مدتی از ازدواج آنها گذشت آن علاقه و اظهار عشق نمودن ها فروکش می نماید وجای آنراگریز از خانه ودوری از همسر وخانواده میگیرد . از همین رو است که امروز مساله ازدواج برای جوانان مخصوصا دختران یك امر حیاتی وخیلی با اهمیت تلقی‌میشود . وتاجای‌امکان کوشش می نمایند که در مورد ازدواج خوب فکر نمایند تا نشود که در آینده پشیمان گردند وزندگی شان تلخ گردد .

ـ قبلا گفتید عدهٔ از جوانان مخصوصا

بقیه در صفحه ٦٢

... فرزند حقیقی ملت کسی است که به دردهای ملت التیام بگذارد، ای جوانان امروز که وطن از ماقربانی می طلبد وفداکاری وایثار می خواهد بیایید برای آبادی کشور وترقی روز افزون آن از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نه ورزیم . همانطوریکه همیشه سهم فعالی داشته ایم بازهم در این راه‌سهم بگیریم وبه دردهای ملت التیام بگذاریم واین وقتی میسر است که در راه استقلال کشور از هیچگونه فداکاری دریغ نه ورزیم ...

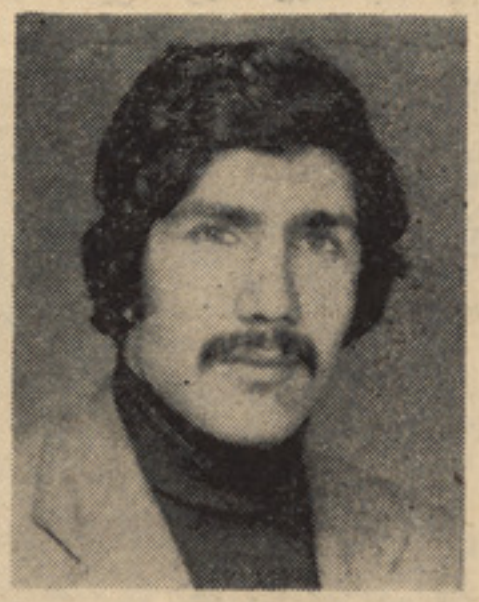

عتیق الله مامور آمریت توزیع روزنامه ها ومجلات :

مطالعه رافراموش نکنید

نمیدانم این سخن چقدر بجا و مطابق به خواست شما خواهد بود که‌گفته‌اند «خوشبختی وبدبختی بدست خود شما است» این شما هستید که با رفتار وکردار تان برای تان خوشبختی وبدبختی می آورید . جوانی که درست فکر میکند و معقول می اندیشد همیشه در زندگی موفق وپیروزمند است . ممکن است‌گاهی عواملی چند سد راه پیروزی گرددولی بصورت دایم این امرحقیقت نداشته جنبه موقتی دارد .

گفتیم معقولیت و درست اندیشیدن عا مل مهم خوشبختی محسوب میگردد چه این امرمربوط خانواده باشد ویا خارج از خانواده بهردو حال باعث سعادت انسان میگردد .

خوب، این راگفتم اما بهتر است راه این خوشبختی رابه جوانان بنمایانیم ، تاباشد که جوانان مادر روشنی آن راه زندگی رادریابند.

یکی از راه هاییکه انسان رابه خوشبختی میرساند مطالعه است، زیرا در شرایط حاضر ناممکن است جوانی بدون دانش بتواند به زندگی ایده‌آل دست یابد . مطالعه انسان را به زندگی به حقایق زندگی آشنا میسازد وبا این آشنایی است که جوان میتواند خوب و بد زندگی را بشناسد . مخصوصا اگر زن وشوهر جوان هر دو به مطالعه عادت داشته باشند ومدت زمان معین ر ا برای مطالعه اختصاص بدهند این کار وعمل آنها چندین فایده دارد . یکی از فایده های این کارباز داشتن زن وشوهر از گفتگو های بی جاوبی مورد است که گاهی این بگو مگو هابه جاهای باریك می انجامد وسبب میشود که زندگی خوش خانوادگی دستخوش ناراحتی گردد .

وقتی زن وشوهری یك ساعت یاکمتر ویا بیشتر از وقت خویش را صرف مطالعه‌میکنند وبعد از اینکه ازمطالعه فارغ میشوند ممکن است موضوع صحبت آنها صرف در چهارچوب کتاب وموضوع مطالعه آنها دور بزند . که این کار زن وشوهر باعث میشود که آنها را از گفتگو های غیر مجاز باز دارد .

فایدهٔ دیگری که مطالعه برای زن و شوهر جوان درپی دارد یکی هم آشنایی با زندگی بصورت واقعی است چه جوان امروزی بانیاز هاوخواسته ها وتوقعات شان ممکن است‌گاهی ازراه راست بدورکشانده شوند وبه بیراهه سوق گردند. که مطالعه کتاب ذهن آنها را روشن ساخته و حقایق زندگی را برایشان روشن میسازد وآنچه که جوان راازراه راست منحرف میسازد ، کتاب ومطالعه آن دورا از آن راه ناصواب باز میدارد واورا به حقایق زندگی آشنا میسازد . جوانانیکه به مطالعه عادت دارند ویك قسمت از وقت خویش رابه مطالعه اختصاص میدهند در زندگی از کار- آموزی بیشتری برخوردار میگردند .

کتاب ومطالعه ذهن را روشن می سازد ومیتوان ازمفاد کتاب در زندگی خانوادگی استفاده کرد. شاید یکعده این طور تصورکنند که کتاب رابه زندگی خانوادگی چه وشایدهم بگویند که نمیشود زندگی خانوادگی را از لابلای صفحات کتاب درست کرد .

اماعدهٔ غیر از این فکر میکنند. ودر رد این نظریه چنین میگویند . هیچ چیز درجهان نیست که کتاب به آن ارتباط نداشته باشد، پس به جوانان ماست تا با کتاب بیشتر از گذشته آشنایی حاصل کنند ووقت خود رابه مفت ورایگان از دست ندهند. اگر هر جوان مابتواند روزانه در وقت فراغت یك یا دو ساعت به مطالعه بپردازند بدون شك این کار آنها یك نوع عادت برای شان میگردد . مزیتی‌که این کار دارد خیلی هابا ارزش است یکی هم اینکه وسعت نظر وتجربه آن ها بیشتر میشود ودودیگر اینکه بردانش آ نها افزوده میگردد ودر شرایط حاضر که ما به جوانان دانشمند وچیزفهم خیلی ها نیازداریم این یك امرمهم وحیاتی برای جامعه ماشمرده میشود .

ستارگان افسانه ساز

طوبی ممثلهٔ با ذوق

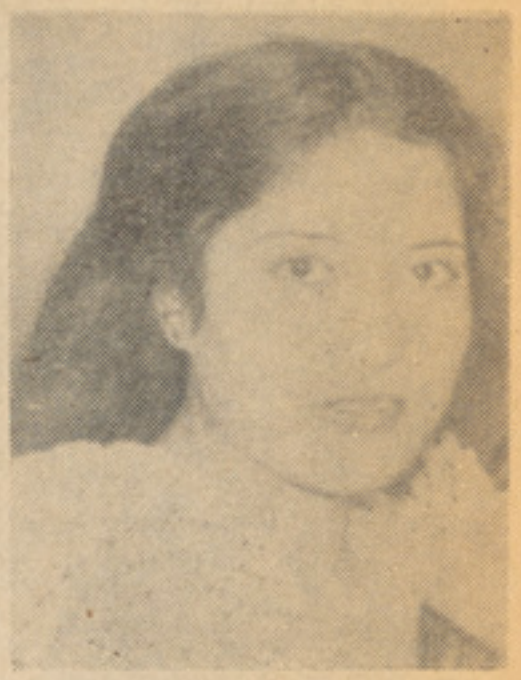

نام اصلی وی خورشید است ده سال از همکاری وی با افغان‌نندارى می‌گذرد ممثلهٔ بـــاذوق وبااستعداد وخیلی صمیمی است .

در اکثر نما یشنا مه ها نقش های اول‌را داشته وبا کمال مقبو لی توانسته موفقا نه‌بدرخشد .

طوبی یکبار دیگر در نما یشنا مه مخصو ص اطفال «کلا سر خك» بـا حرکات فریبنده، تبسم میلح‌وبازی‌ما- هرانه اش تحسین همه رابر انگیخت امادر جریان نمایشنا مه مریض شد وبه‌شفاخانه بستری گردید اطفالیکه نمایشنامه را دیده بودند سخت‌علا- قه منداوشده بود ندو او رادوست داشتندبعد از پر س‌و پال بخا نه اش آمدند برایش گلها هدیه‌کردندوبسیار کودکانه خوا هش‌کردند که دیگر مریض نشود و قسمیکه طو بـــی بمن گفت: چه خو شبختی‌میتواند بالا تراز یزباشد که‌توبخا طرمرد مـــت زحمت بکشی‌ومورد تقد یر آنهـــا واقع‌شوی.

طوبی ازدوا ج نموده ویك دخترك مقبول دارد وشو هر طو بی نبـــز هنر مند تیاتراست .

طوبی‌غرض تداوی فعلا به هندو- ستان رفته‌است .

بندوستاره جذاب هندوستان

بندو ستاره مقبول ، ر قـا صه‌خوب که در مد ت کم در خشش خاصی داشت و مخصو صا درنقش‌های منفی خیلی موفق باز ی میکنند این هنر مند سینما هر رو لیکه‌برایش سپرده میشود به حـــد ی دلچسپ بازی میکند که در رو حیه‌نماشا چی تاثیر عمیق بخشیده‌اگر آنها باشد حتما آسیبی برا یشـــ‌می رسانند .

امل ساین آوازخوان معروف ترکیه

امل سا ین آواز خوا ن را دیـو-وتلو یزیون ترکیه که‌هو اخوا ها ن بشمار دارد هم از نظر زیبا یی وهم‌زنظر لطافت صدا نظیر ش کمتر دیده‌شده وبه اساسا ت مو سیقی‌وارد است .

امل ساین اکثرا به کشورها ی دیگر مسا فر ت نموده وکنسرت هایش خیلی مورد تو جه واقـــع شده ناگفته نبا ید گذاشت امل‌ساین چند آهنگ فارسی نیز اجرا کرده‌که از لطافت خا صی بر خور دار است

چند ین بار از وی تقا ضا بعمل آمده تا ستاره سینما شود اما تاحال خودش به این موضو ع چـــندا ن دلچسپی نشا ن نداده است .

امل ساین اصلا آهنگها ی اصیل ترکی را میخوا ند و در قسمت‌لباس خیلی سخت گیر است و همیشه لباس های خیلی زیبا و به سبـك شرقی درتهیه وآن استفاده مینماید.

برای آواز خوا ن پر آوازه‌انتخاب لبا س مشکل ترین کار است .

ناتالیاارینباسادوا

ناتالیا ارینبا ساد وا در نقش شفق در فلم ((شبیکه مهتا ب‌گرفته میشد)) ناتالیا ارینبا سادوا ستاره زیبا وبا استعداد شورو ی کـــه تماشا چیان کایل اورا از فلم ها ی ((نخستین آموز گار))، «جـــمیله» خوب میشنا سند و دوست دارند .

((شبیکه مهتا ب گر فته میشد)) فلم جدید یست که سنا ریو آنـــرا ولادیمیر والو تشکی به‌اسا ســـس ترا ژید ی شاعر مرد می باشکیر اتحاد شوروی موستا کریم نوشته وباراسو خا ل زانو ف رژیسور آن میباشد .

وقایع که از آن حکایت میشوددر آخر قرن هژده اتفا ق افتاده است . اما مفکوره آن که مبارزه به‌خا طری آزادی رو ح انسا ن کا ملا جد یـد است. ناتالیا نقش «شفق» راخیلی هنر مندانه بازی می نما ید .

همچنان درین فلم مو بار یا کوا، دلارام قمبر وا نیز حصه دارند .

سمو کتونوفسکی در فلم چایکوفسکی

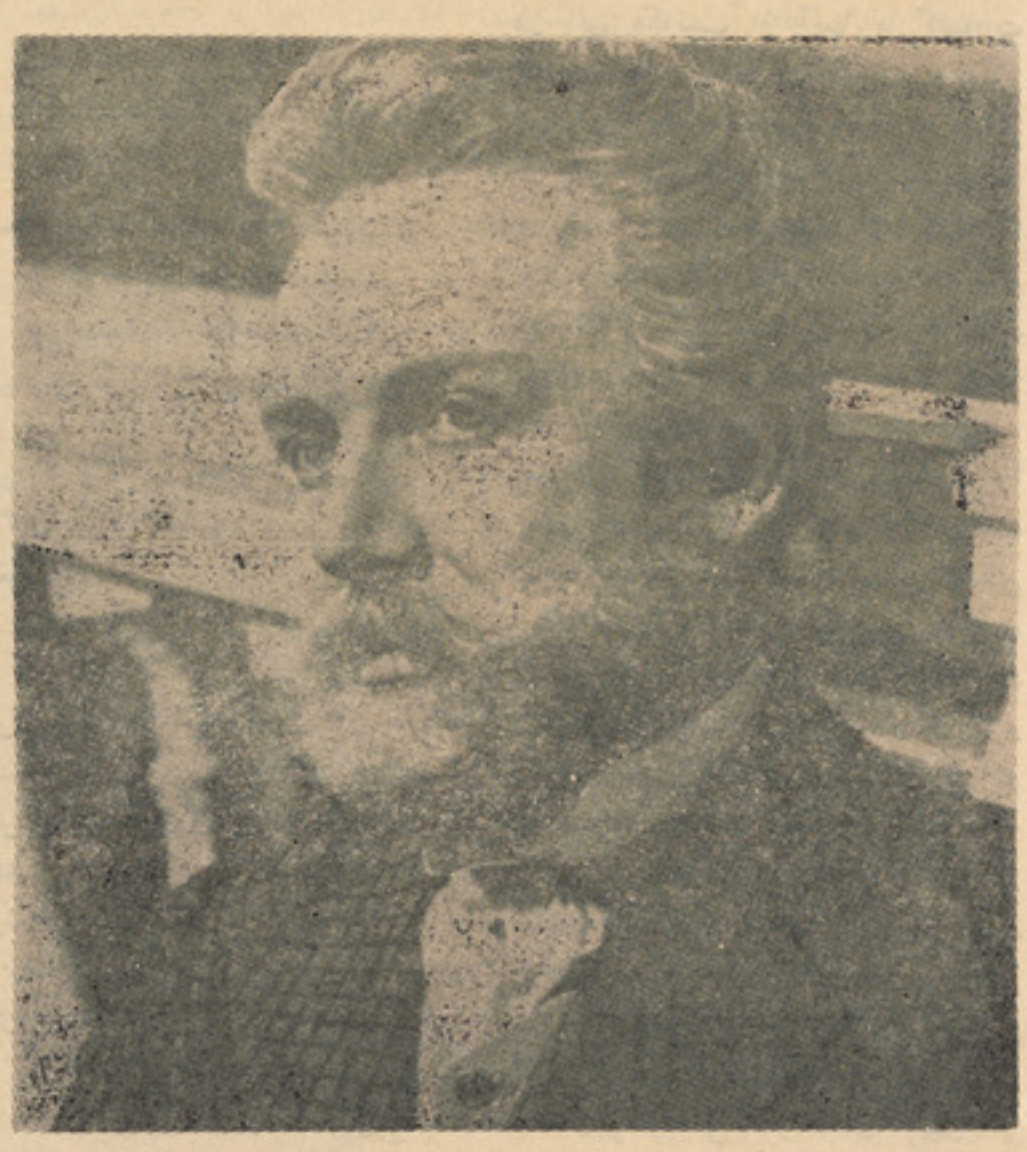

ایتو کنیتی سمو کتو نو فسکـی اکتور تکرار نا شد نی سینمـــا و تیا تر ا تحاد شوروی این اکتور با ا ستعداد را در فلم های ((ها ملت)) ، چایکو فسکی)) ،((حماسه یك عشق)) تما شا چیا ن و هنر دو ستا ن کابل بخا طر دا رند ودرین اوا خر سینما ی کابل‌ننداری فلم خیلی ز یبا که بیا نگر حو ادث سا ل ۱۹۳۸ هسپا نیه ا ســـت بنا م ((سا حل آرا م)) بمعر ضی نما یش قرار داد که سمو کتو نوفسکی نقش مامور پو لیس را ا یفا اوچـــه درسینما و چـــه در تیاتر همیشه می در خشد و مخصو صـا میکرد .

نما یشنامه ((ایـوان مـخو ف)) را خیلی عا لی باز کر د ه ا ســت.

سا ل گذ شته تیا تر هنر ی مسکو به‌آلمان د مو کراتیك‌والمان فد رال سفر نمود و دو نما یـش عا لی را برا ی تما شا چیا ن‌عرضه نمود این دو نما یشنا مه چخو ف ((سه خوا هر)) و ((ا یوا نو ف بود)) که مو قعیت ز یاد برا ی کار کنا ن و ا کتو را ن شو رو ی همراه دا شت و سمو کتو نو فسکی در ا یوانو ف در خشید گی خاص دا شت .

چنانچه ((بینوز دو چلند)) در باره وی نو شت : ((تنها اکتور بزرگ می توا ند که نقش ر اچنین بر ا زند ه ارائه نما ید .))

اکتور جوان وموفق سینما

گیورگی تا راتورکین آموزشگاه تیاتر جوانان‌را تمام کرده است و فعلا درتیاتر جـوانان فعالیت‌دارد. در فلم های « سو فیا پـیرو - فسکایا» ، فراموش نا شد نـــی » مجازات ومکافات « رمان و ظیفوی» بازی خیـلی نـــموده و استعـداد خودرا خوب تبارز داده است .

لیکه کوژارادزی

لیکه کاوژارادزی محصله کنسر وتوارتبلسی است و از دوازده سالگی به عالم سینما راه پیدا کرد و تاحال که چند ین سال می‌گذرد نقش زاد رادر فلم عا خیلی ماهرانه بازی‌کرده است

«درخت آرزو» فلمی است از ساخته های رژیسور موفق گرجستان تینگیز عبدالله دزی که برای لیکه شهرت زیاد به ارمغان آورد. لیکه دراین فلم نقش مارتا راخیلی طبیعـی وزیبا بازی نموده است .

رژیسور فلم یقین دارد که غیر از لیکه‌هیچ اکتریس دیگر موفق شده نمی توانست که‌این رول را چنین زیبا بازی نماید .

صحبت در باره آینده این ستاره زیباوخیل جوان کمی قبل از وقت است اما بااطمینان گفته می‌توانیم که‌اوستاره مو فـــق سینماخواهد بود .

یك داستان از «الکساندرپوشکین»نویسنده شهیر روسی

ترجمه از «حجار»

طوفان برف

مختصر ی راجع به نویسنده :

«الکساندر سر جیو یچ پوشکین»به تاریخ (٦جون ١٧٩٩) در مسکوتولد شده و به‌تاریخ(١٠ فرور ی ١٨٣٧ به عمر سی و هشت سالگی در شهر (پتیر زبورگ) در اثـــریك دو یل از جهان در گذشت .

«پوشکین» نـویسنده ، شاعر ودرام نویس توانا ی بود که تاریخ‌ادبیات اوراپیشقدم (دوستویفسکی) و «لئو تو لستوی » می داند . او درعمر کم خود آثار زیا دی بو جودآورد که بسیار ی از آنها از شهکار های ادبیا ت جها ن بشمار میرو ند .

معرو فتر ین آثار او عبار تنداز:«اویگن اونگین» ،«بوریس‌گودونوف»،«د ختر کا پیتا ن »،«دو بروفسکی» «مامور پوسته رسانی»و «طوفان‌برف» که ترجمهٔ آن در اینجا تقد یـــم‌خوانندگان عزیز میشود .

((مترجم))

در اوآخر سا ل (١٨١١) که‌برای مایك دوره عجیبی بود «گاوریلا ـ گاوریلو ویچـرـ» که شخص پاکدل وخوبی بود در بالای مزار ع واملاك شخصی خود موسوم‌به(نینا رادوفو) زندگی می کرد . اودر تمام منطقـه نسبت مهما ن نواز ی و صفا ی‌قلب خود شهر ت داشت . همسا یگا ن همواره اورا ملاقا ت میکردند ، تادر آنجا بخورند ، بنوشند ویاباخانمش با پنج «کوپك» قطـــعه باز ی ، «بوستون» نمایند . بعضی ها هـم برای‌آن اوراملاقات میکردند تا دختر او را که (ماریا وریلو فنا) نـــام داشت ویك دوشیزهٔ هفده سا لـه با رنگ پریده و اندام زیبا بود ، تماشا کنند . این دختر به حیـــث عرو س مناسب دیده می شد واکثر مردان درنظر داشتند تا اورا برا ی خود یا برای پسرا ن خوخواستگاری نمایند.

«ماریا گاو ریلو فنا» به نمو نـهٔ رومان های فرا نسوی تربیه شـــده بو د و به همین سبب هـــــم عاشق بود . شخصی راکه انتخا ب کرده بود یك افسر کوچك رتبه‌وبی بضاعت اردو بود که روز هـــا ی رخصتی خودرا در پا لای املا ك‌خود سپر ی می کرد . طبیعی است که مرد جوان نیز باهما ن عشق‌آتشین اورا دوست میداشت و والد یـــن معشوقهٔ او هنگا میکه از علاقـه و عشق طرفین باخبر شدند ، دختـر خودرا منع کردند که حتی به‌اوفکر هم نکند و همچنا ن باخود او نیز یك وضعیت سرد نموده وبا مقایسه یك مامور متقا عد هم بد تر از او پذیرایی می کردند .

عشا ق با همدیگر داخل مکا تبه بودند وهر روز با هم ملا قا ت‌های محرمانه در جنگل صنوبر ویا در نزدیکی یك کلیسا ی کو چك‌کهنه می‌نمودند . در آنجا به همد یگـر از عشق وفادار ی ابد ی قسم می خورد ند،از سرنوشت خود شکایت می نمودند وبا همدیگر پلا نها ی برای آینده طر ح می کردند .

با این گو نه تبادلهٔ مکا تیب و مذاکرا ت (چیزی که طبیعی بود) به این فیصله رسیدند :

اگر مابدو ن یکدیگر تنفس‌کرده نمیتوانیم وخواسته والد ین ما در مقابل سعاد ت ما قرار می گیرد ، دراینجا سوا ل پیدا می شود که‌آیا ما نمیتوا نیم بدو ن آنها با خـود کمك نماییم ؟ طبیعی است که ایـن فکر سعاد ت آمیز او ل در مغـــز مرد جوان رخنه پیدا کرد و ایـــن نظر «ماریا گاور یلو فنا»را که‌یك دختر احسا ساتی ورو ما نتیك بود خوشش آمد .

زمستا ن فرا رسید و ملا قـات های مخفیا نهٔ آنها را قطع کرد . اما تبادلهٔ نامه های آنها زیاد تـــر شد. «ولادیمیر نیکو لا ییویچ» در هر نا مهٔ خود به دختر ك زار ی و الحا ح می نمود که زن او شود . آنها با هم مخفیا نه از دوا ج کنند یك مدتی مخفی بمانند وبا لاخـره به پا ی والدین بیفتند و طبیعـــی است که قلب آنها هم با لاخره از این همه مقاو مت وقهر ما نی وبد بختی عشا ق به تر حم می آید و آنوقت می گویند : «اطفا ل من ، بیایید تاشمارا در آغو ش بکشیم!»

«ماریا گا وریلو فنا» مد ت‌مدیدی متردد بود . پلانها ی زیاد ی برای فرار طر ح گردید وبالاخره‌رضائیت خودرا بد ین صور ت اظهار کرد که درهما ن روز معین اوبرا ی طعـام شام حاضر نخوا هد شد ، بلکه به بهانهٔ سر دردی به اطا ق خودخواهد رفت . خدمهٔ وفادار او از این را ز آگاهی خواهد داشت .

آنوقت هر دو از راه عقبی به‌باغ میروند و در عقب باغ یك کالسکـهٔ مخصو ص رو ی بر ف راکه آمادهٔ حرکت بود ، می یابند واز «نینارا دوفو» پنج ورست . (تقریبا پنج‌و‌نیم کیلو متر) دور تر به دهکـــدهٔ (شا در ینو) و از آنجا مستقیمـاًدر پیش کلیسا ی میرو ند که در آنجا «ولادیمیر» انتظار آنها رامی کشد

شام قبل از روز موعده «ماریا‌ـ گاور یلو فنا» تما م شب رانخوابیده بود. او البسه خودرا جمع کرد . یك نامه برای یك زن جوان و بـــا احساس که دوستش بود ویك نامه دیگر برای والدین خود نوشت .او در این مکاتیب از آنها با کلما ت بسیار احساسانه و ظریف ودا ع نمود و از این تقصیر خود که ناشی از یك عشق بزرگ بود معـــذرت خواست ودر اخیر یاد آور شد که اوآن لحظه را از خوشبخت تر یـن لحظات زندگی خود میداند که درآن به او اجازه داده شود تاخود را به پاهای والدین عزیز خودبیندا زد . بعد از آنکه این هر دو مکتو ب را بامهر«تولا»، که در بالای آن دوقلب شعله ور باکلما ت مناسب نقش شده بودند ، بست ، قبل از دمید ن صبح خودرا با لای بستر اندا خت ودر یك خواب نیمه بیدار ی فرو رفت. اما رویا های وحشتنا کی او را هموار ه بیدار میکردند .

او خواب میدید که پدر ش در لحظه ای که میخوا ست بـــا لا ی کالسکه برفی بنشیند و عازم جدایی شود، اورا مانع می شود وبا خشم وزور با لای بر ف ها می کشد ودر یك زیر زمینی تاریك و عمیق می اندازد واو باسر و قلب شکسته در آنجا می افتد .... و یا «ولادیمیر» رامیدید که با رنگ پریده چهـرهٔ خون آلود به روی سبزه ها افتاده است ودر حا ل مردن با صـدا ی جانگذازی الحا ح می نما ید که‌برای ازدوا ج بااو عجله کند ... ودیگر تصاویر وچهره های وحشتنا ك وبی مفهوم یکی بعد دیگر ی در مقابلش ظاهر می شدند . بالاخره با رنگـ پریده وسر درد واقعی از خـوا ب بیدار شد . پدر و مادرش نارا حتی اورا احساس کردند ونگرا نی‌محبت انگیز آنها وسوال های که«ترا چه شده‌است ، ماشا ؟ آیا مریض‌هستی ،ماشا» قلب اورا پاره می کردند .او کوشش می کرد تا والدین خود را آرا م نماید و خودرا خوشحال نشان بد هد ا ما نمیتوا نست .

شام فرا رسید . فکر ی که‌اکنون برای آخرین مرتبه روز را در حلقه فامیل خود به پایان میر ساند ،قلب اورا فشار میداد . او خود رازنده احساس نمیکرد . در خفا از تما م اشخاص و اشیا یی که دور و براو را فراگرفته بودند ، ودا ع مینمود. طعام شام حاضر شدوقلب‌دو بشدت می تپید ، باآواز مر تعش توضیح داد که نمیخوا هد چیز ی بخورد و به پدر ومادر خود شب بخیر گفت. آنها اورا بوسیدند وقرار معمو ل برایش دعا نمودند . او نزدیك بود به گریستن شرو ع نماید.دراطاقش خودرا بالای یك آرام چوکی‌انداخت وسیل اشك از چشما نش جار ی شد . خدمهٔ او به او تو صیه کردتا آرام کند وجرئت خودرا از دست ندهد . تمام چیز ها آماده بود .بعد ازنیم ساعت دیگر باید «ماشا »برای همیشه خانهٔ والدین ، اطاق خود وزندگی دخترانهٔ خود را در عقب میگذاشت ... در بیرو ن بـــر ف شدید به بارید ن آغاز کرده‌بود . باد زوزه می کشید ، شیشه ها ی پنجره می لرزیدند و تکان‌میخورند. تمام این ها برا ی او به حیث یك تهدید ویك پیشگو یی وحشتنا ك جلوه می کرد . در منزل بزود ی‌همه آرام شده وبه خـوا ب رفـــتند . «ماشا» یك شا ل دور گرد ن خود پیچیده ویك بالا پوش پو شید . آنوقت صندو قچه ساما ن تز یینی خودرا بدست گرفته وبه طر فـزینهٔ باغ روان شد .

خدمهٔ او دوبستهٔ دیگر را درعقب او می برد . آنهابه با غ رفتند . طوفا ن بر ف ا دا مه داشت . با د بشدت از طرف مقابل شان میوزید گویا میخواست این گنا هـکارا ن جوان را از رفتن مانع شود .او به زحمت خودرا به آنطرف باغ‌رسانید در سرك پهلوی باغ کالسکه بر فی انتظار اورا می کشید . اسپها ی خنك خورده نمیخوا ستـــند آرا م بگیرند . گادی ران «ولادیمیر» در مقابل اسپها اینطر ف و آنطر ف در حرکت بوده وجلو حیوانا ت نا آرام رامحکم گرفته بود . او بـــه ماد موازل (دوشیزه) و خد مهٔ اودر بالا شدن بالای کالسکه کمك کرد وهنگامیکه بسته ها وصندو قچه‌را در جایش گذاشت ، جلو راگر فت واسپ ها به سر عت حر کت کردند

اینك دختر ك را در پناهٔ ســـر نوشتش وهنر «تریشکا ی‌گادی‌ران» گذاشته و به سراغ عاشق جوان ما میرویم .

«ولادیمیر » تما م روز رادرگردش‌و تکاپو بود. صبح نزد کشیش قریهٔ «شادرینو» رفته و به زحمت بااوبه یك موافقت رسیده بود . بعد از آن به جستجو ی شا هد ین عقد دربین ملاکان در همسا یگی های خود بر آمد . اولین شخصی را که به‌ملاقا‌تش رفت «دراوین» افسر متقا عـد چهل ساله ای بود که او فورا رضا‌ئیت خودرا برای این موضو ع‌اظهار کرد . اوبرایش گفت که این سر‌گذشت اورا بیاد شو خی هـــای دوران افسرا ن (هوسار) قد یـــم می اندازد . او «ولادیمیر» را برای طعام چاشت نزد خود نگهدا شت وبه او اطمینان داد که یافتن‌دوشاهد دیگر آنقدر مشکل نیست حقیقتا هم بعد از صرف طعام آقا ی«شمیت» که مسا ح مزار ع بوده با بروتها وموزه های مهمیز دار خود و پسر رئیس پولیس که یك جوا ن تقریبا شانزده ساله بود و اخیرا بخد مت سربازان سواره در آمده بود نزد ایشان آمدند . آنها نه تنهاپیشنهاد «ولادیمیر» را پذیر فتند ، بلکـــه قسم خوردند که آنها حتی حا ضر اند تاجان خود رابرای او نثار کنند.

«ولادیمیر» به گر می آنها را به آغوش کشید وآنو قت به منز ل‌بر گشت تاخودرا آماده سازد . شام‌گاهان فرا رسیده بود.گادی‌مخصوص روی برف سه اسپه خود را باگادی ران وفادار خود «تریشکا»بااطلاعات دستورا ت به «نینا رادو فو»فرستاد وهدایت داد تابرا ی خودش یـــك کالسکه یك اسپـهٔ کوچك را آورده سازندوآنوقت تنها بدون کا لسکه‌چی سفر رابه طر ف«شادرینـــو» پیش گرفت که بعد از دو سا عت (ماریا گاوریلو فنا) هم بایدبه آنجا میرسید جاده برایش معلوم بود و تمام مسا فت تقریبا بیست دقیقـه طول می کشید .

اما هنوز «ولادیمیر» منطقه دهکده راتر ك نکرده ومزار ع وسیع رادر مقابل خود داشت که یك باد سخت شرو ع بوزید ن کرد وچنا ن یـك طوفا ن بر ف شدید ی بو قـــو ع پیوست که او هیچطر ف خـود را دیده نمیتوا نست .

باقیدارد

صحنه یی از مظالم غیرانسانی فاشیزم .

نوشته ی م • باز ، غوربندی

۹ می روز غلبه بر فاشیزم

پیروزی انقلاب کبیر اکتبر درسال ۱۹۱۷در کشور پهناور اتحاد شوروی چنان چرخش‌عظیم تاریخی است که تاریخ در طول سده های ایکه پشت سرگذاشته چنین حادثه رائبت ننموده است‌که باترتیب تحولات و د یگر گونیهای اساسی ، اقتصادی و اجتماعی ببار بیاورد. باپیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بودکه ضربت محکم بر جهان سرمایه وامپریالیزم فرودآورد وبنیاد آنرا متزلزل ساخت زیرا با پیروزی این انقلاب نه تنها روابط جدید اقتصادی‌بوجود آمد بلکه تکیه گاه خوب وبا اطمینانی برای مردم‌کشورهای تحت تسلط استعمارواستثمار گردیدوزمینه‌آن مساعدشد. تاتمام‌ملل وکشور های تحت استعمار واستثمار به پا خیزند و بردژ چپاولگران یورش ببرند .

درهمان روز های نخستین انقلاب اکتبربود که تمام قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی مخالفت خودرا به رژیم جدید کشور شوراها آغاز نمودند و دسایسی راعلیه انقلاب وکشور جوان شوروی آغاز کردند که درین بحث مختصرگنجایش نداردولی‌نمونه‌ی ازاین‌مداخلات بیشرمانهٔ محافل ارتجاعی درجریان جنگ‌دوم جهانی‌است. فاشیزم ودیگرمتحدینش‌که هدف آقایی وباداری بالای جهان داشت ومیخواست آقایی وباداری را بالای جهانیان تحمیل کند ازهمه مهمتر مبارزه را بمثابه هدف سیاسی خوددر قدم اول مبارزه علیه‌کمونیزم واولین کشور سو سیا لیسی در جهان قرار داد زیرا فاشیست هامیدانستند که‌کشورکبیرسوسیا- لیستی تکیه گاه تمام نیروهای مترقی ودموکرا- تیك در جهان است که بافاشیزم خصومتو دشمن آشتی ناپذیر دارد • سیاست ضد شوروی فاشیزم از طرف حلقه های ارتجاعی وامپریالیستی مورد تایید قرار گرفت چه بعد از جنگ اول جهانی کشور های امپریالیستی چون امریکا ، انگلستان و فرانسه در صدد بودندکه ملیتاریزم را د ر آلمان دو باره احیا واز آن بر ضد اتحاد شوروی استفاده نمایند • وهمین طور هم شد و فاشیزم تمام قوت خودرا در راه تصرف اتحاد شوروی بمصرف رساندو حمله ناگهانی فاشست هادر جنگ دوم جهانی اینطور آغاز گردید •

نیروهای مسلح فاشیستی در صبحگاهان۲۲ جون سال ۱۹۴۱ بطور ناگهانی بالای کشور اتحاد شوروی حمله نمود و معاهده عدم تعرض راکه درسال ۱۹۴۰ با اتحاد شوروی امضاء نموده بودنقض کرد سکوت سپیده دم ۲۲ جون درمرز های غربی اتحادشوروی بافیر توپهای قوای متجاوز هتلری شکستانده شد هزار ها طیاره با پرواز ویورش مرگبار وویران‌کننده بسیاری از شهر ها دهات ، قصبات ،خطوط آهن، میدانهای طیارات وتاسیسات مربوط به آنرا بمباردمان نمود درین یورش آلمان نازی نیروی بزرگی رابه ضد کشور شوراها سوق‌کرد طبق احصائیه ایکه بدست است ، درین حمله ناگهانی ۱۹۰ فرقه که ازآن ۳۳ فرقه تانك وقوتهای موتوریزه ، به تعداد ۵ره ملیون سر باز و افسر ، پنجهزار پروند طیاره وبیشتر از ۳۵۰۰ عراده تانك و ۴۷۲۰۰ توپ و هاوان شامل بود که وارد جنگ گردید• حملهٔ ناگهانی فاشیزم به خاك شوروی چون صاعقه در تمام خاك شوروی پخش گردید و اتحاد شوروی را در چنان شرایطی به جنگ کشاندکه آلمان نازی قوت نظامی بمراتب قویتر از شوروی داشت و قوای مسلح نازیها در جنگ ایکه افروخته بود تجربه دو ساله را کسب کرده بود نازیها به این‌عقیده بودندکه میتوانند باحملهٔ برق آسا در کشور شوروی نفوذ کنند ولی بعدا ثابت گردید که تخمین فاشیست ها غلط بود و آنها براه غلط رفته بودند . نظام سوسیالیستی، تجهیزهرچه زودتر اردو، کمك همه جانبه مردم، رهبری خردمندانه حزب‌کمونست اتحادشوروی برتری خودرا نشان داد• که‌درنتیجه‌فاشیزم وهمکاران آنرامورد شك و تردید قرار دادند و چنان فکری بمیان آمدکه تفوق نظامی وبرتری آلمان نازی موقتی است نه دایمی •

مردم اتحاد شوروی در ماه جولای ۱۹۴۱ تحت رهبری ح•ك، اتحاد شوروی ۳ره‌ملیون نفر راکه اعضای وفادار حزب و کمسمول بودند به نیروی نظامی اتحاد شوروی اعزام کرد، وتدابیری برای تربیهٔ نظامی در عقب جبهه گرفته شد اعضای حزب و کمسمول این وظیفه را هم داشتندکه‌هدف جنگ تباه‌کن وخانمانسوز را که از طرف فاشیزم تحمیل شده بود بمردم واردوی شوروی توضیح نماید•

قوای فاشیستی در سالهای اول جنگ تلاشهای زیادی بخرج داد که لنینگراد ستالینگراد،ماسکو، بلوروسیه‌واوکراین‌راتحت تصرف کامل ودوام دار خود بیاورد ولی به‌اثر مبارزه ومجاهدت شجاعانه اردوی سرخ‌ومردم شوروی قوای نازی به شکست فاحش مواجه گردید اردوی شوروی‌مخصوصا قوای سرحدی

این صحنه پیروزی بر فاشیزم رانشان میدهد .

آن تا آخرین قطره خون و داشتن آخرین‌مرمی ازوطن‌آبایی‌شان دفاع‌نمودندمگریکی‌ازکارکنان سیاسی‌اردوی‌شوروی اینطوربیان نموده بود : «امرعقب نشینی رادر یافت ننموده ایم‌این‌بدان معنی است‌که بایدتاپای جان ایستادگی‌نمائیم کشته شدن بهتر ازعقب نشینی است.» قواء هتلری درنظرداشت که مسکوولنینگرادراباخون وخاك یکسان نماید و زمینه پیشرفت برای شان مساعدگردد امابه‌اساس مبارزه بی امان قوای شوروی دریك جبهه وسیع از لنینگراد تا بحیره سیاه در حدود ۵۰ فرقه دشمن از بین رفت وتابه فاصله های صد تاسه صدو پنجاه‌کیلومتری عقب نشینی‌نمودکه درنتیجه‌ان شهرهای مسکـــو ، توله و ایزان کـــا ملا آزاد گردید و قسمت های لنینگراد ، کورسك، وغیره به آزادی رسیدند وبهمین‌ترتیب باوجود تفوق‌بیشتر نظامی‌نازیها، فاشیستهابهمهاراهنفجر کردند ومرمی هارا چون باران فیر میکردند امانتوانستندکه ستالینگرادرابه تصرف خویش در آورد ودر نوامبر ۱۹۴۲ مرحله دفاع از ستالینگراد خاتمه یافت ودرسال ۱۹۴۳ جنگ درحوالی ستالینگرادباپیروزی اردوی شوروی به پایان رسید • شروع سال ۱۹۴۳ را میتوان سال تحول گفت‌چه‌درین سال در جبهه وعقب جبهه شوروی موفقیت های چشمگیری راحاصل نموده بود وبه تناسب سال گذشته بیش از ۴۲ هزار تانك ، در حدود ۳۵ هزار طیاره وتعدادزیادوسایط تخنیکی بقوای‌شوروی علاوه شده بود در آستانه سال ۱۹۴۴ افزایش وبرتری ازنقطه نظرپرسونل ، توپچی وطیاره قابل ملاحظه بود وبدینترتیب قوای مسلح شوروی روز بروز موفقیت های بیشتری را کسب می‌نمود که مردم شوروی به آن افتخار می نمود، عده از مورخین غربی وبورژوازی علی‌الرغم این حقایق تاریخی در سالهای‌بعداز جنگ سعی‌می‌نمود تااهمیت پیروزی شوروی راپائین بیاورد ویابه‌کدام نحوهٔ دیگرجلوه دهد بطور مثال چنین توضیح میداردکه این پیروزی درنتیجه سرمای شدید وعدم موجودیت‌راه ها بود که برای قشون متجاوز غیر عادی بود اما توجه باید کرد که چنین شرایط بهر دوطرف تاثیر میکردنه بیك طرف . طوریکه قبلااشاره شد سال ۱۹۴۴ سال پیروزی است درجریان این‌سال پیروزیهای زیادی‌نصیب‌اردوی سرخ گردید وقوای هتلری راشکست های فـاحش دادوغلبه بر فاشیزم طور همه جانبه آغاز گردید• درسال ۱۹۴۵ قشون سرخ شوروی در تمام جبهات سر گرم‌نبرد بود وبه تعرض درمقابل قواء فاشیستی ادامه میداد و در ۱۶ اپریل‌سه‌جبهه، جبهۀ اولی بیلوروسیه، جبهه اوکراین جبهه دوم بلو روسیه که در ترکیب آن اردوی نمبر اول و اردوی نمبر دوم شامل بود پیشروی قاطعانه را بطرف برلین آغـاز نمود که این خود یکی از عظیم ترین و درخشانترین عملیات‌نظامی‌بودکه قواء شوروی انجـام داد دریـــن پیشـــروی ۲٫۵ ملیون سرباز وافسر ، درحدود۴۲هزار توپ و هاوان و۶۳۰۰۰ تانك وتوپ موتردار و۷۵۰۰ پرونده طیاره جنگی‌اشترالاوسهم‌فعالانه‌گرفته‌بود. آلمان نازی باتبلیغ اینکه هیچ قدرتی در جهان‌یافت نمیشودکه آلمان رامغلوب سازدبه‌اطراف‌برلین قدرتهای بیشماری جابجا کرده بود لیکن این وقتی بود که هیچ چیز نه توپ وهاوان، نه طیاره نه مرز های مستحکم نه احضـارات محاربوی نه فرقه های متعدد ونه مذاکرات سری با قوماندانی های امریکایی و انگلیسی نمیتوانست که آلمان را از شکست حتمی‌نجات دهد •

بتاریخ ۳۰ اپریل در حالیکـه دقایق اول صبح آغازشده بوداردوی شوروی‌ناحیه مرکزی برلین رادرتصرف خوددرآوردودرلحظات اولی پـــرچـــم ســـرخ پیـــر و ز ی بـــر فراز قرار گاه قشون مسلح آلمان فاشیستی بر- افراشته شد بااین شکست ننگین ، عده ای‌از فاشیست هافرار عدۀ انتحار کردند وبعضی ازایشان دستگیر گردیدندکه در جمله‌انتحار- کنندگان هتلر نیز شامل بو د. بدینترتیب قوماندانی آلمان نازی به تسلیمی بلاقیدوشرط مجبورگردید وبتاریخ ۸می ۱۹۴۵ در نزدیك برلین نمایندگان قوماندانی عمومی قوا مسلح آلمان سندتسلیمی بلاقید وشرط رابه امضاء رسانیدند استالین دریك بیانیه به نمایندگی از حزب کمونست اتحاد شوروی چنین گفته بود: «قربانیهای عظیم ایکه بپاس آزادی و استقلال وطن ماداده‌شده‌محرومیت هاورنجهایکه خلق مادر جریان جنگ تحمل کردند زحمات طاقت فرسای ایکه مردم بخاطر وطن درعقب جبهه ودرجبهه بخود متقبل شدند هرگزبیهوده نبوده وبا پیروزی کامل بردشمن به انجام رسید.»

حزب کمونست اتحاد شوروی وقشون سرخ بعدازآنکه‌متجاوزین‌راازخاك خودبیرون راندند رسالت بزرگ انترناسیو نالیستی خـود را فراموش نکردند و مکلفیت انترناسیو نالیستی خود دانستند که بکمك زحمتکشان کشـــور های همسایه بپردازند. کشورهای چون پولیند چکوسلواکیا، رومانیا، بلغاریا، یوگوسلاویا، اطریش وناروی راکه ساحه یك ملیون کیلو متر مربع را احتوا میکرد و ۱۱۳ ملیون نفر درآن زندگی میکرد ازشرفاشیزم نجات داد . و همچنان به اثر اعلام جنگ به جاپان کشور های شرقی از ملیتاریزم جاپان نجات یافت•

طوریکه درفوق تذکردادیم مردم‌اتحادشوروی روز ۹می ۱۹۴۵ روزفتح وپیروزی خودراجشن گرفتند ومیلیونها انسان زحمتکش شوروی در شهر ها ، دهات فابریکات‌و مکاتب این حادثه رایکی بدیگر تهنیت گفتندو مردم آزاد شدۀ جهان از صمیم‌قلب‌از اردوی‌شوروی‌به مناسبت پیروزی به فاشیزم سپاسگذاری نمودند •

آنچه‌که قابل تذکراست، اینست‌که‌جنگ‌دوم جهانی نسبت بتمام جنگهای گذشته طولانی بود این جنگ شش سال دوام نمود و مدار آن به ۶۱ کشور کشانده شد وبیش‌از ۱۱۰ ملیون نفرتحت ضربه سلاح‌گرفته شدوزندگی بیش از۶۰ملیون انسان درکام مرگ فرورفت که تلفات مادی و معنوی را بر ملل جهان تحمیل نمود •

خلاصه اینکه مرد م اتحاد شوروی هرسال ۹می یعنی روزفتح و پیروزی برفاشیزم را جشن میگیرند ویاد آن افسران وسربازان ایکه قهرمانانه بخاطرآزادی میهن شان رزمیده اند گرامی میدارند . خلق اتحادشوروی و تمام کشور های صلحدوست و ترقی از روز ظفر و پیروزی قشون سرخ برفاشیزم را روز مهم وباارزش تلقی میکنند چه درین روز بود که فاشیزم وتمام دار ودسته آن محکوم به‌نابودی گردید •

چند صحنه یی از کشتار های دسته جمعی مردم بی گناه که فجیعانه توسط فاشیست ها نابود گردیدند .

بیگانه

پیوسته بگذشته

ما به دهکده محل تعبیدش رسیدیم ، و به پولیس تسلیمش کردیم . او از کسی به نام ریاز ـ نتیسف پرسید که آیا در آنجاهست یانی . برایش گفتند که این شخص وجود دارد . سپس پو لیس محلی فرا رسید . از او پرسید که آیا در نظر دارد جایی اقامت کند . دختر با ((نی)) پاسخ داد . ولی ادامه‌داد: ((می‌خواهم ریازنتیسف‌راببینم)) . پولیس شانه هایش را بالاانداخت. دختر بقچه‌اش را بر داشت وبدون گفتنی حتی خدا حافظی آ نجا را ترك گفت .

بخش چهارم

قصه گو خاموش ماند ، تا ببیند که من به داستانش گوش مید هم یانی .

از او پرسیدم :

((دیگر اورا هر گز ندیدی ؟))

((باآنکه آرزو می‌کردم نبینمش ولی او را دیدم)) .

... به زودی بار دیگر اورادیدم بار دیگر ما را به همان بخش کشور فرستادند . این بار محصل‌تبعیدی را که نامش زگر یاژسکی بود انتقال می‌دادیم . او جوان خوش بر خورد وشاد بود. آهنگ می‌خواند و گاهی یك دو پیاله هم می نوشید . او را باید به تبعید گاه دور تر می‌بردیم. دریکی از سفر ها هنگا میکه ازشهر تعبیدی که‌دران دختر قرار دا شت می گذشتیم‌حس کنجهاوی‌ام تحریك شد تا ببینم که و ضع وی چگونه هست . از یکی پرسیدم :

((د ختری که ما وی‌را آوردیم زنده‌هست !)) جواب داد :

((اوه ، بلی بسیار خوب‌هست. ولی دختر شگفت انگیزی ! ست . از روزیکه آمد به‌یکی از تعبید گاه رفت وازان و قت تا حالا د یگر خبری از او نیست . ولی زنده‌هست مردم در باره اش گپ های زیادوکم می زنند . و لی می توان د ر وا زه شهر را بست و دهان‌مردم رانی.))

حالا یادم می آید که می گفت :

((می‌خواهم در بین «ازخود» بمیرم)) در آنموقع به شدت‌عصبی می شد . گپ عجیبی بود در بین ((از خود)) . به همین دلیل‌خواستم بار دیگر او را ببینم . برایش بدی نکرده بودم و او هم مرا به نظرخراب نمی دید .

یك آدم خوب مرا ر هنمایی‌کرد. او درگوشهٔ شهر در یك خانهٔ‌کوچك که دروازه کوتاه داشت زندگی می‌ـ کرد . آنچه که بیشتر از همه د ر این خانه جلب تو جه می‌کرد ، آن بود که اتاق روشن ، پاك و ستره بود. دریك کنج آن تخت خواب گذاشته شده بود . آنچه بیشتراز همه به‌نظرمی‌خورد کتاب بود که بر روی میز و رف ها کوت شده بود . گوشه‌یی از خانه که پاك و نظیف بود به کار خانه ، جا ییکه یك چوکی باغی نقش بستره دوم را با ز ی می‌کرد، اختصا ص یافته بود . و قتیکه درون‌اتاق شدم دختر روی تخت خوابش نشسته بود . خود را در شال پیچا نیده و پا هایش را جمع نموده بود چیزی می دو خت . تعبیدی د یگر که زیار نیسسف نامیده شد، روی‌چوکی در کنارش نشسته بود و برایش بلندبلندکتاب می‌خواند. ازچهره‌اش معلوم می‌شد که آدم جدی ا ست . دخترك در حالیکه گوش می داد ، چیزی را می دو خت . ز مانیکه دروازه را باز کردم دختر مرا د ید کمی از جایش بلند شد . دست‌مرد را گرفت وآنرا فشرد . چشم هایش بزرگ ، تاریك و پر از اندوه‌وترس بود . رنگش پریده تر ازگذشته مینمود.مردپرسید.

((چه شده هست ؟ آرام بگیر))

مرد هنوز مرا ندیده بود . بعددست مرا ر ها کرد و خودرا جمع تر نمود . برای مرد گفت : ((فکر می‌ـ کنم که آنان مرا مرده پندا شته اند)) .

در این لحظه مرد رویش‌رابطرفم گشتاند و چشم هایش به‌من افتاد. روی پا هایش جهید و چنین‌بنظر می آمد که قصد کشتن مرا دارد . مردبلند بالا و زور مند بود ...

آنان فکر کردند که من‌برای‌بردن دخترآمده ام . و لی و قتی که دید ابری از ترس مرا هم فرا گرفته است، خودرانگه داشت . د ست دختر را گرفت و گفت :

((آرام باشید)).

رویش را بطرف من دوردادواین کلمات از لبانش بیرون شد :

((و تو جوان بیعار برای چه آمده یی ؟))

برایش شرح دادم که‌خودم‌آمده‌ام وکدام مقصد خاصی ندارم . و من کسی هستم که دختر را به این جا آورده ام . دختر درراه بسیار مریض‌بود و به همین خاطر می ـ خواستم بدانم که حالا چطور هست. مرد کمی نرم شد. ولی دخترهمچنان گرفته باقی ماند .

مرد که این مطالب را فهمید با خنده رویش را بسو ی دختر گشتاند و گفت :

((ببین همان چیز ی که من می‌گفتم)) . این کلمات نما یانگرآن بود که بیشتر در بارهٔ من بحثی‌شده هست . دختر ممکن از سفرش چیز هایی گفته باشد .

معذرت خواستم :

((ببخشید اگر مزاحم تان شدم. من لحظه بدی را برای د یدن تان انتخاب کردم . حالا می روم ودربارهٔ من فکر بد نکنید)) .

مرد به پا خاست و بعد ازانداختن نگاه جستجو گر به من ، د ستش‌را دراز نمود و گفت :

((اگر بار دیگر گذرت به این‌سو افتاد ، از ما خبر بگیر .))

دختر با تبسم مسخره آ لودگفت:

((فکرش نمی کنم بار دیگر باین سو گذرش بیفتد .))

مرد اضافه کرد :

(این مطالب درست است و لی اگر دلش می خواهد بگذار بیاید .))

رویش را به طرفم گشتانده و اضافه کرد :

((ببین همه چیزدرست‌هست.))

ازان پس ، دیگر چیزی‌ازکلماتش نفهمیدم . عیب شما این است که‌در بین خویش با زبان ظریف و با نظم گپ می زنید . در حالیکه دلم می‌ـ خواست بیشتر بمانم و مطالب‌تازه رابفهمم . ولی این حر کت مرا ممکن بانظر بد گمانی می‌دیدند . لذا آنجا را ترك گفتم .

ما بار دیگر آ قای زگریاژ سکی را در راه رفتن به تبعید گا هش دیدیم و لی پیش از اینکه درموردش مطالب بیشتری به دست آ وریم‌به اینجا باز گشته بود . در آنجامامور پولیس یکی از پاسبانان‌ماراخواست وبرایش هدایت داد :

((تو تا امر بعدی همینجا می ـ مانی. من درمورد تلگرامی رادر یاـ فت کرده‌ام . باید تا آمدن پوسته صبر کرد)) . به این تر تیب ما ـ ماندیم .

باز به فکرم آمد که سری به آندو بزنم و یاکم‌ازکم‌ازصاحب‌خانه پرسان کنم که‌وضع دختر چگو نه است . صاحب خانه در جواب‌سوالم گفت :

((بیچاره‌روز های دشواری‌را می‌گذراند و فکر می کنم به زو د یها جهان را پدرود خواهد گفت: و اگر آنان کشیش‌رابربالینش نیا ورد . می‌ترسم که‌گردنم در آخرت بسته خواهد ماند .))

دربین گفتگوی ما ر یازنتسیف‌از اتاقش بر آمد . او مرا خوش آمدید گفت واضافه کرد :

((شما پس آ مدید ؟ چرا باز آمدید ؟))

((من باگام کوتاهی وارد خا نه شدم واو بدنبالم آ مد .))

دختر با دیدنم گفت :

((اوه باز همان مرد عجیب آمده است . تو او را خواسته بودی ؟))

مرد جواب داد :

((نی او خودش آمده است .))

قلبم از این تو هین به شدت‌درد گرفت . عصبی شدم .

((دوشیزه من برایت چه‌کرده‌ام که‌اینقدر بالایم قهر هستی؟ فکر می‌کنی من دشمنت هستم ؟))

((فقطهمین، وخودت وضع‌را درك می‌کنی ! البته تویك‌دشمن‌هستی !))

صدایش لرزش داشت و ا زا ن ضعف و ناتوانی می بارید . کومه هایش به شدت سرخ شده بود ولی چنان قیافه شیرین داشت که من حاضر بودم به‌آنسوی د نیا به دنبالش بروم . فکری در ذهنم‌آمد: اوعمر زیادی نخواهد نمود . از او باید می خواستم که مرا ببخشد . چطور می شود که اگر بمیرد ومرا نبخشد ؟ برایش گفتم :

((مرا ببخش . اگر رو یهٔ بد باتو کرده باشتم مرا عفو کن .)) من مانند یك مسیحی خوب با او گپ زدم ... بار دیگر او عصبی شد ...

((عفو؟ حالا! هر گزنی ! تو نباید تو قع داشته باشی ! ممکن‌من بمیرم و لی ذره‌یی از عفو وبخشش در قلبم برای تو و جود ندارد !))

راوی خاموش شد و پس از لحظه تفکر بالحن آرام ونرم‌ادامه‌داد.

داد .

وبار دیگر آنان در عالم خویش غرق شدند . فقط آ دم تحصیلی‌کرده می‌توانست از کلمات شان چیز ی درك کند . از همین سبب من فقط کلماتی که‌درذهنم‌برای ابد نقش‌یافته است ، برایت باز می گویم تا اگر بتوانی از آنها چیزی د ستگیر ت شود . من خود معنی این کلمات را نمی‌دانم .

ریازنتسیف‌گفته بود:

((او حالا به دیدارت بحیث یك ژاندارم نمی آید . او ترا مانند دیگران به تبعید گا هت ر سا ند. او فقط اوامر را اطاعت نمود. و لی حالا بدون اوامر آ مده است. نا مت چیست ؟))

((نامم استیپان است))

((و نام خانوادگی))

((پترویچ .))

((خیر . استیپان پتر ویچ تو اینجا که‌آمدی کسی ترادنبال نمی‌کرد. نظرم درست، هست ؟))

بلی درست حدس ز دید . اوامر، خلاف این گونه د یدار هاست. اگر آمرانم از این حرکتم بوی ببرند ، روزم سیاه خوا هد شد .))

او رویش را به سوی د ختر که از چشمانش نگاه نا با ورانه می بارید نموده گفت :

((می بینی که حدسم د ر ست بود؟))

دختر د ستهایش را به شدت از میان دست های مر دبیرون کرد و گفت :

((من چیز نوی نمی بینم . این‌تو هستی که همه چیز را تصور می‌کنی به‌نظر من یك گژدم گژدم است . بلی ما دشمنان همدیگر هستیم ! کاراین گونه آدم هااین است که مارا زیر نظر بگیرند ووظیفه ما این هست‌که طرح های شان را خنثی کنیم. ببین او ایستاده است و به همه چیز گوش می دهد . من یقین دارم ا گر می‌دانست که ما را جع به چی گپ می‌زدیم ، فورا می رفت و آن راطی راپوری به‌مقام‌های بالایی‌می‌رساند))

ریازنتسیف رویش را به طرف من گشتاند و برق عینك های ذره‌بینش چشمم را خیره کر د . نگا هایش تند و لی پر از محبت‌بود پرسید :

((تو چه می گویی ؟ و لی لازم نیست که ابراز نظر کنی . بعقیدهٔ من تو کمی تو هین شده یی .))

براستی اگر اوامر و سو گند ی را که یادکرده بودم ، در نظر می گرفتم هر گاه از کسی و لو پد ر ، ی‌بود خلافی سر می زد آن را باید به مقام های بلند راپور می دادم . به خاطر این کار نبود که به آنجا رفته بودم . از این حرکت به شدت متاثر شدم . خواستم بروم و لی مرد جلوم را گرفت .

« استیپا ن پترویچ ، نرویك لحظه صبر کن .)) رویش رابطرف دختر گشتاند و گفت :

((خوب نیست . این ا لبته‌چندان مهم نیست که او را نمی بخشی‌یابا او آشتی نمی‌کنی. ممکن ا ست از این حرکت تو قلبش جریحه دار شود واز تو رنجی به دل بگیرد . اگر او دشمن هم هست یك انسان می‌باشد . اگر تو اینگونه رفتارکنی ازهمه کس تجرید میشوی!))

دخترگفت:

((اگر من چنین هستم تو هم یك آدم خود نما هستی . آنچه برایت اهمیت دارد کتاب هایت هست و بس .))

این کلمات او را عصبی سا خت وناگهان از جایش جهید . مثل‌اینکه او را ضربه کاری تکان داده با شد. دخترك از این کار هراسان شد و کمی خود را جمع نمود .

((تو مرا خود خواه می گویی ولی خودت میدانی که‌من چنین‌آدمی نیستم.))

((من فکر می کنم چنین هست.. ولی ((تو)) براستی حقیقت می گویی ؟)) ((می گویم ولی توبیشتر به آدم سر بهوا می مانی ...))

دختر لحظه‌یی مکث کردتافکرش را متمر کز بسازد . سپس د ستش رابه‌طرف وی دراز کرد. مرد آن را گرفت . د ختر به چهره اش موشکافه دید و گفت :

((متیقنم که تو راست میگویی!

من احساس کردم که بیکار و احمقانه ایستاده ام و آندو را می‌بینم. گلویم رابغض می‌فشرد . سپس او رو یش را به طرفم‌گشتاند واین بار بدون آ نکه از نگا هش بیزاری و تنفر ببارد د ستش را به سویم دراز کرد و گفت :

(باقیدارد)

جواب به نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان و همـــــکاران بزرگوار !

به آرزوی سلا متی و مو فقیت شما مـــی پردازیم به پاسخ نامه های رسیده یی این هفته :

دوست عزیز محمد ظاهر ایـوبـی متعلـم صنف دهم لیسه عمر شهید !

سپزینه سلام ما را هم بپذ یرید و بهارپیرام و شاد برایتان خواهانیم . همکـــار عزیز ما چنین مینگارد :« روز های شگفتـن گلهای رنگین را ، باز رسیدن فریاد بلبـلان دلداده راو بهار پربرکت وپرسعادت رابه کارکنان ارجمند مجله ژوندون مبا رك بادمیگویم سال تان خوش باد ، روز تان و هفته تان همچنان ...» سلامت باشید همکار مهر بـــان. از لطف و عنایت بی شمار تان ممنو نیـم .دو پسکارت قشنگ ارسالی شما را جهت کلیشه به زنگو گرافی فرستادیم که تا دریکی از شماره های آینده به چاپ زنیـــــم . فکاهی بی خنده وبا مزهٔ (!) تانرا به متصدی صفحه خنده حوالت کردیم که بنام خود شما به نشر سپارد . خداحافظ تان همکار خو ب .

دوست عزیز حمید پروانه محصل دارالمعلمین سید جمال الدین !

بعد از سلام ، خدمت همکار عز یـــزعرض شود که چنین نیست و چنان نخوا هد شد . از لطف و محبت شما و قدر شنا سی شما دربا ب مجله و گـــــردانندگـان آن سپاسگذاریم ، مجله ژوندون به ویژه صفحات مجله ژوندون پذیرای تراوش فکری خـــوب هر نو یسنده مو فق است و به سخـــــن دیگر هر که متاعی نیکو آورد ، آن صفحات خریدارش است . متصدیان صفحه های مجله، آن صفحا ت را اجاره و سر قفلی نگرفته اند . بلکه با مطالب دیگران صفحه هـای خـویش را آ ذ یـن مـی بنـد نـــد . و بر ا ی مضمـــو ن نـا ب و نغـز حـق اولیـت در چاپ قایل اند و هیچ نظر ندارند که ایـن نو شته از کی است : تا نو یسنده اش راببینند و مطلبش رابه چا پ زنند . تقسیـم صفحات به بخش های جدا گانه جز ایـــن نیست که کار ها به وفق مراد بیانجا مـد ، منظور دیگری در نظر نیست ، یعنی کار هاانسجام بیشتری بگیرد ، مطالب برای چـاپ آماده گردد و بالاخره به نشر برسد . بیش از هشتاد و پنج در صد نبشته های صفحات اختصاصی مجله به یمن قلم همکاران مجلـه تهیه میگردد که از اینرو اعترا ضی با قـی نمی ما ند ... اگر باور نمی کنید و نمـی پسند ید ، باری ، امتحا نش شرط است مشرو ط بر اینکه آن نو شته به مفهـــو م واقعی کلمه نو شته باشد .

متصدیان صفحا ت در گز ینش مطا لب ارزنده از هیچ کو ششی دریغ نمی ورزنـدو حتی الامکان سعی به خرج مید هنـــــد که تا خوبترین نبشته ها را برای صفحـه های خود برگزینند واز سوی بیشترین بخش مواد آن صفحه ها بعد از ارز یا بـــــی هیـا ت تحریر به ایشا ن سپرده میشود که دراین صورت با ز هم جای شکایت باقی نمی ماند مطالب رسیده به اداره یك مجله و روز نامه بسیار است ، ازاین جهت مطالب رسیده بعد از بررسی و باز نگری به نو بت آسیای بابه به نشر میرسد که همانا چند روزی را در بر خواهدگرفت ودیگرهیچ... به خدامیسپاریمتان.

دوست عزیز ناصر آرین !

سلام ما را بپذیرید . کجا بید ای دوست که خبر و احوا لی از شما نداریم ، هر جا که هستید خوب باشید ، پارچه شعر شما به اداره رسید ، خواندیم ولذت بردیم . برای چاپ شعر دیگری بفرستید . همکاری تانرا خواهانیم .

دوست عزیز محمد مسعود اعظمـــی ازخوشحال خان مینه !

بپذیرید سلام های صمیمانه ما را نیز .هر دو نامهٔ تانرا یکجا گر فتیم و چکـیده احساس تانرا برخواندیم ... بخوا نید :

امشب بیاد کی دیگر ناله سر کنـم — امشب بیاد که دیگر چشم تر کنم
او رفت وغم هجران بمن گذاشـــت — امشب بیاد کی دیگر غصه کـنـــم

خدا غصه و غم را دور نگهه دارد و روزگار تان خو ش بگذرد . تنها در زلف یار ، فکربی قرار رانپیچانید که شمـا را از کـارهـــا ی مثبـت دیگـــر بر کنار میدارد و تنها الف قامت یار در ذهن تان نقش میگیرد که جز یار چیز دیگری نخوا هید گفت . بـه اطراف تان نظر اندازید . با مردم بیامیزید به گفتگو وصحبت ایشان بنشینید وبرای شان شعر بگویید ... و بخوانید شعر دیگر تانرا :

بی تو در لحظه های تنهایـــی — خسته ام میکنـــد غـم جـدایی
زندگی آن بود که باتو گذشـت — بی تو مرگ است هرلحظه جدایی
بی توا ی یار هـــــمدرد م — کلبه ام از بهار و گل خالیست
بی توای روز روشـن مـــن — روز من سخت تاریك و طولانیست

• • •

دست دعا بلند میکنیم که خدایا همکـــار عزیز ما را از درد هجران بر هان ... بـــه همکار ارجمند ما مشوره دو ستانه اینست که اشعار بزرگان ادب را بسیار بخوانید انشاالله شاعر خو بی خواهید شد .

دوست عزیز عبدالواحد «توپ» محصـل بو هنخی زبان و ادبیات !

سلام همکار عزیز . خو شو قتیم که بازهمکاری خویش رابا مجله خواستنی و دوست داشتنی خود می آغازید . چکیده احساس شمارا بنام (شاکـب کیهان) مطـالعـه کـردیـم ولی راستش از شما چه پنهان که چیـــــزی نفهمیدیم و القای معنی نشد . کلما تـــــی دراین پارچه ادبی به چشم میخورد کـــــه نمیدانیم چـه معنی میدهـد ؟ از آن جملـه اینهاست : کشیبا نه ، ابرج ، ملـحـون ، لهجت ، درواج زمین ، لحن بـــــاران ، صاعق ....

میگو یند شعر از بهر مردمان گو یند نه از بهر خویش ، شما هم همینگو نه کنید و شعر از بهر مردمان گویید .

هر گاه فر صتی میسر تان شد ، سری به مجله ژوندون بز نید تابا هم در ایـــن زمینه به گفتگو بنشینم ، انتظار همکاری های بهتر تانرا داریم . خدا حافظ .

دوست عزیز اسد الله مفتون محصـــل بو هنخی فارمسی !

سلام علیکم برادر عزیز . چکیده احساس شما را بر خواندیم ، بخوانید :

باز پشت پا زدی به عهد ووفـــا ی خویش — رنجیـدم نمـودی د ل بیتاب مـرا
باز کردی سفر به دیار نازوفسون — افسرده نمودی روح شاداب مرا

• • •

ای عشق پر شکوه من خدا را — دیگر مکن غمگین و ناشاد مرا
مسوزان مرادر مجمر سوزان هجر — بهر خدا باری بنما تو هم یاد مرا

• • •

انتظار همکـــاری پرثمر شما را میبریم . موفق باشید .

دوست عزیز سید حسن خدیر از ولایت فاریاب !

بپذیرید سلام صمیمـانـه پاسخگو را . افتخار (!) بخشیدید که این کمتر ین را از راست گو یی منع میکنید . بخوا نید نا مـهٔ ارسالی خویش را که آماج تیر مـــلا مـت جواب نویس است .

«سلام آقای پاسخگوی صفحهٔ (جواب به نامه های شما) در صفحه بیست و هفتم شماره ۲۳ـ۲٤ تاریخی ۲۵ سنبله مجله ژونـــدون جواب نویس (جواب به نامه های شما) بیك تعداد نامه های وارده جوابی نو شته اند درجمله این پاسخ ها به سطر چند برخوردیم که در آن به قطعه شعر شاعره جوا ن محترمه آصفه (شاداب) انگشت انتقاد گذاشته ، آقای جواب نویس در قضاوت غیر عادلانه شـــان (شاداب) را که تازه به دنیای شعر واد ب گام نهاده و هر لحظه به تشویق بنیادی ورهنمایی مفید نیاز مند است . بدون استـــاد

سارق ادب وانمود کرده اند تاسف درین جا است که آقای جواب نویس پیرا مـــو ن مطلب مند رجه دقیق نشده به سخن پردازی همت گماشته اند . اگر (شاداب) برو فـــق عقیده شان کلمات را سرقت کرده باشدلطفاً ماخذ و مدارك کلمات مضمون مسرو قه راکه شامل مصرع و یا بیتی باشد با تشخیص منبع آن توضیح فرمایند در غیر آن نظر شان دور از انصا ف خواهد بود . همه میدا نندکه هر نویسنده و شاعر بویژه صاحبان استعداد نو به جلب وجذب و رهنمایی های مفید بسی نیازمند میباشند بنا وظیفه انسانی هر نو یسنده مجرب ووطن پر ست وناقد آثار این است که با درك واقعیت های عینی و ذهنی جامعه در جهت احیا وشگوفایی استعداد های برازنده کشور از آراء نظریا ت و مشوره هـــای مفید دریغ نورزد . امروز درین عصر درخشا ن مردمی هر انســـان وطن پرست و با شعور در حالی که ازمزایای تکارندگی بر خوردار گردیده باشد به حقیقت امر پی برده سخن گو یان کم تجر به را ازمشوره های خود بهره مند می‌گرداند . مگر آقای پاسخگو همان طوریکه از سیاق کلام شان پیدا است ضمن تو صـ یه مطا لعـــه بدون ارائه دلیل و بابی اعتنا یی به قانـو ن ادب (شاداب) رابز عم خود محکوم به سرقت ادبی نموده اند . ازاین ادعای دور از مفهو م شان استنباط میگردد که مو صوف بفرسنگها راه از کاروان شعر و ادب بدور مانده انـــداگر نو یسنده محترم شمه ای از مزا یا ی ادب برخوردار می بودند تحت تاثیر عـوامل خود خواهی فرو نر فته به ابراز چنین جواب های درشت متوصل نمیشدند . اگر مرام شان ازین درشت نـویسی استعداد کشـی باشـد باطرح تازه ای در روش نقادی و نویسندگی فکر میکنم جواب نویس محترم در مـــورد سخت در چنگا ل اشتباه گیر آمده اند .

پاسخگوی محترم و همهٔ مـا میدانیم که با پیروزی مر حلهٔ نوین انقلاب شکو همنـــد ثور روزنهٔ درخشش ساحات حیا تی و ادبی باز شده چنانچه محترمه شاداب ازیـــن پیروزی بزرگ ملی الهام گر فته اجمالا درقطعه شعری برداشت خود را بازیبایی اظهار کرده است . شا داب که درین مـــواردمطابق استعدادش مطالعات عمیـق کـرده نتیجه تحقیقات خود را به صورت نظـــم تقدیم خوانندگان محترم نموده است استعداداو در نزد اهل ادب در خور تحسین است .

مگر آقای جواب نویس این طـــرز سخن نو یسی را محکوم به سر قت نـموده عمداً کتمان حقیقت کرده اند زیرا این یك امر مسلم است که سخنوران هیچگاه از تـوارد مضمون مصؤن نبوده و این چنین تـــواردر کلام قدما و معا صرین احساس شـــده مگر ناقدین این گو نه توارد ها را در کلام سخن سازان تاحدی مجاز دانسته اند هرگاه مصرع وبیتی از کلام دیگران اقتباس شو دناگزیربه سرقت محکومش می کنند .

اما این سروده های شاداب کاملا زاده طبع خودش بوده واز دیوان کدام سخنـوری گرفته نشده اگـر به گفتـه آقـای جـواب نویس محصو ل مطالعه و تتبع در رشته نظم کشیده شود واین گرد آوری ها حیثیت سرقت را به خود بگیرد پس تمام سخن سازان وچیز نو یسان محققین ، تاریخ نگاران حتی جناب خود شان هم در قبال سار قین قرار میگیرند بنا این حدس آقای جواب نویس را ازریشه خشك و دور از مفهوم می خوانیم .

آئینه گر عیب تو بنمود راست خود شکن ، آئینه شکستن خطاست

در شماره (۴۳-۴۴) مورخه چار دلو ۱۳۵۹ مجله ژوندون آقای پاسخگوی با تایید انتقاد (سعیده جان) محترم (فروتن) شاعر بـــــا احساس ولایت فاریاب را محکوم به سر قت ادبی نموده با نوشتن کـلمات درشـــت به آئینه ادبی این شاعر جوان خاك زده، بـــی خواهند استعداد های نو شگفتـه را پـژمرده سازند .

من بحیث یك خواننده مجله ژوندون درباره پار چه شعر عبدالر حمن (فروتن) و سید نور(فرخ) تحقیق نموده بالاخره برایم اینقدر معلوم گردید که پارچه شعری که مـــورد انتقاد شما قرار گرفته به ماه جوزای سا ل ۱۳۵۲ به روز نامه فاریا ب بنام عبدا لرحمن (فروتن) به نشر رسیده اما پارچه شعـــر سید نور (فرخ) به ماه جدی سال ۱۳۵۲ به مجله ژوندون نشر گردیده است پار چـــه شعر (فروتن) نسبت به شعر (فرخ) شش ماه قدامت دارد و هم نمیدانم که (فرخ) کیست ودارنده کدام دیوان است یاخیر

من بحیث قضاوت کننده نقـد (سعیده جان) و آقای پاسخگوی مجله ژوندون را عا ری از حقیقت دانسته از جناب شان سوال میکنم که فروتن) سارق ادبی میباشد یا (فرخ) وهـم باید تذکر دهم که دریك پارچه شعر چنـــد مصرع توارد مجاز است بهر حال آرزومیکنم هر چیز کـه دل شما بخـــواهد به صفحه مجلـــه ژونـــدون تحریـــر نکنید . در مجله ژوندون پارچه شعری بنام سر شـــك که از اثر (کارو) در کتاب بنام شکســـت سکوت دیده شد بنام آقای قصاب به نشـر رسیده است جناب «قصاب» که واقعا قصاب آثار دیگران اند اوبا متوجه عمل شان بسازیدکه در آینده این کار را نکنند .»

پاسخگو

آیا صلاح مید هید که به دروغ بگویـــم فلان کس بهترین شعر زمانه را سروده است؟ وهمینگو نه به دروغ تشویقش کنم کـــه شعرش بهتر از مولانا و حافظ است. آیااین دروغها ، بر زمینش میز ند یابرآسما نشـــ برد ؟ آیا و قت آن نرسیده است که با خواننده جز راست هیچ نگفت ؟ و آیا این درست نیست که بی پرده با حقایق رو برو شویم ؟ و آیا لاز مست که به ناحق کسی را امید وار بسازیم و به درو غش بفریبم .....

گر راست سخن گو یی و در بندبمانی به زآنکه دروغت دهد از بند رهـایی

باری گفتم و اجبارا بار دیگر نیز میگویم که توارد غیر از اقتباس است . تـــوارد را چنین معنی کرده اند «پیاپی وارد شدن، با هم دریکجافرود آمدن ودراصطلاح ادب آنست که دو نفر شاعر بی خبر از یکدیگر هر کدا م شعری بگو یند که از حیث لفظ و معنی با هم مانند هم باشد بطو ریکه گمان بروذ یکی از آن دو نفر این شعر را از دیگری نقـــل کرده است.» باری در آن زمینه پاسخ گفته ام رجوع کنید به شماره هـــای پیشین مجله.

و به پاسخ بخش های دیگر نامه تان از زبان حافظ میگویم و میگذرم :

دوستان ازراست می رنجد نگارم چون کنم

دوست عزیز همایو ن از کارته پروان

سلام همکار عزیز وارجمند ،سال نورا به شما هم مبار ك میگو ییم . همکار مابه مبارکی سال نو شعرقشنگی از حافظ جهت نشر بـــه این صفحه فرستاده اند که باسپا س فراوا ن نشر میکنیم .

به عزم تو به سحر گفتم استخاره کنم
بهار تو به شکن میرسد چه چاره کنم

سخن در ست بگویم نمی توانم دیـــد
که می خورندحر یفان و من نظاره کـنم

بدور لاله دمـا غ مـــراعـلا ج کنید
گراز میانه بزم طـــر ب کـــناره کنم

رز وی دست مرا چون گل مراد شگفت
حـواله ســـردشمن بسنگ خار ه کنم

گدای میکده ام لیك و قت مستـی بـین
، نازبرفلك حکـم بر ستـا ره کنم

بتخت گل بنشا نم بتـی چـو سلطا نی
ز سنبل وسمنش سازطوق ویا ره کنم

چو غنچـــه با لب خندان بیاد مجلس شـــاه
پیا له گیر م واز شو ق جا مه پاره کـنم

مرا که نیست ره ورسم لقـــمه پـر هیزی
چرا ملا مـت رند شرابخوا ره کـــنم

زباده خورد ن پنهـــان ملـول شد حا فـظ
ببانگ بر بـطونی را زش آشکاره کنم

منظرهٔ زیبای از نورستان که به مبارکی سال نو، همکارعزیزماهمحمدظاهرایوبی فرستاده اند

برگزیده‌هایی ازمیان فرستاده‌های شما

محمد عمر ((قریشی))

عواقب ناگوار ازدواجهای اجباری

جهان امروز ، جهان دیروز نیست ،عصر اتوم ، جای خود را برای عصرما هتاب وسفاین فضائی گذاشت . انسانهای مترقی ، صلحدوست وعلم دوست بر طبیعت چیره‌آمدند و زندگی خویشتن وهمنوعان خود را ، علمی ،تخنیکی واقتصادی نمودند ، از وقت کم ، استفادهٔ اعظمی اخذ واز مصارف بیجا واسراف ، جلوگیری کردندوبدینطریق در عصر حاضر ، زندگی بشر ، اقتصادی گردید .

اگر به دیدهٔ دقت نگریسته‌شود،هویدا میگردد که دوام وبقای بشر، درا بین همهٔ مقتضیات عصرو ضرورتهای مبرم وقت وزمان بوده‌است .

بنابران کشورهای عقب مانده و کشورهای رو به انکشاف نیز از این قاعدهٔ کلی بامقتضیات عصر و ضرورتهای مبرم وقت وزمان ، بر کنار مانده‌نمیتوانند و می بایست زندگی ساده ، بی تکلف و عاری ازمصارف‌کمر شکن و بی لزوم را ، بر زندگی تجملی واسراف ، مرجح پنداشته‌ودر عروسیها و مرده داریها از رسوم کمر شکن و مصارف‌بیمورد که علی رغم مقتضیات‌عصر حاضر و مغایر پرنسیپهای‌علمی‌واقتصادیست ، جدا حذر و از آنها جلوگیری نمایند تا خانواده‌های کوچك و خانه بزرگ (جامعهٔ) در منجلاب فساد ،ناداری‌وهلاکت ، دست و پا نزنند .

یکی ازرسوم‌های کمرشکن،ننگین‌ومضحك که در کشورهای عقب مانده و نیز در کشورهای‌روبه‌انکشاف ،تاکنون متداول و ریشهٔ آن ، عمیق بوده است و بااینکه‌علوم ، گسترش یافته هنوز هم بکلی ، ریشه کن نگردیده ، عمل‌شوم و دستور ناگوار ازدواجهای اجباریست .

بدین معنی که بعضی از پدران‌ومادرانیکه‌یابکلی از نعمت‌گرانمایه سواد محروم و یا کمتر از دانش ، بهره‌دارند ، جگرگوشه های(فرزندان) خودرا ، جبراً وقهرا (بدون‌رضائیت آنان) در بدل مبلغ هنگفت و مصارف کمر شکن وبی‌لزوم عروسی ،در عقد نکاح اشخاصی در می آرند که آنان ازیکطرف از نعمت سواد بکلی محروم و از سوی دیگر به سن حا و یا شصت رسیده میباشند.

اینچنین پدران و مادران ،غافل اند از اینکه انسان کرامت بشری و مقام معنوی دارد ، معاوضهٔ‌معنی با ماده، آنهم به نحو اجباری ، در قاموس انسانیت ،مجازنبوده دور از انصاف و عدالت اجتماعیست .

پدران و مادرانیکه از دانش‌کمتر بهره دارند و یا بکلی از نعمت سواد محروم اند ، فرزندان‌جوان‌خودرا با یکعالم آرزو های عالی و پاك آنان ، دیده و آگاهانه‌نبایست در تنور سوزان ، افگنند وحیات آیندهٔ آنانرا به آتش‌سوزان‌مبدل کنند ، چه عمل شوم ازدواجهای اجباری ، نه تنها عواقب‌ناگوار ، پیشرو دارد ، بلکه چنین از دواجهای اجباری ،فجایع شوم نیز در قبال دارد که منتج به انتحار ، طلاق و جدائی‌همیشه بین زوج وزوجه و فسادهای گوناگون اجتماعی میگردد .

توقع ما از همچو پدران‌و مادران محترم این است تا در جهاد ملی علیه (فروش‌دختران) و (معاوضهٔ دوشیزگان بالغ ، به پول نقد‌و جنس زیاد) با دولت و حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان ، همبستگی کامل و سهم بارزی داشته باشند ودر مبارزه علیه امحای کامل فساد های اجتماعی با قدمهای متین انقلابی و فکر سالم ازازدواجهای اجباری ، نه تنها حذر کنند بلکه داخل کار وپیکار انقلابی گردند و بگذارند تهداب کاخ زندگی مسعود و آرام آیندهٔ فرزندان شان ، استوار وزیر بنای حیات نسل آیندهٔ جامعهٔ افغانستان انقلابی ، سالم،متین، در خشان و شکوهمند باشد .

شعر از : کمال نصر الله شاعر تاجیکی

گزارش از : غلام حیدر یگانه

به‌من گفتند ...

به من گفتند گنجشکان ،
به من باد بهاران گفت
تو بامن بودی همدل ،
تمام روز باران گفت .

• • •

نهان از تو به من گلها
دلت راصاف بکشادند ،
تبسمهای گرمت را
نهان از تو نشان دادند .

• • •

تو تنها نیستی ، اما
دلت تنهاست میدانم
من‌از نقش قدمهایت
ترا چون شعر میخوانم .

• • •

من و تو کودکان داریم
یکی ارمان ، یکی افسوس ..
بیا، نام دیگر مانیم
به آنها : شادی و بهروز

• • •

به من گفتند گنجشکان
به من باد بهاران گفت
تو بامن بوده یی همدل ،
تمام روز باران گفت .

• این‌پارچه شعر ازصفحه (٤٤) شماره(٧) سال ١٩٧٩ مجلهٔ ادبی «صدای شرق» (که به رسم الخط روسی چاپ میشود) منتشرهٔ شهر (دوشنبه) به رسم الخط دری گزارش شد .

راز نهان ما همه در پردهٔ دل است

گرد آورنده : جلیل احمدنهیك

آرام دل

صورت نبند دای صنم ، بی زلف تو آرام دل
دل فتنه شد بر زلف تو ،ای فتنه ایا م دل
ای جان من مو لای تو ، مـــن غر قهٔ دریا ی تو
دیر یست تا سو دای تو ،بگر فته هفت اندا م دل
تا جان بشو قت بنده شد ،زین بند گی تا بنده شد
تادل زنامت زنده شد، پر شددوعالم نام دل
جانا دلم ازچشم بد، نی‌هوش‌داردنـی خـرد
تا از شرا ب عشق خود ، پرباده کردی جام‌دل
پیغام آمد ازدلم ای ماه حـــل کن مشکلم
کی خوا هد آمد حا صلم ؟ای‌فارغ از پیغا م دل
از رخ مه گر دو ن تو یی و زلب‌می گلگو ن تو یی
کام دل من چو ن تو یی ،هرگز نیا بم کام دل
ای‌همگنان‌راهمدمی ، شادی من‌ازتوغمی
((عطار))را در هرد می ،جاناتویی آرام دل

غلام دل

حلقه زدم بدر شبی در هو س‌سلام دل
بانگ رسید ، کیست آ ن،گفتم . من غلام ، د ل
شعلهٔ نور آن قمر ،میزد ا زشکاف‌در
بر دل و چشم رهگذر از برسقف وبا م دل
ازتف نور روی دل‌پرشده بـودکوی‌دل
کورهٔ آفتا ب و مه گشته‌کمینه‌جام د ل
نور گر فته از بر ش ، کرسی‌وعر ش اکبر ش
روح نشسته بردرش مینگر دپیام دل
نیست قلندر آن پسر کو بتـــوگفت مختصر
جمله نظر بود نظر در خمشی‌کلام دل
جملهٔ کون مست دل گشته زبون‌دست دل
مرحله‌های نه فلك ، هســـت‌یقین بکا م د ل
از ((تبر یز شمس دین)) چو ن‌بر عار فا ن رسد
جا ن ترا بپر ورد ، از پی‌اهتمام‌دل

جدادل

زمن عمر یست میگر دد جـــدادل
نـدانم باکه گـــر دید آ شنـادل
زحرف عشق خارا میگذارد
من ورازی که نتوان گفت بادل
بفکر نا و ك ابرو کما نی
چو پیکا نم گره از سینه تادل
بر نگ لاله نقـــــد د یگر م‌نیست
جگرازداغ خو ا هد خو نبهادل
ثبا تی نیست بنیـــاد نفس را
حبا ب ما چه بند د بر هـوادل
مزن ای بیخبر لاف محبت
مبا دا آب گر دد از حیـــادل
حر یفا ن از نشا ن ما مپر سید
خیالی داشتم گم گشت با دل
فسر د ن ((بید ل)) از بیدردیم‌نیست
چو موج گو هر م در زیر پـــادل

زهی دل

نشد یك لحظه از یاد ت جـــدادل
ز هی د ل آفر ین د ل مر حبادل
ز دستش یکد م آسا یش ندارم
نمیدا نم چه با ید کر د بـــادل
هزا را ن با ر منعش کر د م ازعشق
ولی بر گشت از راه خطـــادل
به چشما نت مرا د ل مبتـــلاکرد
فلاکت دل مصیبت دل بـلاد ل
ازین دل داد من بستا ن خدایا
زد ستش تا به کی گو یـــم‌خدا دل
درون سینه هم آهی ندا رد
فقیر و عا جز و بی د ست و پاد ل
بشد خا ك و زکو یت بر نخیزد
ز هی ثا بت قد م د ل با وفادل
زعقل ودل د گر از من مپر سید
چوعشق آمد کجا عقل و کجادل
تو ((لاهو تی)) زدل نا می د ل‌از تو
حیا کن یا تو سا کت با ش یادل

پروانهٔ دل

صفا کرد م برا یت خا نـــهٔ‌دل
قدم کن رنجه در کا شا نـــهٔ‌دل
بدور شمع ر خسا ر تـــوگر دد
سمند ر منز لت پر وا نـــهٔ‌دل
شهید غمز هٔ مستا نه ا ت شد
قضا کرده است پرپیمانه دل
بصحرا ی جنو نم میر سا ند
دوید نها ی بیبا کا نهٔ د ل
زراه چشم درکوی بتان رفت
بدر شد طفل اشك از خا نهٔ دل
بجان آمد د ل از رنج فرا فت
قدم کن رنجه در کا شا نـــهٔ‌دل
گدا ی کوی جانان‌گشت((قاری))دل
بنا ز م همت شا ها نـــهٔ‌دل

تذکر: همکار عزیز ماجلیل احمدنهیك پارچه شعر خودرا درشماره آینده بخوانید

دستگیری

در پاریس یك دزد خطـــر نا كهنگام سر قت در یکی از خانه‌هـــا مرتکب قتلی شد وفرار کرد ...

پولیس پس از تحقیقات هویت‌اوراکشف کرد وشش قطعه عکسش را در حالت مختلف برای ادارا ت‌پلیس اطرا ف شهر ارسا ل داشت تاهر کجا اورا دیدند دستگیر ش‌کنند .

پس از چند روز گزارشی بدین‌مضمون ازطر ف پلیس پکـــی از ولایا ت کوچك رسید :

((پس از جستجو بسیار پنـــج‌نفر از دزدا نرا دستگیر کر دیم اما از نفر ششم هنوز اطلا عی دردست نیست .))

یك اشتباه

مادری از پسرش پرسید :

ـخوب امتحانت چطور بود ؟

پسرك گفت :

ـمن آنرا بسیار خوب گذراندم وفقط یك اشتباه کردم .

مادربا خوشحالی پرسید :

ـخوب این یك اشتباه چه بود ؟

پسرك گفت : تنها اشتبا من این بود که ورق را سفید به معلم دادم .

بدون شرح

دعوای زن وشوهر

زن وشوهری باهم درحال دعوا بودند هر چه از دهانشان بیرون می‌آمد به همدیگر میگفتند ... مرد روبه‌زن کرد وگفت :

ـمرابگو که بازنی مثل تو زندگی میکنم ...تو فیل وگاو را نمیتوانی از هم دیگر فرق کنی

زن فریاد کشید : نادان خودت که‌مرااحمق میدانی من بسیار هم خوب فرق بین فیل‌و گاو را میدانم ، آیا تا بحال به تو گفته‌ام‌فیل ؟!

دو دیوانه

یکروز صبح وقت فورا دیوا نه‌ای ازخواب بر خاست وبا شتا ب به طرف گوشه ی دیوار رفت وخا ك های کنار دیوار را پس زد .درهمان حال دیوانه دیگر ی به طر ف‌اورفت وپرسید :

دیوانه گفت : دیشب درخوا ب دیدم که صد افغانی در اینجا گـــم کرده‌ام وحالا میخواهم آنرا پیداکنم. دیوانه دومی خندید و گفت : پس حق داشته اند که ترا به ایـــن شفاخانه آورده اند .

دوست عزیز مگر دیوانه ای امروز صبح‌صد هانفر ازاین جا آمدو رفت کرده اند حتما کسی اورادیده وبرداشته است !

بدون شرح

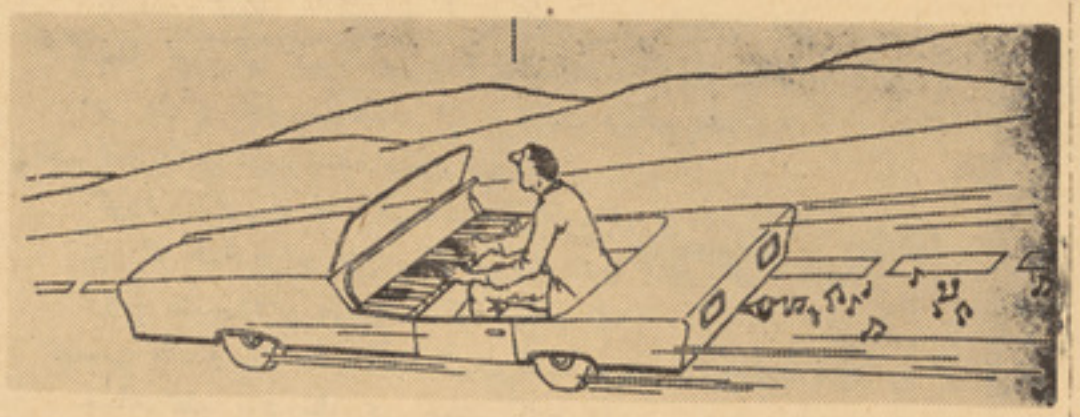

بدون شرح

آخرین وصیت

خانمی در بستر مرگ افتاده و آخرین دقایق‌زندگی را میگذرانید. شوهرش در کنار ش نشسته بود که ناگهان خانم دست همسرش‌را گرفت و گفت : عزیزم من بزودی خواهم مرد .

ـعزیزم خواهش میکنم ساکت باش‌بعدازچند روز حالت خوب میشود .

ـنی من میمیرم ولی یك خواهش دارم‌بمن‌قول بده .....

ـنی‌نی خواهش میکنم ..

ـبه من قول بده اگر ازدواج کردی همسرتازه ات لباس های مرانپوشد

آقا در حالیکه قیافه تاثرانگیزی بخود گرفته‌بود گفت :

ـعزیزم قول میدهم ، آخر لباسهای تو اندازه‌اونیست .

کدام حسن

دو دیوانه باهم صحبت میکردند

اولی : درده مایك دره ای است که وقتی میگویی حسن بعداز ۱۰ دقیقه صدایی می‌آید ومیگوید حسن ،حسن.

دومی : اینکه چیزی نیست بابا، درده مایك دره است که وقتی میگویی حسن بعداز ۱۰ دقیقه صدایی بر میگردد ومی‌گوید کدام‌حسن؟!

• • •

دیوانه اولی : چرا می‌خندی ؟

دیوانه دومی :برای اینکه‌داستان خنده داری برای خودم گفتم‌که تاحالا آنرا نشنیده بودم .

ژوندون

ورزش

در لابلای کارتون‌های جالب

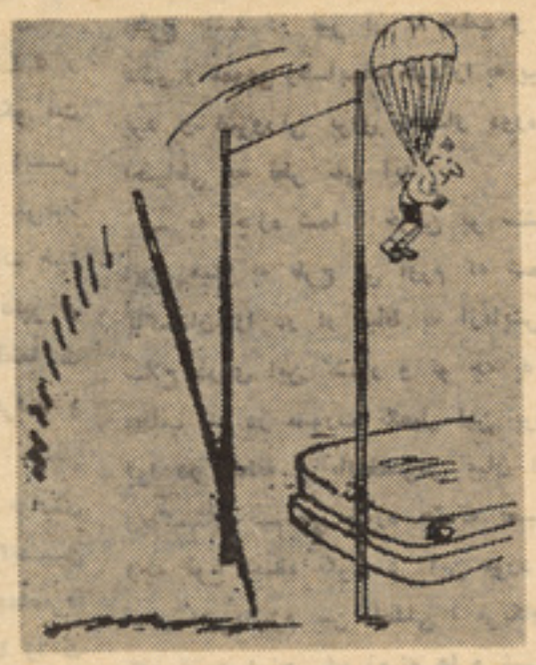

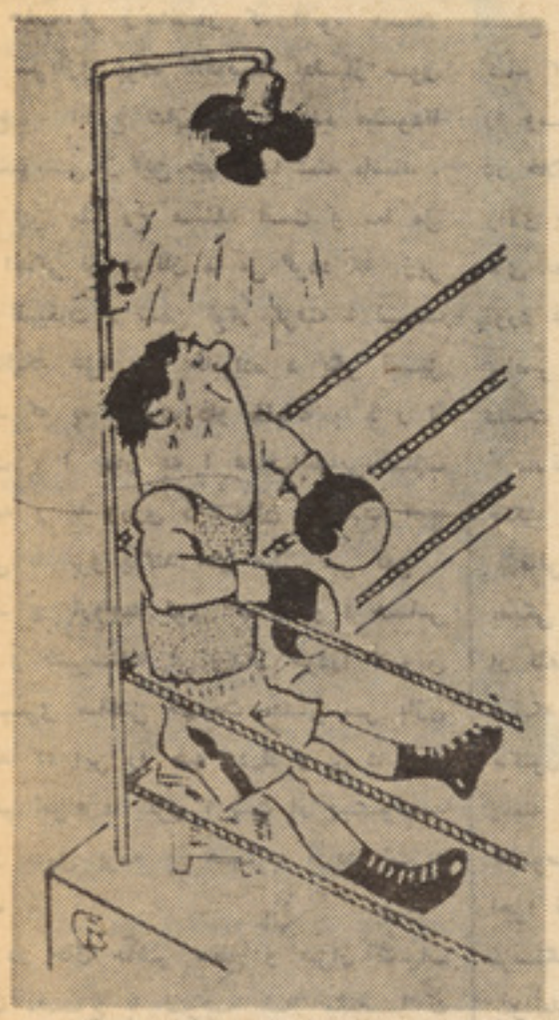

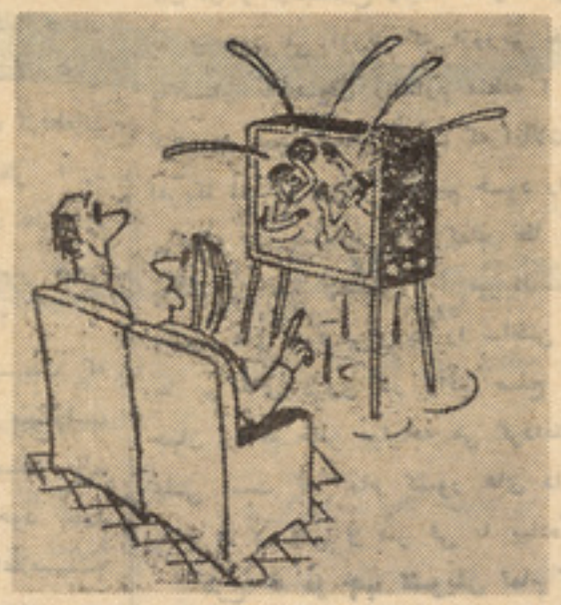

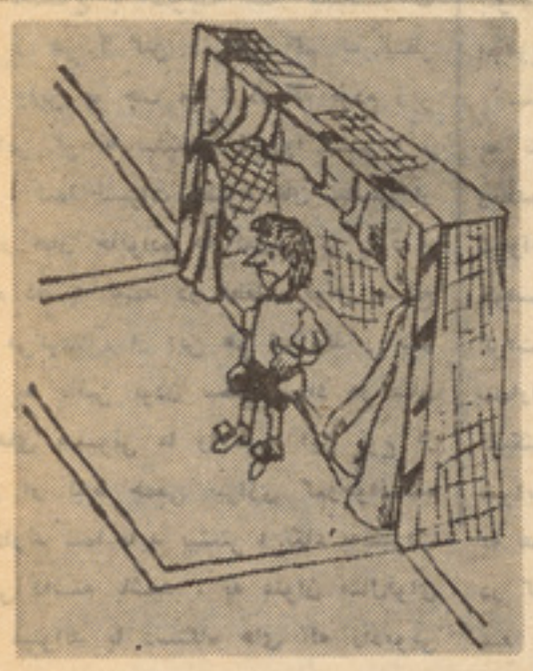

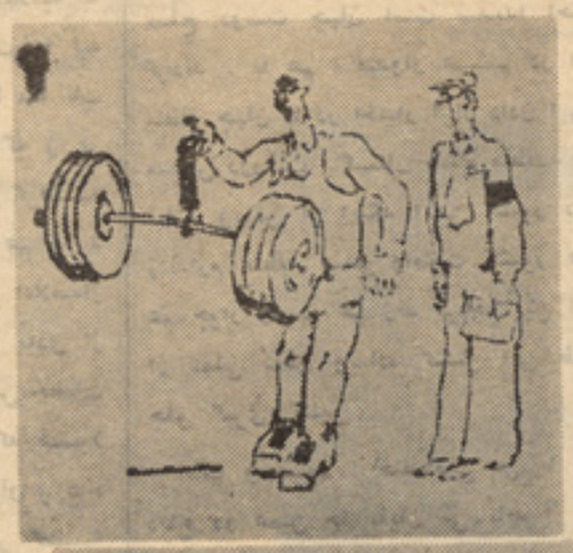

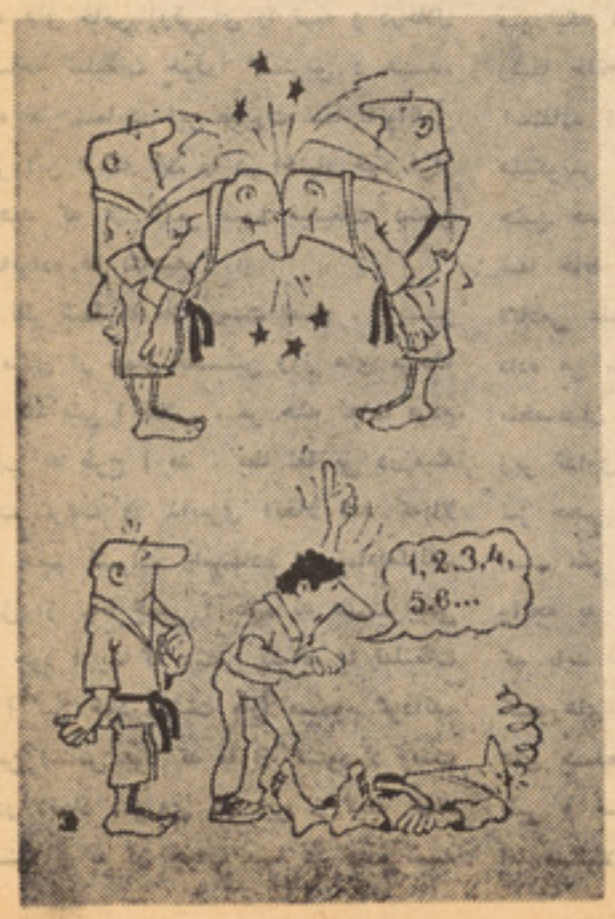

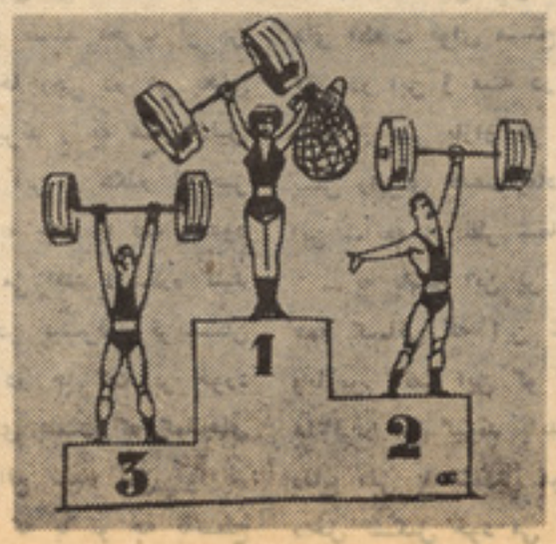

آنان که مرگ می آفرینند و...

بقیه صفحه ۷

ودر مو رد آ گا هی خانواده ها نیز د ر زمینه جلب فر زندانشان که قانونا مستعد خدمت سربازی بوده بلافاصله بعد از سوق موضوع به اطلاع شان ر سا نیده میشودتا هیچ تشویشی از این جهت ندا شته باشند .

اما این یك رخ مسئله است و شا مل تعداد اندکی از جوانان ما می گردد که زیر تاثیر تلبیغات د شمن قرار گرفته ا نـــد در حالیکه هزا ران خانواده د یگر نـــیز هستند که به صورت داو طلبانه با د ر ك واقعیت ، ا یمان به ا هداف انسانی انقلاب با همه ر یا ورزی د شمنان ا نقلاب هیچ اهمیتی به پرو پاگند های میان تهی نمی - د هند و باروحیه قوی افغانی و ا حساس عمیق و طنپرستانه فر زندان خودرا تشویق به سپـری ساختن خـدمت مقدس سر بازی می‌کنند که این رو حیه ودرك و بر دا شت باز هم نمونه د یگری ا ست از پیـــونـــد بسیار عمیق مردم با حـــزب ، دو لت و انقلاب .

- در حال حاضر سطح و میزان نشرات وزارت دفـــاع با تـوجـه بـه تبلیغـــا ت فراوان ز هر آ گین د شمن کم به نـظر می‌رسد واین مو جب می گردد که مردم زیر تاثیر این گو نه تبلیغات نا روا قـــر ا ر گیرند ، شما نشرات مطبوع تان بیشتر از آنکه در میان خانواده ها توزیع گر د د و خواننده داشته باشد در قطعات قوای مسلح توزیع می‌گردد ، از این هم که بگذ ر یـم باتوجه به پائین بودن سطح سواد در میان توده های میلیونی ما واینکـه این نوع از وسایل ار تباط جمعی تیراژی کم‌وخوانـــنده کمتر دارند شما باید بیشتر ا تکاء به‌نشرات رادیویی داشته باشید ، به عنوان مثال‌قوای مسلح میتواند با دستگاه های آله رادیویی برنامه های خاص ذوقی ای را تهیه و درخلال آن ساحه تبلیغات خودرا گسترش د هـــد، آیا به نظر شما در این صورت شما باتوانایی بیشتر این ا مکا نات را در اختیار خود قرار نمی‌دهید که از تاثیر سوء تبلیغات دشمن در خانواده ها بکاهید ؟

- نظر شما کا ملا درست است ، ا یـــن نیاز مندی از همان نخستین روز های مرحلهٔ نوین تکا ملی ا نقلاب ، مر حله نجات مردم وانقلاب به طرح آ مد ، معطا لعا تی درزمینه صورت گرفت و تدابیری اتخاذ شد که‌بالا بردن حجم نشرات واستفاده از تمام‌امکانات وسایل ار تباط جمعی ا جازه ند هیم‌شرایطی به و جود آ ید که دشمن بتواند با تبلیغات زهر آ گین خود ذهنیت مارا مسموم گرداند. برهمین اساس بود که ما از کشور د وست وبرادر اتحاد شوروی در این ز مینه کمك خواستیم و به آن جواب مسا عد داده شـــد ودیر ز مانی نخوا هد گذشت که قـــوا ی مسلح بااستفاده از دستگاه رلشن راد یویی کمك کشور کبیر شو را ساحهٔ نشرات خود را وسیعا گسترش داده و به صورت‌متداوم در خلال پروگرام هـــای متنـوع روی اهداف والای حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان ، زمینه های تحقیقی هدف های ا نقلاب ، حفظ‌دست‌آورد های آن وافشای ما هیت ضد مر دمی عناصر ضد انقلاب تبلیغات سود مند خواهیم داشت .

- نقش یو نت های سیار صحی درجبهات جنگ برای رساندن کمك های اولیـه عاجل تازمانی انتقال مریض معدوم و یا مجرو ح به‌یکی ازشفاخانه‌های قوای‌مسلح درجلوگیری از تلفـات جـانی بسیار ارزنـده است . در حالیکه چنین گمان میشود که این مشکـلات تاکنون حل نگر دیده و کمبود هایی دراین زمینه ها چشمگیر است ، با تو جه به این خصوصیات آ یا بر نامه هایی در د ست اجرا ندارید که با تکمیل کد رهای طـبـی‌و نرسنگ عا جل در یونت های سیار صحـی بتوانید جلـوگیر واقعـاتـی گـردیـد که در مجموع حجم تلفات را می تواند بلند ببرد ؟

-شما به خوبی میدانید که پر سونل طبی به تناسب جمعیت در کشور مابسیار کـــم ومحدود است که خود علل وانگیزه هـــای فراوانی دارد که آ نرا هم باید در خصلت‌و خواست نظام های ضد ملی گذشته به‌کاوش گرفت ،به همین اساس با آ نکه من نـــظر شمارا به صورت یك کل و در مجموع ر د نمیکنم این را هم اضافه می نمایم که در شرایط کنو نی از تمام ا مکا نات استفاده به عمل می آید تا سر بازان معدوم‌ومجروح در کمترین فر صت ممکن به نز د یکتریـــن شفا خانه قوا ی مسلح انتقال یابد و د ر صورتیکه ا مکان تداوی وی در مر کزاولی وشفا خانه های و لایتی میسر نبا شد با استفاده از و سایل ترانسپورت خاص و هلیکوپتر هایی که ب ه‌همین منظور و انجام چنین خد ماتی می باشند به مدرن تر یـــن شفا خانه های کشور یعنی شفا خا نـــه اکادمی علوم قوای مسلح در کابل انتقا ل داده می شوند و به و سیله مجرب تر ین متخصصان دا خلی و خا رجی در هر بخش زیر تداوی قرار می گیرند و به همین دلیل نیز حجم تلفات ما از این ر هگذر نا چیز است مگر آ نکه شما به چند وا قعه محدود وآنچه به ندرت اتفاق می افتد ا شاره کنید که باید بگویم حتی در پیشرفته تریـــن کشورهای جهانی نیز در حا لات بر خورد های مسلحانه موا ر دی هست که کمك‌های طبی و صحی موثر واقع شده نمی توا ند اما مسئولانه می گویم که با تو جه به‌سطح ومیزان امکـــانات عمومی طبـی در کشور مـا تلفات ما در جبهات جنگ تا آنجا که مربوط به مسایل ر ساندن کمك های طبی میگردد بسیار اندك و در نازلترین سطح خود قرار دارد .

- عده‌یی چنین ادعا دارند که بدون د ر نظر داشت رو حیه ا علامیه قبلی حکو مت جمهوری د مو کراتیك افغانستان در ایـــن زمینه که در صو رتیکه سر با زا نی‌قبلا بنا به عللی و فریب د شمنان از قطعات خود فرار کرده باشند و دو باره برا ی سپر ی نمودن بقیه مدت دوره عسکری به قطعا ت خود حاضر گردند مورد عفو قرار گرفته و مدت خدمت قبلی شان نیز در مدت ا صلی عسکری مورد محاسبه قرار می گیرد، مواردی وجـود دارد کـــه سربازانی مشمول ایـــن اعلامیه به قطعات خود باز آ مده ا ماصرفا آنها به خاطر فرار از قطعه مورد مجا زا ت قرارنگرفته ا ما دوره سپری شده خدمت شان نیز برای شان مجرا داده نشده که همین سبب شده و این عده دو باره ازقطعات خود فراری گردند ، آیا شما این نظر ا رد میکنید یاتائید و در صورتیکه ا د عا وارد باشد چه د لایلی برای این گونه سر پیچی ها از متن یك اعلامیه وجود دارد ؟

این یکی از صد ها موردی اســـت که بیشرمانه افتراء می‌گردد و من با مسئولیت به‌شما میگویم وبه همو طنان ا طمینان می‌دهم که هر گز حتی یك مورد هم‌وجود ندارد که چنین تخطی از اصل مسوده اعلامیـــه صورت گرفته باشد ، ا صولا این اعلامیه به همین جهت مو رد تصویب مقا مات عا لیه حزب ودو لت قرار گرفت که تمام ا مکا نات مساعد برای آن عده از سر بازی که ز یر تاثیر دروغ‌پردازی های د شمن‌قرار گرفتـــه واز کردهٔ خود نادم می باشد فرا هم آ ید و بر مبنای همین اصل بعد از نشـر اعلامیه‌از طریق وسایل ار تباط جمعی عده ز یادی از سربازان مشمول این اعلامیه واپس‌به‌قطعات خود حاضر گردیدند و تمام دورهٔ که قـــبلا درقطعه خود خد مت شان را بسر آو ر د ه بودند برای شان مجرا گردید و هر گفتـــه دیگر دراین زمینه همه تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب است .

- یکی از شایعات گرم روز این است که وزارت دفاع ملی به خاطر تکمیل بست های قطعات قوای مسلح و جبران کمبود های کمی در این ز مینه در آینده نز دیك چـند دوره از سر بازان تر خیص شده سال های پیش رابرای خدمت‌میعادعسکری فرامی خواند، این شایعه از نظر شما چقدر حقیقت دارد ؟

- به پاسخ این پر سش شما و به جواب همه کسانی که این شایعات را می‌پراگنند ویازیر تاثیر این گو نه شایعات سا ز ی ها قرار می گیرند باید بگویم فعلا و زارت دفاع ملی با تشکیل موجود خود و پرسونل داخل تشکیل خود می تواند از عهده وظایف انقلابی بدر آ ید .

احضـار چنـد دوره بـه شکـــل احتیـــاط و قتـی مـــورد سـوال قـرار می گیـرد کـه مسئله تجاوز عساکر ا جنبی به پیمانه‌وسیع مطرح باشد در غیر آن با جلب و احضا ر عادی و عمومی وظـایـف خود را به پیش می - برد و ضرورتی برای احضار دوره هـــای احتیاطی به نظر نمی آید .

- به اجازه شما آ خرین پر سش را در این زمینه به طرح می آورم که شما مسئله پاکستان را در ار تباط به آزمایش هـــای سلاح ذروی این کشور و تو جه به ا یـــن مطلب که در صورت تکمیل این پروژه‌توازن قوا در منطقه و باالخصوص میان افغانستان وپاکستان بهم می خورد چگونه تعبیر میکنید وچه نوع آینده نگری در این مورد دارید ؟

- امپریالیزم بین المللی ا مریکاووابسته‌گان آن و ارتجـــاع زمینه ها و شـرایطی را به و جود می آورند که ازرژیم نظا میـگر پاکستان به عنوان ژاندارم منطقه ا ستفا ده گردد به همین اساس است که ایالات متحـده امریکا در این اواخر تصمیم خـود را مبنـــی برکمك یك میلیارد دالر کمك نظا می بـــه پاکستان اعلام داشت ، ا مپریالیست هـــا باکمك های خود برای دا را ساختن پاکستان به بم های ذروی در واقع صلح منطقه و جهان را به خطر موا جه می گردانند ویگانه علتی است که تمام کشور های دا ر ا ی نظام ها ی ملی و متر قی با پیاده شـــدن طرح که مو جب تشویش تمام کشورهای صلح دوست جهان است شدیدا احتجـــاج کردند ، ما هم ا میدوار هستیم در ا یـــن منطقه جهان با در اختیار قرار دادن این سلاح مدهش دردست پاکستان صلح منطقـه به خطر نیفتد وپیش از اینکه ایـن کشور در نقش ژاندارم منطقه صلح وامنیت کشور هـــای هم جوار را بر هم زند مراجع بین ا لمللی از عملی شدن وپیاده گشتن این طرح‌بعمل جلو گیری کنند .

گفت و شنود ا ختصاصی من با وزیـــر دفاع در همین جا پایان می یابد از جـــای میخزم وخدا حافظ میگویم که‌برید جنـرال میگوید :

- لطفا از قول من به همه مردم‌افغا نستان به تمام ملیت های برادر ساکن‌درافغانستان به تمام توده های عذاب دیده و بلاکشیده این کشور ا طمینان بدهید که به ز و د ی ودر فرصت اندك کارسر کوبی عمال ضد انقلاب به پایان خود می رسد و دیگربرادر ها وخواهر های ما ، مادران و پد ران مـــا و خانواده های ما هیچ واهمـه و تشوشی نخواهند داشت و آرا مش و آسایش‌شانرا خطری تهدید نخوا هد کرد .

از وزیر د فاع از جانب مجله ژ وندون به خاطر وقتی که در اختیار این مجله‌گذارده است تشکر میکنم و خدا حافظ میگویم .

اتحاد وهمبستگـــی شما پا سخ دندان شکنست بر توطئه های ضد انقلاب ومتحدین جنایتکارامپریالیستی آن!

پیروز بادطبقه کارگر و تـــمام زحمتکشان سراسر جهان کـه درراه صلح، دموکراسی وترقی اجتما عـی برضد استثمار جسورانه می رزمند !

زنده باد جبهه ملی پدروطن ،این تشکل پرتوان کلیه نیرو هـــای وطنپرست ودموکراتیك کشور انقلابی مان افغانستان آزاد وسربلند !

بقیه صفحه ۹

تحقق کامل زحمت های...

او در پاسخ به یك پرسش خبرنگار ژوندون دراین زمینه که اودر این سفر ها متوجه چگونه اختلافاتی در رابطه کار ـ کارگر و کار فرما میان کشور های سرمایه داری و مترقی شده است میگوید :

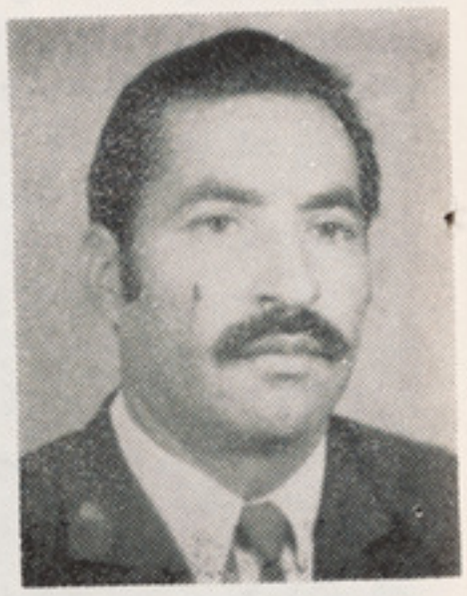

غلام ربانی فورمـولی معاون اتحادیـه پرزه فروشان شهرکابل

ـدر هر کشور سرمایه داری در واقـــع سرمایه حکومت میکند و تمام هدف واندیشه این است که منافع بیشتر صاحبان موسسات تولیدی تامین گردد وپول زیاد تری به جیب شان سراز یر شود وبه همین دلیل از همه توانایی های جسمی وفکری کارگران استفاده میگردد بی آنکه خو د شان سهمی در استفاده از تولیدات داشته باشند ، امادر کشور های مترقی و پیشرو جهان وضع کاملا عکس این کشور هاست به این ترتیب که کارگر مورد استثمار قرار نمیگرد . زندگی او تامین شده اســت تامینات صحـــی و اجتـــما عـــی فـراوان دارد کـــه از آن استفـــاده میکند واز همه اینها بالا تر او عملا در سر نوشت جامعه خود نقش عمده دارد ودر واقع زیر نظامی کار میکند که در خدمت زحمت کشان قرار دارد و نه در خدمت سرمایه ویا سرمایه سالاری ـ کارگر در کشور های مترقی صاحب زندگی آسوده بوده لباس نان و خانه او و خانواده اش رادولت تامین میکند واو هـم نیك میدانند که آنچه به انجام میاورد در خدمت مردم اوست ونه برای اقلیت استثمار گروـ به همین جهت با علاقمندی تمام وتلاش فراوان درپی آن است که کمیت و کیفیت کار خودرا مطلوب تر سازد .

• • •

دراین گفت و شنو د قربان علی و گل محمد رئیس و معاون اتحادیه خبازان شهر کابل نیزشرکت دارندآنان تعدادخبازی های شهرکابل را سیصد وشصت وچهار باب معرفی میکنند

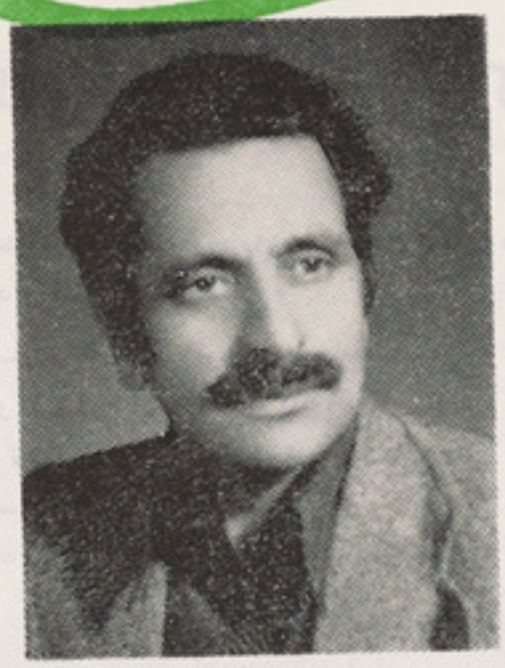

گل محمدمعاون اتحادیه های صنفی خبازان شهرکـابل

که به قول شان تمام آنهابه عضویت اتحادیه در آمده وازاین جهت بسیار مسرور وراضی نیز میباشند .

این دو نفر در مورد چگونگی کار خبازی میگویند که کارگران خبازی ها کار بسیار مشکل و تاقت فرسای رابه انجام میاورند . آنان رامثلا درنظربگیریدکه در گرمهای بالاتر از چهل درجه روز های گرم تابستان کنار آتش سوزان تنورها قرار دارند عرق میریزند وکار میکنند در حالیکه مزد چندانی نیز ندارند و اکثرا غریب میباشند .

رئیس ومعاون اتحادیه خبـازان در مـورد چگونگی تجلیل از روز جهانی کارگر عقیده دارند که این روز ـروزی است بارك وخجسته که در آن کارگر احساس میکند جامعه واقعا براو وکار او ارزش قایل است و قدر او را میداند ـاز این ها که بگذریم روز جهانی کارگر در واقـــع هو شداری است به دوست ها در سر اسر جهان که کار نامه ها وپروژه های بیشتری را برای آسوده حالی کارگران وزحمت کشان طرح کنندوبه عمل پیاده سازند از نظر این دو نفر بعداز پیروزی انقلاب ثور در کشور ما واقعا گام های موثری در جهت تامین زندگـی کارگران برداشته شده واکنون این طبقه درشرایطی کاملا متفاوت از گذشته قرار دارند، مثلاحق شان تلف نمیگردد مزد شان زیادشده است، تامین صحی واجتماعی دارند رابطه کارفرما نیز باآنان کاملا انسانی میباشد چه در غیرآن اتحادیه داخل عمل شده وخطا کار به مجازات می رساند آنان در اخیر صحبت خود از مجله ژوندون خواهش میکنند باری نیزپای درددل چندکارگر خباز بنشینیدو گفتنی های آنان را درج صفحات خود سازد .

این بود صحبت کوتاه وفشرده مابا چند تن از روسای اتحادیه های صنفی شهر کابل که امیدواریم شما را خوش آمده باشد .

بقیه صفحه ۳۵

مردها را یك گپ است

ها وخواست های مرا بایك خند ه تمسخر آمیز که این تمسخر در آن زمان غرور م راسخت جر یحه دار ساخته بود جواب داده گفتند اولتر به سرو وضعت رسید گی کن بـه بوت ها یت وصله بزن وبعدبه رسامی دست بپر داز این خاطره هر گـــز فراموشم نمیشود و همیشه درگوشم طنین این صدا می پیچد . در اخیر از شبنور دمی پرسم که آیا درآینده بکدام رشته علاقه تحصیل داری .

میگوید : در آینده قراریکه دریك مصاحبه چند سال قبل نیز گفتـــه بودم به رشته هنر وادبیات علاقـــه مفرد دارم ((مرد ها رایك گپ است)) اگر زندگی مجالم دهد این رشـــته راتعقیب خواهم کرد .

دولت‌های کارگری ورهایی کودکان از رنج ومحنت

در طول تاریخ جوامع بشری به خصوص بعداز ایجاد اولین جامعه مبتنی براستثمارفرد ازفردکه آنرابه‌نام فورماسیون اجتماعی بردگی می‌نامند کودکان زحمت کشان همراه باخانواده های شان مواجه به رنج و محنت تاریخی میشوند واز همان آوان‌جامعه بردگی استثمارو ظلم طبقات ستمگربه اکثریت مردم‌آغاز می‌یابد که نمره و توشه تاریخی آن تا ایجاد جامعه داری از تنا قضات طبقاتی بدبختی اکثریت بوده وسراسر جامعه طبقاتی ازین محرومیت قصه هاو نکته هادارند .

طبقات ستمگردرطول تاریخ تاقدرت داشتند خون زحمتکشان را چو باده نوشیدند کاخ‌هاو قصرها آباد کردند و هزار هاومیلیون ها انسان رابه خاک وخون کشیدند تاخودشان‌آرام و سعادت مند باشند .

اگر مختصر نظری به تاریخ جوامع طبقاتی با ندازیم بر وشنی معلوم میشود که در اطراف قصر های‌پرزرق وبرق ستمکاران‌تاریخ انسان های نیازمند و محتاج به نان وخانه زیاد بوده واکثریت مردم را تشکیل می‌دادند. حالاهم در جوامع طبقاتی وآنجائیکه ظلم و استبداد واستثمار وجود دارد چنین است امابایدآگاه بود که طبقات ستمدیده در طول تاریخ‌علیه طبقات ظالم وستمگر جنگیده و پیکار نموده اند ودر راه آزادی خود وخانواده هاو بخصوص کودکان‌خویش‌محنت ورنج‌فراوان رامتحول شده اند .

مبارزه زحمت کشان در طول تاریخ باعث ترقی وپیشرفت شده ودر جامعه بورژوازی‌یعنی سرمایه داری این مبارزه روشنتر شده وبشکل متحد و متشکل تبارز یافت .

مبارزه کارگران قهرمان در جامعه سرمایه داری فروغ تابان وروشنی رابه ارمغان آورد که نجات بشریت از استثمار وایجاد جامعه سوسیا لیستی است .

به همین ارتباط اولین کشور سوسیالیستی در جهان بوجود آمد و خانواده های زحمتکشان از استثمار و بدبختی نجات یافتند وکودکان بعد از آن در جهانی چشم کشودند که باید این عصر وزمان را عصر رهایی کود کان زحمتکشان نامید .

مبارزه زحمتکشان بعد از انقلاب اکتوبردر سراسر جهان رونق انقلابی یافت ویکی پی دیگر زنجیر های استثمار و استعمار از هم گسیخت وراهی رهایی توده ها روشن گردید.

به‌همین اساس برای نجات بشریت سال هاو دهه ها را نام گذاری نمودند چنانچه‌سال بین المللی زنان سال بین المللی طفل که از طرف ملل متحد به سویه جهانی تجلیل‌گردید رسیده ایم وندای کودکان جهان را هر چه

رساتر می‌شنویم که یکجا باهم شعار میدهند.

مرگ بر جنگ وجنگ افروزان زنده و جاودان باد صلح .

خواست مبرم کودکان جهان را صلح جهانی تشکیل می‌دهد تادر پرتوآن رشد طبیعی و اجتماعی کودکان به صورت درست تامین‌گردد.

در وطن ما کودکان بسیار رنج برده‌اند و همین اکنون نیز مبارزه انقلابی جمهوری‌دموکراتیك افغا نستان در راه دفن کردن جسد ننگین عقب ماندگی ای است، که تمام خانواده هاو کودکان وطن از آن رنج می‌برند .

خوشبختانه کودکان ما در شرایطی قرار دارند که بیرق افغا نستان انقلابی بلند گردیده ودر پر تو رنگین آن نجات همه‌را به چشم سرمی بینیم مخصوصا از کودکان راکه آینده ساز این کشور اند .

حالا دیگر در زیر این بیرق مجلسی به ستمگران واستثمار گران نیست که مانع‌رشد طبیعی‌واجتماعی‌کودکان‌شوند ونگذارندکه‌کودکان ماخود سر نوشت ساز خود باشند اکنون همه شرایط و آسایش برای کو دکان مهیاست‌در شرایط کنونی کودکستان ها مکاتب وتعلیم وتربیه علمی برای کودکان میسر میگردد و جمهوری دموکراتیك افغانستان برهبری حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان بامتانت واستواری به‌پیش می‌روند .

حالا امید همه مردم ماشگوفان شده وامید نجات زحمت کشان به واقعیت تبدیل شده دولت انقلابی مادرین راه پیکار نموده وتا جهان و جامعه وجود دارد به پیش می‌رود .

اما باید تذکار داد که درین روند انقلابی باید خلق را و خانواده ها را بسیج نمود وبه مردم آگاهی انقلابی داد چه در پر تو آگاهی انقلابی است که امید نجات جامعه و رفاه و آرامی همگان را می‌توان جستجو کرد .

پس بر خانواده هاوبه خصوص روشنفکران انقلابی است تا اول از خود و خانواده های خود شروع کنند وطن خود ووطن داران را دوست بدارند وعشق بوطن داشته باشند تادر پر تو عشق بوطن ووطنداران آگاهی انقلابی را بیا موزند ویکجا با کاروان ترقی وپشرفت افتخار کار و پیکار را کمایی نمایند .

همه مردم آگاه وبادرد ماوظیفه ورسالت دارند که کودکان وطن رااز منجلاب بدبختی نجات دهند ودر راه باسواد ساختن کود کان مبارزه نمایند و هر آنچه بدست دارند درین طریق بکار اندازند . زیرا جامعه که از نعمت سوادو دانش بر خوردار باشد به یقین قلل شامخ پیروزی را تسخیر می کند .

کار وپیکار درین روند افتخار آمیز بوده و میباشد درین راه جمهوری دموکراتیك افغا- نستان را یاری نموده و فردا را دوست بداریم که‌به همت حزب طبقه کارگر کشور حزب دموکراتیك خلق افغا نستان سعادت وآبادی را همراه می‌آورد و همه مردم به ویژه آینده داران و کودکان ما مسعود خواهد شد .

بنابر آن باید شعار داد که همه خانواده هادرین راه بسیج شوندودر تربیت نسل‌آینده توجه جدی مبذول دارند تاعملا به نفع کودکان کار های مفید و مثبتی صورت گیرد ودرین راه باید مادران راکمك نمود . چه مادران بامحبت‌و دوستی وصمیمیت لایتناهی فرندان شان رادرآغوش گرفته تربیت می‌نمایند . وزیر چتر تربیت همین مادران است که نسل های بعدی تر بیت می‌شوند.

در فرجام آرزو مندی انقلابی همکاری و همدستی در راه نجات کشور بوده تاهمه‌و همه درین راه در راه رهایی فرزندان رنج ومحنت پیکار نمایند .

زیرا همین فرزندان زحمتکشان و فرزندان فقر بودند که سالهای سال رنج های بی‌کران را باگوشت وپوست لمس نموده‌و همان‌گونه که باغم اندوه بوجود آمده بودند همان طور تربیت می‌شدند به همان شکل سر در زانوغم بایك دنیا آرزو نیست‌ونابود میشدند ومادران‌و پدران خویش رادر ماتم خویش سیاه پوش می نمودند از شروع زندگی تاختم آن نه نان داشتند نه لباس ونه هم زندگی انسانی نه‌از تولد ایشان کسی شادمی شد ونه از نابودی ایشان دلی پرالم. مگر اکنون همانطوریکه در همه ساحات زندگی روشنی وپیروزی رونما گردیده است در ساحه تعلیم وتربیت سالم کودکان نیز صفحه جدیدی باز شده که امید واریم این صفحه تضمین کنندهٔ آیندهٔ کودکان رنج کشیده و محنت دیده ماباشد .

به امید پیروزی های کودکان کار گران و رنجبران و همه کودکان جامعه ماو جهان .

غفاربیانی

حماسهٔ برادری

به شرف پیروزیهای انقلاب شرافتمند ثوروودوستی و همکاری سابقه دار وخلل ناپذیر میان مردم همدل وهمتبار اتحاد شوروی و افغانستان .

اسراررحمان

«حماسهٔ برادری» نام مجموعهٔ شعر محقق جوان وشاعرجمهوری‌سوسیالیستی تاجیکستان اتحاد شوروی، اسرار رحمانو است .

اسرار رحمانوف ۲۹ سال دارد ودرقریه «ارتوج»مربوط وادی «زرافشان» تاجکستان‌زاده شده است . آموزش مکتب ده ساله (میانه) رادر مکتب مولدش ختم نموده است .بعداز اتمام مکتب میانه‌محصل‌فاکولتهٔ‌ادبیات پوهنتون شهر دوشنبه مرکز تاجکستان اتحاد شوروی شده است . دورهٔ پنجساله تحصیلی پوهنتون از پر ثمر ترین دوران حیات علمی اسرار- رحمانوف محسوب‌میگردد. وی نظربه استعداد وعلاقه، راه پژوهندگان دانش را پیشه کرده پایان نامه تحصیلی‌اشرادر نقدحال وآثارناصر خسرو قبادیانی بلخی دفاع نموده و بحیث عضو علمی انستیتوت شرقشناسی تاجکستان مصروف کار است .

پژوهش و مطالعهٔ آثار متقدمان شعر ، وی رابه شاعری کشاند . شعر گفتن رادر آوان تحصیل در مکتب میانه آغاز کرد . نوشته هاواشعار رحمانوف درروزنامه ها وجراید و مجلات تاجکستان نشر شده است . رساله پایان نامه تحصیلی اش نیز چاپ شده است مجموعهٔشعری «حماسهٔبرادری» اسراررحمانوف محصول‌سالهای موظفیتش به‌سمت ترجمان‌زبان روسی در افغانستان میباشد . مجموعه .شامل سیزده پارچه‌شعربوده واسامی شان اینهاست چکامهٔ دوستی، دست دوستی، انقلاب ثور ، درفش آرمان ، قدر سخن، آواز خلق، شبنم، دختر افغان ، هنگامه ، سرباز دلاور افغان مراجعت، درختان یادگاری و امید باختر .

مجموعهٔ دستنویس شاعرکه‌محتوای متشکله آنرا پدیده های مربوط به خلق افغانستان و انقلاب ثور میسازد بامنظور نظر شاعرسروده شده و هریك از پارچه های شعری ، با تذکر نامهٔ شاعرآغازمیگردد. بمنظور معرفت بیشتر خوانند گان بامجموعه ، اینك هریك ازشعرها را باتذکرنامه شاعر یاد داشت میدهیم .

شعر «چکامهٔ دوستی » که آغاز گر این مجموعهٔ دستنویس بوده و ۲۲ بیت دارد که بااین بیت معروف حافظ برجسته شده است:

درخت دوستی بنشان‌که‌کام دل به‌بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد

«دست دوستی» پارچه شعر ۱۲ بیتی شاعر این چنین معرفی شده است: «الهام ازهمکاری ومددگاری بیغرضانهٔ اتحاد شوروی‌به‌افغانستان

«انقلاب ثور » پارچه شعریست که به افتخار پیروزی انقلاب شکوهمند ثور سروده شده است انتخاباً به افتخار سومین جشن انقلاب ثور در شماره گذشته بابرگرداندن‌از الفبای سر یلیك بچاپ رسید .

شعر «درفش آرمان» رادر یازده بیت سروده است : «بمناسبت برافراشته شدن بیرقهای ملی ـ دولتی وحزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان .»

شعر «قدر سخن » چنین اهدا شده است: «برای شاعران انقلابی افغان سلیمان لایق وبارق شفیعی .»

انتخاب عنوان «شبنم» از نام دختر احمد ظاهر آوازخوان جوان مرگ افغانستان گرفته شده است .

شعر «دختر افغان »در ۹ بیت سروده شده وشعریکه به هنگامه آواز خوان محبوب افغا- نستان اهدا شده چنین تذکر نامه دارد :

«برای هنرور جوان و خوش الحان افغان هنگامه »

شعر «سرباز دلاور افغان » چنین آغاز دارد.

شهر خواب وده خواب‌وطفل در گهواره‌خواب
گوییا مردم همه مستند از کیف شراب
لیك سر باز دلاور
خواب رادر سر ندارد تاسحر .

«مراجعت» نام شعریست در ۱۴۸ مصرع- که‌بااطمینان‌ناکامی‌کامل‌ضدانقلاب درافغانستان ایجاد شده است . اسرار رحمانوف دارای خانم ویك پسر بوده و خانمش معلم مکتب است .

دختر افغان

دختر افغان حالاچادر از سر برگرفت ،
شه رهٔ عشق وامیدوزندگی را سرگرفت.
تانویسد نامهٔ آمال بخت خویش را ،
سوی مکتب خانه رفت وخامه و دفترگرفت.
مثل‌شمع تیره سوز، عمری‌زغم‌میسوختی،
شعله های بخت اوحالادم اختر گرفت .
گلبن گلهای زرد یأس وناکامی شکست،
از بهار انقلابی ، لالهٔ احمر گرفت .
کاسهٔ صبروقرارش ازستم لبریزشد ،
جام شادی برلب آوردوچوآتش درگرفت.
دست‌اعجازآفرینش تیره دوران بسته‌بود،
حاضرازمعجزه‌کاری شهره درخاورگرفت.
شدقطارهمدیاران آنچنان محنت قرین،
کومقام اندرصف سازندهٔ کشورگرفت .
او نمیجوید کنار ازحرب ضد دشمنان ،
بنگرش، برکف‌سلاح‌وجای درسنگرگرفت.
پیش راه اونه بتواندگرفتن هیچ سد،
همچولاچین سوی فتح‌قلهٔ نو، پرگرفت!

کابل ـ ۲۵ر۶ر۸۰

دانستنیهایی از هفت اقلیم

تنظیم وترجمه: میر حسام الدین برومند

باستانشناسان لاشهٔ یک چوچهٔ فیل ماموت را پیدا کردند

در منطقه ای موسوم به «ماداگان» محلیکه از آنجا زغال سنگ بخصوص نوع تورف آن زیاد پیدا میشود حین بیرون آوردن ذغال سنگ طبیعی اخیراً یك کشف جالب ، توجه باستانشناسان را به خود سخت معطوف داشت . محل متذکره که در حصه شمالی شرق دور موقعیت دارد و در نزدیك دره «گیر گلیاش» واقع شده است . اینك برای باستانشناسان این یك حادثه واقعاً عجیب است چه او شان یك لاشهٔ ماموت را که قدامت آن بیحد زیاد بوده و به عصریخ مربوط میشود ، یافته اند این فیل ماموت واقعاً عجیب است با این توضیح که لاشهٔ حیوان بدون پوسیدگی، خراب شدن و یا تغییر دادن شکل آن کاملا بشکل اصلی آن به حالت خود باقیمانده است. تاکنون بشر قادر به کشف آثار و بقایای فیل ماموت و همچنان اسکلیت هایی ازین حیوان گردیده بود اما نه به لاشه آن. واین یقیناً زیاد شگفت انگیز است واز تصور هم بدور ، چونکه ماموت ها بیش از ده هاهزار سال قبل مرده اند . فیل های ماموت یا حیواناتیکه به قدیمی ترین انسان ها زیاد نزدیك بوده‌اند و انسان در روز گارانیکه تازه به زندگی آغاز کرده بود ، همزمان باآن به روایتی فیل های‌ماموت پیدا شده بودند که انسان های اولی در موارد مختلف از آن ها کار میگرفتند پس از محو نسل ماموت بطور جسته و گریخته بشر به کشف اسکلیت و بقایای آن از اینجا و آنجا دست یافتند . این دیگریك معمای سر گیج‌کننده خواهد بود که چنین یك هیولایی پس از گذشت این همه مدت طویل به حال

چوچهٔ فیل ماموت که تازه یافت شده .

خود و کاملا سالم مانده باشد . بعضی از محققین باستانشناسی نظربه شواهد و قراین مدعی اند که این لاشه فیل بین (۱۶۸۶ ـ ۱۷۵۰) باید جسم جاندار بوده باشد که بعد آن ازبین رفته . همین دانشمندان فیل های مذکور را متعلق به سایبر یا میدانند چونکه هوا آنجا سرد و امکان پوسیده شدن یك جسم نسبت به محلات گرم به مراتب کمتر میباشد . بعضا از محققین میگویند که ماموت ها از پوست ضخیم خود زیاد مشکور باید باشند و همچنان از اقلیم محیط زیست خود ، چه همین پوست ضخیم شان آن ها رادرین منطقه جهان یعنی سایبریا محفوظ نگهداشت چه به تدریج این نقطه سرد جهان سردی قبلی خود را نسبت به‌زمانیکه این لاشه بدان دوره متعلق میگردد ، کاهش داده .تحقیقات چنان وانمود ساخته که‌این لاشه مربوط میشود به‌یك چوچهٔ فیل ماموت که شش ماه بیشتر عمر نکرده است . چوچه ماموت کشف شده (۱۱۵ سانتی متر طول) ، (۱۰۴ سانتی متر بلندی و ۵۷ سانتی متر خرطوم) ودارای پوست سرخ میباشد که‌کار تحقیق در مورد آن در انستیتوت شرق سایبریا جریان دارد . این چوچهٔ ماموت دریك مرداب سقوط کرده بود که در همانجا از بین رفت. البته سطح یخبندان عفونت ، پوسیدگی و گندیدن رامانع ساخته است . از محلیکه این چوچه فیل ماموت یافت گردیده. شاخه های کوچك ، چراگاه ها و پوست های درختان غوش ، سبزه ها و گیاه های «موز» نیز همزمان از محلیکه لاشه موقعیت‌داشت پیدا شده است .

قبل از آنکه مطالعات بیولوژیکی در زمینه لاشه متذکره صورت بگیرد ، فقط این موضوع کاملا تثبیت گردیده که حیوان مذکور در حوالی اخیر عصریخ میزیسته است وبه‌عباره‌ای به‌تقریبادوازده هزار سال قبل تعلق میگیرد .

دهمین فستیوال بین المللی موسیقی در ج.د. آلمان

از سال ۱۹۷۱ بدینسو همه ساله‌موزیك نوازان کار آزموده با مدرنترین و همچنان کلاسیك ترین آلات موسیقی چون کلارنت پوزاون ، باتیووترومپت ، سمسفون و توله در شهر «درسدن» گرد می آیند و برنامه های هنری شانرا به منصه اجراء در می آورند ، بدون آنکه هیات ژوری ای وجود داشته باشد و ارزیابی کار موزیك نوازن را به‌سر برساند . چیره دستی هنر پیشگان و موزیسین هاکه دریك فضای بدون سقف و آزاد هنر نمایی می کنندهمگان را بوجد و شعف وامیدارد و این خود ثمره کار هنر مندان را تثبیت میدارد .

فستیوال سال جاری مدت یکماه به درازا انجامیدو سهمگیرندگان در ین فستیوال با شور واشتیاق سر شار درین جشن و بزم موسیقی سهم بارز گرفتند موزیك جاز نیز درین فستیوال راه داشت دو صد نفر از موزیسین ها از سیزده کشور مختلف جهان درین فستیوال حضور بهم رسانیده بودند و از برلین ، آلمان غرب نیز اشتراك ورزیده بودند که مجموعاً شمار تمام هنر مندان شامله فستیوال به (۲۵۰) نفر میرسید . (۲۵) نوع آلات مدرن جاز در سالون بزرگ کنسرت در «درسدن» که در هوای آزاد اجراء گردید با در نظر داشت این مطلب که سالون متذکره را بنام « سالون فعالیت های کلتوری و کلوپ محصلین » نیز مینامند در اطراف آن ساکسون ها و کشتی های سفری نیز به‌چشم میرسید . جریان این گزارش از طریق رادیو و تلویزون ج.د. آلمان مستقیما پخش گردید . گروپ های مشهور هنر مندان چون «هارلم بولویز» و «باند جاز»ازنیویارك که همکار کهنه کار «تومی بنفورد» نیز در

صحنه‌ای از کنسرت فستیوال بین‌المللی‌درسدن .

زمره آنان قرار داشت تا توا نستند نیـــك در خشیدند . در روز های اخیر فستیوا ل موسیقی هنر مندان سوار بـــروا گـــون هائیکه اسپان آن تزئین یافته بودند همچنان اتوموبیل های تزئین یافته در میـــا ن سرك های پرانبوه یکی دنبال دیگر راه پیدا کرده ودر حر کت بودند .

ایشا ن سوار بروا گون هاو اتو مو بیـل بشکل سیار بخش های عمده فستیـــوا ل رادنبال کردند وتا توانستند سرودند که در طول راه ده ها هزار نفر آنان را بدر قـــه کردند . باید متذکرشد که در فستیوال بین‌المللی «در سدن» (۱۳۰) گروپ کوچـــك از (۱۸۰) کشور جهان به علاوه گروپ هـــای سیـــز د ه کشـــو ر ما قبـل ا لـذ کـر ا ز آلمـــان غـــرب اضلاع متحده امریکـا نیز اشتراك ورزیده بودند اما بهترین آواز خوانان وسرا یندگان از کشور هـــــای متر قی بودند که صیقل بودن هنر مردمـــی شانرا به اثبات رسانیدند .

برای همبستگی بیشتر بالاوس وویتنام

در تحت عنوا ن ((همبستگی)) جمهور ی دمو کرا تیك آلما ن یك باردیگر پشتیبانی خودرا از خلـق های **لاوس ، ویتنا م** وکمپیو چیا از طریق کتب جدیدا طبع شده به اثبا ت رسانید . محتوا ی کـــتب مطبو ع سر تا پا متر قی بوده ودر راه بیداری ملل که‌در بند استثـمار واستعمار میز یستند اند ، زیادموثر ثابت گردیده است . ((هیـــلدی مارسوتیا)) بیوهٔ کار گر که در عین حال شاعر توانا نیز میبا شـــد ، اولین کسی بود که کتب متذ کره راپس از تنظیم به اسر ع و قـــت از چاپخانه خارج وز مینه فرو ش آنرا در بازار وبازار یابی کتـــب مخصو صا در پو تسدام تدار کدید گفته شده که پو ل فرو ش کتـــب به حسا ب مر کزهمبستگی‌جمهوری دموکراتیك آلمان با مرد مـــا ن کمپوچیا ، ویتنا م ولاوس پردا خته میشود . در عرضهٔ کتب آنهم در فرصت زما نی کوتاه ،نقش بیـوهٔ کار گر مز بور البته شایا ن تقدیر وقابل یاد آور ی میباشد .

«هیلدی ماسوتیا» درحال عـر ضهٔ کتب

نظریات جدید در بارهٔ شکل زمین

در قرن هفده عدهٔ از دانشمندان چنیـــن نظریه‌ای را در موردزمین می ترا شید نـــد که زمین دریك قطب خود کمی فرورفتگـــی دارد ویـك قسمت سطـح آن نسبت به سایر حصص آن دارای چقری هاست . لاکن بعد ها این نظریه نیز عوض شد و چنین بیان‌داشتند که سیاره ما شکل یك ناك را دارا ست‌بدین مفهوم که نه تنها دریك قسمت خـود فـــرو رفتگی ندارد بلکه دارای شکل بر آمد گـــی نیز میباشد . تقر یبا یکصد سال قبـــل نیزعده‌ای از محققین مدعی بودندکه زمین‌شکل کاملا خاصی را دارا ست یعنی که‌به‌یـــك مخروط زیادشبیه میباشدو این جسم مخروطی گون بدور محور خویش در حال تغییر وحرکت میباشد لاکن پرواز های فضایی قرن بیست تمامی نظریات را رد نموده و این مشکـــل بشر را در مورد شناخت و بر رسی شکـــل اصلی زمین حل ساخت .اکنون کاوش های بشر بخصوص دانشمندان بیشتر بـــه یـــك نقطه متمرکز میگردد و آن اینکه این جســم کروی که ما بر بالای آن ز ندگی داریـــم و خشکـــه و آب هر دو درآن وجـود دارد آیا اگـر ابحار از خشکـه جدا گردد ز مین چه شکلی را به خود خواهد گرفت؟ بدیهـــا این جسم منجمد سیاره ما قویا به یـــك خلیج مبد ل خواهد گردید . در آنصور ت عقاید قبلی باز هم صدق خواهد کرد کـــه میگفتند زمین شکل یك ناك را دارد والـبته دانشمندان مذکور شکل زمین رابدون ابحـار آن در نظر شان مجسم داشته بودند .

کنونـــکه زمین بیشتر شکل یـــك سیب را دارد تا هر شکل دیگر ، آیا زمین همیشه این شکل سا ختمانی خود را حفظخوا هـــد داشت یا چطور ؟ دانشمندان درین موردفعلا مطالعا ت و تحقیقا تی روی دست دارند چـه اقیانوس هاو قاره ها بطور نا برابر و غیـــر منظم در تشکل زمین سهم گر فته اند . یـك نظریه دیگر چنین است که جوف زمین از یك تعداد ارقام و شمار های ثابت مـواد متعـدد متشکل و پلات های بزرگ قاره را به اطراف خود حمل میکند و همچنان پلات ها ، کـــره زمین را به اطراف خود می چر خانـــــد یکعده از دانشمندان بدین تازه‌گی هاسخت مصرو ف تحقیق این مو ضوع اند و در صدد شده‌اند تا سوالات و پروبلم های چگو نگی پیدایش اقیانوس آرام را تشریح و توضیح بدارند . از طرف دیگر چون زمین در بسیاری از نقاط مسطح خود در اقیا نـوس هـــا بخصوص بحیره پسفیك فاقد طبقه گرانیـــت میباشد . معنای این سخن اینست کـــه جوف زمین در قسمت های مختلف‌از مـــواد مختلف سا خته شده که مثلا حصه دیگـری فاقد آن مواد میباشد . بهر حال کاوش های بشر در زمینه جریان دارد و سفر هـــای فضایی ممد خو بی برای حل مسا یـــل گنگ وبغرنج واقع شده است • تصاویـــر وعکس های بر داشته شده از کره مهتا ب نشاندهندهٔ این مطلب است که سطح کره‌ماه نیز دارای نابرابر ی هابوده وسطح کرهٔمذکور یکسان و مساوی نیست و پستی هـــا و فرو رفتگی ها را دارا میباشد . در عطار دنیز عین چیز تطبیق شده است ، بطور مثال در عطارد یك فرو رفتگی زیاد عمیق . بنـــام «گالادیز» که دریك سوم حصه نیمه‌دوم شمالی سیاره مذکور فرو رفتگی های وافر دیـــده میشود .

عده از دانشمندا ن مدعی اند که زمین‌شکل سیب را داراست .

وسایل درمانی از قعر ابحار

این دگر شگفـــت آور نیست که دانشمندا ن پیوسته در صـــدد رهیابی بسوی طـرق وراه هـــایی برای دستیا بی به وسا یل‌در مانی جدید میباشند . بدیها ابحار اسرار بیشمار ی در خود نهفتـه دارند . گرچه این حجاب های مرموزپیوسته بوسیلهٔ دانشمندا ن بر داشته شده واسرار طبیعت یکی پیهم فا شـــ میگردد . با این وصف تعداد زیادی از دانشمندا ن در اتحاد شورو ی به ابحار بیشتر عطف تو جه نموده وبه خصو ص انستیتو ت بر رسی ابحار شوروی در صدد بر آمده تااز ماهیان گوناگو ن ابحارنیزحداعظمی استفادهٔ درمانی را بنما یـــد . در انستیتو ت مذکور یك لابرا تـوار مخصو ص وجود دارد که کار عمدهٔ آن بررسی وتحقیق از گانیز مهای موجودا ت بحر ی میباشد . مسئله درخود توجه اینست که دانشمندان از همین ماهیا ن بحر ی دارو های راکشف ودر اختیار مبتلایا ن‌بعضی از امراض قرار داده‌اند که حتی در ابحار بعضا بر تراز سا یر وسایل درمانی با ارزش میباشد . ((یلیا آشگیخین)) متصدی لابراتوار بر ـ رسی ارگانیزم موجو دا ت ابحار ارائه داشت که ما دارو ها ی زیاد عجیب وشفا بخش راکه بد ین‌تازگی ها استحصا ل داشته و در دســت داریم از خرچنگ بدست آورده ایم این دارو ی جدید زخم ، ریم وچرك ولو هر قدر پیشر فته هم با شد پاك میسازد ودر پرو سه درما نی کمك شایان وسریعانه ای را بسر میرساند وعلاوه بر ین فعا لیت‌جگر

بقیه در صفحه ۶۰

بقیه صفحه ۲۳

قوی جاودان...

زندگی پاولوا هنر قهر ما نهٔ او بود . او وظیفه مشکل پرو پا گند هنر روس رابدوش گر فته ما نند شخصیت هنری فشار ز یادی ر ا متقبل شد . در شرایط مسا فر ت های طولانی ا مکا نات برایش تنگتر بوده برای او گروپ درجه‌اول موز- پیسن های باتجر به کور گرافهایکه متنا سب به دیگـــــــــو ر باشند وجود نداشتند . تمام‌زندگی خودرا و قف هنرش نموده بخود اجازه خوشی های حیاتی‌نداده بعضا در اطراف لندن به کلبهٔ ویت‌پلوش در مرغزار و در یاچه قو ا قا مت گزیده همواره با لیرین رو سیـــه پهناور و زاد گاه دورهٔ طفلی خود لیکوا را بخاطر می آورد .

وقتیکه بعد از ده ها سال اولین بار نمایش بالشوی تیاتر در لند ن برگزار شد بار دیگر جهان محـو کمال بالت روس شده دین هموطن بزرگ خودرا مهمانان ا شترا ك کننده فرا موش نکرده با شتاب‌تمام در آیوا ها س در برابر سا ختما ن کوچکی که مانند سابق در مر غـزار گلهای لاله شگو فان بودند و د ر دریاچه پرندگان سفید محبوب شنا می‌کردند صف کشیدند ، آرتیستان شوروی محو زیبائی پاولوا بودنـد در حالیکـه هیچـگاه اورا روی سن ندیده بودند اما آوازهٔ هنراوراشنیده بودند . زیبائی بالیرین بزرگ قـو در برابر آنها مانند زیبائی ا بدی‌و فنا ناپذیر نمودار می گشت .

بقیه صفحه ۵۹

وسایل درمانی..

راحفاظت وکنترول مینما ید . بـــا سگ ماهی هاکه خود ازمو جودات بحر ی اند ، میشود زخمها راتداوی کرد .

خاصیت های تعجب آور ی که ارگانیزم وجود سگ ما هی ها دارد وارتباطا ت مختلفی که از نگـــاه کیمیاوی و بیو لوژ یکی حین‌تماس مواد مزبور باز خم هابر قرارمیگردد بگونه ایست که به صور ت معجزه آسا ، زخم ها رابر طر ف میدارد. مخصوصا و مخصو صا از جگـــر سگ ماهی هاییکه از بحیرهٔ سیاه بدست می آید واز نو ع سگ ماهی های خالدار میباشد . دارو ها ی تهیه گر دیده به محـض گذ ا شتن مرهم مستحصله به اسر ع و قـت مریض معالجه میگردد . دانشمندان بحر ی زیاد بدین باور ند که بسان سگ ماهی ها هیچ دشمنی مکارتری در زمرهٔ موجودا ت بحر ی وجود ندارد امابخا طر اینکه ازموادموجود مذکور ،رو ی منظور ما فو ق‌الذکر به طور دلخواه ومطلو ب استفا ده شده میتواند . بیمورد نخوا هـــد بود تاهر چه بیشتر در پرور ش و حفاظت سگ ماهی هاتوجه مبذو ل گردد. از ماهی ((هیرو گلـدف)) مخصوصا نسج مادهٔ آن که البته‌نسج متذکره بنا م (تتر و دو کسیـــن) مشهور است ، زهر ی‌کشف‌گردیده که به مراتب قویتر از زهر ها ی معمولی است اماباز هم نکتهٔ جالب درینجاست که از ین زهر قـــو ی امروز در کلینیك های در ما نی‌برای تسکین کار گرفته میشود ، بد یـن مفهوم که از اختلاط زهر مذ کور با سایر مواد لازمهٔ طبی ترکیب‌جدیدی که خاصیت تسکین دهی دارد ،به وجود می آید . در لابراتوارهایکنوع مواد دیگر که ابتداء توسط (پییرزیا تیتوف)) همکار اکاد می نو تو لد ها در بیمارستان های زنانه کشـــف گردیده ، قیمت آن سر سا م آور میباشد بحدیکه فی کیلو سه ملیون دالر ارزش دارد . توسط داروسازان دارو ی دیگر ی از موجو دا ت‌بحیرهٔ پسفیك بدست آمده که مادهٔمذ کور بنام (پونیکوز) یاد میگردد و برای برطر فی فشار خو ن وخستگی‌های مستدام وتقو یهٔ عضلهٔ قلب وتنظیم تبادلهٔ مواد کمك سر شارمینماید .

توسط همین دانشمنـــدا ن از سمار ق ها ی بحر ی انتی‌بیو تیك هایی نیز کشف گردیده که حـــتی به مراتب برتر از پنسلین ها مـی باشد و هزار چند قویتر از(نایترو گلسرین) اثر مینما ید . از نسـج یکنو ع ماهی دیگر بحر ی که بنام (ماهی کرا کن) معروفست . دارو های تهیه گردیده که وجود شخص به محض در یا فت آن حتی پرهیاهو ترین سرو صدا هارا به هیچ‌میگیرد وآرامش اعصا بش را از دست نمی دهد . متصد ی انستیتو ت مز بور گفت : لابرا توار ما از سه سـا ل است که مجدانه به فعا لیتش‌ادا مه مید هد که ما در طی این مد ت دارو های زیادی از موجودا ت بحر ی‌چون ماهیا ن ، الجی ها ، کورا ل وسایر موجودا ت کشف وتدار ك دیده‌ایم، که این خود به منزلهٔ خدمات بزرگ نبوغ بشریت و صحت انسا ن‌های کرهٔ ار ض است . ما از ما هیا ن زهر-دار موارد استفاده یا فته ایم.

د ۲۳ مخ پاتی

د مجارستان...

بشریت هیڅکله د لیننگـراد دخلکو قتل عام ، دستا لینگـــراد خونړی جګړه ، د پراګ ور شو ، بودا پست او بر لین جنګ څپلـــی کنډوا لی او پد غو کنډ وا لو کـــی دزر ګونو تنو بی ګنا هو انسانانو پراته جسدونه ، له کنډوالو څخـه پورته کیدونکی لو ګی اودوینوسوړ بوی ، پرهیرو شیما او نا کازا کی باندی دامریکا یی اټومی لمبونـــو دمرګ دپیټو غور ځول، نه شـــی هیرو لی ، دو یمه جهانی جګړه چی دپانګوا لو دمحافلو دبدو سو لو اوله حرص نه ډکو تمو په نتیجه کی او په خپلو کی دنړی دبیا ویشلو اوپه خپل ټا ټو بی کی دنړی دلومړنـی سو سیا لیستی دو لت ، شوروی اتحاد د څپلو او خپه کو لو په نیت دبشریت د ډیر غدار د ښمن، یعنی هیتلری فاشیزم له خوا پیل شوه، نو ددغی جګړی‌په اورکی دمجارستان ورور هیواد هم وسو زید او وکړید. دفاشیزم پر ضد دمقاومت په لړ کی چی له اسپانیا نه نیو لی بیا تـــر ولادی واستو ك پوری پیل شوی ؤ، دمجارستان و لس په میړانه ودرید او دفاشیزم دخونړی شونډ ك پـــه خاوره‌دمو ښلو په عظیم کار زار کی یی خپل قهرمانانه نقش ولوبا و ه ترهغو چی دهغه شونډك په خپـل ټاټو بی بر لین کی په خاورو کـــی ومو ښودل شو د فاشیزم پر ضـــد داعتراض په لومړیو لیکو کـــی دمجارستان ستر مو سیقی پـــوه بار توك بلاهم و لاړو . هغه دمجا ـ رستان دخلا صو ن لپاره په مبارزو کی ار زښتنا ك سهم در لود . هغه په کنسر تونو کی، او له هغی‌جملی نه دسنتا تاپرو فانا په پار چه کی خلك د فاشیزم پر ضد سیاســـی وحدت عمل ته درو بلل . د بارتوك مفکوره دنړی په سو یه د فاشیزم دیوه دښمن په خیر و پیژند له شوه خو بالا خره یی د دویمی جها نی جګړی په سر کی یعنی په ۱۹٤۰ کال کی له خپل ټاټو بی، مجارستان څخه د فاشیزم پر ضد داعتراض‌په دود ووت او امریکی ته ولاړ اوهلته وچی خپل بی ساری هنری آ ثاریی منځ ته راوستل .

بار توك بلا له نریو شو ندو ا وهغو ستر ګو سره چی صفا او صمیمیت، پاکی او نجابت څپی پکی وهلی تل یو داسی شخصیت پا تی شو چی دنړی دو لسو نو او خلکو ترمنځ یی د ورروری ، پیوستو ن او مینی تبلیغ کاوه او ددغو هد فو نو تطبیق یی غوښت پخپله یی پـــه ۱۹۳۱ کال کی لیکلی دی : دټو لو مو جودو تو پیرونو اواختلا فو نو سره سره زه دخلکو ترمنځ دورروری غوښتونکی یم او تر هغو چی ممکنه وه ، ما دمو سیقی له لاری دغـــه هدف ته درسیدو لپاره کار اوخدمت کړیدی . ا ودا خبره بیخی ر ښتیا ده . دادی اوس چی بشریت او په خپله دهغه دوطن، مجارستان خلك دهغه سلمه کالیزه نمانځی ،دبارتوك اغیزه ترهر بله وخته لا ډیره او په زغرده احسا سیږی . بار توك‌یواځی په مجارستان پوری اړه نلری . هغه دنړی په ټولو خلکو او ګرد بشریت پوری اړه لری او یو نړیوال و یا ړ دی . دهغه دمو سیقی آثار اوهنری میراث له بودا پست نه نیو لی تر پراګه پوری او له پراګه تر پاریس، وین ا ونیو یارك او لنین ګراده‌پوری انګاز ه کوی. په نړی کی داسی یوه انسا مبل نشته چی دبار توك د موسیقی آثار دی پکی نه وی او په مجارستان کی هیڅ یو داسی ښار نشته چی یو واټ، یو ښوونځی،اویا یو میدان دهغه په نوم نومو ل شوی نه وی دمجارستان دغه سترهنرمند او مو سیقی پوه یعنی بار توك بلا، چی په ۱۸۸۱ کال کی زیږید لی‌دی. په ۱۹٤۵ کال کی یی دنیو یارك په ښار کی ستر ګی له دنیا نه پټـــی کړیدی بار توك چی دادی په روان کال کی یعنی د ۱۹۸۱ کال‌له‌جنوری نه یی سلمه کالیزه پیل شویده او ددغی کالیزی نمانځنه دهمدی کا ل ددسا مبر تر ۳۱ می نیټی دوام کوی تصمیم در لود چی وروسته ترجګړی خپل هیواد مجارستان ته ستون‌شی، خو دمر ګی تور ، وچ او هډو کیز لاس هغه ته دا مجال ورنکړ .

دبار توك انسانی رو ش او نمونوی کار هغه په جا ودانی توګه دمجارستان په کلتور کی ځای‌په‌ځای کړی او ثبت کړی دی .

دادی اوس چی دغه ستـــر مو سیقی پوه او هنر مند اود آزادی او عدالت د لاری سر ښندو نکی اوا نسان پالونکی شخصیت نمانځل کیږی ، دهغه د سلمی کالیزی دنما- نځلو مؤ ظفه کمیته هیله لری چی، دهغه د جسد پاتی شونی یی‌دامریکی له‌متحدو ایالاتو څخه خپل هیـــواد مجارستان ته ولیږ دو یی .

سینمای پر محتوی

های شخصی در کشور ما از نظر اقتصادی توانایی تهیه این همه وسایل را دارند و نه افغان فلم جز در موارد ضروری میتواند این همه مشکلات را حل سازد .

البته ما امید کامل داریم که با تاسیس استودیوی مکمل ومجهز تولید فلم که به کمك کشور دوست و برادر ما اتحاد شوروی در آینده نزدیك اعمار خواهد گردید به این همه پرابلم های پرود کشن های شخصی و مؤسسه افغان فلم خاتمه دهم .

. اکنون کار چند فلم را در دست تهیه دارید وامور آن چگونه پیشروی میکند ؟

.. از شمار فلم های اخباری ، اخبار شماره سی ودو وسی وسه از فلم های داکومنتری «جبهه وسیع پدروطن» ، «سالگرد هشت مارچ روز بین المللی زن » «اتحادیه های صنفی» فلم نیمه هنری «بشر دوستی» زیر کار است و همچنان کار فلم برداری «اخترمسخره» که محصول مشترك تلویزیون وافغان فلم میباشد روبه اکمال است .

. میتوانید توضیح دهید که به صورت یك کل و به شکل مقایسوی از نظر شما چه تفاوت هایی در پرودکشن های سینمایی میان کشور های سرمایه داری و سو سیا لیستی از نظر فورم و محتوی وجود دارد ؟

. . به اجازه شما برای روشنی موضوع طرق تهیهٔ فلم های هنری راکه فعلادر جهان رایج است بطور خلاصه بمیان میآورم :

۱ـ یکی از طریقه های فلم سازی همان است که در یکی از سوالات شما قبلا جواب گفتم و باید این را هم اضافه کنم که بعضی از پرود کشن ها هنر و تخنیك را از هم جدا مینمایند ، بدین ترتیب که فلم برداری خویش را خارج از استدیو تکمیل نموده و بعداً فلم خویش را جهت پراسس وچاپ ـ متناژ و آواز تخمین نور تکتیف فلم و غیره مسایل تخنیکی به استدیو فلم های هنری راجع میسازند .

۲ـ در سال های اخیر در برخی ازکشور های متمدن شکل جدید تولید فلم بمیان آمدکه به نام (اتحادیهٔ تهیه کنند گان آزاد) یاد میشود . دراین نوع طرز تولید ،اکثراً فلم برداران ، دایرکتران و پردیسور های معروف گردهم جمع میشوند و به تهیه فلم میپردازند تا خود را از قید مؤسسات انحصاری به دور دارند .

این نوع طرز تولید در امریکا ،جاپان انگلستان و فرانسه جریان دارد اما کمتر مورد توجه تماشا گران قرار گرفته است

۳ـ طریقهٔ دیگر فلم سازی را فلم های مشترك تشکیل میدهد . تولید فلم بصورت مشترك از روز تولد هنر سینما تا امروزمیان کشور ها رواج داشته و دارد . فلم های مشترك در هر دو کشور تولید کنند بنام فلم ملی آن قبول شده میتواند . این نوع طرز تولید بر علاوه اینکه تجربه و تمرین خوب برای پرسونل هر دو مملکت میباشد پیشرفت روابط کلتوری دومملکت رانیز توسعه می بخشد .درتولیداین نوع فلم هامملکت دوست وهمسایهٔ بزرگ ما اتحاد شوروی سوسیا ـ لیستی در قدم اول قرار دارد . زیرا این مملکت نه تنها با دول سو سیا لیستی بلکه بابعضی از ممالك کپیتا لیستی نیز فلم های مشترك تولید می نماید مفید یت عمده تولید فلم های مشترك این است که برای تربیهٔ پرسونل فنی و مسلکی و هنر پیشه ها کمك بزرگ میکند .

٤ـ طرز تولید در ممالك سو سیالیستی به صورت پلان گذاری مثبت صورت میگیرد ، استدیوها تماماً روی پلان های پیش بینی شده و منظم فعالیت می کنند ودر تولید فلم ها شرایط اقتصادی همه جانبه مورد توجهٔ خاص کار کنان فنی قرار دارد . تمام استدیو ها غیر از پلان های عمومی خود دارای پلان های سالانه ، ماهانه و حتی روزانه میباشند پلان عمومی یك فلم قیمت تخمینی و مدت تهیهٔ آنرا تعیین مینماید .

سیستم جدید تولید فلم که در کشور های سو سیا لیستی مروج است تهیهٔ فلم را به پنج دورهٔ عمده تقسیم مینماید .

۱ـ تهیه و آماده ساختن سناریو .

۲ـ تهیهٔ سناریو دایرکتر (شوتنگ اسکرپ).

۳ـ دورهٔ آمادگی .

٤ـ دورهٔ فلم برداری .

٥ـ دورهٔ متناژ وثبت آواز .

مسئول تهیهٔ فلم (پرود کشن منیجر) تمام پلان های خود را با همکاری همه جانبهٔ دایرکتر فلم تکمیل می نماید و تمام فشارکار رابالای دورهٔ آمادگی میندازد تا در جریان فلم برداری سکتگی و پرابلم در کار شان رونما نگردد . پرودکشن منیجر فلم هر قدر در دوره آمادگی موفقیت بدست آورد فلم اقتصادی تر میباشد . زیرا اگر در دورهٔ آمادگی به طور مثال روز هزار افغانی مصرف مینماید در دورهٔ فلمبر داری روز بیست هزار افغانی مصرف خواهد داشت .

بدلیل اهمیت فراوانی که دوره آمادگی در کار تولید فلم دارد و قتی این دوره تکمیل میگردد دایرکتران مشهور و بزرگ میگویند که :(حالا فلم ما ساخته شد و صرف فلم بر داری آن باقیمانده است) و به همین اساس است که اگر دوره آمادگی رادر سه ماه پیش بینی کنیم دورهٔ فلمبر داری نباید از چهل روز تجاوز کند .

دراین دوره باید پلان کار به این ترتیب طرح گردد :

۱ـ ادامهٔ پلان عمومی و قیمت تخمینی فلم .

۲ـ ترتیب پلان های هفته وار برای دورهٔ فلم برداری .

صحنه یی ازبخش «طلبگار» فلم روزگاران اولین محصول مستقل هنری افغان فلم.

صحنه یی از فلم غلام عشق محصول آریانافلم که همه امورفنی وتخنیکی آن درافغان فلم صورت گرفته است .

بقیه صفحه ٦١

سینمای پرمحتوی ...

۳ـ تهیهٔ لباس مورد ضرورت .

٤ ساختن دیکور های مورد نیاز .

٥ـ تعیین جاهای فلم برداری خارج استدیو .

٦ـ انتخاب بازیگران فلم .

۷ـ تهیهٔ افکت های مورد نیاز .

۸ـ ترتیب وامضاء قرار داد ها .

۹ـ تهیهٔ لوازم مربوط دیکور ها (اشیای نمایشی از موزیم ها وغیره) .

۱۰ـ تهیهٔ وسایل ترانسپورت .

۱۱ـ تهیهٔ لوازم آرایش گریم وغیره .

۱۲ـ مشق و تمرین جدی با هنرمندان .

۱۳ـ آماده ساختن شعب مختلف استدیو ودیگر مسایل مربوط به‌فلم .

. اتحادیه هنر مندان وبا الخصوص بخش سینما تو گرافی آن از زمان تا سیس تاکنون عملا در کار رشد و باروری هنرسینما در کشور ما چه نقشی داشته است ، لطفا مواردی ازاقدامات این اتحادیه رابه صورت نمونه توضیح دهید ؟

.. اتحادیه نو بنیاد هنر مندان که‌هدف از تاسیس آن باورو ساختن هنر وا قعی و اصیل و بالا بردن سطح تولید هنری میباشد در کو تاه مدت فعالیت خودنخست ساز ما ن های او لیه را که گردهم آیی هنر مندا ن راتامین میدارد ایجاد کرده پلان کار شان را به طرح آورده و زمینه بسیج سینما گران جوان را فراهم آورده است ، همچنا ن این اتحادیه تلاش دارد تا تو جه دو لت‌مردمی را در اعمار استودیوی بزرگ فلم سا ز ی‌که به کمك کشور دوست اتحاد شوروی تحقق میابد مبذول دارد ، همچنان برای بالا روی سطح معلومات ، آگاهی ودانش و تجارب هنری اعضاء ، کورس ها ، سیمینار ها و کمیسیون های فراوان دایر کرده و باز هم میکند ، اکنون این اتحادیه دارای یك عمارت آبرو مند نیز میباشد که زمینه ملاقات ها ، تبادل نظر و دایر شدن کنفرانس ها و گرد هم آیی ها در آن امکان پذیر شده است.

. با تو جه به ضوابط ، معیار ها و کار برد هنری ایکه اکنون در کشور و جود دارد ، شما سینمای آینده ما را چگونه می بینید ، فعلا چه امکاناتی برا ی رشد و توسعه هنر سینما تو گرافی به وجود آمده است و چه دلایلی و جوددارد که ما بتوانیم نه به حکم جبر زمان بلکه با یك جهش سریع ودر مدت کم کمیت و کیفیت تولید سینمایی رادر افغانستان‌بلند ببریم وبهبود بخشیم .

** به‌همانگونه که‌همه امور بعد از انقلاب وبخصوص مرحلهٔ نوین تکاملی آن بر اساس ضوابط و معیار های سنجیده شده دولت انقلابی ما به پیش میرود ، هنر سینما تو گرافی نیز باتاسیس اتحادیه هنر ـ مندان راه خود رابه سوی شگو فا یی خواهد گشود و چه از نظر سطح تولید و چه ازنظر محتوی خود ارزش کار آن بلند خوا هد رفت اعمار استدیوی جدید که در آینده نزدیك کارآن به آغاز گر فته میشود بدو ن شك همه نیاز مندی های ما را رفع میکند وما را توانایی میدهد تا کار های بیشتر وبهتر سینمایی رابرای مردم خود ارائه بداریم تا آنجا که سینما بهترین هنر ماست ، واقعا در خدمت مردم قرار داشته باشد .

بقیه صفحه ۳۹

اگر مرد نتواند...

پسران برای بدام انداختن دختران وودار ـ کردن آنها به ازدواج به صدها حیله ونیرنگ متوسل میگردند، نه‌گفتیدکه این حیله و نیرنگ هاچه نوع میباشند .

شما فکر بدی نکنیدمنظورم ازحیله‌ونیرنگ اینست که این عده جوانان می خواهند برای اینکه دل دختر مورد نظر خودرا هر چه زودتر بدست آورند کار های میکند که برای دختر یقین حاصل میشود که واقعا او را دوست دارد . وشاید هم در اول دوست داشته‌باشد ولی بعضا دیده شده که این دوستی و عشق آرام آرام فروکش میکند .

از پسر نظر خواستم وگفت : من منکر این حقیقت نیستم‌که بدون یك عشق واقعی هرگز نمیتوان به خوشبختی ر سید اما من گفته نامزدم راکه عدهٔ از جوانان باحیله ونیرنگ دختر مورد نظر وعلاقه خویش را بدست می آورند رد میکنم وبرای رد این گفته دلایل نیز دارم : این یك واقعیت است‌که هرجوانی در ابتدا می خواهد دختر مورد نظر وعلاقه و به او نیز علاقه ونظر داشته باشد . همین علاقمندی طرفین‌است‌که بالاخره منجربه ازدواج بین دختر وپسر میشود . ولی بعضا دیده شده چند ماهی که از ازدواج وتشکیل یافتن خانواده سپری گشته رویه زن تغییر یافته، بی اعتنایی وعدم پابندی به‌زندگی خانوادگی جانشین عقلامندی و خوشبختی خانوادگی میگردد. وقتی مردنتواند درزندگی خانوادگیش احساس خوشی وسعادت نماید، حتماازززندگی خسته شده واین خوشی رادر جای دیگر سراغ می نماید میدانیدکه بسیاری ازمردان چرا از خانه وخانواده اش گریزان میشوند ؟ برای اینکه در خانه اش در میان خانواده اش احساس آرامش نمیکندوعلت آن هم اینستکه زن رویه لازم را در مقابل شوهرش نمیکند . وقتی مرد یا بهتر بگویم شوهر نتواندخوشی رادر میان خانواده اش بیابد ، طبعا او رادر جای دیگر جستجو میکند . پس یگانه علت دوری جوانان از ازدواج ترس از آینده است. زیرا بسیار دیده شده که در ابتدا ازدواج روی یك علاقمندی واقعی صورت پذیرفته ولی بعد هانظربه بی علاقگی یکی از طرفین زندگی خوش خانوادگی که در شروع خیلی دلچسپ آغاز شده بود پایان نسبتاغم‌انگیزی داشته است .

این مسایل باعث میشود که یکعده جوانان ازازدواج فرار کنند وکمتر به ازدواج علاقه گیرند .

خوب، این گفته شما بجا که اگر زن و یا شوهر نتواند خوشبختی رادر خانوادهٔ خود بیابد، شاید این امر سبب شود که او آن رادر جای دیگر جستجو کند. ولی چه باید کرد که روابط خانواده هرچه بیشتر از پیش شرین تر ودلچسپتر گردد .

سوالی مشکلی است که بتوان به زو دی برای آن جوابی یافت امامن عقیده دارم که‌راه یافتن خوشبختی ودست یافتن به آن تنها و تنها تفاهم مشترك واعتماد بین زن وشوهر میباشد . واین در زندگی امروزی خیلی ها باارزش است .

بقیه صفحه ۱۸

سربازی وجان بازی ...

اما نا گهان فیر چند مرمی که پی هم شلیك گردید ، در دشت طنین اندا خت، صدای ناله یی شنیده شد ،یك لحظه کو تاه مثل آنکه هیچ حادثه یی به وقوع نپیوسته باشد دو باره آرامش بر قرار گردید و باز رگباری از گلو له به سوی ما سرا زیر گردید ، فورا به حال دفاع در آمد یم ، صدای فیر حتی یك ثانیه هم قطع نمیشد و ما میکو شیدیم بی آنکه خو نسردی خود را ببازیم آنها را سر کوب کنیم سا عتها جنگ طو ل کشید ، آنها اسلحه ها ی مدرن در اختیار داشتند ، راکت ها ی ۳۰۳ بور داشتند و تعداد شان نیز بسیارزیاد بود در حالیکه ما فقط بیست نفر بودیم که دستگاه های هوا شناسی را حفا ظت میکردیم ، با آنهم خو شبختانه مو فق شدیم آنان را تار و مار سازیم ، در جریا ن همین حادثه بود که خودم زخم برداشتم و برادرم نیز که‌با من یکجا خدمت مقد س عسکری اش را سپری میکرد در آغو شم جان داد و شهید شد ....

آنچه خوا ندید بخشی از گفته های عبدالحلیم سر باز بود که باشنده میمنه است ، بیست و دو سال عمر دارد و بیست و دو ماه نیز از مدت عسکری وی گذ شته است .

به قول او حادثه یی که شرح آن گذشت در شهر مزار شریف اتفاق افتاد و اشرا ر موفق شدند دراین حمله نا جوانمردا نه علاوه از شهید ساختن سه سر باز جا نباز چند تن از جانبازان ما را هم زخمی سازند محمد سیون میگو ید این ها که دم از مسلمانی میز نند خود قتل نفس می کنند و این میرساند که آنهاجزدروغپردازانی ریا وزر نمیباشند ودر گفته های خود هیچ مایه ورگه‌ـ یی از صداقت ندارند .

• • •

محر م خارندوی جانباز جوانی است که به گو نه داو طلب در صف سر بازا ن جا ن بر کف قرار گر فته و با عمال ضد انقلاب فراوان جنگیده و تعداد فراوان از آنان راسر گو ب سا خته است این جوا ن «وطن پرست» جریان زخمی شدن خود را اینگونه شرح میدهد که یکی ازولسوالی های مربوط ننگر هار در محا صره ضد انقلابیون قرار داشته و او به همراهی هشتاد نفر دیگر مجهز به وسایل نظامی موظف شده است تا آنان را تار و مار سازد ، به محل مورد نظر میرو ند و با آنکه تعداد افسرار بسیار زیاد بوده و خلاف انتظار شان با انواع اسلحه مدرن نیز مجهز بوده‌اند بعداز چند ساعت جنگیدن همه یا کشته میشوند و یا فرار را بر قرار تر جیح مید هند درحالیکه تعداد زیادی اسلحه نیز از خود باقی گذاشته اند .

محر م که تاکنون در فراوان جبهه های جنگ باعمال ضد انقلاب شر کت داشت و توانسته است از خود شجاعت فراوا نی نشا ن دهد اعتقاد دارد که‌مبارزه آنا ن مبارزه بر حق است و به همین دلیل هم دشمنان انقلاب بالاخره شکست میخور ند و دیگر به هیچ عنوان نمیتوانند آرامش مردم ما را برهم زنند ، «لطفا دنباله این گفت و شنود ها را در شماره های آینده بخوانید .»

بقیه صفحه ۱۱

دولت انقلابی ما بکار و فعالیت...

اهداف و اعمال دو لت انقلابی خویش بیش از پیش پی ببریم و در صف مدا فعین راستین آن قرار بگیریم و نگذاریم دشمنان سو گند خورده میهن وانقلاب ما در راه تحقق آر مـان های حزب و دو لت و رشد و تکا مل ا نقلاب شکوهمند ثور سنگ اندازی نمایند و مـانـع پیروزی ها مزید ما گردند .

محمد مهدی « حیدر زاده » معاون فنی شعبه طبع حرو فی کارگری ا ست که از سال ۱۳۲٤ درشعبه مذکور بکار آ غاز نموده یکی ازفارغ- التحصیلان سال ۱۳۲۳ مکتب میخا نیکی کابل می باشد .

این کارگر دو رانساز که ۳٦ سال تجربهٔ کار دارد خیلی آهسته حـرف می زند امـا صمیمانه راجع به تحولات اخیریکه بعد ازپیروزی انقلاب شکـوهمند ثور در زندگی وی ببـار آمده است میگوید :

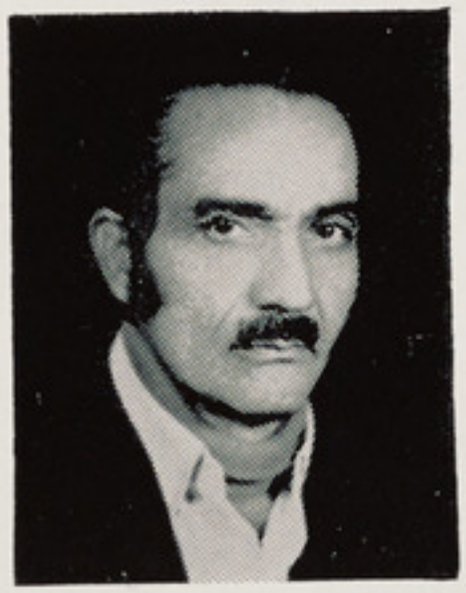

محمد مهدی معاون شعبه طبع حروفی ۳٦ سال تجربه کار دارد .

قبل ازانقـلاب مـردمی مـردم افغـانستان نه تنها معا شات ما کم و ماکو لات ما کمتـر از ماکولات ما موران دو لت بود بلکه دستمزد ما نیز مورد استثمار بیر حمانه قرارمیگر فت بدین معنی که سا عات کار گران ز یاد بود ودزد ها کم ، هر چند برای اجرای پـول اضافه کـاری خود به مقامات مربوط عرایضی تقدیم می داشتیم نتیجهٔ مثبتی از آن حا صل نمی شد و لی ا مروز و ضع به شکل قا بـل مـلاحظه یی به نفع ما کار گران تغییر کرده است . دو لت انقلابی ما در پهلوی آ نکـه معاشات کارگران واجیران دو لت را افزایش بخشیده است ، ماکولات آنهارا نیزباماکولات ماموران مساوی سا خته است برای کارگرانیکه خارج از و قت رسمی کار می کنند حق اضافه- کاری قایل گردیده پول ا ضافه کاری ما را مطابق به ساعات کار انجام شده به شکـل بسیار عادلانه می پر دازد .

می پرسم : می توانید بگوئید رویهٔ آمرین وکارفر مایان شما پس از پیروزی ا نـقـلاب شکوهمند ثور در برابر کارگران چطور است باجبین کشاده جواب د هد :

« میگویند کارگر تشنهٔ محبت است » امروز در میان ، کار گران و آ مرین مربوط صمیمیت روز افزونی و جود دارد و همه کارها دریك فضای کا ملا آ زاد و دو ستانه انجام میپذیرد.

وی میگوید : در گذشته ها آمرین وکار- فرمایان می کو شیدند تا همه کار هارا مطابق به ذوق خود واز طریق اعمـال زور و فشار برکارگران انجام د هند ، میان کارگر وکار - فرما یك فضای د شمنا نه وعدم تفا هم وجود داشت ، کار فر مایان از اعتماد کار گر ها برخوردار نبودند و همین امر باعث آن می - گردید تا کار ها بطور لازم پیش نر وند و در همهٔ امور مربوط به کار و کارگر نا بسامانی بمیان آ ید . و لی باپیروزی ا نقلاب شکوهمند

ثور و بخصوص مر حلهٔ نوین و تکا ملی ان این همه دورنگی ها بکلی از دستگاه هـای کارگری کشور رخت بربسته است وامروزهمه ماموران، آمرین وکارگران کشوردریك فضای دوستانه ورفیقانه کارهای خویش رابه پیش میبرند.

ازوی می خواهم تابگوید که قبل پیروزی انقلاب شکو همند ثور در کشور نیز از روز همبستگی بین المللی کار گران جهان تجلیل بعمل می آمد و یاخیر ، اگر می آمـد به چه نحوه یی بود ؟

میگوید : قبل از رستا خیزعظیم زحمتکشان افغانستان و پیروزی ا نقلاب رژیم های مستبد گذشته بر مفهوم کار و کار گر چندان اهمیتی قایل نبودند و از این روز تاریخی به شکل ومفهوم واقعی آن تجلیل بعمـل نمی آورند ، طوریکه از نام آ ن پیداست این روزهمبستگی کارگران و ز حمتکشان است و می با یست توسط خود کارگران تجلیل می شد ودولت دراین روز مسعود کارگران شایسته و ممتازرا بااعطای جوایز و تقدیر نا مه ها تشو یـق می نمود و لی و ضع بدین سان نبود چنـد آمر و مامور در این روز دور هم جمع می - شدند و با تدویر محافل تشریفاتی و عـوام فریبانه به اصطلاح از روز کارگر در حا لیکه بخود کارگر ها اجازه بیان و گفتار داده نمی- شد تجلیل بعمل می آورند ، و لی ا مروز از برکت انقلاب ثور و بخصوص مر حله نوین وتکا ملی آن می بینیم که از این روزتاریخی همه کارگران ز حمتکش کشور درتحت رهبری حزب پیش آ هنگ خو د یعنی حزب دموکراتیك خلق افغانستان تجلیل بعمل می آورند واین روز عظیم و تاریخی را گرا می داشته همبستگی بین المللی خودرا با سا یری کارگران جهان ابراز می دارند .

محمد یعقوب «میرزاده» یکی از کار گران شعبه طبع حرو فی که در کار خود هشت سال سابقه دارد و اکنون بحیث کار گر د رجه ٤ ایفای وظیفه نموده بادرنظرداشت افزودی اخیر مبلغ دو هزارو شش صد افغانی معاش اخذ می دارد بپاسخ سوالی چنین می گوید :

ماکارگران کشور در سابق یعنی پیش ا ز پیروزی ا نقلاب از نا حیهٔ کوپون بسیارمشکلات داشتیم یعنی باوجودآنکه اکثریت ما فامیل دارهم بودیم و زن و فرزند داشتیم برای ما ما نند ماموران متاهل کوپون هشت سیره داده نمی- شد این عمل دو لت های فاسد گذشته گویای این واقعیت بود که آن ها می کوشیدندکارگران کشور آ رام نباشد و همیشه در جار وجنجال بی نانی و بی لباسی غرق باشند و لی بعداز پیروزی انقلاب ز حمتکشان ا فغا نستان دولت بسیاری ازنابرابری های ناشی ازافکارواعمال ظالمانه دو لت های مستبد گذشته را از میان برداشت و بدین سلسله برای کار گـران متا هل مانند ما مو ران دو لت کوپون هشت سیره تو زیع گردید که این عمل د و لـت انقلابی ما همیشه مورد تـقدیر و تحسیـن کارگران کشور قرار دارد و از آن به نیکویی یاد آور می شوند .

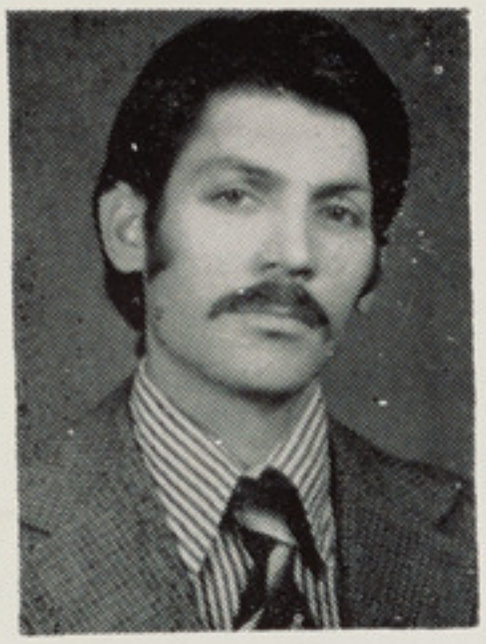

محمد یعقوب «میرزاده»

وی بر خورد و ر ویه آ مرین خویش را بعد ازپیروزی انقـلاب ثـور بسیار صمیمی و دو ستانه می داند ومی گوید ا مروز آ مـر وما مور و کارگر همه در یك فضای دوستانه وبرادرانه کار می کنیم و کشور خود راآباد می سازیم .

د ۱۳ مخ پاتی

دهمزنگ . . .

دشریف له بند خخه دوه کاله وروسته په ۱۳۵۷ کال کی کله چی دکوټی مخته په جرت کی ډوب ناست وواو په دی خیال کی غرق ووچی گواکی خپل دوه کلنی زوی یی په غیږکی نیولی دی اودخپلی خوانیمرگی ماندینی پر قبر باندی ډیری سموی چی نابیره په محبس کی چوك چوکه سوه ، بندیان له خپلو کوټو خخه راووتل ،یوی اوبلی خواته یی په خوشحالی سره خغستل او دمبارك ! مبارك ! ناری یی وهلی .

شریف لادخپل یوازنی زوی په تصورکی ورك وواو هغه ته یی دخیال په دنیاکی پسرکی مینه او نازونه ورکول چی په دغه وخت کی رحیم په خغاسته را ورسید اوپسله دی چی شریف یی په غیږ کی ونیوی هغه ته یی زیری ورکړ.

شریفه مبارك ! دهمزنگ ماتیږی نـو ی حکومت ټول بندیان آزادوی خواری کش ولسونه چی دظالمو سرداری نظامونو دلاسه بندیان شویدی خلاصیږی دادی ستا مرام او ستا دټولو هیواد والو ستر هدف.

بقیه صفحه ۲٦

با اتحادیه...

لوتس به زبان های انگلیسی ، فرانسه ،وعربی در المان دموکراتیك به نشر میرسد ودفتر آن در لبنا ن است.

مدیر مسئوول این مجله فیض احمد هـاس مکر جی هو یسن بیـز رد فیض ومعاو نین آن دیو پ ، سب اناتولی سوف ر و نو ف میباشنـد مجله لوتس به بهترین نو یسند - گان عضو اتحادیه هرسال یکبـار به پاس قدر دا نی از آنها برا ی به خاطر حفظ صلح و بار در ساز ی ادبیات وفرهنگ آسیا وافریقاجایزه می گذا رد این جایزه با ار زشـ بنام (جایزه لو تس) یاد می شود.

پایان

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکـرای
آمر چاپ : علی محمد عثمانزاده
آدرس : انصاری واټ-جوار ریاست مطابع دولتی- کابل
تیلفون مدیرمسوول: ۲٦۸٤۹
سوچبورد مطابع دولتی ۲٦۸۵۱
تیلفون ارتباطی مدیریت ژوندون ۲۱
تیلفون توزیع وشکایات ۲٦۸۵۹
مطبعه دولتی

شماره - ۶-۷
سال (۳۳)
قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

شنبه ۱۹ ثور ۱۳۶۰
۹-می-۱۹۸۱